



گزارش فعالیت‌های

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

۱۳۹۳

گزارش فعالیت‌های

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

۱۳۹۳

تهیه و تنظیم:

علیرضا رنجبر

اطلاعات تماس

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

آدرس:

تهران، خیابان کریم خان، ابتدای خیابان شهید عضدی شمالی (آبان شمالی)،

ساختمان دانشگاه علامه طباطبائی^(د)، طبقه دوم، اتاق ۲۰۱.

تلفن: ۲ - ۸۱۰۳۲۲۰۱ (۰۲۱)

تلفکس: ۸۱۰۳۲۲۰۱ (۰۲۱)

رایانامه: info@iauns.org

پایگاه اینترنتی: www.iauns.org

معرفی انجمن

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی بوجود آمد. امروزه فعالیتهای نظام ملل متحد تقریباً تمام زمینه های مربوط به حیات بشری را در بر گرفته است. سازمان ملل متحد انعکاسی از علاقمندی و خواست مردم جهان برای رهایی از جنگ و دست یابی به صلح می باشد. این سازمان بیش از هر نهاد دیگر بین المللی مورد انتظار مردم جهان برای تحقق خواسته های خود بوده است.

گسترده و میزان فعالیت های امروز سازمان بیش از هر نهاد دیگر بین المللی مورد انتظار مردم جهان برای تحقق خواسته های خود بوده است. گستره و میزان فعالیت های امروز سازمان احتمالاً در ذهن مؤسسان آن نمی گنجیده است. زیرا در حالیکه در طول موجودیت خود پای بند به منشور ملل متحد بوده، اما در عمل به طور مستمر تشکیلات جدیدی را برای انواع فعالیت های مورد نیاز به وجود آورده است. هم اکنون به موازات گسترش فعالیت های سازمان ملل متحد یک ذخیره عظیم اطلاعاتی و پژوهشی حاصل کوشش هزاران متخصص در زمینه های مختلف پدیده آمده است و صدها شکل در زمینه های فعالیت ملل متحد در همه نقاط دنیا بوجود آمده اند که با اعتقاد به منشور سازمان ملل متحد در جهت شناسایی، طرفداری و آموزش و پژوهش پیرامون موضوعات مربوط به سازمان به طور مستمر کار می کنند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، سازمانی مردم نهاد و غیر دولتی است که با همت جمعی از استادان صاحب نظر در رشته های حقوق بین الملل، روابط بین الملل و علوم سیاسی «به منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علم و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه های مربوط» به خصوص نظام ملل متحد، آغاز به فعالیت نمود.

انجمن در سال ۱۳۸۰ با اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و تحت پوشش مقررات کمیسیون انجمن های علمی ایران، فعالیت های خود را آغاز نمود و در حال حاضر به عنوان نهادی معتبر و موثر از طریق فعالیت های خود در جامعه علمی و دانشگاهی شناخته می شود. «ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی» و «برگزاری گردهمایی های علمی در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی» دو اصل اساسی در تحقق اهداف انجمن هستند که همواره از سوی انجمن مورد عنایت ویژه قرار گرفته اند. یکی از نتایج توجه به این دو اصل، برگزاری

کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تخصصی مرتبط با نظام ملل متحد با هدف کمک به آموزش عالی در دانشگاه‌ها است که همواره از سوی شرکت کنندگان با استقبال همراه شده است. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی، انتشار کتاب و خبرنامه و تقدیر از استادان و بزرگان عرصه علم و اخلاق از جمله دیگر فعالیت‌های انجمن است که در اساسنامه انجمن مورد توجه قرار گرفته و انجمن همواره به آنها توجه خاص دارد.

در سال ۱۳۹۳ نیز همچون سال‌های پیش از آن برنامه‌های متنوع و مختلفی از سوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد برای شیفتگان و علاقمندان به ملل متحد تدارک دیده شده بود که گزارش آن را در این مجموعه می‌توانید مطالعه بفرمایید.

هیأت مدیره انجمن در سال ۱۳۹۳

دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی (بازرس)

دکتر نسرین مصفا (رئیس)

دکتر حسن سواری (خزانه‌دار)

دکتر سید قاسم زمانی (دبیرکل)

دکتر محسن عبداللهی (عضو اصلی)

دکتر ستار عزیزی (عضو اصلی)

دکتر حسین شریفی طرازکوهی (عضو علی‌البدل)

دکتر آرامش شهبازی (عضو علی‌البدل)

دکتر مهدی زاهدی (بازرس علی‌البدل)



مجمع عمومی عادی سالانه انجمن در سال ۱۳۹۳

صفحه	عنوان
۱	سخن آغازین
۳	بخش اول: رویدادهای عمومی
۴	۱. مراسم دیدار آغاز سال جدید
۹	۲. نشست تخصصی «معاهده الجزایر ۱۹۷۵»
۱۵	۳. نشست تخصصی - مشورتی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل گروه ۷۷ در سازمان ملل متحد
۲۶	۴. نشست تخصصی به شیوه بحث و گفتگو: «بحران اوکراین در پرتو حقوق بین الملل»
۵۰	۵. نقد و بررسی مقاله «دسترسی کنسولی برای اتباع ایرانی در بند»
۵۳	۶. نشست «سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی»
۷۲	۷. جلسه پرسش و پاسخ با عنوان «سازمان ملل متحد در آستانه هفتاد سالگی: ارزیابی عملکرد»
۷۵	۸. نشست تخصصی «زنان، صلح و امنیت بین المللی»
۹۲	۹. نشست تخصصی «دیوان بین المللی کیفری: بررسی اجمالی، چالش های کنونی»
۹۵	۱۰. همایش ملی «کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش ها»
۱۱۸	۱۱. نشست «سرمایه گذاری خارجی و حقوق بشر»
۱۲۲	۱۲. همایش ملی «نقش بازیگران غیردولتی در تهدید علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی»
۱۲۳	۱۳. نشست تخصصی «دیپلماسی و اجرای قواعد مسئولیت بین المللی دولت»
۱۳۳	۱۴. نشست تخصصی «دیپلماسی به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان های بین المللی»
	۱۵. میزگرد «تحلیل و نقد رأی ۳ فوریه ۲۰۱۵ دیوان بین المللی دادگستری»
۱۳۷	(دعوی کرواسی علیه صربستان)

بخش دوم: کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی ۱۳۸

الف. کارگاه‌های آموزشی ۱۳۹

۱. سلسله کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن ۱۳۹
- از طریق سایت سازمان ملل متحد ۱۳۹
۲. کارگاه آموزشی - مشورتی مواضع گروه ۷۷ دربارهٔ علایق مشترک بشری ۱۴۰
۳. کارگاه آموزشی سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی ۱۴۱
- ویژهٔ اعضای انجمن‌های علمی ایران ۱۴۱

ب. دوره‌های آموزشی ۱۴۲

۱. دورهٔ آموزشی روش تحقیق ۱۴۲
۲. دورهٔ آموزشی ترجمهٔ متون حقوق بین‌الملل ۱۴۳
۳. دورهٔ آموزشی حقوق آب ۱۴۴
۴. دورهٔ آموزشی ویژهٔ مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با موسسات تخصصی و ارکان فرعی ۱۴۶
- در زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی ۱۴۶

بخش سوم: بازدیدها ۱۴۸

۱. بازدید علمی از دفتر کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در تهران و دبیرخانهٔ کمیتهٔ ملی حقوق بشردوستانه ۱۴۹

بخش چهارم: مشارکت‌ها ۱۵۴

۱. مشارکت در برگزاری مرحلهٔ مقدماتی مسابقات موت کورت در سال ۲۰۱۴ ۱۵۵
۲. مشارکت در برگزاری مرحلهٔ مقدماتی مسابقات موت کورت به زبان انگلیسی در سال ۲۰۱۴ ۱۵۷
۳. شرکت در برزگداشت استاد دکتر بهروز اخلاقی ۱۵۸
۴. شرکت در مراسم یادبود شادروان استاد دکتر امیر ناصر کاتوزیان ۱۵۹
۵. مشارکت در هفتهٔ ترویج علم ۱۶۰
۶. مشارکت در برگزاری مرحلهٔ منطقه‌ای مسابقات موت کورت در سال ۲۰۱۴ ۱۶۱
۷. مشارکت در برگزاری همایش بین‌المللی «احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی ۱۶۳
- جنگ عراق با ایران در مراجع ملی و بین‌المللی» ۱۶۳

بخش پنجم: حضور اعضاء انجمن در برنامه‌های بين المللى ۱۶۴

۱. حضور دكتر جمشيد ممتاز در آكادمى حقوق بين الملل لاهه به عنوان مدرس دوره تابستانى درس حقوق بين المللى عمومى در تابستان ۲۰۱۴ ۱۶۵
۲. حضور دكتر ستار عزيزى در پنجاهمين اجلاس حقوق بين الملل (كميسيون حقوق بين الملل) ۱۶۸

بخش ششم: انتشارات ۱۷۰

۱. انتشار دوهفته‌نامه تازه‌هاى ملل متحد ۱۷۱

بخش هفتم: بزرگداشت‌ها و يادبودها ۱۷۳

۱. بزرگداشت ياد و خاطره استاد دكتر ابوالفضل قاضى شريعت‌پناهى ۱۷۴
۲. بزرگداشت ياد و خاطره استاد مسعود طارمسرى ۱۷۵
۳. بزرگداشت ياد و خاطره استاد صور اسرافيل ۱۷۶
۴. بزرگداشت ياد و خاطره استاد دكتر هوشنگ مقتدر ۱۷۷

بخش هشتم: تقدير و تشكر ۱۷۸

۱. نهاده‌هاى همكار در سال ۱۳۹۳ ۱۸۰
۲. ياوران همراه انجمن در سال ۱۳۹۳ ۱۸۱

سخن آغازین

برای انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد باعث افتخار است که گزارش فعالیت‌های سال ۱۳۹۳ را که با همکاری و هم‌یاری صمیمانه اعضای هیئت مدیره، دبیرخانه انجمن، نهادهای دولتی و غیردولتی و مسئولین و همکاران بزرگوار آنها، اعضای گرامی و علاقمندان به ملل متحد به سرانجام رسیده است را در دسترس قرار دهد.

نگاهی گذرا بر این فعالیت‌ها حاکی از توجه انجمن به انجام مستمر وظایف مندرج در اساسنامه خود در زمینه‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی است.

در پیروی از الگوی رفتار و عمل ایرانی - اسلامی و در راستای روح حاکم بر منشور ملل متحد بر ترویج مودت، دوستی، انس و همکاری در انجام فعالیت‌ها، علاوه بر تأکید بر ماهیت علمی معتبر آنها، همواره تحکیم روابط انسانی میان اعضای جامعه علمی و دانشگاهی، افزایش همبستگی و هم‌افزایی، گسترش همکاری و همیاری میان نهادهای مرتبط را یکی از وظایف خود قلمداد کرده و وظیفه خود می‌داند که الگویی قابل اعتناء از روابط مطلوب بین استادان، دانش‌پژوهان و دانشجویان را از همه نهادهای علمی و اجرایی ارائه دهد.

انجمن می‌کوشد که از یک طرف نهادی برای احترام و تکریم اصالت، اخلاق و علم بزرگان و اندیشمندان پیشکسوت حال و گذشته جامعه علمی کشور باشد و از سوی دیگر زمینه‌ساز رشد و بالندگی نسل جوانی باشد که با فراگیری مهارت‌های علمی و عملی بتواند در ساختن آینده جامعه ما قدم بردارد. در راستای تحقق هر دو هدف، انجمن در سال ۱۳۹۳ گام‌هایی را برداشته است که در گزارش سالانه بازتاب یافته‌اند.

ماهیت فعالیت‌های انجمن در طول سال‌های متمادی و بازخورد آن در جامعه، آن را به نهاد معتبر و مرجع علمی در ترویج، آموزش و پژوهش موضوعات ملل متحد تبدیل کرده و عرصه‌ای برای حضور دانش‌پژوهان، تعالی افکار و مبنایی برای یادگیری فراهم کرده است.

هدایت انجمن بر اساس فلسفه و وظایف یاد شده تنها از رأی ادواری و مقررات اداری بر نمی‌آید بلکه اعتقاد راسخ و احترام و پاسداشت همه شیفتگان حقوق و روابط بین‌الملل عضو انجمن که معتقد به نشر علم و خرج زکات خود از طریق خدمت در این نهاد هستند، واجب و با همه توان بهره‌مندی از توانایی‌های آنان استمرار دارد.

وظیفه می‌دانم از تک تک همکاران بزرگوار و همیاران حقیقی و حقوقی و دبیرخانه انجمن بویژه آقای علیرضا رنجبر، صمیمانه تشکر نمایم و با اتکال به خداوند متعال به امید تحقق صلح و عدالت در جهان، به کار خود ادامه دهیم.

بخش اول:

رویدادهای عمومی

مراسم دیدار آغاز سال جدید

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۴

اولین برنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۳ که به دیدار اعضا و علاقمندان با یکدیگر و تقدیر از همکاران و همیاران اختصاص داده شده بود، در روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این مراسم که اعضای هیأت مدیره انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد میزبان آن بودند، استادان، همکاران، اعضای انجمن، دانشجویان و علاقمندان به فعالیت‌های نظام ملل متحد با حضور خود گرما بخش این مراسم شدند.



دقایق ابتدایی این مراسم به دید و بازدید مهمانان از یکدیگر اختصاص داشت که بعضی از مهمانان فرصت را غنیمت شمرده و به طرح پرسش از استادان حاضر در مراسم پرداختند.

پس از دید و بازدید، مراسم اصلی در سالن همایش خانه اندیشمندان علوم انسانی و با سخنرانی دکتر نسرين مصفا (ریاست انجمن) آغاز شد. ایشان ضمن عرض خیر مقدم و تبریک به مناسبت سال نو از حاضرین بویژه اعضای انجمن به عنوان مهمترین سرمایه انجمن خواستند تا این نهاد را خانه خود دانسته

و در راستای تحقق اهداف انجمن، همکاری خود را با انجمن ادامه دهند. ایشان خاطر نشان ساختند که انجمن در این مراسم، عیدانه‌ای را برای مهمانان در نظر گرفته که پیش از این اعلام نشده بود. این عیدانه سخنرانی جناب آقای دکتر محسن عبداللهمی (عضو هیأت مدیره انجمن و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی) در خصوص مسائل بوقوع پیوسته در ایام نوروز بود که حلقه پیوند این مسائل، ارتباط با ایران بود که ایشان با نگاه دقیق خود به تحلیل آنها پرداختند.

دکتر عبداللهی سخنرانی خود را با ربایش مرزبانان ایرانی که پیش از نوروز آغاز شد و در ایام نوروز ادامه پیدا کرد، شروع کردند. به نظر دکتر عبداللهی «این واقعه عمل مجرمانه‌ای است که ۳ مسأله مهم را به دنبال دارد: مسأله اول. بحث مذاکره دولت و مقامات ایرانی با تروریست‌ها است؛ مسأله دوم. مسئولیت دولت پاکستان است که به موجب حقوق بین‌الملل عُرفی و بطور خاص قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی ملل متحد مصوب ۱۹۷۰ موظف است تا اجازه ندهد تا از سرزمین خودش به زیان دولت‌های دیگر استفاده شود. اما نکته این است که در اختیار گذاشتن سرزمین یا سرکوب نکردن، اعمال این گروهک‌ها را به صورت خود به خود به دولت پاکستان منتسب نمی‌کند که این مسأله باعث شکل‌گیری مسأله سوم است. آیا دولت ایران مجاز است در مرزهای پاکستان یا در داخل خاک این کشور اعمالی را برای سرکوب تروریست‌ها و آزادسازی گروگان‌ها انجام دهد؟ حقوق بین‌الملل در این خصوص در منطقه خاکستری حرکت می‌کند و در این خصوص قاعده مشخصی نداریم، هرچند، هم ایالات متحد آمریکا و هم ایران در گذشته عملیات‌های فرامرزی را انجام داده‌اند. اگرچه در حقوق بین‌الملل در این موارد شاهد محکومیت‌های جدی نیستیم ولی ظاهراً این عمل بر خلاف حقوق بین‌الملل است.»

ایشان در ادامه به مسأله رفتارندوم، الحاق و انضمام کریمه به روسیه اشاره و بر اهمیت این موضوع برای ایران تأکید کردند. ایشان ضمن اشاره به قطعنامه مجمع عمومی در این خصوص - که قرار بود در شورای امنیت نیز تصویب شود ولی با وتوی روسیه روبرو شد - مجدداً به قطعنامه ۲۶۲۵ استناد کرده و عمل روسیه را مبنی بر برگزاری رفتارندوم در سرزمین یک دولت مستقل و منضم کردن آن به خاک سرزمین خود، خلاف حقوق بین‌الملل دانستند.

مسأله سومی که دکتر عبداللهی به آن پرداختند گزارش‌های آقای احمد شهید بود. اگرچه دکتر عبداللهی وارد محتوای این گزارش‌ها نشدند ولی از حاضرین خواستند که به دو عبارت درج شده در آنها به دقت توجه نمایند. «نقض سیستمی» و «نقض سیستماتیک» حقوق بشر در ایران. «نقض سیستمی» و «نقض سیستماتیک» از لحاظ حقوقی محل بحث می‌باشند. به نظر دکتر عبداللهی در صورتیکه آقای احمد شهید به ایران دعوت شوند، به دلیل در اختیار داشتن منابع خبری سالم، و نه افراد خارج‌نشین که اخبار کذب را در اختیار وی می‌گذارند، می‌تواند گزارش‌های واقعی‌تری را ارائه دهد.

مسأله چهارم، قطعنامه پارلمان اروپا علیه ایران است که از نظر ایشان هم حاوی نکات مثبت و هم حاوی نکات منفی است. به اعتقاد دکتر عبداللهی «بعضی از مجادلات سیاسی باعث می‌شود تا یک بند از قطعنامه برجسته شود. مثلاً بحث انتخابات خرداد سال ۱۳۹۲ که در این قطعنامه به آن اشاره شده و در ایران بسیار مورد توجه قرار گرفت. این قسمت از قطعنامه می‌گوید: انتخابات ریاست جمهوری ایران (از جمله انتخابات خرداد ۹۲) مطابق با استانداردهای انتخاباتی اتحادیه اروپایی نیست، که اولاً تمام انتخابات ریاست جمهوری را در نظر دارد و دوماً این امر طبیعی است زیرا استانداردهای اتحادیه اروپا با استانداردهایی که در قوانین ایران وجود دارد، متفاوت است». از نظر ایشان قطعنامه مزبور قابلیت اینکه از لحاظ سیاسی، به نفع کشور مورد استفاده بیشتر قرار بگیرد را دارد بخصوص اینکه در موارد متعدد از ایران دعوت می‌کند تا

در مدیریت بحران‌های بین‌المللی مشارکت داشته باشد درحالی‌که نگاه به قطعنامه در داخل کشور، یک نگاه منفی است که می‌تواند روند مذاکرات هسته‌ای ایران را تضعیف کند.

دکتر عبداللہی در ادامه به مسأله عدم صدور ویزا برای فرد منتخب برای تصدی هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد (جناب آقای ابوطالبی) اشاره کردند و به این نکته اشاره داشتند که این موضوع در تاریخ سازمان ملل متحد بی‌سابقه بوده است. همچنین پیگیری تندروهای آمریکایی از یک سو و عظیم جلوه دادن این موضوع و سیاسی کردن آن در بعضی از مطبوعات ایران و پیچیده کردن این بحث از سوی صدا و سیما از سوی دیگر باعث بزرگنمایی این مسأله شده است. «به هر حال، حکومت آمریکا معذوراتی دارد، هرچند رفتار ایالات متحد آمریکا بر خلاف موافقتنامه مقرر ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد با این کشور است». ایشان در ادامه به قضیۀ عدم صدور ویزا برای یاسر عرفات به منظور حضور در سازمان ملل متحد اشاره کردند که منجر به درخواست رأی مشورتی از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری شد و دیوان در رأی خود در سال ۱۹۸۸ به صراحت اعلام کرد که

این عمل دولت آمریکا برخلاف معاهده مقرر و همچنین کنوانسیون عمومی سال ۱۹۴۶ است. دکتر عبداللہی اعتقاد داشتند که دولتمردان ایرانی نباید بر انتخاب خود پافشاری کنند زیرا می‌توانند با انتخاب فردی دیگر به این اختلافات پایان دهند. پافشاری در این قضیه می‌تواند دولت آمریکا را مجبور کند تا با مطرح کردن مجدد قضیۀ گروگانگیری در سفارت آمریکا در ایران، هزینه‌های بیشتری را بر ایران تحمیل کند.



مسأله ششم و هفتم که از نظر دکتر عبداللہی، در جامعۀ حقوقی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته اند، دو رأی مرتبط با ایران است که در نوروز منتشر شدند. مورد اول رأی دادگاه بخش جنوبی منهتن نیویورک در مورد برج علوی (برج پیاژه) که سهامدار عمدۀ این برج بانک ملی ایران است. در سال ۲۰۱۱، دادستان بخش نیویورک، اعلام می‌کند که بانک ملی با نقض قوانین ایالات متحد آمریکا و از طریق یک شرکت با مسئولیت محدود در حال دور زدن تحریم‌ها است و

دادستان خواهان توقیف برج، اموال و عواید حاصل از آن می‌شود که در نهایت دادگاه بدوی با استنادها و استدلال‌های قوی حکم به توقیف برج و اموال و عواید بیست ساله آن می‌دهد.

مورد دوم رأیی است که در ۲۰۰۶ در دادگاه‌های فدرال آمریکا در مورد الواح خشتی ایران که نزدیک ۸۴ سال قبل برای مطالعه و بررسی بر روی آنها به موزه و دانشگاه شیکاگو به امانت سپرده شده بود، صادر شد. شکاتی که از ایران در دادگاه‌های آمریکا طرح دعوی کرده بودند و حکم به نفع آنها صادر شده بود در سال ۲۰۰۶ درخواست توقیف این الواح را دادند تا از طریق حراج آنها، خسارات آنها جبران شود. دادگاه با این استدلال که الواح تجاری مال تجاری نیست و قابل توقیف نیست، رأی را به نفع ایران صادر کرد.

در پایان و به عنوان آخرین مسأله، دکتر عبداللّهی به رأی زیست محیطی صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اختلاف بین استرالیا و ژاپن در ارتباط با صید نهنگ اشاره‌ای داشتند. در این دعوی ژاپن مدعی بود که در هر سال حدود ۱۰۰۰ نهنگ را صید می‌کند که به منظور تحقیقات علمی از آنها بهره می‌گیرد ولی در نهایت دیوان بین‌المللی دادگستری رأی به این می‌دهد که صید نهنگ از سوی ژاپن با این تعداد بسیار زیاد نمی‌تواند عنوان تحقیقاتی داشته باشد و نهایتاً حکم به محکومیت ژاپن داد.

دکتر مصفا ضمن تشکر از دکتر عبداللّهی به خاطر آراستن مراسم به زیور علم، شرح مختصری در خصوص برنامه‌های انجمن در سال ۹۳ ارائه دادند. ایشان همچنین مراتب قدردانی انجمن را از تمامی نهادها، اعضاء و همکاران بابت همکاری و حمایت از انجمن از ابتدای تشکیل آن تاکنون ابراز داشتند که از میان آنها می‌توان به مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، کمیته بین‌المللی ملی صلیب سرخ، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، دفتر سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرم و مواد مخدر، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سازمان محیط زیست و خانه اندیشمندان علوم انسانی و کارگزاران و همکاران آنها اشاره کرد.

ایشان هم چنین از هیأت مدیره و استادان همکار انجمن، کمیته اجرایی و کمیته دانشجویی قدردانی نمودند و اظهار داشتند که با توجه به این که در آستانه هفته زن و تولد حضرت زهرا(س) هستیم، انجمن در صدد برآمد تا از سه تن از همکاران خانم انجمن به پاس سال‌های فعالیتشان در انجمن تقدیر به عمل آورد. دکتر فریده شایگان که مدت سه سال دبیرکل انجمن بوده و نهایت تلاش خود را در راستای تقویت جایگاه انجمن انجام دادند و در این زمینه گام‌های مثبتی را برداشتند.

خانم نازنین قائم مقامی، کتابدار مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد که به عنوان محور اساسی از سال ۱۳۸۰ با انجمن همکاری نزدیک و صمیمانه‌ای داشته و همواره همراه با مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران از فعالیت‌های انجمن حمایت کرده‌اند.

و نهایتاً خانم سارا میری که با علاقمندی کامل به انجمن، فعالیت متعهدانه‌ای را در انجام امور اجرایی، اداری و هماهنگی داشته‌اند.

با پایان بخش تقدیر از بانوان فعال انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، مراسم با پذیرایی از حاضرین به پایان رسید.



نشست تخصصی «معاهده الجزایر ۱۹۷۵» (موافقتنامه‌های مرزی ۱۹۷۵ ایران و عراق و مسایل روز دو کشور)

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۹

اولین نشست از سلسله نشست‌های ایران و شورای امنیت با عنوان «معاهده الجزایر ۱۹۷۵» با هدف بررسی موافقتنامه‌های مرزی ۱۹۷۵ ایران و عراق و مسایل روز دو کشور در روز چهارشنبه مورخ ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ با حضور جمعی از دانش‌پژوهان و دانشجویان و سخنرانی دو تن از استادان صاحب‌نظر در این زمینه (دکتر بهرام مستقیمی و دکتر محسن عبداللهی) در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) ضمن قدردانی از حضور علاقمندان به مسائل حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل به خصوص مباحث و وقایع مرتبط با ایران از جمله نشست پیش‌رو، هفته معلم را به تمامی استادان و معلمان تبریک گفتند و به این نکته اشاره داشتند که پیشنهاد اولیه برگزاری چنین نشستی از سوی دکتر عبداللهی ارائه شد و با پیگیری و دقت نظر دکتر مستقیمی، برگزاری این نشست میسر گردید. در نهایت ایشان در این خصوص که انجمن بتواند محفل انسی برای علاقمندان به مطالعات نظام ملل متحد باشد، اظهار امیدواری کردند. با دعوت ایشان از دکتر بهرام مستقیمی و دکتر محسن عبداللهی، سخنرانان ارایه مطالب خود در زمینه «معاهده الجزایر ۱۹۷۵» را آغاز کردند.

در ابتدا دکتر مستقیمی توضیحاتی را در خصوص معاهده مرزی بین ایران و عراق ۱۹۷۵، زمینه شکل‌گیری این سند و مفاد آن ارائه دادند. ایشان انگیزه برگزاری این جلسه را از یک سو نشست مطبوعاتی وزرای امور خارجه ایران و عراق در ۷ اسفند ماه ۱۳۹۲ و توافق آنها مبنی بر علامت‌گذاری‌های مرزی و از سوی دیگر اهمیت و جایگاه این سند برای کشور قلمداد کردند. «در اواخر دهه ۱۹۶۰ مسأله مرز رودخانه‌ای بطور جدی بین عراق و ایران مطرح گردید. در ۱۹۶۹ نماینده عراق نامه‌ای را به سازمان ملل متحد در خصوص عدم اجرای معاهده توسط ایران فرستاد. در ۱۹۷۱ نماینده دائم عراق در ملل متحد درخواست رسیدگی مجدد از شورای امنیت نمود. در جریان رسیدگی، رئیس شورای امنیت بیانیه‌ای صادر کرد که مطابق با آن یک نماینده ویژه توسط شورا تعیین شود. در آن برهه زمانی، مسائل مختلفی از جمله اختلافات مرزی، بازگرداندن ایرانی‌ها از عراق و سایر مسائل، منجر به درگیری‌های نظامی بین دو کشور شد و به دنبال این واقعه ضرورت روشن شدن این مسأله بیش از پیش احساس گردید. در گزارش نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد آورده شده است که بین دو کشور ایران و عراق مرزها و علامت‌گذاری‌های مرزی مشخص نیستند و مدارک موجود نزد هر یک از این دو کشور با دیگری فرق دارد و این امر یک علت اساسی در بروز اختلاف‌ها بین دو طرف است. متعاقب آن شورای امنیت از طرفین خواست تا برای یافتن راه‌حلی برای این مسأله نهایت تلاش خود را به عمل آورند».

ایشان در ادامه اشاره کردند که در مارس ۱۹۷۵ در کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک، مقام اول تصمیم گیرنده در دولت ایران و نایب رئیس شورای فرماندهی عراق با میانجیگری رئیس جمهور الجزایر توافقی را امضاء کردند که عموماً به آن «معاهده الجزایر» گفته می‌شود و این مجموعه اسناد حاوی سلسله تدابیری برای حل مسأله هستند. «سندی که تحت عنوان معاهده الجزایر شناخته می‌شود، عنوان رسمی آن، «اعلامیه مشترک بین ایران و عراق»^۱ است و در ظاهر این گونه به نظر می‌رسد که چیزی با عنوان معاهده الجزایر در حال حاضر وجود ندارد، آنچه بین طرفین تصویب شده تحت عنوان اعلامیه مشترک می‌باشد. پروتکلی نیز در مورد علامت‌گذاری مجدد مرزی و در راستای اجرای این سند تنظیم و تصویب گردیده است. در بررسی معاهده الجزایر باید دقت نمود که ما با مجموعه‌ای از اسناد سر و کار داریم که عمده‌تاً در بغداد تنظیم شده‌اند و یک سند که با عنوان بیانیه بین طرفین در الجزیره تصویب شده است».

دکتر مستقیمی در ادامه به این مسأله پرداختند که آیا می‌توان این سند که عنوان بیانیه دارد را معاهده نامید؟ و اشاره کردند که در سند مزبور صراحتاً اشاره شده است که «طرفین معظمین متعاهدین تصمیم گرفتند...» یا در مورد دیگری صراحتاً در متن سند آمده است که «طرفین معظمین متعاهدین مرزهای دقیق خشکی را بر اساس معاهده قسطنطنیه و معاهده مرزی ۱۹۱۴ مشخص کنند...». در این موارد مشاهده می‌شود که از واژگان معاهداتی استفاده شده است. «در قسمتی از سند به صراحت آورده شده است که «طرفین بر عهده می‌گیرند به دقت مراقب باشند که مرزهای دو طرف برای به خطر افتادن امنیت طرف دیگر استفاده نشود و اشاره می‌کنند که نقض هر یک از اینها با روح موافقت‌نامه الجزیره ناسازگار است». همان طور که مشاهده می‌شود طرفین از «موافقت‌نامه الجزیره» نام می‌برند؛ هر چند که نام نوشتاری رسمی آن بیانیه است. طرفین به طور معمول یا از بیانیه استفاده کرده‌اند یا از موافقت‌نامه؛ پس با سندی مواجه هستیم که عناوین مختلف دارد.»

دکتر مستقیمی این نکته را نیز یادآور شدند که این سند فقط در برگیرنده تعهدات حقوقی نیست بلکه مسائل سیاسی را نیز شامل می‌شود و علت آن هم این است که در سند اشاره شده که «منطقه باید از مداخله نیروهای خارجی مصون بماند» و این یک تعهد سیاسی است نه حقوقی.

ایشان در ادامه اشاره کردند که این سند احتمال دارد یک برنامه عمل برای آینده هم محسوب شود؛ چرا که طرفین به موجب آن تعهد کرده‌اند که یک کمیته تعیین مرز یا نظارت بر تغییرات تالوگ تشکیل دهند. «در واقع با سندی مواجه هستیم که هم تعهدات حقوقی دارد و هم بیان سیاسی دارد و هم شامل برنامه عمل برای آینده است. حال با این خصوصیات این سند چه چیزی است؟ آیا می‌تواند یک معاهده مقدماتی باشد یا معاهده‌ای باشد که برای تنظیم سند دیگری تصویب شده است؟ یا می‌توان آن را یک توافق معاهداتی دانست که دستور کاری را برای آینده دارد؟ به نظر می‌رسد می‌توان گفت ما با سندی مواجه هستیم که در یک بخش معاهده است و در بخش‌های دیگر سندی است که یک اقدام

¹ Joint Iranian-Iraqi communique

آینده را در نظر می‌گیرد. به هر حال، می‌توان آن را معاهده تلقی کرد. نام این معاهده، «معاهده الجزیره» است؛ به عبارت دیگر معاهده الجزیره عنوانی صحیح‌تر نسبت به معاهده الجزایر است.»

پس از دکتر مستقیمی، دکتر عبداللهی ضمن خیر مقدم و عرض تبریک به مناسبت هفته معلم و قدردانی از انجمن برای برگزاری این مراسم، سخنرانی خود را آغاز نمودند.

ایشان در ابتدا یادآور شدند که قطعاً این سند یک معاهده قطعی و الزام‌آور می‌باشد که دقیق‌ترین الفاظ معاهداتی از سوی حقوقدانان ایرانی در آن بکار برده شده است و اگر با معاهدات مرزی دیگر مقایسه شود دیده می‌شود که نگرانی در این الفاظ موج می‌زند و طرفین در هر جا تلاش می‌کنند تا از طرق گوناگون از تخطی طرف مقابل و باز گذاشتن راه برای تسهیل این تخطی جلوگیری کنند.

«معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، یک معاهده مرزی معین و مشخص است. باید دقت داشت که بین تعیین مرز، تحدید حدود و اداره مرزها باید تفکیک قائل شد. موضوعاتی در این معاهده است که مربوط به اداره امور مرزی است مثل مسائل مربوط به چِرا و احشام یا بهره‌برداری از آب رودخانه‌ای قابل شرب یا تعیین حق‌آبه‌ها و نیز مسائل مربوط به کشتیرانی در رودخانه. نباید از معاهده‌ای مانند معاهده الجزایر انتظار داشت که دقیقاً این مسائل اداری مرزی را حل و فصل کند. هم‌چنین نکته قابل توجه دیگر اینکه معاهده الجزایر در مواردی مانند کمیسیون بررسی تغییرات تالوگ یا ترتیبات کشتیرانی، ممکن است بیان نرم‌تری را به کار برده باشد و نرمی و انعطاف سند در این موارد به هیچ وجه از الزام آن نمی‌کاهد.»

دکتر عبداللهی صحبت‌های خود را حول دو محور ارائه کردند: اول بحث شط العرب یا اروند رود و محور دوم بحث تعیین حق‌آبه‌ها در آب‌های مرزی.

در محور اول ایشان اشاره کردند که واژه تحدید حدود به دقت در این معاهده مورد استفاده قرار گرفته است. از واژه تقسیم مرز استفاده نمی‌شود؛ چون فرض بر این است که حاکمیت دولت‌ها تقسیم بردار نیست. در مورد واژه شط العرب هم این طور به نظر می‌رسد که نوعی توافق ضمنی بین ایران و عراق چه قبل از جنگ و چه بعد از آن در جریان مذاکرات مربوط به قطعنامه ۵۹۸ در مورد شط العرب و خلیج فارس وجود دارد مبنی بر اینکه ایران نسبت به استفاده از شط العرب و عراق هم نسبت به استفاده از خلیج فارس واکنش نشان ندهند. در نتیجه در متن این سند واژه شط العرب به کار رفته است. «مباحثی که به اختصار در ادامه به آنها اشاره خواهیم داشت؛ بحث خط مرزی، تغییرات در خط مرزی، کشتیرانی در اروند رود و در پایان بحث نهادها و نظارت‌ها است. در مورد خط مرزی آنچه در معاهده، طرفین بر آن توافق کرده‌اند، تعیین خط تالوگ به عنوان خط مرزی در اروند رود است که در معاهده شناخته شده است. معاهده، خط تالوگ را به عنوان خط میانه‌ای تعریف می‌کند که خط میانه معبر اصلی قابل کشتیرانی رودخانه که در پایین‌ترین یا عمیق‌ترین سطح رود وجود دارد و این

خط حسب کانال‌ها در عمیق‌ترین رود یا عوامل دیگر متغیر است. این کانال ممکن است در وسط رودخانه یا در نزدیکی مرز ایران یا عراق باشد.

دکتر عبداللهی در مورد تغییرات در خط مرزی نیز اشاره کردند که خط تالوگ یک خط مبتنی بر واقعیت‌های طبیعی است؛ یعنی معابر عمیق رودخانه مورد بررسی قرار داده شود و در این موافقت‌نامه و در این پروتکل به درستی امکان تغییرات مرزی در بستر رودخانه مورد شناسایی قرار گرفته است. «در متن سند ذکر شده است که اگر تغییرات طبیعی واقع شود، باید با گواهی و تأیید هر دو طرف باشد و تغییر بدون جلب رضایت طرف دیگر ممکن نیست، اما اگر تغییری که یکی از طرفین بخواهد به وجود آورد، تغییری غیر طبیعی باشد، مثل تغییر به دلیل فعالیت عمرانی و ساخت و ساز، تغییر غیر طبیعی محسوب شده و نمی‌تواند مبنای تغییر خط مرزی باشد.

هم‌چنین در متن سند ذکر شده که اگر بر اساس تغییرات طبیعی، تأسیسات و اموال زمینی دولت طرف رودخانه تغییر کند و زیر آب برود، این تغییر در حواشی رودخانه باعث تغییر در مسیر خط مرزی نخواهد شد.

دکتر عبداللهی هم‌چنین در خصوص بحث کشتیرانی اشاره کردند که در معاهده ۱۹۷۵ الجزایر اصل آزادی کشتیرانی تجاری، دولتی و نظامی مورد احترام هر دو طرف قرار گرفته است و این حق به آب‌های سرزمینی منتهی به اروند رود هم تسری پیدا کرده است. ایشان این نکته را نیز یادآور شدند که در معاهده، طرفین پایبندی خود را به اصل ممنوعیت ورود کشتی‌های جنگی و تجاری دولتی‌هایی که با یکی از طرفین، درگیری مسلحانه دارد یا در حالت «تخاصم»^۲ باشد، اعلام کرده اند.

دکتر عبداللهی اشاره کردند که در مورد استفاده از عبارت «تخاصم» به نظر می‌رسد بتوان گفت ناظر به کشتی‌های دُول خارجی است که بنحوی با نقض اصل بی‌طرفی بخواهند به یک طرف آسیبی برسانند و کالای قاچاق وارد کنند.

ایشان در ادامه بیان کردند که در متن معاهده امکان صدور مجوز برای بازدید کشتی‌های جنگی وجود دارد و دولت عراق و ایران می‌توانند به کشتی‌های جنگی دُول دیگر اجازه بازدید بدهند اما این را باید ۷۲ ساعت قبل به طرف دیگر اطلاع دهند.

دکتر عبداللهی در ادامه توجه حضار را به محور دوم صحبت‌های خود در خصوص «حق آبه‌ها» جلب نمودند. «در معاهده ۱۹۷۵ به تضمین بهینه از آب‌های آبراهه‌های مرزی توجه شده است و از عبارت water course استفاده شده که فقط محدود به رود نمی‌شود. این موافقت‌نامه بین دو دولت، هم شامل رودهای متوالی می‌شود که بالادست و پایین‌دست دارد و مرز ایران یا عراق را قطع می‌کند و هم شامل رود همجوار مثل اروند رود می‌شود که یک دولت در یک طرف و دیگری در طرف دیگر آن است».

² Belligerency

در ادامه ایشان به سه رژیم متفاوت که در متن سند بر این رودها حاکم شده است، اشاره کردند. این سه رژیم شامل رژیم استفاده برابر از آب رود، رژیم استفاده بر اساس گزارش‌های سال ۱۹۱۴ کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی و در نهایت رژیم مبتنی بر عرف بودند.

۱۳

دکتر عبداللهی اشاره‌ای نیز به حقوق استفاده غیر کشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی که مطابق کنوانسیون ۱۹۹۷ می‌باشد، نمودند. «حقوق مربوط به استفاده کشتیرانی در سند بارسلون بیان شده و حقوق استفاده غیر کشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی که مطابق کنوانسیون ۱۹۹۷ می‌باشد. بخش‌هایی از این معاهده تبیین عرف بین‌المللی است و باید دید که آیا می‌توانیم از مقررات این معاهده در ارتباط با آبراهه‌های بین‌المللی استفاده کنیم. ماده نخست این کنوانسیون در تعریف آبراهه می‌گوید سامانه‌ای از آب‌های سطحی و زیر سطحی است که بواسطه رابطه فیزیکی بین آنها یک واحد فیزیکی را تشکیل داده و معمولاً به سوی یک پایانه مشترک جاری می‌باشد. این تعریف نشان می‌دهد که فقط شامل رودخانه نبوده و تالاب‌ها و غورها هم جزء water course هستند. از واژه آبراهه استفاده شده است که به نظر می‌رسد شامل این موارد هم می‌شود. طرفین در این سند هم‌چنین توافق کرده‌اند که ۱ سال پس از امضای موافقت‌نامه، یک کمیسیون به منظور تعیین حق آبه‌ها بر اساس عرف ایجاد کنند. هم‌چنین طرفین تعهد کرده‌اند که به جریان عادی آب‌ها خدشه‌ای وارد نکنند و از استفاده‌ای که مغایر با مفاد این معاهده باشد خودداری کنند و این مورد هم بر اساس عرف می‌باشد. اصل بر این است که طرفین یک رودخانه مرزی به هیچ وجه نباید جریان آب را مختل کنند. در کنوانسیون ۹۷ هم آمده و نیز در قضیه گابچیگوو ناگایماروش هم دیوان این را بیان کرد.»

دکتر عبداللهی این نکته را قابل تأمل دانستند که معاهده در جایی که از عرف صحبت می‌کند، فقط عرف بین‌المللی را مد نظر ندارد. مواردی هست که عرف‌های محلی مبنای کار قرار می‌گیرند؛ مانند رود تاشیرا که حق آبه طرف‌ها بر اساس سنت هزاران ساله کشاورزان ونزوئلایی و کلمبیایی در آن تعیین شده است. این عرف یک عرف محلی است. پس عرف‌های محلی هم می‌توانند منشأ یک توافق بین‌المللی شوند. در غیاب چنین عرف‌هایی باید به عرف‌های بین‌المللی مراجعه کرد. «کنوانسیون ۹۷ در تعریف عرف‌های در حال ظهور که همواره حتی در کمیسیون حقوق بین‌الملل هم مورد بحث بوده است، دو عنصر را ذکر می‌کند: طرفین رودخانه مرزی باید به نحو «منصفانه و معقول»^۳ از رودخانه مرزی استفاده کنند. استفاده منصفانه به معنای استفاده برابر نیست. ماده ۵ کنوانسیون، پنج شرط را برای تعیین حق آبه منصفانه یا معقول احصاء می‌کند که به نظر می‌رسد اینها هم ریشه در عرف بین‌المللی دارد. مؤلفه‌های آب‌شناسی و جغرافیایی شامل لیتوگرافی و هیدروگرافی، مؤلفه جمعیت وابسته به آبراه در هر دو کشور، آثار استفاده از منابع آبی در یک طرف و طرف دیگر، میزان استفاده کنونی هر طرف از آب، مؤلفه حمایت و حفاظت و توسعه منابع آبی و در نهایت مؤلفه در دسترس بودن جانسین‌ها

³ Equitable & reasonable

(مثل امکان انتقال آب بین حوزه‌ای). به طور کلی این کنوانسیون سعی کرده است از شاخص‌هایی استفاده کند که دولت‌ها در رفتار و عملکرد خودشان شاهد هستند.»

نشست تخصصی «معاهده الجزایر ۱۹۷۵» با پرسش شرکت کنندگان و پاسخ سخنرانان به پایان رسید.

نشست تخصصی - مشورتی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل گروه ۷۷ در سازمان ملل متحد

تهیه و تنظیم: هیوا حاجی ملا

۱۵

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، نشستی تخصصی را به مناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل گروه ۷۷ در ملل متحد به همراه کارگاه آموزشی - مشورتی پیرامون مواضع گروه ۷۷ درباره علایق مشترک بشری در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۳ در محل مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران برگزار کرد. این نشست که با حضور استادان مبرز و فرهیخته صاحب‌نظر در رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل (دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، دکتر سید محمدکاظم سجادیپور، دکتر نسرين مصفا، دکتر بهرام مستقیمی قمی، آقای جواد امین منصور، دکتر شاهرخ شاکریان، دکتر محمد علی فرزین، آقای گری لوئیس و خانم نازنین قائم مقامی) همراه بود، بعد از تلاوت قرآن مجید و ادای احترام به سرود ملی کشورمان، با خوش‌آمدگویی دکتر نسرين مصفا (رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) آغاز شد و بعد از آن هر یک از سخنرانان به ارائه مطالب خویش پرداختند. نشست فوق با استقبال گسترده دانشجویان و علاقمندان به حقوق و روابط بین‌الملل روبرو شد.



سلام و خیر مقدم

دکتر نسرين مصفا

رئيس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

ایشان ضمن خوشامدگویی به استادان و دانشجویان، مهمترین اهداف مطمح نظر انجمن به جهت برگزاری چنین نشست‌هایی را ابراز داشتند و در ادامه افزودند انجمن همچون بازوی اضافه شده در عرصه علم و دانش به دنبال تشریح و تبیین مسائل مترتبه جاری امور بین‌الملل و بویژه جایگاه گروه ۷۷ و نقش آن در هنجارسازی در سازمان ملل متحد است. ایشان در ادامه به نقش تاثیرگذار کشور ایران به عنوان عضو و رئیس دوره‌ای اجلاس کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها و امکان ارتقاء همکاری‌ها با گروه ۷۷ اشاره داشتند.

گروه ۷۷ در ۱۵ ژوئن سال ۱۹۶۴ میلادی، با امضای اعلامیه ای توسط ۷۷ کشور در حال توسعه، در پایان نخستین جلسه کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد) در شهر ژنو سوئیس تأسیس شد. هدف اصلی از تشکیل این سازمان، ایجاد محملی برای بیان و ارتقای منافع جمعی کشورهای در حال توسعه و افزایش قدرت مذاکره این کشورها در سازمان ملل متحد در زمینه مسائل اقتصادی و امکانی برای افزایش همکاری فنی و اقتصادی میان کشورهای مزبور است، که امروزه غالباً از آنها تحت عنوان کشورهای جنوب یاد می‌گردد.

نهادی که به شکلی عمومی‌تر برای تشخیص کشورهای رو به رشد به کار می‌رود، همان «گروه ۷۷» است که عملاً، در پایان سال ۱۹۸۴، تعداد ۱۲۶ عضو داشت و امروز تعداد آن به ۱۳۳ کشور رسیده است. در حالیکه کمتر از یک سوم جمعیت جهان در شمال زندگی می‌کند، بیش از چهار پنجم از درآمد جهانی در اختیار کشورهای شمال است، که نه تنها چهره ملموس و ناملموس فقر، که سیمای توزیع ناعادلانه را به تصویر می‌کشد؛ تصویر کشورهایی که علی‌رغم استفاده از وام‌های جهانی، مشارکت در توسعه و غیره هنوز نتوانسته‌اند فقر را ریشه کن نمایند.

حقوق بین‌الملل مبتنی بر حمایت رفاهی، ایجاد هم‌هنگ و متحدانه عمل کردن در پرتو مشارکت و همبستگی، سبب توسعه بنیادینی خواهد شد که این گروه به دنبال آن است. لذا پس از پنجاه سال هنوز دلایل محکم‌تر و مرتبط‌تری برای وجود این گروه می‌توان یافت، زیرا بسیاری از چالش‌های توسعه بین‌المللی هنوز حل نشده است و باید به طور کارآمد به آنها پرداخت. کشورهای در حال توسعه همچنان با نابرابری‌های ریشه‌دار و بی‌عدالتی‌های دیرینه در عرصه جهانی دست و پنجه نرم می‌کنند که صرف وجود سازمان، کارمندان و امضاء اسناد بین‌المللی، بدون همکاری راهگشا نخواهد بود. لذا با توجه به همین نکته است که انجمن به دنبال ایجاد همکاری‌های علمی و تبیین مسائل مربوطه در زمینه آگاه‌سازی و تحلیل موضوعات در این عرصه گام بر می‌دارد.

ایشان در پایان سخنان خود، ضمن ابراز تشکر از تمامی استادان مدعو و نیز آقای دکتر امین منصور و آقای دکتر شاکریان از وزارت امور خارجه و نیز تمامی شرکت‌کنندگان، بویژه خانم قائم مقامی - کتابدار مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - و سرکار خانم میری بخاطر زحمات بسیاری که به منظور برگزاری این نشست و سایر موارد مشابه متحمل شده‌اند،

با معرفی استادان حاضر در پنل از جناب آقای گری لوئیس - هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران - دعوت نمودند تا به ایراد سخن بپردازند.



آقای گری لوئیس

هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد در ایران

بعد از گذشت ۵۰ سال از امضاء اعلامیه گروه ۷۷ توسط کشورهای در حال توسعه، در پایان نخستین جلسه کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد) در شهر ژنو سوئیس در سال ۱۹۶۴ و افزایش اعضاء و رسیدن به مرز ۱۳۳ کشور که ۸۰ درصد از کل دولت‌های عضو سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند، نشان از ابعاد وسیع این گروه در عرصه بین‌الملل دارد. این گروه در دستیابی به اهدافی هم‌چون صلح و امنیت، عدالت و توجه به عدالت به عنوان عنصر اصلی تشکیل گروه ۷۷، نقش اساسی را بر عهده دارد.

ایشان توجه حضار را به این نکته جلب نمودند تا با نگاه به منشور سازمان ملل متحد و قوانین و مقررات موجود در آن، به اهمیت حمایت از کرامت انسانی و زنان و مردان در هر سطحی چه کوچک و چه بزرگ بایستی توجه کرد و این اعضای سازمان ملل متحد هستند که بایستی حامی مردم باشند، که در این راستا ایران به عنوان یک کشور تأثیر گذار و به عنوان یکی از اعضای مؤسس سازمان ملل متحد در میان نخستین کشورها جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. با توجه به تصویب آرمان‌های توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ و نقش کشور ایران در توسعه، سهمیم کردن سایر کشورها در تجربیات بدست آمده اهمیت بسزایی دارد.

ایشان با بیان اینکه به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس گروه ۷۷ بایستی به اهداف این سازمان توجه ویژه داشته باشیم، پیرامون موضوعاتی هم‌چون رشد و تعالی انسانی و آزادی و ارتقاء سطح کیفی زندگی، به ارائه مطالب خود پرداختند. توجه به گزارش‌ها و آمارهای منتشره از سازمان ملل متحد در خصوص اهداف توسعه هزاره بیش از سطح توقعات بوده است که در کشور ایران به آن دست یافته‌اند. ارتقاء سطح استانداردهای زندگی، دسترسی به اطلاعات، زنده نگه داشتن نوزادان و ارتقاء سطح سلامت عمومی و غیره از جمله مهمترین اهدافی است که ایران به خوبی از آن منتفع شده است. همچنین تصمیم‌گیری در سطح قوه مقننه از جمله نکات بسیار مهمی است که نمی‌توان از نقش پُررنگ آن به سادگی گذشت. ایشان با ابراز امیدواری از دوره ریاست جمهوری آقای روحانی، خواستار تلاش‌های جدی برای دستیابی کامل به اهداف توسعه هزاره که عبارتند از:

آرمان ۱: از بین بردن فقر شدید و گرسنگی؛

آرمان ۲: دست یافتن به آموزش ابتدایی همگانی؛

آرمان ۳: گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛

آرمان ۴: کم کردن مرگ کودکان؛

آرمان ۵: بهبود سلامت مادران؛

آرمان ۶: مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماری‌ها؛

آرمان ۷: تضمین پایداری محیط زیست؛

آرمان ۸: گسترش مشارکت جهانی برای توسعه.

در میان این اهداف، مباحث محیط زیستی از جایگاه خاصی برخوردار است و باید به آن توجه ویژه داشته باشیم، چرا که در بررسی‌های موردی در می‌یابیم کشور ایران دچار بعضی مسائل زیست محیطی است و باید با توجه به پایین آمدن سطح رودخانه‌ها، کم‌آبی، سیل‌های ناگهانی و مسئله گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی، با مدیریت مناسب بر این مسائل فائق آمد. برای نمونه کشور ایران ۷ برابر سایر کشورهای دنیا گازهای آلاینده تولید می‌نماید و طوفان‌های شنی زیادی از کشورهای همسایه وارد فضای ایران می‌شود.

در آخر نیز ایشان به این نکته اشاره داشتند که درج سمبل پلنگ ایرانی بر روی پیراهن‌های تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی برزیل نشان از یک اقدام فرهنگی و اراده ملی در ابراز میزان اهمیت به موضوع محیط زیست می‌باشد.

جایگاه بین‌المللی گروه ۷۷، مواضع و چالش‌های پیش‌روی آن

آقای جواد امین منصور

رئیس اداره مذاکرات تجاری و انرژی در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بیانات خود را با ارائه اطلاعاتی پیرامون گروه ۷۷ آغاز کردند. ایشان با موضوع جایگاه بین‌المللی گروه ۷۷، مواضع و چالش‌های پیش‌روی آن طرح مسئله نمودند تا بعد از معرفی این گروه و بررسی رابطه موجود فی‌مابین گروه ۷۷ با جنبش عدم تعهد، بتوان نتیجه حاصله را مورد واکاوی بیشتر قرار داد.

گروه ۷۷ در اجلاس آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد) در سال ۱۹۶۴ در ژنو تشکیل گردید. هدف از تشکیل این گروه، یکپارچگی کشورهای در حال توسعه در مواجهه با اقتصاد جهانی است. گروهی که به معنای عام دارای اساسنامه سازمانی نبوده و به واسطه بیانیه وزراء در حاشیه نشست آنکتاد، سند تأسیس این گروه شکل گرفت. گروه ۷۷ به عنوان رکن مشورتی که وجه تشابهی با سازمان یا ارگان‌های متعلق به سازمان ملل متحد ندارد و اعضای آن با پرداخت بودجه داوطلبانه و ریاست دوره‌ای به دنبال اهداف مورد نظر در آن هستند.

سه گروه کشور در داخل گروه ۷۷ وجود دارند که عبارتند از کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای محصور در خشکی و کشورهای جزیره‌ای کوچک و همچنین کشورهایی که به شدت از بحران اقتصادی و بلایای طبیعی متأثر شده‌اند. تلاطم دائمی کشورهای در حال توسعه برای ارتقای حق توسعه اقتصادی در حقوق بین‌الملل ثمرات کمی داشته، ولی دست‌آوردهای حقوقی واقعی را هم به دنبال داشته است.

مهم‌ترین و بادوام‌ترین آنها شناسایی کشورهای در حال توسعه در حقوق بین‌الملل به عنوان یک مقوله جداگانه حقوقی است. به طور کلی اگرچه مشروعیت حق توسعه اقتصادی در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است، اما در راه تکامل آن، هنوز به قانونی بودن تبدیل نشده است. مشروعیت متکی به وفاق است و اثر آن اخلاقی است و نه حقوقی. قانونی بودن باید بر رضایتی که از دولت‌ها کسب می‌شود و بر اساس معاهده و عرف که دو اصل قانون‌ساز حقوق بین‌الملل هستند، متکی باشد. بنابراین برای ارتقای بیشتر حق توسعه اقتصادی در حقوق بین‌الملل، کشورهای در حال توسعه باید از موضع مبهم وفاق یا حقوق نرم به موضع روشن حقوق موضوعه یا معاهده‌ای ظاهر شوند. اقدام کشورهای در حال توسعه موسوم به گروه ۷۷ و زیر گروه کشورهای غیر متعهد که درخواست تشکیل کنفرانس ملل متحد درباره تجارت و توسعه را دادند، تا در آنجا فرصت بحث و تبادل نظر بیشتری برای تحقق حق توسعه داشته باشند، در این راستا بوده است.

تکمله بیانات ایشان در مقاله‌ای به نام «از ریو تا ریو به علاوه ۲۰، بررسی مذاکرات و نتایج کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد» بیان شده است. در ادامه ایشان بیان داشتند که علاوه بر توافقات به عمل آمده بین اعضای گروه ۷۷ و با توجه به تعاملات بین کشورهای جنوب، رقابت نیز وجه دیگری است که در ارتباط با جنوب با جنوب و جنوب با شمال در یک مثلث دیده می‌شود. لذا باید به این نکته نیز توجه خاص داشت که در زمینه‌هایی همچون همکاری‌های زیست‌محیطی بین‌المللی در چارچوب توسعه پایدار، نگاهی ویژه وجود دارد. همکاری‌های گسترده در زمینه بسیج منابع مالی، انتقال

فناوری، آموزش و مبادله دانش و تجربیات از آن دست اموری است که هم‌زمان با تعیین اهداف توسعه پایدار برای دوران پس از ۲۰۱۵، رویکرد جدیدتری برای تحقق توسعه پایدار در جهان اتخاذ نمایند.

گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد در دوران ریاست ایران بر این جنبش دکتر شاهرخ شاکریان

۲۰

رئیس اداره امور سیاسی چند جانبه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در آغاز به روابط بسیار نزدیک گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد اشاره داشتند و گفتند این دو می‌توانند در ۲ ظرفیت عمل نمایند؛ وقتی در گروه ۷۷ هستند، عمدتاً در ظرفیت توسعه‌ای و اقتصادی، و وقتی در عدم متعهدها هستند، بیشتر در مباحث سیاسی و امنیتی. ایشان ضمن جلب توجه حضار به نقشه جغرافیایی توزیع کشورهای گروه ۷۷ و وسعت گستره این کشورها، به نحوه شکل‌گیری جنبش عدم متعهدها پرداختند تا با تشریح ابعاد محتوایی (که مارا با ساختار آشنا می‌کند) و ساختار شکلی (که ما را با روش پیگیری موضوعات در سازمان‌های بین‌المللی آشنا می‌سازد)، رویه موجود یا همان آیین کار در این سازمان را مورد بررسی قرار دهند. با نگاه متفاوت به سازمان‌ها در قالبی «جهانی شده»^۴ و «چندجانبه»^۵، پی خواهیم برد آنچه امروز توانان به نام سازمان‌ها شنیده می‌شود روزگاری تأسیس و تشکیل آن جزء مباحث حیرت‌آور جهانی بوده است. ایشان بصورت مکفی تمامی روند سیر تشکیل این گروه و اجزای آن را بر شمرند و در ادامه اهمیت روزگاری که موسوم به سال‌های جنگ سرد، نظام دو قطبی بلوک شرق و غرب و حرکت به سوی استعمار زدایی بود، را تشریح نمودند. بر همین اساس رهبرانی از آفریقا و آسیا با اعلام اینکه نمی‌خواهند به جهانی به اصطلاح دو قطبی بپیوندند، در اجلاس باندونگ مجدداً مواضع خود را که همان ۱۰ اصل بنیادین جنبش عدم تعهد بوده است، تکرار کردند. اصولی که اگر بخواهیم چستی آنرا در جنبش عدم تعهد در نظر بگیریم باید به این ۱۰ اصل توجه کنیم. این اصول همواره در پایان سند نهایی تمامی نشست‌های سران و وزرای خارجه تأکید می‌شود.

این اصول ۱۰ گانه عبارتند از:

۱. احترام به حقوق بشر، اهداف و اصول منشور ملل متحد؛
۲. احترام به حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی کلیه کشورها؛
۳. تصدیق برابری بین تمامی نژادها و تمامی ملت‌ها، بزرگ و کوچک؛
۴. پرهیز از دخالت در امور داخلی کشور دیگر؛
۵. احترام به حق ملت‌ها در دفاع از خویش، به صورت فردی یا جمعی، در تطابق با منشور ملل متحد؛
۶. پرهیز از استفاده از ترتیبات دفاع جمعی برای خدمت به منافع ویژه قدرت‌های بزرگ و پرهیز هر کشور از اعمال زور علیه کشور دیگر؛

^۴ Internationalized

^۵ Multilateral

۷. خودداری از اقدام یا تهدید به حمله یا استفاده از زور علیه یکپارچگی یا استقلال سیاسی هر کشور دیگر؛
۸. حل تمامی مناقشات بین‌المللی توسط ابزار صلح آمیز از قبیل مذاکره، مصالحه، محکمه یا راه حل قضایی و همچنین دیگر ابزار صلح آمیز به انتخاب طرف‌ها، در تطابق با منشور ملل متحد؛
۹. ارتقای منافع و همکاری دوجانبه؛
۱۰. احترام به عدالت و تعهدات بین‌المللی.

در آخر ایشان بدلیل ضیق وقت با اشاره به نکاتی همچون نحوه عضویت در جنبش عدم تعهد، ساختار و نحوی رأی‌گیری، اعضای ناظر و غیره توضیحات کاملی را ارایه نمودند.

گروه ۷۷ و سیاست جهانی

دکتر سید محمد کاظم سجادیپور

به اعتقاد ایشان اهمیت درک روابط بین‌الملل، درگرو درک سازمان‌های بین‌الملل مبتنی بر دیپلماسی بین‌الملل است، که این خود نشان‌دهنده اهمیت موضوع در عرصه بین‌الملل است و جایگاه سازمان در جامعه جهانی را مطرح می‌سازد. ایشان در ادامه اهمیت سایر کشورها در عرصه بین‌الملل را خاطر نشان ساختند و جایگاه آنرا در کنار دولت‌های بزرگ تشریح نمودند. دنیای بعد از جنگ سرد فضای عمل کشورهای کوچک را فراهم آورد. با مطالعه این دوره پی می‌بریم که دیگر این قدرت‌های بزرگ نیستند که به تنهایی دارای نقش‌سازنده در روابط بین‌الملل باشند. بر این اساس است که در تقسیم بندی شمال و جنوب، نقش خاص کشورهای گروه ۷۷ که غالباً کشورهای جنوب را تشکیل می‌دهند، از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت جایگاه گروه ۷۷ و روابط بین‌الملل با عنایت به جایگاه کشورهای جهان سوم تحت نام گروه ۷۷ مطرح می‌گردد، که در تقسیم بندی جهان به شمال و جنوب ترسیم شده است.

در ادامه با شناخت کامل از مباحثی همچون ماهیت کنشگران بین‌المللی، مجرای کنشگری در روابط بین‌الملل و موضوع کنشگری، می‌توان شناخت مناسبتری از این سازمان بدست آورد. در مرحله اول، گروه ۷۷ به عنوان یک کنشگر در عرصه بین‌الملل با رویکردی دوستانه در حیطه ارتباطات بین‌المللی و در محیط کنشگری که با توجه به شرایط فراهم شده در سطح بسیار گسترده امکان رایزنی و مشاوره و مذاکره را فراهم می‌آورد، سبب می‌گردد تا این محیط متشکل از ۱۳۳ کشور با یکدیگر از راه گفتگو بر مشکلات خود فائق آیند و با توجه به فرصت‌های آینده به دنبال تعامل با یکدیگر دست به دیپلماسی چند جانبه ای بزنند که نقش تاثیر گذار آن بعد از گذشت ۲۰۰ سال از کنگره وین مشخص و نمایان گردد.

از منظر دیگر، مفهوم و کارکرد همکاریهای کشورهای جنوب در خصوص جنبه‌های اقتصاد بین‌الملل (کشورهای درحال توسعه) از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که از کارکردهای گروه ۷۷ می‌توان به ایجاد تعامل و تولید فضای تعامل در سطح وزیر و معاون وزیر، ایجاد حساسیت و آگاهی و کارکردهای دیگری همچون کمک‌های فنی در پروژه‌های

مختلف اشاره کرد، که این خود سبب می گردد تا این سازمان دارای فرهنگ خاص منحصر به خود باشد. لذا محصول این نوع دیپلماسی، ایجاد سندی است با بازتاب روح جمعی که با تکرار، تبدیل به رویه و تثبیت می گردد. موضوع کنشگری در این سازمان سیاست اقتصاد بین الملل است. در پاسخ به این سوال که چرا مطالعه گروه ۷۷ مهم است؟ باید گفت: فرار از یک نوع تقلیل گرایی مضر از تک قطبی دیدن جهان علت این امر است.

ایشان نیز در فرجام سخن بیان داشتند که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همگان بر این باور بودند که دنیا تبدیل به یک جهان تک قطبی خواهد شد که با توجه به تشکیل سازمان ها و بالاخص حضور گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد این تئوری دیگر به واقعیت نپیوست.



مقدمه ای بر برنامه توسعه جهانی پس از ۲۰۱۵

دکتر محمد علی فرزین

مدیر گروه رشد و توسعه فراگیر برنامه عمران ملل متحد UNDP اقدام به آرایه آمارهای بسیار ارزشمندی نمودند که با توضیحات ایشان واقعیت های بسیاری در غالب رویدادهای آینده بعد از ۲۰۱۵ روشن می گردید. در اجلاس ریو بعد از سال ۲۰۱۵ آنچه نقطه عطف خواهد بود اقتصاد سبز می باشد و بیشتر کانون توجهات بر اقتصاد و محیط زیست می باشد.

با توجه به تفاوت‌های جهان سنتی و جهان در حال توسعه این اختلاف وجود دارد که چرا با توجه به پیشرفت‌های پیشینی که کشورهای توسعه یافته به آن دست یافته اند، امروز خواهان عدم توسعه یافتگی کشورهای در حال توسعه می باشند؟ آنهم صرفاً به بهانه حفاظت از محیط زیست. لذا این خود یک اختلاف واقعی است که باید به آن توجه خاصی داشت. با توجه به آنچه گفت شد در اجلاس ریو بحث اقتصاد سبز و راهکارهای رسیدن به این هدف مطرح گردید که از طریق آن هم بتوان افزایش رشد اقتصادی و هم سرانه ناخالص تولید ملی GDP را با توجه به حفظ منابع طبیعی رقم بزنیم.

ایشان در ادامه با توضیح برنامه توسعه پس از ۲۰۱۵ (Agenda Post 2015 Development) و تشریح مباحث مربوطه همچون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه منابع طبیعی و ترسیم اثبات منطقی فی مابین هریک از این عناصر، توضیحات کاملی را در خصوص اقتصاد سبز مطرح نمودند، که برای اولین بار در ریو از آن یاد شده بود. لذا رویکرد اقتصاد سبز با توجه به GDP اهمیت دارد و آنچه از سرانه تولید ناخالص ملی سرمایه گذاری می شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود، چرا که آینده انسان در گروه آن می باشد. لذا با عنایت به اینکه در اقتصاد سبز به عواقب کار اندیشیده می شود، نقطه شروعی برای توسعه متفاوت در محیطی سبز خواهد بود. تنظیم پروژه ها و مشارکت های تجاری آینده با رویکرد توجه به عواقب آینده سبب ایجاد سرمایه گذاری در بلند مدت می گردد که بایستی در قالب ارزش گذاری محیطی میزان اهمیت آن سنجیده شود. آنچه تا کنون اتفاق افتاده، نشان از عدم وجود رویکردی صحیح بوده است، به همین دلیل امروز شاهد مشکلات زیست محیطی هستیم.

نوع سرمایه گذاری و تکنولوژی می تواند رهیافت رسیدن به اقتصاد سبز باشد. نوعی سرمایه اقتصادی موجب سرمایه گذاری می شود که حفظ سرمایه اقتصادی موجود سبب حفظ سرمایه اجتماعی خواهد شد. برای نمونه دریاچه ارومیه مورد بررسی قرار گرفت که متأسفانه با نگاه تک بعدی به پروژه سبب ایجاد معضلاتی شده است، که امروز نیازمند سرمایه گذاری صحیح و پایدار با نگاه اقتصاد سبز است، تا بتوان به آنچه که اصطلاحاً اهداف توسعه پایدار (Sustainable Development Goals) گفته می شود دست یافت.

با این توضیح باید دانست که حساسیت به عواقب کار لازمه توجه به شاخصه ها است؛ شاخص هایی که ارزش مادی هر هکتار از زیست گاه های طبیعی را ترسیم می کند.

در فرجام سخن، ایشان ابراز داشتند با توجه به این مطلب که ایران با ۱۶۲ میلیون هکتار زمین رو به خشکی قرار دارد و ۳۵ میلیون هکتار آن را کویر تشکیل داده است، باید امکان ۲ برابر نشدن این میزان کویر در آینده مورد بررسی قرار گیرد و اگر نخواهیم با مدیریت مشارکتی با این موضوعات برخورد نماییم بایستی منتظر مشکلات لاینحل بعدی باشیم که با کم شدن میزان آب سرانه، تغییر آب و هوایی اقلیمی و غیره با آن روبرو هستیم.

پافشاری بر روی ترسیم افق آینده در انجام پروژه ها سبب ایجاد پروژه های سبز آینده خواهد شد. عدم وجود حمایت کافی سبب پایین آمدن رشد اقتصادی است که حتی خود بشر را تهدید خواهد کرد. تمرکز بر روی پروژه های کوچکتر سبز، سرمایه گذاری های بلند مدت با نرخ بهره پایین تر از راهکارهایست که پیش روی آینده است و باید بر وجود حساسیت بر آینده پافشاری کرد.

جهان سوم گرایی

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی

در فرجام سخن، استاد معظم حقوق بین الملل بنا به درخواست دکتر مصفا و با گره زدن آخرین جمله از نشست اوکراین، "نه از تاک نشان باقی خواهد ماند و نه از تاک نشان" مباحث خود را با مدخل قراردادن نقد و بررسی مکاتب فلسفی در حقوق بین الملل آغاز نمودند.



ایشان بیان داشتند که یکی از نگرش های فلسفی که در سال های اخیر پیش آمده و دارای زمینه های قبلی است عنوان "جهان سوم گرایی" است که لزوماً نه به عنوان یک مکتب، بلکه به عنوان یک رویکرد مورد توجه است. گروهی معتقدند که می توان نگاهی فلسفی به جهان سوم داشت که متأثر از اثبات گرایی (Positivism) است، هرچند عده ای هم معتقدند پرداختن به جهان سوم اصولاً کار آسانی نیست، چرا که بر پایه فرضیات مختلف و بینش های مختلفی بوجود آمده است.

با این حال امروزه در ادبیات حقوق بین الملل و در بحث بررسی پیرامون حقوق بین الملل جایگاهی گشوده شده است با عنوان جهان سوم گرایی در حقوق بین الملل که بسیار به نگرش های اثبات گرایی نزدیک است، یعنی با توجه به واقعیت ها و عینیت ها بتوانیم قوانینی را بعنوان jus positum (حقوق موجود بر اساس ویژگی های مشترک) وضع کنیم که با تئوریزه کردن آن در جهان سوم گرایی بتوانیم به ایده ای برسیم.

دیگر جهان اول و دوم مطرح نیست، بلکه این جهان سوم است که از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا خارج از تئوری های موجود در خصوص جهان سوم گرایی در حقوق بین الملل، آنچه که مهم است، این است که مباحث مربوط به گروه ۷۷ و نهضت عدم متعهدها، همگی در واقع زمینه بینش جهان سوم گرایی است که این بینش فقط متعلق به حقوقدانان جهان سوم هم نمی باشد، بلکه حقوقدانان جهان اول هم برآن اتفاق نظر دارند که از مصادیق آن می توان به پروفسور کاسسه و یا خانم ژانرو و تا حدی پروفسور بروانلی را نام برد، که به نگرش جهان سوم رسیده اند. این بینش جهان سوم گرایی در واقع تاثیر گذار بر بسیاری از اصولی است که امروزه ما به عنوان اصول حقوق بین الملل از آن یاد می کنیم که بعضاً به قواعد حقوق بین الملل تبدیل شده اند، که در صدر آنها اصول حق ملت ها در تعیین سرنوشت و عدم

مداخله در امور داخلی از همین بینش های جهان سومی نشأت گرفته است. در بحث توسعه پایدار، جهان از پس زمینه های این اصول پیروی می نماید. حقوق همبستگی و غیره از نگرشهای جهان سومی است.

مستفاد به جمله استاد سجاد پور که "جهان سوم را باید جدی گرفت"، ایشان به این نکته اشاره داشتند که علاقمندان به حقوق بین الملل بایستی به این موضوع توجه کنند که حقوق بین الملل را از زاویه جهان سوم گرایی و اینکه چه اقداماتی در جهت شکل گیری این قواعد بین المللی و اجرای آنها نقش داشته است، را مورد مطالعه قرار دهند. ایشان در ادامه یاد آور شدند که در تعریف عرف می گوئیم تکرار اعمال مشابه برای مدتی نسبتاً طولانی سبب ایجاد عرف می شود و یا در تعریف قاعده آمره می گوئیم قاعده ای که جامعه ی بین الملل در کل به عنوان قاعده تخلف ناپذیر پذیرفته باشد. بنابراین سوال این است که آیا این ۱۳۳ کشور، کل را تشکیل نمی دهند؟ در واقع مباحثی همچون نظم نوین، حاکمیت بر منابع طبیعی و لوح مطهر در بحث جانشینی، همگی حکایت از جهان سوم گرایی دارد. ایشان در طرح موضوع اشاره داشتند که باید خودمان را جدی بگیریم و نگاه کنیم که چقدر حقوق بین الملل مدیون نگرش های جهان سومی است.

در پایان این نشست، کارگاه آموزشی - مشورتی پیرامون مواضع گروه ۷۷ درباره علایق مشترک بشری با تدریس آقای امین منصور از ۱۳:۳۰ تا ۱۶:۳۰ برگزار گردید که گزارش آن در بخش کارگاه ها و دوره های آموزشی قابل مطالعه است.

نشست تخصصی به شیوه بحث و گفتگو: «بحران اوکراین در پرتو حقوق بین الملل»

تهیه و تنظیم: هیوا حاجی ملا

این نشست که به شیوه بحث و گفتگو از طرف انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، کمیته ملی حقوق بشردوستانه و کمیته بین المللی صلیب سرخ در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، با استقبال کم نظیر دانشجویان و علاقمندان به حقوق و روابط بین الملل روبرو شد. در این نشست زوایای مختلف بحران اوکراین از دیدگاه استادان صاحب نظر حقوق بین الملل؛ دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، دکتر سید قاسم زمانی، دکتر حسن سواری، دکتر محمود صابر، دکتر ستار عزیزی، دکتر پوریا عسکری و دکتر آرامش شهبازی، ذیل ۱۲ سوال بررسی شد، که در ابتدای آن دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی به عنوان رئیس نشست انتخاب و اداره آن را عهده دار شد.

مقدمه تاریخی و سیاسی اوکراین:

دکتر ضیایی بیگدلی: پس از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ بوریس یلتسین، رئیس جمهور وقت روسیه موافقت کرد که شبه جزیره کریمه به عنوان بخشی از خاک اوکراین باقی بماند و ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی روسیه نیز به صورت اجاره از بندر سباستوپول استفاده کند. متعاقباً معاهده ای بین اوکراین و روسیه منعقد شد که متضمن حفظ مرزهای اوکراین از هرگونه درگیری مسلحانه بود. اروپا و آمریکا همواره بعد از فروپاشی شوروی گام به گام به دنبال گسترش اتحادیه اروپا و ناتو به کشورهای بلوک شرق همچون مجارستان، لهستان، چک و کشورهای بالتیک بوده اند، که البته موفق هم شدند. در این میان، آخرین منطقه حایل با روسیه یعنی اوکراین و و بلاروس می باشد. آمریکا و اروپا به دلیل نفوذ سنتی روسیه در اوکراین، و نیز به دلیل وجود روس تبارها در آن منطقه، نتوانستند موفقیت چندانی برای نفوذ در اوکراین به دست آورند. لذا برای تغییر ساختار قدرت در آن کشور، تلاش های زیادی کردند. بالاخره اروپا و آمریکا با حمایت های سیاسی، مالی و تبلیغاتی از گروه های مخالف روسیه توانستند دولت مورد نظر خود را در این کشور بر سر کار بیاورند. خواسته مخالفان در ابتدا انحلال پلیس ضد شورش بود، اما به تدریج دامنه خواسته ها فراتر رفت و خواهان برکناری ویکتور یاناکویچ، رئیس جمهور قانونی و منتخب اوکراین که در جناح طرفدار روسیه بود، شدند. پارلمان اوکراین رئیس جمهور را عزل کرد و وی به ناچار به مسکو فراری شد.

دولت روسیه به تلافی انتقام از غرب مبادرت به محاصره نظامی شبه جزیره کریمه کرد و زمینه تحریک روس تبارهای اوکراین در مناطق شرقی و جنوب کشور، از جمله کریمه را ایجاد کرد. بنابراین آنان نیز علیه دولت جدید اوکراین، اعتراضاتی را به عمل آوردند و چنین دولتی را نامشروع و برآمده از کودتا اعلام کردند. همزمان ویکتور یاناکویچ رئیس جمهور مخلوع اوکراین از پوتین درخواست کرد تا برای برقراری مشروعیت، صلح، نظم، ثبات و قانون از نیروهای مسلح

روسیه استفاده کند. روس‌ها متعاقباً در ۲۶ فوریه، ۱۵۰ هزار نفر از نیروهای خود را در مرزهای اوکراین مستقر کردند. نظامیان مسلح با نقاب و بدون یونیفرم، ساختمان‌های مهم و فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های مهم را به تصرف خود درآوردند. در همین روز پارلمان کریمه دولت جمهوری خودمختار را برکنار کرد و سرگی آکسینوف را به عنوان نخست وزیر جدید کریمه برگزید. پس از آن نیروهای روسی که بر اساس یک موافقتنامه دو جانبه در اوکراین مستقر بودند، تقویت شدند. در ادامه پارلمان کریمه استقلال شبه جزیره کریمه را از اوکراین اعلام و تمامی اموال دولتی اوکراین را ملی اعلام کرد. همچنین از سازمان ملل و سایر کشورها خواست که استقلال کریمه را به رسمیت بشناسند. پارلمان کریمه همچنین خواستار الحاق این منطقه خودمختار به خاک روسیه شد. همزمان نخست وزیر جدید کریمه اعلام کرد که دولت جدید اوکراین را قبول ندارد و تمام نیروهای نظامی و امنیتی واقع در شبه جزیره باید از دولت جدید کریمه دستور بگیرند.

روز یکم مارس رئیس جمهور موقت اوکراین، نخست وزیری آکسینوف را بی اعتبار و غیرقانونی، و حضور نیروهای روسی در کریمه را تجاوز به خاک اوکراین قلمداد کرد. اما وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که تحرکات نظامی ناوگان نیروی دریایی روسیه، کاملاً مطابق با توافق نامه‌های روسیه و اوکراین است. در همان روز پارلمان روسیه به پوتین اجازه داد تا از نیروهای نظامی روسیه در اوکراین استفاده کند. در ۱۶ مارس یک همه پرسی توسط دولت روسیه از مردم کریمه برای الحاق به روسیه برگزار شد و ۸۱ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند و نزدیک به ۷۸ درصد آنان به الحاق آن شبه جزیره به روسیه رای مثبت دادند. در ۱۸ مارس، پوتین رسماً معاهده الحاق به روسیه را امضاء کرد و کریمه را جزء تجزیه ناپذیر روسیه خواند.

بلافاصله بسیاری از کشورها و مجمع عمومی سازمان ملل، این واقعه را اشغال نظامی کریمه توسط روسیه نامیده و محکوم کردند. اما شورای امنیت به دلیل وتوی روسیه، موفق به اتخاذ تصمیم نشد. بی نتیجه ماندن تهدیدها و تحریم‌های غرب علیه روسیه، دولت روسیه را جری کرد و مبادرت به استقرار نیروهای نظامی خود در مرز اوکراین کرد و روس تبارهای اوکراین را که در حدود ۲۰ درصد از جمعیت اوکراین را تشکیل می دهند و عمدتاً در شهرهای شرقی و همجوار با روسیه هستند را تحریک کرد تا در شهرهای دونتسک، لوهانسک و خارکوف با پرچم روسیه دست به تظاهرات اعتراض آمیز علیه حکومت مرکزی اوکراین بزنند. آنها نیز برخی از ساختمان‌های دولتی را تصرف کرده و خواهان برگزاری همه پرسی جهت جدایی از اوکراین و الحاق به روسیه شدند. شورش‌های مسلحانه در شهرهای شرق اوکراین موجب مداخله نظامی دولت اوکراین و درگیری مسلحانه میان آنان شده، که این درگیری چند هفته ایست که ادامه دارد و منجر به کشته شدن بسیاری از طرفین درگیری شده است. در ۱۲ می طبق قرار قبلی، همه پرسی در شهرهای دونتسک و لوهانسک برگزار شد و ۹۰ درصد از ۸۰ درصد واجدین شرایط شرکت در همه پرسی، رای به جدایی خود از اوکراین و الحاق به روسیه دادند و این موضوع آتش درگیری‌ها را تشدید کرد. تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا نیز علیه روسیه کارساز نشد. اما به رغم همه این اقدامات، بالاخره دولت روسیه عقب نشینی ۴۰ هزار نفر از نیروهای خود را از مرزهای اوکراین اعلام کرد.

نکته جالب بحران اوکراین و به ویژه الحاق آن به روسیه، پس لرزه‌هایی است که این واقعه در مناطق دیگر جهان همچون آلاسکا، عراق و اسکاتلند بر جای گذاشته است؛ به عنوان مثال رئیس اقلیم کردستان عراق، جناب آقای مسعود بارزانی اعلام داشت که اگر مذاکرات با دولت عراق به نتیجه نرسد، جدایی و استقلال این منطقه را اعلام خواهند کرد.

سوال (۱) با توجه به آرای دیوان، کدام دسته از مداخلات خارجی، نقض اصل عدم مداخله برخلاف حقوق بین الملل می باشد؟

دکتر سواری: اجازه می‌خواهم تا قبل از پرداختن به مسائل مربوط به اوکراین و سنجش مشروعیت مداخلات بیگانگان در این کشور از دیدگاه همکاران عزیز، اصل عدم مداخله و تحولات آنرا یک بار به طور خلاصه بازگوئی نمایم.

یکی از اصول اساسی حقوق بین الملل که از میراث به جا مانده از دوره دولت محوری و ستفالیایی می‌باشد، اصل عدم مداخله است. این اصل در منشور ملل متحد باز ساماندهی شده و در قالب بند ۷ ماده ۲ منشور که ناظر به اصول حاکم بر سازمان است خودنمایی کرد. مضمون بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل این است که سازمان حق ندارد در امور داخلی دولتها را بصورت ذاتی در صلاحیت داخلی دولتهاست، مداخله کند. بنابراین وقتی که سازمان حق مداخله در امور داخلی دولتها را نداشته باشد، دولتها نیز به طریق اولی حق مداخله در امور داخلی یکدیگر را ندارند. بدین ترتیب اصل عدم مداخله که بنا به اعتقاد برخی یک قاعده آمره است، در حقیقت حافظ و نگهبان استقلال سیاسی و حاکمیت ملی دولتهاست. گرچه مداخله ی منع شده می‌تواند جلوه های گوناگونی داشته باشد، از مداخلات فرهنگی گرفته تا شدیدترین آن یعنی مداخله عملی و شاید نظامی در امور داخلی دیگر دولتها، اما باید توجه داشته باشیم که دکترین غالب حقوق بین الملل، منع مداخله موضوع بند ۷ ماده ۲ را معطوف به شدیدترین وجه مداخله می‌داند. در هر حال مفروض تدوین کنندگان منشور این بوده است که با رعایت این اصل، اصول دیگر حقوق بین الملل همچون اصل عدم توسل به زور و اصل تکلیف دولتها به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی و اصول و تعهدات مربوط به رعایت موازین حقوق بشری، بهتر تضمین میشود. اما از طرف دیگر تجربه حدوداً ۷۰ ساله جامعه بین المللی نشان داده است که اصل عدم مداخله به عنوان یک حربه قدرتمند در دست دولتهای استبدادی بوده تا در پشت آن سنگر گرفته و اقدامات و تصمیمات غیر پسندیده و بعضاً غیر انسانی خود را توجیه یا پنهان سازند. یعنی به عبارت دیگر این اصل عملاً نه در خدمت تحقق سایر اصول مندرج در منشور، بلکه در خدمت خودسری های دولتها قرار گرفته است. موضوع مداخله و اختلاف نظر در مشروعیت یا نامشروعیت آن چندین بار در ترازوی مراجع بین المللی مورد سنجش قرار گرفته است.

در دیوان بین المللی دادگستری پرونده های زیادی مطرح شده است که در آنها یا اصل عدم مداخله جوهره آن دعاوی بوده یا از مسایل حاشیه ای. در این پرونده ها، دیوان به عنوان یک نهاد قضایی تلاش کرده است تا این اصل را به عنوان یک

بن انگاشت یا به عبارت دیگر پارادایم معرفی نماید. رویه دیوان در تمام دعاوی مرتبط با موضوع مداخلات خارجی این بوده که از تمامیت این اصل دفاع کند، زیرا که معمولاً دیوان در تمامی دادرسی‌هایی که می‌کند حاکمیت محوری را اصل و پایه قضاوت‌های خویش قرار می‌دهد.

۲۹

دیوان هم بسان حقوقدانان براین اعتقاد است که باید دایره اموری را که در صلاحیت داخلی دولتهاست، تعریف و تبیین کرد. به عبارت دیگر باید به این سوال که چه اموری بصورت ذاتی در صلاحیت داخلی دولتها قرار دارد پاسخ روشنی داد. البته پاسخ بدان دشوار است، بدین خاطر که نمی‌توان اموری را که در صلاحیت ذاتی دولتهاست، بطور قطع و یقین تعیین کرده و حدود آنرا ترسیم نمود. با این حال یک پاسخ کلی و مفهومی به این سوال وجود دارد و آن اینکه با گذشت زمان و توسعه حقوق بین الملل شعاع دایره امور ذاتاً در صلاحیت ملی، به نفع جامعه بین المللی محدودتر و کوچکتر می‌شود، به طوری که می‌توان ادعا کرد که امروزه اموری که در صلاحیت ذاتی دولتهاست، اگر از اموری که در صلاحیت جامعه بین المللی و نهادهای بین المللی است کمتر نباشد، بیشتر نیست!

اما در مورد خود سوال اینکه اولاً به گواهی عبارت پسینی بند ۷ ماده ۲ منشور، مداخله شورای امنیت در امور داخلی برای حفظ و اعاده صلح بین المللی قطعاً نامشروع نیست. ثانیاً برطبق منطق حاکم بر حقوق ملل متحد هر نوع مداخله دیگر غیرقانونی است! ولو اینکه با انگیزه‌های خیرخواهانه همچون انگیزه بشردوستانه، بشری، برای نجات اتباع خودی که در قلمرو دولت دیگری اسیراند، برای اسقاط یک دیکتاتور، برای مبارزه با تروریسم، برای از بین بردن سلاحهای کشتار جمعی، برای نجات هم کیشان و هم تباران (یکی از توجیهات روسیه در مداخله در اوکراین همین مورد اخیر است) و... صورت گرفته باشد.

اما در پرتو حقوق بین الملل نوین و فرامنشوری که بر اساس تفکر بشر محوری در حال توسعه و تعمیق است، مداخلات با انگیزه‌های کمک و نجات و تعالی بخشی امور و شئونات آحاد یک جامعه تحت ستم نه تنها مذموم نیست، که وظیفه هم است! اتفاقاً یکی از بحرانهای موجود حقوق بین الملل و تناقضات گیج کننده تحولات و تفسیرهای هنجارها بر این نکته معطوف است. در این حوزه، منطق مبتنی برحقوق منشور، رفته رفته در برابر منطق حقوقی بشرمحور سر تسلیم فرود می‌آورد و به عنوان نمونه شاهد بودیم که شورای امنیت به عنوان پاسدار حقوق منشور، در برابر مداخله غیرقانونی سازمان ناتو در کوزوو قد علم نمی‌کند و به مقابله بر نمی‌خیزد بلکه به صورت پسینی برای آن جواز هم صادر می‌کند!

بطور خلاصه به مرور زمان و با توسعه کیفی و کمی نهادهای غیر دولتی همچون سازمان‌های مردم نهاد، رسانه‌ها و بیداری افکار عمومی بین المللی، هم نقش و اختیار دولت کاهش پیدا می‌کند و هم اصول حقوقی دوگم کم رنگ می‌شوند. به عبارت دیگر دایره امور در صلاحیت ملی تنگ تر می‌گردد.

دکتر عسکری: زمانی که از منشور صحبت می کنیم، اصل عدم مداخله قطعیت دارد. ولی آیا ما می توانیم از قانونی بودن یک عمل عبور کنیم و به دلیل مشروعیت آن، عملی غیرقانونی مرتکب شویم؟ مسئله بعدی، بحث مداخله بر مبنای رضایت است. به عبارت دیگر از یک دولت دعوت می شود تا مداخله کند.

سنگ بنای منشور، اصل عدم مداخله است. اگر ما قصد عدول از منشور را داشته باشیم، با همین مواردی که ذکر شد از جمله دعوت، رضایت و مشروعیت می توانیم از این اصل عبور کنیم. اما اگر بحث این است که منشور را با قواعد کلی و قطعی محفوظ بداریم، باید به آنچه که دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه گفته است، پایبند باشیم و اصل عدم مداخله را سنگ بنای حقوق بین الملل قرار دهیم.

دکتر عزیزی: در رابطه با رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نکته ای که قابل ذکر است، بحث مداخله بنا به دعوت است. گاهی این دعوت از سوی حکومت رقیب صورت می گیرد، گاهی از سوی حکومت منطقه ای. از یک سو روسها ادعا می کردند که یاناکویچ، رئیس جمهور قانونی است و روند برکناری او غیرقانونی بوده است و او از دولت روسیه طلب کمک کرده است. آیا این امر می تواند در حقوق بین الملل مجاز باشد؟ دیوان در قضیه نیکاراگوئه می گوید آن دعوتی که بنا بر دعوت حکومت مرکزی مشروع است، اگر به درخواست شورشیان هم مجاز باشد، دیگر اثری از اصل عدم مداخله باقی نمی ماند. در اینجا بحث این است که آیا می توان آن حکومت منطقه ای را حکومت صالح تصور کرد که از دولت خارجی دعوت به مداخله کند؟ که چنین به نظر نمی رسد.

مداخله ناتو در کوزوو خارج از دو استثنای پذیرفته شده حقوق بین الملل یعنی دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت صورت گرفت. اما نوعی همدلی از سوی جامعه بین المللی وجود داشت. سوال این است که اگر اقلیت روس زبان اوکراین مورد حمله قرار بگیرد، آیا دولت روسیه می تواند این را مستمسک قرار دهد و در آن کشور مداخله کند؟ به نظر می رسد که نهاد مداخله بشردوستانه در رویه دولت ها نمی خواهد فعلاً جایگاهی به عنوان یک قاعده داشته باشد.

دکتر شهبازی: از بعد نظری از دو منظر می توان بحث عدم مداخله را نگاه کرد، که در یک سوی آن اندیشه های لیبرالیستی است و یک سوی آن هم نگاه دولت محور، که می توان آن را در قالب اندیشه های پوزیتیویستی یا رئالیستی قرار داد. اگر از نگاه لیبرالیسم و از یک منظر کلاسیک و سنتی به بحث مداخله نگاه کنیم، شاید با یک رویکرد همه یا هیچ، بتوان به این سوال جواب داد. به این ترتیب که اگر دولت مشروعیت داشته باشد، مداخله امکان پذیر نیست. از طرف دیگر اگر دولت هدف، مشروعیت نداشته باشد، مداخله حتی می تواند حالت تکلیف پیدا کند. اما در نگاه مدرن تر در خصوص

حاکمیت، شاید بتوان قایل به سلسله مراتب در حاکمیت شد. چون به حاکمیت به عنوان یک ارزش ابزاری نگاه می‌شود. در اینصورت اگر حکومت یا دولت شاکله‌هایی از مشروعیت را از دست بدهند، مداخله توسط دولتی که خود از مشروعیت برخوردار باشد، مجاز است. در رویکرد رئالیستی، برعکس رویکرد پیشین، با تکیه بر منافع ملی بر این اعتقاد است که حداکثر منافع می‌تواند مداخله را توجیه کند. بنابراین اگر یک دولت هم از حیث حکومت و هم از حیث دولت مشروعیت داشته باشد، در اینصورت مداخله دولت ممکن نیست. اما در فرض مخالف آن، با لحاظ شرایط ضرورت و تناسب، مداخله قابل توجیه است.

دکتر زمانی: می‌خواهم بحث اصل عدم مداخله را صرفاً از منظر حقوق بشر ارزیابی کنم. اصل عدم مداخله با توسعه حقوق بشر تا حد زیادی رنگ باخته است. رنگ باختن اصل عدم مداخله و حاکم شدن اصل مداخله بشردوستانه که در حال پیوند با اصل مسئولیت حمایت است، حکایت از آن دارد که اگر کشوری مسئولیت اولیه خود را نسبت به احقاق حقوق شهروندان خود ایفا نکند، جامعه بین‌المللی نمی‌تواند نسبت به نقض‌های فاحش، گسترده و سیستماتیک حقوق بشر بی تفاوت باقی بماند. در مورد بحران اوکراین نیز بسیاری از قواعد حقوق بشر زیر پا گذاشته شده است. دولت روسیه به سادگی قادر به اثبات این امر نیست که در اوکراین، نقض حقوق بشر بصورت فاحش، سیستماتیک و گسترده صورت پذیرفته است.

دکتر عسکری: با فرض در تبعید بودن دولت یاناکویچ، آیا می‌توان دعوت برای مداخله از سوی او را قانونی محسوب کرد؟ یک سوال هم در ارتباط با بیانات خانم دکتر شهبازی این است که معیار نامشروع بودن یک دولت به عنوان فاکتوری برای مداخله در نگاه لیبرالیستی چیست؟

دکتر ضیایی بیگدلی: دقت کنید که سوال بعضاً عکس آن چیزی است که به آن پرداخته شد. سوال این است که کدام دسته از مداخلات خارجی نقض اصل عدم مداخله برخلاف حقوق بین‌الملل است؟ در سالهای ابتدایی ملل متحد اصل عدم مداخله به عنوان یک قاعده آمره شناخته می‌شد، اما امروزه عقیده بر این است که قاعده آمره در طی زمان دچار تحول مفهومی شده است.

سوال ۲) آیا جدایی طلبی، استقلال خواهی و الحاق گرایی را می‌توان بر اساس حق تعیین سرنوشت توجیه کرد؟

دکتر عزیزی: حق تعیین سرنوشت را باید در دو بخش مطرح کرد: داخلی و خارجی. مراد از حق تعیین سرنوشت داخلی این

است که همه مردم یک کشور از هر گروه و مذهب و قبیله‌ای که باشند، حق دارند در اداره امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشارکت داشته باشند. مراد از حق تعیین سرنوشت خارجی، تشکیل دولت مستقل است. در حوزه حق تعیین سرنوشت داخلی براساس ماده ۱ میثاق حقوق مدنی سیاسی، همه مردمان حق تعیین سرنوشت دارند. در بعد خارجی باید دو حوزه را از هم تفکیک کرد؛ حوزه اول در خصوص سرزمین‌های استعماری است. تردیدی نیست که آنها از حق تعیین سرنوشت خارجی و تشکیل کشور مستقل برخوردارند. آرای متعدد دیوان هم آن را تایید می‌کند؛ به عنوان مثال می‌توان به قضیه تیمور شرقی اشاره کرد. سرزمینی که تحت مستعمره اندونزی شناخته شده بود، دیوان در رای سال ۱۹۹۴ صراحتاً اعلام می‌دارد که این سرزمین حق تعیین سرنوشت دارد و حتی فراتر از آن یک حق ارگا امنسی است. اما در حوزه غیر استعماری و به طور خاص مورد جدایی کریمه از اوکراین، سوال این است که آیا در حوزه غیر استعماری، بخشی از جمعیت یک کشور بنا بر اصل حق تعیین سرنوشت، از حق جدایی برخوردارند؟ در حقوق بین الملل صرف استناد به این اصل، حق جدایی در حوزه غیر استعماری را نمی‌دهد.

در این مورد ۳ نظر وجود دارد؛ نظر اول ممنوعیت مطلق جدایی یکجانبه است. به نظر این دسته در حوزه غیراستعماری، تحت هیچ شرایطی حق جدایی یکجانبه وجود ندارد. نظر دوم این است که حق جدایی تنها در موارد استثنایی وجود دارد، که موسوم است به جدایی چاره‌ساز. به موجب این نظر حق جدایی برای بخشی از جمعیت یک کشور تنها در موارد نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر وجود دارد. حال در مورد آستانه این نقض، بین حقوقدانان اختلاف است. نظر سوم این است که حقوق بین الملل در حوزه غیراستعماری برای جدایی بخشی از یک کشور حکمی ندارد، به عبارت دیگر به نظر این دسته از حقوقدانان، نه حق جدایی وجود دارد و نه جدایی در حقوق بین الملل منع شده است. اگر بخشی از یک کشور جدا شد و عملاً موجودیتی موثر داشت، حقوق بین الملل آن را به رسمیت می‌شناسد. اما باید توجه داشت که اگر این جدایی یکجانبه مسبوق به نقض یک قاعده آمره باشد، قابل قبول نیست؛ مثل اعلام استقلال دولت جمهوری ترک قبرس شمالی، که غیر از کشور ترکیه هیچ کشور دیگری آن را به رسمیت نشناخته است، چرا که به دنبال تجاوز ترکیه به قبرس، قسمت ترک نشین اعلام استقلال کرد.

به نظر بنده، نظر اول با توجه به رویه ای که وجود دارد به ویژه با توجه به نظریه مشورتی دیوان در قضیه کوزوو، جایگاهی در حقوق بین الملل فعلی ندارد. من معتقدم که دیوان نظریه سوم را به نوعی ضمنی در نظریه مشورتی خود در قضیه کوزوو پذیرفته است و جدایی چاره ساز هم با توجه به رای دیوان عالی کانادا در مورد کیبک، و تصمیم کمیسیون مشورتی حقوق بشر و خلق‌های آفریقا که در دو مورد از نظریه جدایی چاره ساز حمایت کرده است، قابل قبول است.

دکتر شهبازی: به نظر می‌رسد که در اندیشه‌های رئالیستی از جنبه بین المللی نمی‌توانیم توجیهی برای حق تعیین سرنوشت در نظر بگیریم، چرا که در آنجا اصل بر حاکمیت دولت است. در رویکرد لیبرالیستی، حق تعیین سرنوشت خارجی قابل توجیه است. در این رویکرد بحث قدرت موثر افراد در تعیین سرنوشتشان مطرح است. یعنی اگر مردمی قدرت موثر و غالب تعیین

سرنوشت خود را بدست بیاورند، می‌توانند قلمرو سرزمینی خودشان را تشکیل دهند. در نتیجه از حق تعیین سرنوشت بین المللی آنها هم دفاع خواهد شد. با این وضع حق تعیین سرنوشت خارجی در یک رویکرد لیبرالیستی از دو جهت می‌تواند مشروع باشد؛ یکی در صورت تبعیض یا بی‌عدالتی و به عبارتی نقض حقوق بشر این مردم، و دوم در راستای یک بی‌عدالتی سرزمینی، یعنی قلمرو سرزمینی آنها غصب شده باشد. در هر حال، حق تعیین سرنوشت نیز چارچوب و محدودیتهای خاص خود را دارد که تنها در همین قلمرو با عنوان حق تعیین سرنوشت شناخته می‌شود.

دکتر زمانی: از میان عناصر شاکله دولت در حقوق بین الملل، سرزمین و جمعیت عناصری محسوب می‌شوند که در طول تاریخ تحول حقوق بین الملل روابطی پویا و متکاملی میان آنها وجود داشته است. اصرار بر حاکمیت سرزمینی و حفظ تمامیت ارضی میراث دورانی است که عنصر انسانی شاکله دولت، اهمیت اساسی نداشت. اما در دهه های اخیر به یمن توسعه حقوق بشر و اعتلای جایگاه حق مردم، حق اقلیت ها، حق خلق ها، به تدریج عنصر جمعیت یعنی عنصر انسانی شاکله دولت، عنصر سرزمینی را پس می‌زند. در حقیقت جدایی چاره ساز که امروزه مطرح شده است، سنتز دیالکتیکی است که میان حفظ یکپارچگی یک سرزمین و احترام به حقوق خلق ها و مردم آن سرزمین وجود دارد. به نظر می‌رسد با قایل شدن به حاکمیت برای مردم و نه صرفاً برای دولت روز بروز این استثنای جدایی چاره ساز، طرفداران بیشتری در حقوق بین الملل پیدا کند.

دکتر سواری: اصولاً یک واقعه با قاعده ای که مورد پذیرش قرار گرفته توجیه می‌شود. بنابراین فرض سوال این است که امروزه در حقوق بین الملل یک قاعده حقوقی به نام جدائی جبران کننده یا چاره ساز وجود دارد. این نظریه بعد از اعلام نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه اعلامیه استقلال، مطرح شده و وارد ادبیات حقوق بین الملل گردید. از دیدگاه عاطفی، احساسی، اخلاقی و با نگاه ایدئالیستی چیز خوبی به نظر می‌آید. در صورتی که امکان حیات جمعی برای یک گروه هم کیش، هم زبان، هم رنگ و... به عنوان یک کشور مستقل فراهم باشد بسیار خوب است ولی حقوقدان واقع بین باید دور نگری کند و قواعد حقوق بین الملل را در فضای بیرونی و عالم عینی بنگرد و امکان اجرائی آنرا با واقعیات محیط بر آن بسنجد.

از این رو به نظر من، جدایی جبران ساز اولاً یک قاعده نیست. یک نظریه است و ثانیاً یک واژه قابل نقدی هم است. اگر به لفظ هم دقت کنیم در می‌یابیم که مقصود از آن جبران یک ضایعه است یا چاره یک درد لاعلاج! ولی سوال این است که آیا برای درد و ستوه مردمان خواهان جدائی به عنوان چاره، علاج دیگری وجود ندارد؟ به نظر بنده پاسخ مثبت است. امروزه در ساحت حقوق بین الملل هم جبران حقوقی یعنی جبران خسارات وارده به روش های گوناگون وجود دارد و هم جبرانهای کیفی. در قرن بیست و یکم که در آن سران دولتها هم به خاطر ارتکاب جنایت بین المللی مستعد محاکمه و مجازات‌اند،

بیانگر این واقعیت است که جایی برای توسل به درمانهائی که معلوم نیست حقیقتاً درمان موثر و پایائی باشند، معقول به نظر نمی‌رسد. وقتی که «حق» های اساسی حقوق بشر نقض می‌شود، سازکارهای کیفری کافی برای محاکمه مرتکبین آنها وجود دارد، نباید ریسک توسل به چاره‌های بی بنیان را به جان خرید. کمیته ملل متحد برای حذف نژادپرستی و تبعیض نژادی در گزارشی که در مورد کوزوو تهیه کرد به صراحت اعلام کرد، که هیچ تضمینی وجود ندارد که بگوییم پاره پاره شدن دولت کشورها وسیله بهتری برای تضمین حقوق بشر است. وانگهی این رویداد، صلح و امنیت بین المللی را نیز به خطر می‌اندازد.

لذا عرض می‌کنم که به اعتقاد بنده نظریه جدایی جبران ساز، حتی هنوز خصلت «حقوق نرم» را هم ندارد، و «حقوق آرمانی» هم نیست. چرا که از ویژگیهای حقوق مطلوب و آرمانی این است که حداقل تعدادی از دولت‌ها در رویه‌های خود آنرا مد نظر قرار دهند و به آن پای بندی نشان دهند، رویه قضائی بین المللی از آن حمایت کند و دکتین غالب هم با آن همسو باشد. در حالیکه در باره نظریه جدائی چاره ساز که حاصل تفسیر افراطی از حق تعیین سرنوشت است، چنین ویژگی هائی نمایان نیست. این موضوع صرفاً یک نظریه خام و در عین حال خطرناک به نظر می‌رسد.

دکتر عزیزی: گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد کوزوو به این نتیجه می‌رسد که دیگر هیچ راهی باقی نمانده که مردم کوزوو با صربها زندگی کنند. یک سری شرایط شکلی و ماهوی لازم است؛ یعنی کلیه راهکارها باید طی شود و به عنوان آخرین راه، جدایی چاره‌ساز مطرح می‌شود. با محاکمه جنایت کاران نمی‌توان آن را جبران کرد، چون مسئله ناظر به آینده است. وقتی که جنایات بصورت سیستماتیک به وقوع می‌پیوند و روابط خصمانه بین اقلیت و اکثریت حاکم می‌شود، و این دو گروه نمی‌توانند با یکدیگر زندگی کنند، در این موارد جدایی کلید دستیابی به صلح است.

دکتر عسکری: به نظر من کنار رفتن حق حاکمیت، تضعیف حقوق بشر را به همراه دارد. به ویژه اگر از جدایی گروهها و اقلیت ها صحبت کنیم. با نظر دکتر سواری در مورد شکل نگرفتن حقوق نرم در حوزه جدایی چاره‌ساز هم عقیده ام. در قواعد نوشته هم می‌توان به قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی در مورد روابط دوستانه اشاره کرد، که به صراحت حوزه حق تعیین سرنوشت را مشخص می‌کند.

دکتر سواری: به دلیل عدم استفاده از سازکارهای حقوقی موجود و توسل به تاسیسات حقوقی نوزاد، مشکل تورم و فراوانی قواعد حقوق بین الملل را بر مشکلات دیگرش می‌افزاییم. در حالیکه اگر در این امر حوصله به خرج داده شود و تلاش شود قواعد و مقررات موجود پخته تر شوند بهتر است؛ مثلاً قاعده مسئولیت حمایت حقیقتاً یک نظم حقوقی مطلوبی را برای کنترل خودکامگی دولتها ایجاد کرده و با توسل به آن می‌شود حقوق اقلیت ها و مردمان تحت ستم را تا حدود زیادی

تضمین کرد. چرا که جوهره اصلی این قاعده، القاء معنای مسئولیت در مفهوم حاکمیت است و به موجب آن حکومت ملی نسبت به شهروندان خودش مسئول است و باید این وظیفه خود را در وهله اول جامه عمل پوشاند. اگر کوتاهی کرد یا نتوانست، این مسئولیت (تکلیف) بر دوش جامعه بین المللی خواهد افتاد. به نظر من هنوز آنگونه که باید و شاید از این دکترین - که البته به اعتقاد بنده بصورت «حقوق سخت» درآمده است، - ظرفیت های آن استفاده نشده است. بنابراین می خواهم عرض کنم که مخالفت من با تئوری جدایی جبران ساز به معنی تایید نابرابری های حاکم در قلمرو دولتها و ظلم و ستمهای آنها و عملکرد خودسرانه دول استبدادی در مواجهه با خواسته های اتباعشان نیست، بلکه تاکید بنده بر این است که در حقوق بین الملل امروز ابزارهای لازم برای حصول به اهداف حقوق بشری و پیشگیری از جنایت های ضد بشری وجود دارد.

دکترضیایی بیگدلی: بنده نیز با نظر دکتر سواری و اکثریت موافق هستم، که جدایی چاره ساز صرفاً یک تئوری است و وارد حقوق بین الملل موضوعه نشده است. به علاوه در نظر مشورتی دیوان هم به رغم اشاره دولتها در لوایح خود، دیوان هیچ اشاره ای به آن نمی کند. به ویژه اینکه تئوری جدایی جبران ساز در مورد این منطقه موضوعیت نداشت، یعنی ۹ سال از آن جنایاتی که صربها مرتکب شده بودند، گذشته بود و نهادهای موقت سازمان ملل در آنجا مستقر بودند.

دکتر صابر: به نظر من تئوری جدایی چاره ساز از منظر عدالت جزایی بین المللی، مؤید نظر دکتر عزیزی است که در اقلیت قرار گرفته است. عدالت چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل، زمانی عدالت است که با رسیدگی به موضوعی، دیگر پرونده ای از آن بیرون نیاید. اینکه دکتر سواری می فرمایند صرف محاکمه جنایتکاران جبران است، قسمتی از قضیه است. قسمت دوم قضیه که باید به آن اشاره شود پیشگیری از وقوع جرم در آینده است، که به زعم من تئوری جدایی چاره ساز از منظر پیشگیری از وقوع جنایات بین المللی نظریه قابل ردی نیست.

سوال ۳: آیا می توان بین قضایای کوزوو و کریمه مقایسه به عمل آورد؟

دکتر عزیزی: اگر طرفدار نظریه اول باشیم، کوزوو کشوری است که برخلاف مقررات حقوق بین الملل شکل گرفته است و نباید آن را شناسایی کرد. این در حالی است که ۱۰۸ کشور عضو سازمان ملل کوزوو را شناسایی کردند. من بین کریمه و کوزوو تفاوت قایلیم. من موافق با نظریه مشورتی دیوان در قضیه کوزوو، بر این اعتقادم که اعلامیه استقلال کوزوو مغایر با مقررات حقوق بین الملل نیست. اما در مورد کریمه غیر از چند کشور معدود، بقیه مخالف بودند. چه تفاوتی وجود دارد؟ تفاوت در این است که نظریه سوم دارد جایگاه خودش را پیدا می کند، یعنی جدایی نه حق است و نه ممنوع شده است، مشروط بر آنکه جدایی مسبوق به نقض یک قاعده حقوق بین الملل از جمله تجاوز خارجی نباشد. همانطور که گفته شد،

اعلامیه کوزوو در سال ۲۰۰۸ صادر شد، یعنی زمانی که نیروهای بین المللی حضور داشتند و مردم کوزوو خودشان خواستند که جدا شوند. از نظر جامعه بین المللی، در قضیه کریمه مداخله خارجی باعث برگزاری رفراندوم شده است. با دقت در قطعنامه مجمع عمومی که جدایی کریمه و الحاق آن را به روسیه محکوم می‌کند، مشخص می‌شود که در این قطعنامه فقط به بند ۴ ماده ۲ منشور اشاره می‌شود و از دولت‌ها می‌خواهد که استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها را رعایت کنند. دیوان در پاراگراف ۸۰ رای مشورتی در مورد قضیه کوزوو این بند را تفسیر می‌کند و به صراحت اعلام می‌دارد که اصل تمامیت ارضی تنها به روابط بین دولت‌ها محدود می‌شود، نه در روابط دولت با بخشی از مردم خودش. اگر مردم کوزوو به عنوان بخشی از کشور صربستان، خودشان بدون مداخله خارجی خواهان جدایی هستند، ممنوع نیست. اما همانطور که گفته شد، چون جدایی کریمه مسبوق به مداخله نظامی از طرف روسیه است، این جدایی مشروعیت ندارد.

دکتر سواری: در مورد قضیه کوزوو و مشروعیت آن تردید دارم، چرا که تایید ضمنی یک امر واقع بود بی آنکه مشروعیت آن کاملاً مورد تایید جامعه جهانی باشد. عرض می‌کنم که استقلال کوزوو حاصل استفاده غیر قانونی از زور بود و حقوق بین الملل در باره اعمال حق تعیین سرنوشت جز در مورد رهائی از استعمار آنرا قبول ندارد. آیا نمی‌توان بر این اعتقاد بود که تشکیل کشور کوزوو نتیجه حمله ناتو بود؟ آیا به صرف فاصله ۹ ساله بین حمله نظامی ناتو به عنوان یک امر نامشروع و اعلام استقلال کوزوو باید منکر رابطه سببیت بین توسل به زور و استقلال کوزوو شد؟ وانگهی عده قلیلی از حقوقدانان که به نظریه جدائی جبرانی اعتقاد دارند تداوم خشونت ها و ادامه ارتکاب جنایات ضد بشری را شرط توسل به این نظریه می - دانند. بنابراین بر فرض پذیرش نظریه چاره ساز، آیا نقض موازین حقوق بشر و ارتکاب جنایات در کوزوو تا سال ۲۰۰۸ تداوم داشت؟ تردید نیست که از سال ۲۰۰۰ به بعد ارتکاب جنایات بین المللی تقریباً پایان یافته و سازمان ملل در صحنه حاضر شده و عنان کار در اختیار گرفته بود و در نتیجه آرامش تقریباً مطلوبی در روابط بین صربها و کوزوویی ها برقرار شده بود و مهمتر اینکه شورای امنیت در قطعنامه ۱۲۴۴ حفظ تمامت ارضی صربستان را مورد تاکید قرار داده بود. به عبارت دیگر به موجب این قطعنامه استقلال کوزوو موضوعیت خود را از دست داده بود از این روست که به نظر من مطابقت رای دیوان با موازین حقوق بین الملل موجود مورد تردید است. لذا سوال من این است که با این اوضاع و احوال چگونه پرونده کوزوو می‌تواند مرجعی برای سنجش موارد دیگر از جدائی ها از جمله جدائی شبه جزیره کریمه باشد؟

دکتر زمانی: در قضایای کوزوو و کریمه تناقضی در رویه برخی از دولت‌ها و بویژه در ارتباط با روسیه بوضوح قابل مشاهده است. چنین تناقضی که متأثر از منافع ملی آنهاست و قابل توجیه هم است، هشدار می‌دهد که در بررسی رویه دولت‌ها باید محتاط بود، در اینجا است که رای دیوان در قضیه نیکاراگوئه به ذهن متبادر می‌شود که عملکرد دولت‌ها را باید با احتیاط نگرست و باید بیشتر از رویه، به اعتقاد حقوقی دولت‌ها در احراز و تداوم قاعده عرفی اعتبار داد.

دکتر عسکری: آنچه که به نظر من در اینجا به عنوان تهدید مطرح می‌شود، باز کردن فضا برای تبصره زدن به اصل است. اگر اصل کماکان همان حاکمیت دولت است، در خصوص کریمه و همچنین کوزوو اگر نیروهای خارجی نبودند، این اتفاق نمی‌افتاد. واقعیت دیگر این است که در هر دو از مردم نظرخواهی شده است. اما آنچه که من به عنوان تهدید می‌بینم این است که یک اتفاق خاص در منظومه حقوق بین الملل در قالب sui generis رخ داده است. ادعا می‌شود که آنچه در کوزوو اتفاق افتاده است sui generis بوده است، بنابراین قابل انطباق با کریمه نیست. این قالب جا را برای منافع سیاسی دولت‌ها و کنار گذاشتن قواعد حقوقی باز می‌کند.

دکتر عزیزی: در ارتباط با قانون اساسی اوکراین که دکتر سواری به آن اشاره کردند، باید توجه داشت که در قطعنامه مجمع عمومی هیچ اشاره‌ای به مقررات قانون اساسی اوکراین نشده است. در این قطعنامه علاوه بر اشاره بند ۴ ماده ۲ منشور، نکته جالب توجه، اشاره به معاهدات دو جانبه روسیه و اوکراین مبنی بر تعهد اوکراین به تحویل سلاح‌های هسته‌ای به روسیه و تعهد روسیه به حفظ تمامیت ارضی اوکراین دارد. این ما را به این نتیجه می‌رساند که خارج از این گستره، می‌توان وضعیت‌هایی مثل کوزوو را مشروع قلمداد کرد. از طرفی دیگر در کریمه رفراندوم در زمان حضور نیروهای نظامی روسی و با تهدید آنها صورت گرفته است.

دکتر ضیایی بیگدلی: به نظر من نیز به ویژه با در نظر گرفتن استدلال‌های روسیه در لایحه‌ای که در قضیه کوزوو داشته است و استدلال‌هایی که در مورد کریمه داشته است، قضایای کوزوو و کریمه به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

سوال ۴) آیا می‌توان میان قضایای سوریه و اوکراین مقایسه‌ای به عمل آورد؟

دکتر عسکری: نکته اصلی رنج و درد و آلام زیادی است که برای غیرنظامیان وجود دارد. گزارش‌های سازمان ملل که در مورد سوریه و تعداد قربانیان و آوارگان منطقه منتشر می‌شود، همگی گویای این واقعیت است که یک تراژدی انسانی در حال وقوع است. اما در مورد اوکراین، وضعیت فعلاً زیاد حاد نیست، اما می‌توان گفت که کماکان بیشترین تلفات را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند. اما مسئله‌ای که ارتباط این دو را بیشتر می‌کند، این است که آینده سیاسی اوکراین هم مثل سوریه در پاره‌ای از ابهام وجود دارد.

دکتر ضیایی بیگدلی: در مورد سوریه بحث مخاصمه مسلحانه داخلی یا غیر بین‌المللی است، اما هنوز آستانه خشونت در شرق اوکراین به حد درگیری مسلحانه نرسیده است و یک شورش مسلحانه است.

دکتر صابر: یکی از اشتراکات سوریه و اوکراین این است که در هر دو بر اساس اسناد و مدارکی که در دست است، نوعی جنایات بین المللی به وقوع پیوسته است. یکی دیگر از اشتراکات این است که هیچکدام از دو کشور عضو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیستند، با این تفاوت که دولت اوکراین، صلاحیت دیوان را برای یک دوره مشخص پذیرفته است، در حالی که در مورد سوریه فعلاً زمینه ای برای رسیدگی به جنایات ارتكابی وجود ندارد.

سوال ۵) اقدامات سازمان ملل در ارتباط با بحران اوکراین چگونه بوده است؟

دکتر عسکری: می خواهم گزارشی را از اهم اقدامات سازمان ملل که در ارتباط با اوکراین انجام شده است، را مطرح کنم. شاید مهمترین اتفاق در سطح سازمان ملل، وتوی قطعنامه پیشنهادی توسط روسیه بود. تهیه کنندگان قطعنامه در واقع می خواستند رفراندوم برگزار شده در کریمه را فاقد وجاهت قانونی معرفی کنند. اما مسئله ای که در این ارتباط قابل ذکر است، این است که قطعنامه ای که از همان ابتدا مشخص است که وتو خواهد شد، به صحن شورای امنیت می آید و اجازه می دهند که با وتوی روسیه مواجه شود. به نظر می رسد علت اصلی، انتقاد کردن از وتویی است که صورت می گیرد. در شورا مشاجراتی بین نمایندگان دولت ها در می گیرد. نماینده اوکراین در شورای امنیت اشاره می کند در خونریزی هایی که در اوکراین در حال اتفاق افتادن است، دولت روسیه با وتوی قطعنامه، خود را کاملاً در قضیه شریک می کند. نماینده دولت روسیه در جواب می گوید ما از طریق وتو می خواهیم با آرامش جلوی خونریزی را بگیریم.

اقدام بعدی قطعنامه ۲۴ مارس مجمع عمومی است که با رای مثبت ۱۰۰ دولت، رای منفی ۵۸ دولت و رای ممتنع ۱۱ دولت از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران، آن متنی را که قرار بود در شورای امنیت مطرح شود، می پذیرند. در این قطعنامه آمده است که رفراندومی که در کریمه اتفاق افتاده است، با قطعنامه ۲۶۲۵ روابط دوستانه و اصول کلی حقوق بین الملل، انطباق ندارد. بنابراین در مجموع نمی توان آن را به عنوان حق تعیین سرنوشت قلمداد کرد، به گونه ای که موقعیت حقوقی کریمه را تغییر دهد.

موضوع بعدی، مسائلی است که در حوزه حقوق بشر در سطح سازمان ملل مطرح شد. گزارش ها و ماموریت های متعددی در ارتباط با اوکراین تدارک دیده شد. از جمله آنها آخرین گزارشی است که در ۱۵ ماه می تهیه شده است. نکته قابل ذکر این است که برخلاف موضع مجمع عمومی که جهت خاصی پیدا کرده است در جهت عدم شناسایی وضعیت کریمه، در گزارش های حقوق بشری به وضعیت شمال و شرق اوکراین و وضعیت کریمه با هم توجه شده است. از طرف دیگر همواره در کنار اشاره به نقض های حقوق بشری دولت، به نقض های حقوق بشری گروهها نیز توجه شده است و به هر دو گروه هم بطور مساوی توصیه هایی شده است. بنابراین شاید بتوان بدین شکل نتیجه گیری کرد که شورای حقوق بشر و بطور

خاص کمیسر عالی حقوق بشر به جای ورود در مسایل سیاسی، صرفاً به مسایل حقوق بشری توجه می‌کنند. دکتر سواری: همچنانکه مستحضرید در مجموع سازمان ملل در برابر واقعه اوکراین و بویژه قضیه شبه جزیره کریمه ناتوان ظاهر شد. توجه اصلی من به ناتوانی شورای امنیت و عدم کارائی تاسیس حقوقی «سیستم امنیت جمعی» است. اگرچه به هر صورت مجمع عمومی تلاش کرد تا خلاء موجود را از طریق تصویب قطعنامه 39. A/68/L پر کند، لیکن در هر صورت نمی‌توان آنرا جایگزینی برای تاسیس حقوقی امنیت جمعی موضوع ماده ۴۲ منشور ملل متحد به حساب آورد. در ادامه عرایض قبلی ام تاکید کنم که یکی از ابزارهای موجود حقوق بین الملل برای تحقق اهداف آن حقوق، همین تاسیس امنیت جمعی است که موانع عملیاتی شدن آن باید برطرف شود و کارکرد حقیقی خود را پیدا کند، تا به جای ایجاد نظریه ها و تاسیس های متعدد و اختلاف آفرین از آن نهاد حقوقی استفاده مطلوب گردد. البته درک می‌کنم و با مخاطبین هم عقیده ام که هر ابتکاری منوط به اصلاح منشور است که آن هم مسیر و سازکار بسیار دشواری دارد. در هر حال خلاصه کنم عرضم را با این جمله پایانی که گرچه نهاد اصلی سازمان در قضیه اوکراین با شکست مواجه شده، اما قطعنامه مجمع عمومی شبیه قطعنامه «اتحاد برای صلح»، پیام رسان اکثریت اعضاء سازمان است مبنی بر اینکه تمامیت ارضی دولت‌ها نباید به بهانه‌های واهی مخدوش گردد. اعتقادم این است که می‌شود این قطعنامه را «اتحاد برای قانون» نام نهاد.

دکتر زمانی: قطعنامه‌ای که در شورای امنیت با وتوی روسیه مواجه می‌شود، و مضمون مشابه آن در مجمع عمومی تصویب می‌شود، واقعیتی را در ساختار سازمان ملل نمایان می‌کند، و آن این است که در سازمانی که از وحدت شخصیت حقوقی برخوردار است، رکنی به نام مجمع عمومی سعی می‌کند عدم کارایی رکن دیگر را جبران کند. روسیه به لحاظ قانونی می‌تواند از حق وتوی خود استفاده کند. در واقع قطعنامه مجمع عمومی، فاصله بین «قانونی بودن» و «مشروع بودن» را نمایان می‌کند. از طرف دیگر قطعنامه مجمع عمومی را که تعهد به عدم شناسایی وضعیت کریمه را یادآور می‌شود، می‌توان واجد همان اثری دانست که کمیسیون حقوق بین الملل در طرح پیش نویس مسئولیت دولت‌ها از نقض جدی قواعد آمره حقوق بین الملل عام صحبت می‌کند؛ یعنی تکلیف دولت‌ها به عدم همکاری و عدم شناسایی این وضعیت.

دکتر عزیزی: در مورد قطعنامه های مجمع عمومی باید گفت در حالیکه که موضع دولت‌ها بیشتر سیاسی است، موضع بعضی کشورها نیز اصولی است؛ یعنی در قضیه کوزوو لایحه دادند که مخالف استقلال هستند، در قطعنامه مجمع عمومی هم در مخالفت با جدایی کریمه رای مثبت دادند. از جمله این کشورها می‌توان به یونان، قبرس، اسلواکی و رومانی اشاره کرد. بعضی از کشورها مواضعی متناقض دارند. به عنوان مثال کره شمالی که از حق تعیین سرنوشت مردم کریمه دفاع می‌کند، کوزوو را شناسایی نکرد. بنابراین نمی‌توان از قطعنامه سیاسی مجمع عمومی رویه منسجمی از عملکرد دولت‌ها را در مورد جدایی استخراج کرد.

دکتر صابر: نکته‌ای که در تکمیل بیانات آقای دکتر عسکری در ارتباط با گزارش کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل قابل ذکر است، این است که در این گزارش طیف وسیعی از موارد مربوط به نقض دادرسی عادلانه، مداخله در سیستم قضایی، موارد مربوط به حاکمیت قانون ذکر شده است؛ به عنوان مثال مواردی از اصلاحات قانون جزا در اوکراین که بعد از روی کار آمدن دولت جدید صورت گرفته است، دامنه جرم خیانت به کشور را توسعه داده و حق تعیین سرنوشت یا جدایی طلبی را به عنوان جرم بزرگ یا خیانت به کشور قلمداد کرده است. به موجب این گزارش در خصوص حوادث شرق اوکراین، ۲۴۷ پرونده علیه جدایی طلبان تشکیل شده است. طیف وسیعی از جنایاتی در این گزارش آمده است را می توان ذیل عنوان جنایات علیه بشریت نام برد.

دکتر ضیایی بیگدلی: من برخلاف نظر دکتر عزیزی معتقدم با اینکه مجمع رکن سیاسی است، اما تصمیماتش، تصمیمات حقوقی است و می تواند موجد سابقه عرفی باشد، هرچند دارای جنبه توصیه ای است.

سوال ۶) استدلالها و مستندات روسیه در دفاع از جدایی و الحاق کریمه چه بوده و آیا می توان بر اساس موازین حقوق بین الملل به آنها پاسخ داد؟

دکتر عزیزی: دولت روسیه چه در لایحه خود در قضیه کوزوو و چه در مورد شناسایی آبخازیا و اوستیای جنوبی، سعی کرده است ثبات موضع حقوقی خودش را حفظ کند. روسیه در قضیه کوزوو معتقد به نظریه جدایی چاره ساز بود. روسیه معتقد است جدایی در حوزه های غیراستعماری مطلقاً ممنوع است، مگر در وضعیت های جدایی چاره ساز. در مورد کوزوو معتقد است که چون آستانه لازم برای جدایی چاره ساز محقق نشده است، بنابراین جدایی کوزوو از صربستان غیرقانونی است. در قضیه آبخازیا و اوستیای جنوبی، دولت روسیه استدلال کرد که دولت گرجستان به این منطقه حمله کرده و قصد نابودی آنها را داشته است، بنابراین آنها بر اساس تئوری جدایی جبران ساز از حق جدایی برخوردارند. اما در مورد کریمه، نماینده روسیه در شورای امنیت اعلام داشت که جدایی کریمه بدین دلیل مشروع است که جبران یک بی عدالتی تاریخی است، چرا که آقای خروشچف در سال ۱۹۵۴ با نادیده گرفتن تاریخ و فرهنگ و زبان روسی مردم کریمه، بصورت خودسرانه عمل کرده است و این منطقه را به اوکراین داده است. رئیس جمهور روسیه چون می دانست جدایی چاره ساز در اینجا آستانه ندارد، به حق تعیین سرنوشت مردم کریمه استناد می کرد. اما در حقوق بین الملل موضوعه صرف استناد به حق تعیین سرنوشت، مجوز جدایی را ایجاد نمی کند.

دکتر ضیایی بیگدلی: مهمترین استدلالی که دولت روسیه در در دفاع از کریمه کرده است، بحث روس تبارها و مداخله روسیه برای دفاع از آنهاست. اولاً صرف اینکه تبار مردم کریمه روسی است دفاع محسوب نمی شود و آنها ممکن است دارای تابعیت مضاعف باشند. علاوه بر آن مداخله برای دفاع از اتباع مدتهاست نامشروع شناخته شده است. استدلال دیگر روسیه مداخله برای اهداف انسان دوستانه است. این استدلال نیز مخدوش است، چرا که در حقوق بین الملل کمک های انسان دوستانه مجاز است، نه بطور کلی اهداف انسان دوستانه. استدلال دیگر روسیه، مداخله بر اساس دعوت دولت قانونی یاناکویچ رئیس جمهور اوکراین بوده است. در پاسخ باید گفت اولاً وی توسط پارلمان اوکراین عزل شده است. ثانیاً حتی با فرض قبول رئیس جمهور بودن وی، او نمی تواند از دولت خارجی درخواست مداخله برای جدایی سرزمین خود و احتمال برافروزی جنگ داخلی و کشتن شهروندان خود را از دولت خارجی کند.

سوال ۷) آیا توسل به زور و حضور نیروهای نظامی روسیه در کریمه و شرق اوکراین و احیاناً نیروهای ناتو در اوکراین مجاز است؟

دکتر عسکری: باید مسئله را از دو زاویه دید؛ اول اینکه حضور نیروهای نظامی روسیه در اوکراین و بطور خاص کریمه به چه شکل مجاز تلقی می شود؟ استدلال روسیه دعوت به مداخله بر اساس دعوت رئیس جمهور قانونی روسیه است. همچنین می توانند استدلال کنند که بعد از برگزاری رفراندوم و تشکیل دولت مستقل و الحاق به روسیه، در سرزمین خودشان حضور دارند. پاسخ به این استدلال بستگی به مشروعیت جدایی کریمه و الحاقش به روسیه دارد. در صورت پذیرش جدایی، حضور نیروهای نظامی روسیه در کریمه مجاز است.

دکتر سواری: در صورتی که اوکراین عضو ناتو می بود، شاید هیچکدام از این جریانات اتفاق نمی افتاد و تمامیت ارضی اوکراین حفظ می شد. چرا که احتمالاً توسل به دفاع مشروع جمعی موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد مطرح می شد و اوکراینی ها شاید الان حسرت عدم عضویت در این پیمان امنیتی را می خوردند. اما راجع به سوالی که مطرح گردید باید عرض کنم که قطعاً توسل به زور روسیه و تجاوز آنها خلاف حقوق بین الملل است، اگرچه خود روسها استفاده از زور بر ضد اوکراین را انکار می کنند و عملیات شبه نظامیان نقابدار را در قالب دفاع مشروع ملی! توجیه کرده و مدعی اند که آن سربازان، روسی نیستند. اما نکته بسیار مهمی که معمولاً از آن غفلت می شود و در مورد قضیه اوکراین هم صادق است، این است که «تهدید به توسل به زور» در حقوق بین الملل تحریم شده و اتفاقاً در این قضیه تهدید اوکراین توسط روسها قابل انکار نیست. روسیه رسماً و عملاً تهدید به استفاده از زور کرده است، این در حالی است که در بند ۴ ماده ۲ منشور،

تهدید نیز در کنار توسل به زور مشمول همان میزان ممنوعیت است که برای استفاده از زور ممنوع شده است. دوماً روسیه چندین مصوبه درباره احتمال استفاده از زور بر ضد اوکراین تصویب کرده و مقامات روسیه بارها به صراحت این تهدید را بر زبان جاری کرده اند، و همه اینها نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بوده و موجد مسئولیت بین المللی است.

دکتر زمانی: یکی از تبعات این بحران، افزایش تمایل کشورهای جانشین شوروی سابق به عضویت در ناتو است، تا بتوانند یک چتر حمایتی برای خود فراهم آورند، چرا که روسیه به دلایل مختلف تاریخی، قومی و زبانی برای خود حق مداخله در این کشورها را قایل است.

سوال ۸) آیا بحران اوکراین را می توان از منظر تئوری مسئولیت حمایت مورد بررسی و تحلیل قرار داد؟

دکتر شهبازی: من می خواهم از یک زاویه متفاوت به بحث مسئولیت حمایت نگاه کنم و آن نگاه، رویکرد نظری میشل فوکو است به بحث دولت. به عبارتی دیگر می خواهم عناصر شاکله دولت را از دیدگاه میشل فوکو با تئوری مسئولیت حمایت مقایسه کنم. فوکو بر این اعتقاد است که در هر دوره تاریخی یک ذهنیت مسلطی وجود دارد که در چهارچوب آن اخلاق، علم و ارزش معنا پیدا می کنند. در دوره تاریخی که فوکو زندگی می کرد، سه رویکرد غالب فضای گفتمانی حقوق بین الملل را تحت تاثیر قرار داده است. یکی رئالیسم سیاسی و نوسان میان این اندیشه و پوزیتیویسم مدرن که در آن قدرت، ابزاری است در دست دولت برای تحقق منافعش، رویکرد دوم نهادگرایی است که به موجب آن سازمانهای بین المللی به سمتی می روند که جایگاه خودشان را در روندهای قانون سازی و قانون گذاری تثبیت می کنند و رویکرد سوم، رویکرد جهان وطنی است که بر اساس آن نظم حقوقی موجود ارزش و اعتبار خودش را از اخلاق و ارزشهای اخلاقی می گیرد. فوکو به عنوان یک پست مدرن از هر سه رویکرد گریزان بود، اما با وام گرفتن عناصری از هر یک از آن گفتمانها، نظریه قدرت خود را بنیان گذاشته بود. به موجب این نظریه، قدرت در چهارچوب و محور قرار می گیرد، اما نه بصورت قدرت سرکوبگر. بنابراین تعریف او از قدرت با تعریف هابزی یا آستینی متفاوت است. او از رویکرد دوم جامعه مدنی رابرای مشروعیت بخشیدن به شناسایی مفهوم دولت به وام می گیرد، و از رویکرد سوم هم اخلاق را به وام می گیرد. بنابراین در این گفتمان، دولت مقتدر است و در جهت منافع خودش حرکت می کند، اما پایبند به چهارچوب و ضوابطی است که خارج از اراده اش به او تحمیل می شود.

در مسئولیت حمایت، مسئولیت اولیه حمایت از شهروندان بر عهده خود دولت است و در صورت قصور دولت این مسئولیت بر عهده جامعه است. اما عنصر دوم در زمانی که بحران وجود دارد و طرح مسئولیت حمایت مجال پیدا می کند، باز هم

دولت به عنوان متعهد اصلی موظف است منابع و امکاناتی که در اختیار دارد، را در راستای صلح و آرامش در قلمرو سرزمینی مورد استفاده قرار دهد. بنابراین به نظر می‌رسد در خصوص انطباق این دو مفهوم می‌توانیم قایل به نوعی تشابه در رویکرد فوکو نسبت به دولت و رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به مسئولیت حمایت شویم. اما در کنار این دو عنصر باید فاکتور مشروعیت را نیز در نظر گرفت؛ مشروعیتی که دولت می‌تواند از سازمانهای مردم‌نهاد در قلمرو خودش بگیرد، می‌تواند مترادف با مشروعیتی باشد که در مسئولیت حمایت از جامعه بین‌المللی می‌گیرد.

جواب من به سوال مطرح شده در خصوص مسئولیت حمایت در قضیه اوکراین، مثبت است؛ اما در چهارچوب تعریفی که از مسئولیت حمایت داریم. مسئولیت حمایت، مداخله بشردوستانه یا نوع پیشرفته آن نیست، چون عناصر و شاکله‌های آن تفاوت دارد. و این تفاوت به حدی است که از مسئولیت حمایت تأسیسی مدرن و جدید در حقوق بین‌الملل ساخته است، هر چند این تأسیس به حدی نوپاست که هنوز در خصوص شاکله‌های آن حرف و حدیث بسیاری است. برای تحقق مسئولیت حمایت سه مرحله پلکانی طی می‌شود: مسئولیت پیشگیری، مسئولیت اقدام و در نهایت مسئولیت بازسازی. در خصوص اجرای مسئولیت حمایت همانطور که در گزارش ۲۰۰۹ بان کی مون در زمینه اجرای مسئولیت می‌بینیم اول باید اعلام خطر شده باشد، وضعیت به آستانه خاص رسیده باشد، تدبیر و استراتژی خاصی برای وضعیت در نظر گرفته شده باشد، و قصدی جدی مبنی بر حمایت و فرونشاندن وضعیت موجود، وجود داشته باشد. در این خصوص با توجه به مسایلی که مطرح شد و مواضع دوگانه روسیه مبنی بر حمایت یا دنبال کردن منافع ملی خود، به نظر می‌رسد اقدام روسیه در راستای حمایت از مردم کریمه یا مسئولیت حمایت نمی‌باشد. علاوه بر این روند مسئولیت حمایت در همان ابتدا مبتنی بر مداخله نظامی نیست، بلکه در بدو امر مبتنی بر قطع روابط دیپلماتیک، در مرحله بعد قطع روابط اقتصادی، کاهش یا حتی قطع روابط سیاسی و در آخرین مرحله و تنها در شرایط خاص می‌تواند جنبه نظامی پیدا کند. بنابراین نمی‌توان مداخله نظامی روسیه را در قالب مسئولیت حمایت قابل توجیه بدانیم. هرچند به هر حال در زمینه حقایق وقایع اوکراین نیز اتفاق نظری وجود ندارد.

دکتر سواری: همانطور که پیشتر عرض کردم به اعتقاد من قاعده مسئولیت حمایت از محدود قواعدی است، که در مدت زمان نسبتاً کمی جایگاه خود را در حقوق بین‌الملل پیدا کرد و اینک شکی نیست که به عنوان یک قاعده حقوقی سخت مطرح شده است. شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های خود به این قاعده استناد کرده است. جوهره اصلی مسئولیت حمایت، تکلیف دولتها به حمایت از شهروندان است. البته من با خانم دکتر شهبازی کاملاً موافقم که در لیبی از این قاعده سوء استفاده شد، چرا که به جای حمایت از مردم و قربانیان از گروههای شورشی حمایت شد. اما سوء استفاده تنها مختص به قاعده مسئولیت حمایت نیست و هر قاعده حقوقی به خصوص در حقوق بین‌الملل ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد.

دکتر زمانی: موضع‌گیری آقای دکتر سواری در مورد قاعده مسئولیت حمایت، با موضع‌گیری ایشان نسبت به اصل جدایی چاره ساز دقیقاً با یکدیگر در تعارض است.

دکتر سواری: قبلاً هم اشاره کردم وقتی که از جدایی چاره ساز صحبت می‌کنیم، گوئی اقرار کرده ایم که غیر از این، راه و ابزار دیگری نیست. ولی به گمان بنده اینطوری نیست، به همین دلیل با این نظریه مخالفم. پیشتر عرض کردم یکی از این چاره ها نهاد سیستم امنیت جمعی است. مطابق منشور ملل متحد هیچ کشوری بصورت فردی یا گروهی حق توسل به زور را ندارد، و سیستم امنیت جمعی، ضامن اجرای این ممنوعیت است. به اعتقاد ایو پوتی مفهوم سیستم امنیت جمعی یعنی سازوکاری برای تحقق صلح و مراقبت از آن «توسط همه»، «برای همه» و «بر ضد همه» است. لیکن قسمت آخر حرف ایشان بواسطه حق وتوی قدرتهای بزرگ هیچ وقت ممکن است تحقق پیدا نکند؛ مثلاً در همین قضیه اوکراین، روسیه ذینفع است و هر نوع قطعنامه ای را برای عملیاتی کردن این تاسیس حقوقی، وتو می‌کند. این نهاد حقوقی وجود دارد، اگرچه ناکارآمد است ولی صد در صد بی محتوا نیست و باید ترمیم شود. خود قاعده مسئولیت حمایت یکی دیگر از چاره - هاست. عرض من این است که جامعه بین المللی به جای توسل به نظریه چاره ساز به عنوان یک ابزاری برای پیشگیری از جنایات بشری که هم مبنای حقوقی قانع کننده ای ندارد و هم محمل حقوقی (اسناد بین المللی، رویه معتبر دولت‌ها، آرای قضائی بین المللی و...) مستحکمی از آن حمایت نمی‌کند، می‌تواند از ابزارهای دیگری که در اختیار دارد، بهره‌برد و نقائص آنها را اصلاح کند.

دکتر ضیایی بیگدلی: در رابطه با صحبت های خانم دکتر شهبازی من دو نکته دارم، یکی درتائید صحبت خانم دکتر مبنی بر حقوق نرم قلمداد کردن قاعده مسئولیت حمایت و برخلاف نظر دکتر سواری من معتقدم که با سه تا قطعنامه شورای امنیت نمی‌توان این تئوری را در قالب حقوق سخت قرار داد. اما برخلاف نظر خانم دکتر، من معتقدم که نظریه مسئولیت حمایت، مرحله تکاملی و پیشرفته مداخله بشردوستانه، و به تعبیری دقیق تر در مرحله دوم مسئولیت حمایت یعنی واکنش قرار دارد.

سوال ۹) ورود دادگاه اروپایی حقوق بشر به بحران اوکراین چگونه بوده است؟

دکتر زمانی: در بحران اوکراین بسیاری از قواعد حقوق بشر چه توسط نیروهای روسی و چه توسط نیروهای دولت اوکراین نقض شده است. شکنجه، قتل، بکارگیری اسلحه علیه تظاهرات مسالمت‌آمیز، اقدامات تروریستی، آدم‌ربایی، نقض حقوق

اقلیت‌ها، بدرفتاری با خبرنگاران و حتی نقض حقوق اقتصادی اجتماعی مواردی از این نقض‌ها محسوب می‌شود. از دوم آوریل تا ششم می ۲۰۱۴، ۱۲۷ نفر در اوکراین کشته شدند. اوکراین و روسیه هر دو عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند. از زمان عضویت این دو کشور دعاوی فردی زیادی علیه آنها مطرح شده است. دعاوی که در حال حاضر دیوان قرار موقت آن را صادر کرده است، دعاوی است که طبق ماده ۳۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت اوکراین علیه دولت روسیه اقامه کرده است و دولت روسیه را به نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متهم کرده است. دولت اوکراین همزمان با طرح دادخواست خود علیه روسیه، بر اساس ماده ۳۹ آئین دادرسی، از دیوان درخواست صدور قرار موقت می‌کند که از دولت روسیه بخواهد از نقض بیشتر حق حیات، منع شکنجه امتناع کند. در همان روز ثبت دادخواست، رئیس دیوان قرار مورد تقاضای اوکراین را صادر می‌کند. در این قرار دیوان لزوم احترام به مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مورد توجه قرار می‌دهد. جالب آنکه دیوان نه صرفاً از دولت خوانده، بلکه از هر دو دولت طرف دعا درخواست می‌کند که از نقض بیشتر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اجتناب کنند. قرارهای صادره دیوان اروپایی حقوق بشر الزام آورند. دیوان اعلام می‌کند که در اسرع وقت اوکراین و روسیه اقداماتی را که در جهت پیروی از قرار موقت صادره اتخاذ کرده اند، به دیوان اطلاع دهند.

مسائل مختلفی در ارتباط با این دعا مطرح می‌شود. یکی از آنها صلاحیت دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به نقض‌های حقوق بشر توسط روسیه در اوکراین است و اینکه آیا دولت‌های عضو کنوانسیون در خارج از سرزمین‌های خود نیز متعهد به رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند؟ رویه بسیار غنی در این ارتباط وجود دارد و در این پرونده‌ها، دیوان تردیدی باقی نمی‌گذارد که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابلیت اعمال فراسرزمینی دارد. روسیه موقتاً کریمه را تحت کنترل خودش داشته است. در صورتی که نقض‌های حقوق بشری که دولت اوکراین مدعی است، قابل انتساب به ماموران روسی باشد، دیوان می‌تواند دولت روسیه را به ادعای نقض کنوانسیون محکوم کند. اما مسئله مهم، مسئولیت دولت اوکراین است. دولت اوکراین صرفاً به این خاطر که بخشی از سرزمین از کنترلش خارج شده است، فاقد هرگونه مسئولیت بین‌المللی قلمداد نمی‌شود. مطابق با رویه دیوان در پرونده‌ای مشابه قضیه حاضر، دولت اوکراین نیز طبق ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارای تعهدی ایجابی مبنی بر تضمین اجرای کنوانسیون در آن بخش از سرزمینش است که موقتاً از کنترلش خارج شده است. این دولت باید تلاش‌های دیپلماتیک، اقتصادی، قضایی و سایر تلاش‌های خودش را مبذول دارد تا از رعایت کنوانسیون توسط دولت خارجی حصول اطمینان کند. در حقیقت دیوان اروپایی حقوق بشر، دولت‌ها را متعهد می‌کند که نباید نسبت به نقض حقوق بشر در سرزمین خودشان توسط دولت‌های دیگر منفعل و بی‌تفاوت باشند.

در مورد نقض حقوق بشر در اوکراین، دولت اوکراین دارای یک نفع حقوقی مستقیم است، چون حقوق بشری شهروندانش توسط روسیه نقض شده است. ولی آیا سایر کشورهای عضو کنوانسیون می‌توانند علیه روسیه اقامه دعا کنند؟ در سال ۱۹۶۷ پيرو کودتایی که در یونان صورت گرفت، نظامیان قدرت را در دست گرفتند و مخالفین را سرکوب کردند، دولت‌های دانمارک، نروژ، سوئد و هلند علیه یونان در دیوان اروپایی حقوق بشر اقامه دعا کردند. در مورد روسیه نیز ادعا شده است که

خیلی از نقض‌های حقوق بشر، جنبه عمومی و فراگیر دارد، بنابراین از طرف سایر دولت‌های عضو کنوانسیون می‌تواند قابل اقامه دعوا باشد.

سوال ۱۱) آیا در بحران اوکراین جنایات بین‌المللی رخ داده است، تا موضوع قابل رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی یا یک دیوان کیفری آدهک (موقتی) باشد؟

دکتر صابر: در مورد قابلیت رسیدگی دیوان کیفری، باید بین جنایات ارتكابی ۳ ماه آخر دولت یاناکویچ و سایر جرایم ارتكابی تفکیک قایل شد. به حرکت درآوردن آئین تعقیب در دیوان کیفری، مکانیسم مشخصی دارد. ارجاع به دیوان محدود به طرق سه‌گانه ارجاع از طریق شورای امنیت، تقاضای یک کشور عضو، یا ابتکار دادستان است. بعد از فرار رئیس‌جمهور سابق، زمامداران جدید اعلامیه‌ای را بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه، مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای حوادث سه‌ماهه آخر یاناکویچ یعنی از ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ تا ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ صادر کردند. این اعلامیه حاوی لیستی از جنایات شامل قتل، شکنجه، ناپدیدسازی افراد، تعقیب و آزار افراد بر مبنای سیاسی، محروم کردن افراد از حقوق اساسی، خسارت وارد آوردن عمدی به اموال افراد است.

برای اینکه دیوان کیفری بتواند به این مسائل ورود پیدا کند، باید پیش شرط‌های صلاحیت دیوان فراهم باشد. یکی از آنها آستانه شدت است. برای تعیین شدت جرایم به معیارهایی همچون تعداد بزه دیدگان، نوع آسیب‌ها، گستره جغرافیایی و زمانی ارتكاب جرم، ماهیت جرم، شیوه ارتكاب جرم و پیامدهای ارتكاب جرم توجه می‌شود. اوکراین ادعا می‌کند با توجه به جرایم ارتكابی و جدیت آنها، آستانه شدت جرایم فراهم است. متعاقب صدور اعلامیه، دادستان اعلام کرد که قصد ورود به موضوع و انجام تحقیقات اولیه را دارد. بر اساس مواد مختلف اساسنامه، از جمله ماده ۱۷ اقدامات اولیه‌ای که دادستان باید انجام دهد شامل موارد ذیل است: بررسی موضوع از حیث صحت و سقم اطلاعات ارائه شده، صلاحیت موضوعی دیوان، مبنای معقول و بررسی موضوع از جهت صلاحیت تکمیلی و قابلیت پذیرش دیوان.

این تحقیقات با تحقیقاتی که بعد از مجوز شعبه پیش‌رسیدگی به عنوان مبنای رسیدگی به قضیه صادر می‌شود متفاوت است. جنایاتی که اوکراین درخواست رسیدگی به آنها را کرده است، در حال حاضر در این مرحله قرار دارد. اینکه آیا دادستان دیوان در نهایت به این نتیجه خواهد رسید که همه این مقدمات فراهم است، باید منتظر ماند. مثلاً در وضعیت عراق، دادستان قبلی دیوان اعلام کرد که با توجه به تعداد کم بزه دیدگان آستانه شدت کافی وجود ندارد.

در اینکه آیا می‌توان به یک دادگاه ادعای متوسل شد یا نه، طبیعتاً در چهارچوب اعلامیه پذیرش نمی‌گنجد و باید به دنبال راهکارهای دیگری بود. یکی از راهها، ایجاد دادگاه توسط شورای امنیت خواهد بود، که قطعاً به دلیل وتوی روسیه در شورای امنیت ایجاد نخواهد شد.

سوال ۱۲) مواضع حقوقی، سیاسی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران اوکراین چگونه بوده است؟

دکتر ضیایی بیگدلی: دولت ایران در سال ۲۰۰۸، در لایحه‌ای که در ارتباط با قضیه کوزوو به دیوان بین‌المللی دادگستری تقدیم کرده بود، مخالفت صریح خود را با استقلال یکجانبه کوزوو اعلام داشت. اما در ارتباط با بحران اوکراین و کریمه ابتدا سکوت اختیار کرد، سپس متعاقب جدایی و الحاق کریمه، اقدام دولت روسیه را محترمانه محکوم کرد. لیکن مجدداً عکس-العمل جدی از خود نشان نداد و حتی جزء ۲۴ کشور غایب مجمع عمومی بود. این موضع‌گیری منفعلانه به دلایل زیر است:

۱. بحران اوکراین به هیچ وجه به نفع ایران نیست و ممکن است بر روند مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ تاثیر منفی گذارد، چه از سوی دولت روسیه و چه از جانب دولت‌های غربی و چه بسا هر دو طرف بخواهند مذاکرات هسته‌ای را وجه المصلحه وضعیت اوکراین قرار دهند.

۲. ایران در بسیاری از معادلات و مسائل بین‌المللی با روسیه همراه و هم صدا می‌باشد، از جمله در بحران سوریه و مسئله فلسطین.

۳. حجم بالای روابط اقتصادی، تجاری ایران و روسیه، اجازه نمی‌دهد دولت ایران موضع مخالفی علیه روسیه اتخاذ کند.

۴. همکاری گسترده نظامی و هسته‌ای ایران و روسیه به ویژه در راه اندازی نیروگاه بوشهر، دولت ایران را به این موضع‌گیری انفعالی می‌کشاند.

۵. با توجه به مذاکرات هسته‌ای و غیر هسته‌ای ایران و کشورهای غربی، دولت ایران نمی‌تواند از سیاست‌های دولت روسیه در مورد بحران اوکراین بطور رسمی و آشکار حمایت کند.

۶. نقض صریح بسیاری از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل توسط دولت روسیه، ایران را وادار می‌کند تا سیاست جانبدارانه‌ای به نفع روسیه اتخاذ نکند.

در مجموع سیاست و موضع گیری دولت جمهوری اسلامی ایران در خصوص موضوع، به نظر می رسد بسیار هوشمندانه بوده است. حال آینده را نمی توان پیش بینی کرد.

دکتر ضیایی بیگدلی: در جهان امروز هر روز شاهد رویدادی هستیم که به نوعی مستقیم یا غیر مستقیم، مقررات حقوق بین الملل را تحت تاثیر قرار می دهد؛ چه این رویداد در جهت اجرا و انطباق حقوق بین الملل باشد، که خود ارزش تلقی می شود و چه در جهت نقض حقوق بین الملل، که خود ضد ارزش محسوب می شود. هرچند این ضد ارزش، خود زمینه ساز تحول جدیدی در حقوق بین الملل و تبدیل به ارزش گردد. جالب آنکه هیچگاه ملاحظه نشده است که مسببین چنین رویدادهایی که عمدهً دولت‌ها هستند، اعمال و اقدامات خود را خلاف حقوق بین الملل اعلام کنند. بلکه برعکس، برای توجیه آنها همواره به مقررات حقوق بین الملل متوسل می شوند، که این خود حاکی از آن است که دولت‌ها حتی به ظاهر هم که شده حقوق بین الملل را ارزش تلقی می کنند.

امروزه توسعه روابط و حقوق بین الملل موجب شده است تا حتی بتوان یک رویداد کاملاً داخلی را از منظر حقوق بین الملل نگریست و بر این اساس نقض یا عدم نقض آن را احراز کرد. بنابراین دیگر دولت‌ها نمی توانند امری را در صلاحیت انحصاری و ذاتی خود بدانند و دیگران را از ورود به آن منع کنند. این خرق حجاب امور داخلی باعث شده است تا اصل عدم مداخله به عنوان یک قاعده حقوق بین الملل که یادگار سالهای ۵۰ و ۶۰ میلادی است، دچار تحول مفهومی شود. شاید اگر اصل عدم مداخله با قواعد دیگری همچون احترام به حاکمیت، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی دولت‌ها و اصل عدم توسل به زور ارتباط تنگاتنگی نمی یافت، حداقل از ماهیت آمرانه آن دیگر خبری نبود. اما مگر می شود در امور داخلی یک دولت مداخله کرد ولی قواعد آمره دیگر را خدشه دار نکرد.

تحول در مفهوم اصل عدم مداخله، موجب شده است تا در طی سالهای گذشته، مفهوم مداخله مشروع و مداخله نامشروع مطرح شود. هر چند که مصادیق مداخله مشروع احصایی و استثنائات وارده بر اصل عدم مداخله است و هر مداخله‌ای که مشروع نباشد، نامشروع و ناقض اصل می باشد. البته به تدریج مصادیق مداخله نامشروع به صراحت و بدون قید حصر مشخص شده است، تا تأکیدی بر نامشروع بودن آنها باشد. از جمله یکی از مصادیق مداخله نامشروع و چالش برانگیز، مداخله خارجی در امور داخلی کشورها در چهارچوب حمایت از حق تعیین سرنوشت است. اما آنچه که در اینجا مهم به نظر می رسد، برداشت ناصحیح از مفهوم حق تعیین سرنوشت مبنی بر حق جدایی طلبی و به دنبال آن حق استقلال و الحاق - گرای به کشور دیگر است، که طبق موازین حقوق بین الملل اکیداً منع شده است و دکترین نوظهور جدایی چاره ساز نیز نتوانسته است به این مفهوم مشروعیت بخشد.

بحران اوکراین در ماههای اخیر و به ویژه اعلام جدایی مردم شبه جزیره کریمه از اوکراین و درخواست الحاق آن به فدراسیون روسیه و پذیرش این درخواست توسط دولت روسیه که مستقیم و غیر مستقیم با حمایت های نظامی و غیر نظامی آن دولت صورت گرفت، فی نفسه رویدادی منحصر به فرد طی سالهای متمادی گذشته است. این رویداد پس از آن رخ داد که دولت‌های غربی با مداخلات مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی اوکراین زمینه را برای سقوط دولت قانونی و طرفدار روسیه که ظاهراً بر اساس اصول دموکراسی انتخاب شده بود، فراهم کردند. دولت روسیه در مقام واکنش، زمینه جدایی کریمه و انضمام آن را به خود آغاز کرد.

استدلال‌های دولت روسیه در جدایی کریمه از اوکراین عمدتاً بر محور استدلال های دولت‌های غربی در جدایی کوزوو از صربستان استوار بود. مسلماً کشورهای حامی جدایی کوزوو از صربستان، هیچگاه تصور نمی کردند، که روزی به اجبار باید از مواضعی عقب نشینی کنند، که به زعم خودشان از استحکام بالایی برخوردار می بود. حال آیا غرب تاوان طرفداری از کوزوو را پرداخت نمی کند؟ البته میان وضعیت کوزوو و اوکراین تفاوت وجود دارد.

در مجموع سابقه جدید و منحصر به فرد کریمه می تواند، در آینده امنیت بین المللی را به خطر اندازد و بسیاری از قواعد آمره حقوق بین الملل را به چالش کشاند. واکنش منفعلانه بسیاری از کشورها، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال رویداد اخیرالذکر و بطور کلی بحران اوکراین هر چند ظاهراً در جهت منافع ملی آنها می باشد، اما یقیناً همسو با منافع جامعه بین المللی و حقوق بین الملل نیست. قواعد حقوقی که امروزه دیگر بر نمی تابد تا به نام حق تعیین سرنوشت، بخشی از مردم یک کشور اعلام جدایی، استقلال یا انضمام کنند، که اگر چنین گردد یقیناً به قهقرا رفته و مواجه با آتارشیسم بین - المللی و بازگشت به دوران زورمداری خواهیم بود. دورانی که در آن از صلح و امنیت، مودت، حقوق بشر و حاکمیت قانون بین المللی اثری نخواهد بود. در نتیجه نه از تاک نشان باقی خواهد ماند و نه از تاک نشان.

نقد و بررسی مقاله «دسترسی کنسولی برای اتباع ایرانی در بند»

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۵۰

در روز ۹ مهرماه ۱۳۹۳ کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، اولین نشست از سلسله نشست های ایران و حقوق بین الملل با موضوع نقد و بررسی مقاله «دسترسی کنسولی برای اتباع ایرانی در بند» نوشته عبدالله عابدینی و خلیل روزگاری را از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ برگزار نمود.

دکتر نسرین مصفا - ریاست انجمن - تعدادی از استادان محترم حقوق بین الملل، از اعضای هیئت مدیره محترم انجمن و نیز جمعی از دانشجویان و علاقمندان به مباحث و مسائل حقوق بین الملل در جلسه حضور داشتند.

در ابتدا جناب آقای عابدینی مطالبی را در خصوص مقاله خودشان برای حضار بیان کردند. ایشان اشاره کردند که در کتاب چالشهای حقوق بین الملل، موضوعات مختلفی مطرح شده است. از جمله مباحثی که در حقوق بین الملل قابل توجه بسیار است، حقوق کنسولی است که به خصوص مسئله دسترسی کنسولی اتباع در بند، بسیار حائز اهمیت بوده و نیاز به بررسی و دقت لازم دارد.

آقای عابدینی با اشاره به اینکه کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق دیپلماتیک و نیز کنوانسیون ۱۹۶۳ حقوق کنسولی در حقوق بین الملل جنبه عرفی پیدا کرده اند، چرا که تعداد دول عضو این اسناد بسیار زیادند و مقررات آنها نیز دارای ویژگی عرفی است؛ تأکید کردند که اتباع ایرانی در بند در کشورهای مختلف در برخورداری از حمایت های کنسولی مطابق آنچه در کنوانسیون ۱۹۶۳ ذکر شده، مشکلات و موانع بسیاری دارند؛ از جمله عدم دسترسی به امکانات حقوقی و مشاوره در هنگام برخورد به مشکل، عدم وجود امکانات مالی کافی در کنسولگری ها، عدم پیگیری های لازم از سوی مأمورین کنسولی.

ایشان هم چنین بیان کردند که از جمله عوامل و علل مهم در دسترسی های کنسولی آگاهی و آشنایی با قوانین؛ فرهنگ و به ویژه مفاهیم زبانی کشور محل اقامت از سوی اتباع ایرانی مقیم می باشد. در واقع از جمله عواملی که ایرانیان در کشورهای محل اقامت دچار مشکل می شوند و نیاز به دسترسی کنسولی پیدا میکنند همین عدم آگاهی و آشنایی با مقولات فوق الذکر می باشد.

آقا عابدینی به ارائه کمک ها و مشاوره های حقوقی به اتباع ایرانی در بند به عنوان یکی از مهم ترین کمک هایی که توسط مأمورین کنسولی انجام می گیرد، تأکید کردند. هم چنین نکته حائز اهمیت دیگر اینکه در بین محکومیت های اتباع ایرانی در بند محکومینی که بنا بر علل و مسائل سیاسی در بند هستند، حائز اهمیت و قابل توجه هستند.

پس از اتمام سخنرانی و ارائه مقاله توسط جناب آقای عابدینی؛ آقای صفت الله طاهری شمیرانی، مطالبی را در خصوص مسئله اتباع ایرانی در بند و نیز در خصوص مقاله نوشته شده با نگاه و رویکرد انتقادی به حضار محترم ارائه نمودند.

آقای طاهری در ابتدا اشاره کردند که ایرانیان در بند عمدتاً مرتکب جرایمی در حوزه مواد مخدر و روانگردان و ورود و مهاجرت غیر قانونی به دولت‌های محل اقامتشان شده‌اند. ایشان مطرح داشتند که از این نظر می‌توان به مقاله نقدی وارد ساخت مبنی بر اینکه چرا بر محکومین سیاسی یا اتباع در بند ناشی از تحریم متمرکز شده است.

ایشان هم چنین اشاره داشتند که ایرانیان در بند عمدتاً در کشورهای مالزی (اکثراً جرم مواد مخدر)؛ ترکیه (اکثراً جرم قاچاق انسان)؛ تایلند؛ ترکمنستان و نیز کشورهای جنوب خلیج فارس قرار دارند.

آقای طاهری در ارتباط با مسئله پناهندگی اشاره داشتند که تقاضای پناهندگی نباید مانع ارتباط دولت متبوع فرد با وی شود، در حالی که وقتی یک ایرانی پناهنده می‌گردد؛ وزارت امور خارجه درخواست اطلاعات مربوط به آن شخص می‌نماید اما اطلاعات فرد در اختیار قرار داده نمی‌شود؛ در حالی که تقاضای پناهندگی ارتباط شخص با دولت متبوع وی را از بین نمی‌برد.

ایشان هم چنین بر این مسئله تأکید کردند که عدم آشنایی ایرانیان به زبان، فرهنگ، مفاهیم، قوانین کشور محل اقامت و نیز عدم آشنایی با چگونگی دفاع کردن در هنگامی که مشکل و متعاقب آن در روند محکومیت برای اتباع ایرانی مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کند و مسئله آگاهی دادن (awareness) بسیار حائز اهمیت است.

آقای طاهری در خصوص مقاله ارائه شده توسط آقای عابدینی این نکته را نیز یادآور شدند که اگر چه در مقاله مذکور گفته شده که کمک‌ها و مشاوره‌های حقوقی توسط مأمورین کنسولی باید به افراد ارائه شود، اما در رویه فعلی مأمورین کنسولی در عمل حق معرفی وکیل به تبعه در بند را دارند، نه حق حضور در دادگاه. به عبارت دیگر مأمورین کنسولی آنچنان که در مقاله مزبور توضیح داده شده است، نمی‌توانند ارائه کمک حقوقی در چارچوب بیان شده نمایند.

ایشان هم چنین اشاره کردند؛ دلایلی که در مقاله مزبور برای بیان عرفی بودن کنوانسیون ۱۹۶۳ حقوق کنسولی آورده شده است؛ برای اثبات عرفی بودن کفایت نمی‌کند. اگر چه در خصوص مفاد این کنوانسیون گفته می‌شود که جنبه عرفی پیدا کرده است، اما باید توجه داشت که مفاد کنوانسیون چه میزان توسط دول عضو به اجرا در می‌آید.

در پایان آقای طاهری راه حل‌های مطرح شده در مقاله جهت بهبود وضعیت دسترسی کنسولی اتباع در بند را خوب ارزیابی نمودند و اشاره کردند که بحث آگاهی دادن و آشنا کردن به قوانین و فرهنگ و نیز چگونگی دفاع کردن بسیار حائز اهمیت است، هم چنین دولت‌ها مکلفند معاضدت‌های حقوقی برا اتباع خود فراهم سازند که این نوع معاضدت از لحاظ دستگیری تبعه توسط پلیس دولت محل اقامت آغاز شده و با معاضدت‌های قضایی نیز متفاوت است. هم چنین توجه به بحث بودجه و هزینه‌هایی که باید برای ارائه کمک‌های کنسولی توسط دولت فراهم شود؛ را لازم دانستند. ایشان مطرح ساختند که مسئله ایرانیان در بند به اعتبار و شئون ایران نیز مرتبط است.

پس از اتمام سخنرانی هر دو سخنران محترم؛ حضار سوالات و مباحث خود را مطرح داشتند که با مشارکت سخنرانان این امر پایان پذیرفت.

نشست «سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی»

تهیه و تنظیم: هیوا حاجی ملا

۵۳

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، فعالیتهای علمی خود را در سال تحصیلی جاری با سخنرانی دکتر جمشید ممتاز آغاز کرد. روز سه شنبه ۱۵ مهر ماه ۱۳۹۳ انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی نشستی را با حضور استاد فرزانه، جناب آقای دکتر جمشید ممتاز با موضوع «سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی» در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.



در آغاز، دکتر نسرين مصفا ضمن عرض سلام و خير مقدم به حضار، شروع برنامه های انجمن با سخنرانی دکتر جمشید ممتاز، رئیس همیشگی انجمن را به فال نیک گرفتند. ایشان با ارائه توضیحی مختصر در ارتباط با آکادمی حقوق بین الملل لاهه، بیان داشتند که «برای اولین بار است در تاریخ آکادمی یک استاد آسیایی تدریس دوره تابستانی را بر عهده گرفته اند». دکتر مصفا در ادامه اظهار داشتند «به لحاظ اهمیتی که جناب آقای دکتر ممتاز برای جامعه حقوقی کشور دارند، انجمن افتخار می کند که اولین برنامه سال تحصیلی جاری را به سخنرانی ایشان اختصاص دهد».

در نهایت دکتر مصفا ضمن تاکید بر رسالت علمی انجمن از یک سو و تاکید بر بزرگداشت و گرامی داشت استادان پیشکسوت از سوی دیگر، بر نقش دانش پژوهان جوان نیز در فعالیت های انجمن اشاره داشتند.

سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی

دکتر ممتاز در آغاز سخنرانی ضمن خیر مقدم و ابراز خوشحالی از فرصت پیش آمده، توضیحاتی در ارتباط با عنوان درسی خود در آکادمی حقوق بین الملل لاهه و نحوه ارائه دروس در آنجا ارائه کردند و اظهار داشتند «عنوان درس بنده در آکادمی حقوق بین الملل لاهه، امسال «سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی» بود». ایشان در ادامه بیان داشتند «منظور از درس عمومی این است که استاد مدعو، دید کلی خود را درباره حقوق بین الملل، نحوه توسعه حقوق بین الملل و نهایتاً برداشتی که از حقوق بین الملل دارد، ارائه کند و به عبارتی پیامی را برای محیط دانشگاهی و علمی در زمینه حقوق بین الملل ارائه دهد. به همین دلیل انتخاب عنوان برای مدرس یکی از اولین موانعی است که باید پشت سر گذاشته شود. دعوت از استاد ۵ سال قبل از ارائه درس انجام می گیرد. یعنی استاد فرصت ۵ ساله ای دارد برای اینکه در مورد انتخاب موضوع با در نظر گرفتن شرایط موجود و تحولات فکر کند و مطالعه نماید. این درس در طول سه هفته دوره تابستانی حقوق بین الملل ارائه می شود، ۱۵ جلسه (هر جلسه ۵۰ دقیقه) به این درس عمومی اختصاص داده می شود. به علت حضور بیش از ۳۵۰ نفر در کلاس درس، امکان بحث و تبادل عقاید و نظرات بین استاد و دانشجو تقریباً غیر ممکن است. اصلاً مقامات آکادمی هم می خواهند که استاد به هیچ وجه به سؤالاتی که مطرح می شود در طول دروس پاسخ ندهد. احتمالاً در انتهای کلاس، دانشجویان می توانند، سؤالاتی را مطرح کنند. ولی برای اینکه این نحوه تدریس که کمی خشک است، جبران شود برای استاد مدعو، سه جلسه دو ساعته به عنوان سمینار در نظر می گیرند که موضوعات هر کدام از این سمینارها را استاد مربوطه در ارتباط با موضوعی که انتخاب کرده، مشخص می کند. در مورد موضوعاتی که برای این سمینارهای دو ساعته انتخاب شده است، طبیعتاً امکان مبادله افکار، سوال، انتقاد و ایراد وجود دارد. قبل از آنکه استاد مدعو به لاهه برود، حدود شش ماه قبل موظف است، اسناد و مدارکی که به عنوان مبنا برای گفتگو و تبادل نظر در این سمینارها مورد استفاده قرار می گیرد، را به دبیرخانه آکادمی ارائه کند و دانشجویان بتوانند آن لاین این اسناد و مدارک را مورد مطالعه و بررسی قرار بدهند.»



ایشان در ادامه بیان داشتند «سه موضوعی که برای این سه جلسه سمینار انتخاب کرده بودم، عبارتند از:

۱. ماده یک مکرر چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی آن

۲. مسئولیت حمایت

۳. مقابله با بی‌کیفری

۵۵

اگر دقت کنید، در هر سه موضوع مسئله سلسله مراتب مطرح است. اگر ماده یک مکرر از دولتهای عضو کنوانسیون ها و پروتکل می‌خواهد که کوشش کنند و ترغیب نمایند که دولت‌ها حقوق بشردوستانه را رعایت کنند، این بدان معناست که حقوق بشردوستانه از جایگاه برتر و بالاتری برخوردار است. همچنین در ارتباط با مسئولیت حمایت؛ اگر چنین نظریه‌ای ارائه شده است، به این دلیل است که مسئولیت حمایت برای مقابله و جلوگیری از ارتکاب جنایات بین‌المللی است که منجر به نقض یک سلسله قواعدی می‌شود که در جایگاه والایی قرار دارد. نهایتاً موضوع سوم، مقابله با بی‌کیفری افرادی است که مرتکب جنایات هولناک شدند، که باز هم مسئله سلسله مراتب مطرح می‌شود.

هدف من این است که این ۱۵ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای را به نحوی بتوانم خلاصه کنم، که کار دشواری است و طبیعتاً مجبور خواهم بود که قسمت‌های مهمی از درس خودم را حذف کنم و به آن نیز نپردازم. ولی فکر می‌کنم فرصت کوتاهی در انتهای این سخنرانی است که بتوانم به چند سوال یا مشکل یا اعتراض پاسخ بدم».

الف) مفهوم سلسله مراتب

منظور از سلسله مراتب، سلسله مراتب هنجاری است. یعنی سلسله مراتبی که مربوط به قواعد حاکم بر جامعه بین‌المللی است، به هیچ وجه منظور سلسله مراتب در منابع حقوق بین‌الملل نیست. هر چند اکثر علمای حقوق بر این عقیده هستند که ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری فرقی میان منابع حقوق بین‌الملل قائل نیست و همگی در یک سطح قرار گرفته‌اند، اما من معتقد هستم که تحول حقوق بین‌الملل و عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد که در مورد منابع هم ما با یک سلسله مراتبی مواجه هستیم. به عنوان مثال «اصول کلی حقوق» که در ماده ۳۸ بدان اشاره شده است و مدتها توسط علما و دولت‌ها کنار گذاشته شده بود، احساس می‌شود که به دلیل همین سلسله مراتب هنجاری به تدریج دارد از یک جایگاه برتری برخوردار می‌شود. مثال بعد، منابع فرعی مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان (نظر علمای برجسته حقوق و رویه قضایی) است که در این بحث خواهیم دید به تدریج در حال تبدیل به منابع اصلی حقوق بین‌الملل هستند.

وقتی که صحبت از سلسله مراتب هنجاری می‌کنیم، باید این تفکیک را بین سلسله مراتب هنجاری در قالب یک معاهده و سلسله مراتب هنجاری در قالب عرف بین‌الملل قائل شویم. جالب این است که طرفداران حقوق موضوعه بر این عقیده هستند که سلسله مراتب هنجاری صرفاً در قالب معاهدات بین‌المللی قابل تصور است و ناشی از اراده تک‌تک دولت

های عضو آن قرارداد است. به عنوان مثال در خیلی از کنوانسیون های موجود، رزرو به برخی از ترتیبات ممنوع است. چنین ممنوعیتی حکایت از آن دارد که آن ترتیباتی که رزرو پذیر نیستند، از یک جایگاه برتر برخوردارند.

در مواردی به ویژه در کنوانسیون های حقوق بشری، از حقوق بنیادین یاد می شود. در اینجا نیز چنین ترتیباتی نشان می دهد که تنظیم کنندگان یک تفکیکی میان حقوق بنیادین و دیگر حقوقی که در آن سند آمده، قائل هستند. در مواردی آمده که برخی از ترتیبات این سند غیر قابل تعلیق است و در هیچ شرایطی قابل تعلیق نیست؛ مثلاً کنوانسیون های حقوق بشری و در راس آن میثاق ۱۹۶۶.

در مواردی برخی از ترتیبات یک کنوانسیون جرم انگاری می شود و از دولت ها خواسته می شود اصل صلاحیت جهانی در صورت شناسایی افرادی که مرتکب نقض این قواعد می شوند را اعمال کند. این مثال ها نشان می دهد که در خیلی از موارد در قالب یک معاهده بین المللی ما شاهد برقراری یک سلسله مراتب هستیم. برخی از این قواعد از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و بعضی هم از اهمیت کمتر.

ولی موضوع سلسله مراتب هنجاری در قالب معاهدات بین المللی موضوع بحث امروز من نیست. بلکه می خواهم از سلسله مراتب هنجاری در قالب عرف بین المللی سخن بگویم. البته این را نباید فراموش کرد که در مواردی سلسله مراتب هنجاری در قالب یک معاهده بین المللی تبدیل به عرف می شود و خارج از آن قرارداد هم، این سلسله مراتب اعمال خواهد شد. این خود نشان می دهد که ما در قالب حقوق عرفی هم سلسله مراتبی داریم. نمونه آن رای ۱۹۷۰ دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن است که بین تعهدات دولت ها قائل به تفکیک می باشد؛ تعهد نسبت به یک دولت دیگر و تعهد نسبت به جامعه بین المللی در کل، یعنی تعهدات عام الشمول یا ارگا امنسی.



سلسله مراتب هنجاری در قالب عرف بین الملل برای اولین بار در زمان تنظیم کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات مطرح می‌شود. ماده ۵۳ کنوانسیون که مسئله سلسله مراتب را معین می‌کند و اصل را بر این می‌گذارد که معاهداتی که با قواعد آمره حقوق بین الملل در تعارض هستند، باطل و کان لم یکن تلقی می‌شوند، مطمئناً مبنای قراردادی صرف ندارد. اصلاً می‌توان گفت که مبنای قراردادی ندارد، بلکه تنظیم کنندگان کنوانسیون اقدام به تدوین حقوق بین الملل کردند و ما می‌دانیم که در طول مذاکرات و خود کنفرانس و بعد از کنفرانس، این سلسله مراتبی که برای بار اول شناسایی می‌شود، چه معضلات و مشکلاتی را به دنبال دارد و عده ای از دولت‌ها، عده ای از علمای حقوق و طرفداران حقوق موضوعه (پوزیتیویست‌ها) با این اصل کاملاً مخالف بودند، نه با ماده ۵۳، بلکه با ماده ۶۴ کنوانسیون که اشعار می‌دارد: «اگر بعد از انعقاد معاهده، یک قاعده آمره ای شکل بگیرد و معاهده منعقد در تعارض با این قاعده باشد، آن معاهده ای که زمانی معتبر بوده، دفعتاً باطل و بلااثر می‌شود»، و این مشکل بزرگی برای دولت‌ها ایجاد کرده بود.

فرانسوی‌ها نسبت به همین ماده ۶۴ اعتراض دارند و تاکنون به کنوانسیون وین ۱۹۶۹ ملحق نشده‌اند. طبیعی است که این ماده می‌تواند در ثبات روابط معاهداتی اختلال ایجاد کند. ما با استناد به همین ماده، حق مداخله مندرج در معاهده ۱۹۲۱ منعقد بین فدراسیون روسیه و ایران را فسخ شده اعلام کردیم.

البته کنوانسیون، قاعده آمره را هم تعریف نمی‌کند، بلکه یک قالب خالی را به جامعه بین المللی ارائه می‌کند. انتقاداتی را که به کمیسیون حقوق بین الملل وارد کرده‌اند که چرا قاعده آمره را تعریف نکرده است، انتقادات بجایی نیست. به دلیل اینکه این وظیفه کمیسیون نبود که قواعد آمره را مشخص بکند، بلکه وظیفه کمیسیون این بود که اگر معاهده ای با یک قاعده آمره در تعارض باشد، چه آثاری بر آن معاهده مترتب است. خالی بودن این قالب باز یکی از نگرانی‌های بزرگ کشورهایی است که با این سلسله مراتب به نحوی که در کنوانسیون آمده، مخالف می‌باشند.

البته در مورد نحوه شناسایی قواعد عرفی و قواعد Jus Cogens یک سلسله ضوابطی به تدریج شکل گرفته است. اینجا جا دارد به ماده ۶۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ استناد کنیم، که پیش بینی کرده در صورت بروز اختلاف بین دولت‌ها در مورد اینکه قاعده ای آمره است یا خیر، صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری دیوان را بپذیرند. ولی فراموش نکنیم که ماده ۶۶ قابل رزرو می‌باشد و عده ای از دولت‌ها به ماده ۶۶ رزرو وارد کرده‌اند. چنین امری نشان می‌دهد که این یک اصل پذیرفته شده حقوق بین الملل نیست، ولی دیوان بین المللی دادگستری، کلیه محاکم کیفری و کلیه محاکم منطقه ای حقوق بشر در شناسایی قواعد آمره نقش مهمی را در ظرف این چند سال اخیر ایفاء کردند و حداقل در این برهه از زمان می‌توانیم بگوییم که «منع شکنجه» بدون هیچ گونه تردیدی یک قاعده آمره حقوق بین الملل محسوب می‌شود و همه بر روی آن اتفاق نظر دارند.

سوالاتی که در این درس مطرح کردم این است که آیا این سلسله مراتب هنجاری که در قالب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ آمده در بستر خودش باقی خواهد ماند یا به عنوان یک اصل به دیگر بخش‌های حقوق بین الملل تسری پیدا خواهد کرد؟

برای آن دسته از دوستانی که فرانسه زبان هستند، من از دو واژه استفاده کردم، کنتونه و کنتمینه. کنتونه یعنی محصور در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و کنتمینه یعنی مثل یک میکروب، بعد از اینکه اصل سلسله مراتب پذیرفته شد، به صورت یک میکروب واگیر، تمام بخش های حقوق بین الملل را آلوده خواهد کرد.

این سوال اصلی است و من می خواهم به این سوال پاسخ بدهم که نهایتاً بعد از گذشت ۴۰ سال از تصویب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ آیا ما باید این سلسله مراتب را محدود کنیم به حقوق معاهدات؟ یا شاهد آن هستیم که بخش های دیگری از حقوق بین الملل را هم این سلسله مراتب آلوده کرده و چه آثاری را به دنبال داشته است؟ این یکی از بحث هایی است که علمای حقوق در طول این ۲۰ سال گذشته به آن پرداخته اند و یک دو دستگی میان علمای حقوق به وجود آمد.

پوزیتیویست ها معتقد بودند که سلسله مراتب، در همین قالب کنوانسیون ۱۹۶۹ باقی خواهد ماند و عده ای دیگر معتقد بودند که این یک عاملی است برای اینکه ما این سلسله مراتب را به همه بخش های حقوق بین الملل تسری بدهیم و نهایتاً این یک نوع توسعه حقوق بین الملل تلقی خواهد شد.



برای پاسخ به این سوال من از همان رویه ای که در لاهه انتخاب کرده بودم، پیروی نخواهم کرد، برای اینکه به تمام بخش های درسم نخواهم پرداخت. برای پاسخ به این سوال می توانم، یک قالب و چهارچوب دیگری را انتخاب کنم. قالبی را که انتخاب کردم این است که به نظر من کمیسیون حقوق بین الملل به عنوان رکن نه تنها تدوین بلکه توسعه تدریجی، گرایش هایی را در جهت تسری این سلسله مراتب به دیگر بخش ها داشته است. طبیعی است وقتی که یک ارگان موظف به تدوین و توسعه است، یکی از بسترهای اساسی توسعه، همین تسری سلسله مراتب به دیگر بخش های

حقوق بین الملل می باشد. در صورتی که در مقابل، من به این نتیجه رسیدم که دیوان بین المللی دادگستری که مسئول اعمال حقوق بین الملل است، از قانون گذاری پرهیز می کند و به عبارتی پاسدار حقوق بین الملل است، در این موضوع نقش بازدارنده دارد. امروز می خواهم این را ثابت کنم که چگونه تلاش کمیسیون حقوق بین الملل در جهت تسری سلسله مراتب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ با مقاومت هایی مواجه شده است، و به چه نحوی همین مسئله وقتی در دیوان بین المللی دادگستری مطرح می شود، دیوان بالعکس سعی می کند احتیاط را نادیده نگیرد و سعی کند این تسری منجر به زیر و رو کردن حقوق بین الملل نشود.

ب) نقش کمیسیون حقوق بین الملل

کمیسیون حقوق بین الملل در طول این چند دهه بعد از تصویب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ هر زمانی که موضوع جدیدی مطرح می شد به سلسله مراتب توجه می کرد و در جریان تدوین مقررات موضوع ارجاع شده، سعی می کرد که از این سلسله مراتب الهام گیرد. چند مثال ارائه می کنم و سراغ مسئولیت دولت می روم که مسئله اساسی است. در مورد حمایت دیپلماتیک که در دستور کار کمیسیون حقوق بین الملل قرار گرفت و به طرح سال ۲۰۰۶ کمیسیون منتهی شد، مسئله بسیار جالب بود. برای مدت زمان طولانی این عقیده وجود داشت که حمایت دیپلماتیک یکی از مظاهر حاکمیت می باشد. بنابراین دولت ها مجاز هستند که از تبعه خود که قربانی نقض حقوق بین الملل می باشد، حمایت به عمل بیاورند یا حمایت نکنند. این حق تبعه نیست، حق دولت می باشد و ممکن است دولت به دلایلی از جمله جلوگیری از مختل شدن مثلاً روابط تجاری، از یکی از اتباعش حمایت به عمل نیاورد.

ولی می خواهم توجه شما را به ماده ۱۹ طرح کمیسیون در مورد حمایت دیپلماتیک جلب کنم. کمیسیون به دولت ها توصیه می کند که در مواردی که تبعه شما قربانی نقض فاحش حقوق بین الملل شده، مثلاً قربانی شکنجه شده است، از این حق مسلم خودشان صرف نظر کنند و ملاحظات سیاسی را کنار گذاشته و از آن تبعه که قربانی نقض فاحش حقوق بین الملل می باشد، حمایت به عمل بیاورند. این حاصل و نتیجه سلسله مراتب در حقوق حمایت دیپلماتیک می باشد. مورد دوم که می خواهم مثال بزنم، طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد رزرو به معاهدات بین المللی است. این یکی از بحث های مهمی است که در کمیسیون انجام گرفت که آیا دولت ها می توانند به قواعد یک کنوانسیون که در طول زمان تبدیل به قاعده آمره شده، رزرو بدهند؟ طبیعتاً امکان چنین رزروی میسر نیست و در طرحی که تهیه شده و در ۲۰۱۱ مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت، باز این سلسله مراتب اثر خود را گذاشته است. ولی من فکر می کنم مهمترین کاری که کمیسیون حقوق بین الملل انجام داد، مسئله طرح مسئولیت دولت ها ۲۰۰۱ و طرح مسئولیت سازمان های بین المللی ۲۰۱۱ است. جالب اینجاست که از بدو طرح مسئله بعد از تصویب کنوانسیون ۱۹۶۹ این موضوع مطرح می شود که با مسئله سلسله مراتب در قالب طرح مسئولیت، به چه نحو برخورد شود. آقای آگو گزارشگر ویژه طرح کمیسیون در مورد

مسئولیت دولت‌ها بر این اساس، این تفکیک را بین جنایت و جنحه قائل شد و یکی از دستیارانش آقای گایا، که امروز یکی از برجسته‌ترین قضات دیوان بین‌المللی دادگستری است، در سال ۱۹۸۱ درسی را در آکادمی ارائه می‌کند تحت عنوان «*Jus Cogens beyond the law of treaties*»، به معنی قواعد آمره فراتر از حقوق معاهدات. به عبارتی سوال این است که آیا بایستی این سلسله مراتب فقط حاکم بر کنوانسیون ۱۹۶۹ باشد یا قابل تسری است؟ و همانطور که می‌دانید طرح اولیه ۱۹۹۶ بازخوانی اول با معضلات زیادی مواجه شد و نهایتاً در طرح ۲۰۰۱ این تفکیک نسبت به جنایت و جنحه پاک شد، ولی کماکان ترتیبیاتی در این طرح در مورد آثار نقض فاحش قواعد آمره و نقض تعهدات ارگا امنسی به چشم می‌خورد. جا دارد که در این مورد توضیحاتی را خدمت سروران ارائه کنم.

در طرح اولیه، آقای آگو و بعد هم جانشینانش اصل را بر این گذاشته بودند که مسئولیت دولت ناقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل در مقایسه با دولتی که قاعده معمولی حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، سنگین‌تر خواهد بود. وقتی می‌نویسند، مسئولیتش سنگین‌تر است به این معناست که بایستی خسارت بیشتری را بپردازد و فقط جبران خسارت نکند و این مسئله مسئولیت مضاعف دولت و خسارت تنبیهی را به دنبال دارد. همانطور که محاکم آمریکایی در آرای که بر علیه ایران صادر می‌کنند و خساراتی را مشخص می‌کنند که این خسارات، خسارات تنبیهی است. به عنوان مثال تعیین سه میلیارد دلار خسارت برای یک خانواده‌ای که نزدیکانش به گروگان گرفته شده‌اند، منشأش سلسله مراتب است. دیوان آمریکایی هم این مسیر را دنبال می‌کند، یعنی در مواردی که دولت ناقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل می‌باشد، مسئولیتش هم مضاعف «*aggravated responsibility*» می‌باشد. ولی در طرح سال ۲۰۰۶ این ترتیبات پذیرفته نشد، اما آثار متعددی بر نقض فاحش این قواعد و به عبارتی سلسله مراتب در این سند مهم یافت می‌شود.

اگر اجازه بدهید، من مختصر توضیحاتی در مورد ماده ۴۱ مرتبط با نقض قواعد آمره و همچنین ماده ۴۸ طرح مسئولیت در مورد نقض تعهدات عام الشمول یا ارگامنسی ارائه خواهم داد.

ماده ۴۱ سه بند دارد. جالب این است که تکلیف مشخصی برای دولتی که یک قاعده آمره را نقض می‌کند، تعیین نشده و این دولت‌های دیگر هستند که یک سلسله وظایفی برای آنها در سند بار شده است. یکی از دلایلی این است که بحث مسئولیت مضاعف را از طرح ۲۰۰۱ حذف کردند.

دولتی که نقض یک قاعده آمره را مشاهده می‌کند، سه مسئولیت دارد: یکی اینکه با دولت خاطی همکاری نکند و کوشش کند که به این نقض پایان ببخشد؛ دوم اینکه این وضعیت را شناسایی نکند؛ و سوم اینکه نقض قاعده آمره می‌تواند، نتایج دیگری هم به دنبال داشته باشد که کمیسیون به آن نمی‌پردازد و فقط درب را باز می‌گذارد که احیاناً در آینده، حقوق بین‌الملل عمومی در این زمینه پیشرفت‌های لازم را بکند. به عنوان مثال می‌توان به عدم شناسایی «عفو عمومی» که یکی از بحث‌های مهم حقوق بین‌الملل می‌باشد و همچنین عدم شناسایی دولتی که حاصل نقض یک قاعده آمره است، اشاره کرد که مبنایش همان بند ۳ ماده ۴۱ می‌باشد. در این سه بند، بند دوم است که توجه من را به خود جلب کرده

است. در این بند یک سلسله توجیهاتی درباره این تعهد دولت‌ها که در مقابل نقض یک قاعده آمره قرار گرفتند، ارائه شده است. دولت‌ها بر اساس طرح موظف هستند که این وضعیت را شناسایی نکنند و همچنین به دولت‌های خاطی در جهت حفظ وضعیت ناشی از نقض قاعده آمره، کمکی نکنند.

۶۱

تاریخچه بحث عدم شناسایی به دهه سی میلادی بر می‌گردد. فرصت کافی به منظور توضیح وجود ندارد. بعد از اینکه نیروهای ژاپنی به منچوری حمله کردند، وزیر خارجه وقت آمریکا در مقابل ایجاد یک دولت دست‌نشانده به عنوان مانچوکو از دولت‌ها خواست که این پدیده را که یک پدیده نامشروعی است، شناسایی نکنند. جامعه ملل نیز در این راستا قطعنامه‌ای تصویب کرد. بعد هم در زمان ضمیمه‌سازی کشورهای بالت به همین صورت دولت‌های غربی از شناسایی وضعیت یعنی ضمیمه‌سازی کشورهای بالت خودداری کردند. سوالی که مطرح می‌شود و یکی از سوالات مهم و روز حقوق بین‌الملل می‌باشد، این است که آیا نهایتاً این اصل عدم شناسایی وضعیت‌های ناشی از نقض قواعد آمره مبنای عرفی دارد (چون بر می‌گردد به ۷۰ سال پیش)، یا مبنای قراردادی؟ به عبارتی دیگر آیا کمیسیون حقوق بین‌الملل با تنظیم ماده ۴۱ نوآوری کرده، توسعه تدریجی است یا اقدام به تدوین کرده؟ این بحث کماکان ادامه دارد.

عده‌ای معتقدند که تبدیل به قاعده عرفی شده چون دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مربوط به نامیبیا از دولت‌ها خواسته است که مشروعیت حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا را شناسایی نکنند. در سال ۲۰۰۴ هم در نظر مشورتی دیوار حائل، دیوان بین‌المللی دادگستری باز همین مطلب را از دولت‌ها می‌خواهد که شما دولت‌ها نبایستی آثار حقوقی ناشی از تعبیه و ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی را شناسایی کنید. ولی برای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کوزوو در سال ۲۰۱۰ این کافی نیست که بپذیرد عدم شناسایی کوزوو مبنای عرفی دارد.

به نظر من همکار عزیزم آقای کرافورد که گزارشگر ویژه طرح مسئولیت بود، برای منافع شخصی خود اولویت قائل شد تا منافع جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل. جالب است که ماده ۴۱ یکی از دستاوردهای آقای کرافورد است، و تفسیر آن را خود ایشان به نگارش درآورده است. آقای کرافورد بر این عقیده است که ماده ۴۱ به خصوص اصل عدم شناسایی، مبنای عرفی دارد. ولی آن موقع ما نمی‌دانستیم که آقای کرافورد در سال ۱۹۹۵ در دعوی بین پرتغال و استرالیا، مشاور استرالیا بود و در آنجا این نظر را اعمال می‌کند که استرالیا هیچ‌گونه تعهدی بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی برای عدم شناسایی ضمیمه‌سازی تیمور شرقی توسط اندونزی نداشته است. در آن زمان ما این موضوع را نمی‌دانستیم و گرنه این سوال را از او می‌پرسیدیم که آیا شما هنوز بر این عقیده هستید که عدم شناسایی فقط مبنای قراردادی دارد؟ جالب اینجاست که در دیوان بین‌المللی دادگستری آقای کرافورد می‌گوید تنها در مواردی که شورای امنیت قطعنامه صادر کند و از دولت‌ها بخواهد که وضعیتی را شناسایی نکنند، دولت‌ها موظف هستند که آن عمل خلاف حقوق بین‌الملل را شناسایی نکنند. آقای کرافورد در قضیه کوزوو وکیل دولت انگلستان بود و همان استدلال ۱۹۹۵ را در ۲۰۱۰ ارائه می‌کند، فارغ از اینکه در طول این مدت ایشان به مدت ۱۰ سال گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت و به ویژه

نگارنده ماده ۴۱ طرح مسئولیت بود. در هر صورت دیوان بین المللی دادگستری تحت تاثیر حرف های آقای کرافورد قرار می گیرد و در سال ۲۰۱۰ حرفی می زند که در تعارض با حرفی قرار می گیرد که در سال ۱۹۷۱ و ۲۰۰۴ در مورد نامیبیا و دیوار حائل ارائه می دهد.

تنها استدلالی که آقای کرافورد می تواند ارائه کند این است که ماده ۴۱ توسعه تدریجی است و هنوز تبدیل به حقوق موضوعه نشده است. ولی من یک مقدار تردید دارم، چرا که دیوان بین المللی دادگستری در دو مورد با صراحت این را می گوید. جامعه ملل نیز در این مورد قطعنامه را صادر کرده است.

مورد دوم مسئله عدم کمک و مساعدت به دولت خاطی مورد نظر یعنی ناقض قاعده آمره حقوق بین الملل می باشد، که باز در پاراگراف دوم ماده ۴۱ به آن اشاره شده است. الان ما با چندین قضیه مواجه هستیم که به همین مسئله عدم حمایت در حفظ وضع موجود بر می گردد.

سؤال: آیا جمهوری اسلامی ایران مجاز است که پرتقال های تولید شده در سرزمین های اشغالی توسط مهاجرین اسرائیلی را خریداری کند؟

اگر بخواهیم بند دوم ماده ۴۱ را مبنا قرار بدهیم، خرید پرتقال در جهت حفظ وضعیت موجود (وضعیت موجود ناشی از نقض یک قاعده آمره یا تعهد ارگا امنسی)، یعنی کمک در جهت ممانعت از اعمال اصل آزادی ملت فلسطین در تعیین سرنوشت، همین وضعیت را در صحرای باختری داریم. دولت های اتحادیه اروپا برای بهره برداری از منابع زنده مقابل سواحل صحرای باختری با دولت مراکش قرارداد منعقد می کنند. یعنی با این قرارداد، وضعیت موجود ناشی از اشغال صحرای باختری و ممانعت مراکش در اعمال اصل آزادی ملت ها در تعیین سرنوشت را استحکام می بخشند. مثال های دیگری هستند که متأسفانه فرصت نیست که من به آنها بپردازم.

اما در مورد ماده ۴۸ اینکه در صورت نقض یک تعهد ارگا امنسی یا عام الشمول همه دولت ها اعم از اینکه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به دلیل نقض این تعهد زیان دیدند، می توانند به مسئولیت دولت خاطی استناد کنند. این بحث به ویژه در ارتباط با تعهدات عام الشمولی که در قالب یک معاهده بین المللی منظور شده، بحث بسیار مهمی است. می خواهم توجه شما را به رای صادره ۲۰۱۲ دیوان بین المللی دادگستری در اختلاف میان سنگال و بلژیک جلب کنم. آیا دولت بلژیک که عضو کنوانسیون منع شکنجه می باشد و اتباعش هم ضرر و زیانی از اعمال شکنجه توسط چاد متوجه آنان نشده، می تواند مسئولیت دولت های چاد یا سنگال را که به این جلاد پناه داده اند، مطرح کند. دیوان بین المللی دادگستری به صراحت می گوید که این کار امکان پذیر است و میسر می باشد.

دیوان حقوق دریاها نیز درباره برخی ترتیبات کنوانسیون حقوق دریاها همین آورده را دارد که می گوید بعضی ترتیبات کنوانسیون حقوق دریاها، من باب مثال تعهدات مربوط به حمایت و حراست از محیط زیست دریای آزاد و منطقه

بین المللی اعماق از جمله تعهدات عام الشمول هستند و اگر دولتی به این محیط زیست خدشه وارد کند، همه دولت‌ها که به طور غیرمستقیم متضرر هستند، بر اساس ماده ۴۸ می‌توانند، طرح مسئولیت کنند. نظر مشورتی ۲۰۱۱ دیوان حقوق دریاها با صراحت به ماده ۴۸ استناد می‌کند. ماده ۴۸ این حق را به همه دولت‌ها می‌دهد جلوی این آلودگی را بگیرند و بر علیه دولتی که اقدام به آلودگی کرده، طرح دعوا کنند. آخرین موردی را که می‌توان مثال زد، طرح دعوی جزایر مارشال بر علیه ۹ دولت هسته‌ای در دیوان بین المللی دادگستری است و این یکی از بحث‌های بسیار مهم می‌باشد. ۵ دولت به صورت مجاز براساس ان.پی.تی حق داشتن سلاح هسته‌ای را دارند و ۴ کشور نیز به صورت غیر مجاز از سلاح هسته‌ای برخوردارند و سوال این است که آیا ماده ۶ کنوانسیون ان.پی.تی در مورد جلوگیری از گسترش و تکثیر سلاح، از زمره تعهداتی است که به عنوان تعهدات عام الشمول تلقی می‌شود یا خیر؟ باید منتظر پاسخ دیوان بین المللی دادگستری باشیم. ولی چیزی که در این دادخواست مهم است، این است که مخاطب دولت مارشال فقط دولت‌های عضو ان.پی.تی نیست، بلکه مخاطبش دولت‌های غیر عضو (اسرائیل، پاکستان، هند و کره شمالی) هم هست. به عبارتی برای جزایر مارشال، ماده ۶ که براساس یک سند بین المللی تعهدی عام الشمول است، به تعهد عام الشمولی که مبنایش عرف بین المللی می‌باشد، تبدیل شده است. به عبارتی حتی دولت‌های غیر عضو ان.پی.تی هم موظف هستند که به این ماده توجه داشته باشند و اگر توجه نکنند کلیه دولت‌های عضو ان.پی.تی متضرر خواهند بود.

این درست وضعیتی است که الان برای حقوق بشر کاملاً جا افتاده است. اگر دولتی با اتباع خودش بد رفتاری کند و به تعهدات خودش بر اساس کنوانسیون‌های حقوق بشری عمل نکند، همه دولت‌ها ذی نفع هستند که اخطارهای لازم را به دولت ناقض بدهند. همه در اجرای تعهدات این دولت ذی نفع هستند، حتی اگر به صورت مستقیم از نقض حقوق بشر متضرر نشوند. ما هم از همین رویه پیروی می‌کنیم، وقتی که معتقدیم که شیعیان بحرین حق و حقوقشان باید رعایت شود، یک تعهد ارگا امنسی است. این مسائل نشان می‌دهد که مباحث کماکان به قوت خود باقی است. به جز طرح دعوا در پیشگاه یک محکمه با رعایت ترتیبات پیش بینی شده که بعد به آن خواهیم پرداخت، دولت‌هایی که به صورت غیر مستقیم متضرر شدند، چه ابزارهای دیگری در اختیار دارند؟ این مطلبی است که در ماده ۵۴ طرح مسئولیت به آن اشاره شده است. این ماده مقرر می‌دارد که دولت‌هایی که به طور غیر مستقیم متضرر شده‌اند، می‌توانند از یک سلسله ابزارهای مشروع منطبق با حقوق بین الملل برای جلوگیری از ادامه نقض تعهدات عام الشمول دولت مربوطه استفاده کنند. یعنی مثلاً روابط دیپلماتیک میان خود و کشور متخلف را قطع می‌کنند یا اگر قرار است یک معاهده اقتصادی تجاری منعقد کنند، آن قرارداد را منعقد نکنند. ولی ماده ۵۴ صحبت از *counter measures* یا تحریم ندارد. هر چند در طرح اولیه این ترتیبات پیش بینی شده بود، ولی به دلیل مخالفت با طرح اولیه ماده ۵۴ در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، این ماده فقط صحبت از ابزارهای قانونی می‌کند. ولی بر عکس، قطعنامه انستیتوی حقوق بین الملل سال ۲۰۰۵ این حق را برای دولت‌ها قائل است که به تحریم متوسل شوند. یکی از استدلالاتی که به منظور توجیه تحریم‌هایی که علیه ایران صادر شده، همین ماده ۴۸ و ماده ۵ قطعنامه انستیتوی حقوق بین الملل می‌باشد و باید این را پذیرفت که

این ماده مبنای عرفی هم پیدا کرده و در طول چند دهه گذشته شاهد مواردی هستیم که دولت خاطی یک تعهد ارگا امنسی مورد تحریم قرار گرفته و هیچ نوع اعتراضی هم نشده است. فراموش نکنیم، در زمان اتحاد جماهیر شوروی وقتی که این کشور حقوق بشر را نقض می کرد، تحریم هایی که بر علیه لهستان و اتحاد جماهیر شوروی وضع شد، مورد مخالفت اکثر دولت ها قرار نگرفت. یا تحریم هایی که بر علیه آرژانتین بعد از اشغال جزایر مالویناس وضع شد، به تصویب تعداد زیادی از دولت ها رسید.



ج) نقش دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری در قضایایی درگیر بوده که یکی از طرف های مراجعه کننده به دیوان از سلسله مراتب حقوق بین الملل برای پیشبرد اهدافش استفاده کرده است.

همانطور که می دانید دولت ها از مشاوران حقوقی استفاده می کنند، به مشاوران حقوقی می گویند هدف ما چیست، ابزارها را خودتان پیدا کنید. در اغلب موارد مشاوران برای اینکه در پیشگاه دیوان بتوانند از پرونده بهترین دفاع را به عمل بیاورند، و به هدف نزدیک شوند و دیوان را قانع کنند، از سلسله مراتب استفاده می کنند. ولی خواهیم دید که دیوان به

همین سادگی قانع نمی‌شود، ولی علمای حقوق دست خود را باز می‌گذارند و مشخص می‌کنند که طرفدار سلسله مراتب هستند و این نهایتاً راه خودش را باز می‌کند.

در مورد این بحث دوم می‌خواهم دو موضوع اساسی را مطرح کنم؛ یکی مسئله مصونیت دولت، کارگزاران دولت و سازمان‌های بین‌المللی و دیگری اصل رضایت دولت در مراجعه به محاکم قضایی بین‌المللی و حتی داور. باید در نظر داشته باشیم در هر دو مورد ما با دو تاسیس کاملاً جدا افتاده حقوق بین‌الملل مواجه هستیم. اینجاست که این مسئله مطرح می‌شود که سلسله مراتب روی این دو تاسیس بنیادین حقوق بین‌الملل چه نفوذی می‌تواند داشته باشد؟

۱. مسئله مصونیت

مسئله مصونیت در این ارتباط برای اولین بار در قالب دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد. دولت انگلستان همزمان با اشغال کویت توسط عراق یا چند ماه بعد، یکی از اتباع خودش را (الادسانی) که به کمک کویت شتافته بود و ایراداتی به او از لحاظ حقوق بشری وارد بود دستگیر می‌کند و شکنجه می‌دهد. این شخص، وقتی به انگلستان بر می‌گردد، بر علیه دولت انگلیس در محاکم داخلی و بعد در دیوان اروپایی حقوق بشر طرح دعوا می‌کند. این رای ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ برای اولین بار به این مسئله می‌پردازد که سلسله مراتب چه تاثیری روی بحث مصونیت خواهد داشت. یا به عبارتی اگر دولتی اقدام به نقض یک قاعده آمره کند، کماکان می‌تواند به اصل مصونیت خود استناد کند؟ یا به دلیل اینکه یک قاعده آمره را نقض کرده، توسل به این اصل میسر و ممکن نیست. دیوان اروپایی حقوق بشر به این مسئله می‌پردازد و میان قضات یک اختلاف بسیار شدیدی به وجود می‌آید و تعدادی از استادان برجسته حقوق بین‌الملل، آقای کفریش سوئیسی و فراری برابو ایتالیایی معتقد بودند که در این گونه موارد چون دولت مرتکب یک نقض فاحش حقوق بین‌الملل، نقض یک قاعده آمره شده است، حق ندارد به مصونیت خود استناد کند، ولی در الادسانی دیوان اروپایی حقوق بشر رای بر حفظ مصونیت می‌دهد و با یک اختلاف، قضات اقلیت نتوانستند این نظریه را به دیوان بقبولانند که در این گونه موارد مصونیت جایگاهی ندارد.

بار دوم این مسئله در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دعوی بین کنگو و بلژیک مطرح می‌شود. حکم جلب وزیر امور خارجه کنگو که مرتکب جنایت فجیعی (جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت) شده بود، صادر می‌شود و مسئله محاکمه او نزد محاکم بلژیک مطرح می‌شود. اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا دولت کنگو و نهایتاً فرد وزیر امور خارجه می‌تواند به مصونیت خود کماکان استناد کند؟

دیوان با صراحت در رای ۲۰۰۲ از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر پیروی می‌کند و می‌گوید مصونیت یک اصل مسلم حقوق بین‌الملل است، فارغ از اینکه دولت مرتکب چه جنایتی شده یا نشده، کارگزار دولت بایستی از مصونیت در این مورد برخوردار باشد و هیچ رابطه‌ای بین مصونیت و مسئولیت وجود ندارد. اعطای مصونیت به وزیر خارجه کنگو که مرتکب این جنایات شده به معنای عدم مسئولیت این فرد نیست. مصونیت فقط یک سپر است که به صورت موقت عمل می‌کند و

در صورتی که فرد دیگر مقامی نداشته باشد و متصدی امور نباشد، مسئولیتش مگر در مورد مسائلی که در حیطه صلاحیت رسمی او بوده، از مصونیت برخوردار نیست. پس مصونیت و مسئولیت دو نهاد جدا از هم می باشند و به هیچ وجه سلسله مراتب نمی تواند در مورد مصونیت تأثیری داشته باشد. نهایتاً به رای ۲۰۱۲ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه آلمان و ایتالیا می رسمیم. همانطور که می دانید مسئله رسیدگی به جنایات ارتكابی توسط نیروهای مسلح آلمان در طول جنگ بین الملل دوم در ایتالیا مطرح بود و تعدادی از بازماندگان این جنایت و قربانیان جنایت بر علیه دولت آلمان در محاکم داخلی ایتالیا طرح دعوا می کنند. محاکم ایتالیا فارغ از اینکه دولت ها نزد محاکم داخلی از مصونیت برخوردارند، دولت آلمان را محکوم می کند. بدین دلیل که به سلسله مراتب استناد می کند و اینکه دولت آلمان مرتکب جنایات هولناکی شده و به هیچ وجه نمی تواند از مصونیت بهره مند شود و به مصونیت استناد کند. دولت آلمان هم بر این عقیده است که مصونیت یک تاسیس مسلم حقوق بین الملل می باشد. آقای دو پوئی مشاور دولت ایتالیا بود و آقای کلب مشاور دولت آلمان. آقای دو پوئی بر این عقیده بود که سلسله مراتب از بستر خودش یعنی کنوانسیون وین ۱۹۶۹ بیرون آمده است. در صورتی که مشاور آلمان معتقد به این بود که سلسله مراتب فقط در قالب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ قابل اعمال است و این مجادله بسیار زیبایی است و نهایتاً دو نظریه را خیلی خوب روشن می کند. نهایتاً دیوان بین المللی دادگستری طرف آلمان را می گیرد و همان رویه الادسانی و یرودیای ۲۰۰۲ را در پیش می گیرد و جالب، استدلال دیوان می باشد.

دیوان می گوید اعطای مصونیت به دولت آلمان فارغ از اینکه مرتکب جنایات بین المللی هولناکی شده، به معنای شناسایی این جنایات هولناک نیست. مصونیت با مسئولیت هیچ ارتباطی ندارد و بعد اضافه می کند با شناسایی مصونیت دولت آلمان آیا دیوان بین المللی دادگستری ماده ۴۱ طرح مسئولیت را نقض کرده؟ به یاد دارید که بند دوم ماده ۴۱ می گوید وضعیت ناشی از نقض قاعده آمره را شناسایی نکنید. واقعیت هم همین است که اعطای مصونیت به آلمان به معنای شناسایی جنایات ارتكابی توسط دولت آلمان نیست. عده زیادی به دیوان ایراد گرفتند، ولی این ایرادات بیشتر جنبه سیاسی داشت و بیشتر تحت تأثیر احساسات خودشان قرار گرفتند، ولی به هیچ وجه نمی توانیم، بگوییم شناسایی مصونیت آلمان به معنای شناسایی جنایات ارتكابی توسط دولت آلمان در طول جنگ بین الملل دوم است. به ویژه اینکه دیوان مسئله مسئولیت را مطرح می کند که دولت آلمان فارغ از مصونیت موظف است که خسارات وارده به افرادی که قربانی این جنایت هستند را پرداخت کند، ولی اصل مصونیت قداست دارد و اصل مصونیت را نمی توانید کنار بگذارید. ولی این حرف دیوان مورد قبول همگان نیست و کماکان شاهد آرای هستیم که در کشورهای مختلف صادر می شود و اصل مصونیت دولت را کنار می گذارد.

اگر مایل باشید توجه شما را به قانون کانادا جلب می کنم که چند ماه بعد از این رای صادر شده است مبنی بر اینکه که دولت کانادا اصل را بر این می گذارد که با در نظر گرفتن سلسله مراتب، دولت هایی که مرتکب نقض فاحش حقوق بین الملل شده اند و مرتکب جنایات و شکنجه شده اند، از مصونیت برخوردار نخواهند بود و این رویه دولت آمریکا نیز می باشد. جالب اینجاست که دادگاه فلورانس همین اواخر یک یا دو سال بعد از رای آلمان، مجدداً در موضع خود

پافشاری می‌کند. پس می‌بینیم حقوق بین الملل هنوز شکل نگرفته است. درست است که دیوان این مسیر را انتخاب کرده، ولی اعتراضات هنوز توسط برخی از دولت‌ها انجام می‌گیرد و این اعتراضات در دراز مدت می‌تواند اگر مورد استقبال قرار گیرد، منجر به تغییر نظام بین الملل شود.



آخرین مطلبی که در این بحث می‌خواهم مطرح کنم، مسئله مصونیت سازمان‌های بین‌المللی است. جالب است که دیوان اروپایی حقوق بشر مدتی اصل را بر این گذاشته بود که اگر افرادی که به دلیل نقض حقوق بین‌الملل توسط یک سازمان بین‌المللی خسارتی ببینند و راهی برای دسترسی به محاکم تاسیس شده توسط آن سازمان نداشته باشند و نتوانند احقاق حق کنند، سازمان نمی‌تواند از مصونیت برخوردار باشد. دو تا رای کندی و ویت در سال ۱۹۹۹ در دیوان اروپایی حقوق بشر صادر شده است. یعنی به عبارتی یک رویه ای جدا از رویه قضایی دولت‌ها و محاکم بین‌المللی را در پیش گرفت. ولی بعد از صدور رای آلمان ایتالیا، در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ مادران صبرینیکا، مادرانی که فرزندانشان در کشتار جمعی بوسنی و هرزگوین قتل عام شدند، دعوایی را در هلند و دیگر نقاط بر علیه سازمان ملل متحد که ترتیبات لازم را برای جلوگیری از این نسل‌کشی با حضور نیروهای پاسدار صلح اتخاذ نکرده بود، مطرح کردند. دیوان اروپایی حقوق بشر به رای ۲۰۱۲ آلمان علیه ایتالیا استناد می‌کند و بر این عقیده است که سازمان ملل متحد همانند دولت‌ها از مصونیت برخوردار است، هر چند که سازمان ملل موظف است خسارات وارده به دلیل نقض فاحش حقوق بین‌الملل را که مرتکب شده، پرداخت کند. دیوان اروپایی حقوق بشر هم از این رویه در مورد قضیه جونز پیروی می‌کند. به عبارتی دیگر می‌توانیم به

این نتیجه برسیم که سلسله مراتب حداقل در محاکم بین المللی تأثیری در اصل مصونیت دولت، کارگزاران و سازمان های بین المللی ندارد، در صورتی که برخی محاکم داخلی بر این عقیده هستند که این سلسله مراتب بایستی که موثر باشد.

۲. رضایت دولت در قبول صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری

ماده ۳۶ اساسنامه اصل را بر این می گذارد که دیوان در صورتی صالح برای رسیدگی به این دعواست که طرفین دعوای رضایت به صلاحیت آن دهند. ماده ۳۶ پایبندی دیوان به اصل رضایت دولت را مورد تأکید قرار می دهد. سوالی را که اینجا باید مطرح کرد این است که آیا سلسله مراتب این اصل را هم کنار می گذارد و در صورتی که دولتی مرتکب نقض قاعده آمره شود، دیگر نمی تواند به اصل رضایت استناد کند، همان طور که به اصل مصونیت نمی تواند استناد کند؟

این مسئله برای بار اول در رای پرتغال استرالیا مطرح شد. سوال این بود که رسیدگی به این دعوای حقوق دولت اندونزی را هم می تواند به نحوی خدشه دار کند، به عبارتی اگر دیوان بین المللی دادگستری به این نتیجه برسد که اشغال تیمور نقض یک قاعده آمره است، دولت استرالیا حق انعقاد قرارداد با اندونزی را نخواهد داشت، و این خود به خود موضع حقوقی دولت اندونزی را هم تضعیف می کند. در صورتی که اندونزی طرف دعوای نبود و رضایت خودش را اعلام نکرده بود. دیوان به همین ماده ۳۶ و اصل Monetary Gold استناد می کند که به موجب آن دیوان نمی تواند رایی را صادر کند که در موضع حقوقی دولت های غایب یا دولت هایی که به دلیل عدم رضایت در جریان رسیدگی شرکت نمی کنند، تأثیر بگذارد. این بحث در مورد دعوای کنگو علیه رواندا در سال ۲۰۰۶ مجدداً مطرح می شود، دولت رواندا صلاحیت دیوان را در مورد بررسی نسل کشی نپذیرفته بود. شایان ذکر است که ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۴۸ منع کشتار جمعی، اصل توسل به دیوان بین المللی دادگستری برای حل اختلافات ناشی از نقض و تفسیر را پیشنهاد می کند. با وجود آنکه دولت رواندا صلاحیت دیوان را نپذیرفته بود، دولت کنگو اصرار می ورزید که اصل رضایت در اینجا معنا و مفهومی ندارد. بنابراین دولت رواندا نمی تواند به اصل رضایت متوسل شود. در اینجا نیز دیوان همان رویه ۱۹۹۵ در دعوای تیمور شرقی را دنبال می کند و به این نتیجه می رسد که نقض یک قاعده آمره به خودی خود صلاحیت ایجاد نمی کند و دولت ها را حتی اگر مرتکب چنین جنایات هولناکی شده باشند، تا زمانی که صلاحیت دیوان را نپذیرفته باشند، نمی توان به پای میز محاکمه کشاند.

با مثال هایی که ذکر شد مشخص است که خدشه ای به پای بندی دیوان به اصل رضایت در مورد دعوای بین دولتی وارد نشده است. ولی احساس می شود که پایبندی دیوان به این اصل در زمان صدور نظر مشورتی کمی متزلزل شده است. مثالی را که می خواهم عنوان کنم در ارتباط با نظر مشورتی در پرونده دیوار حائل می باشد، همانطور که می دانید وقتی که از دیوان بین المللی دادگستری نظر مشورتی درخواست می شود، دولت ها می توانند در رسیدگی کتبی و شفاهی شرکت کنند و حتی صلاحیت دیوان را زیر سوال ببرند.

استدلال اسرائیل در لایحه ای که داد، دقیقاً استناد به همین مسئله رضایت است. اسرائیل معتقد است پاسخ دیوان به این سوال که چه آثاری حقوقی بر ساخت دیوار مترتب است، نهایتاً در موضع دولت اسرائیل و به خصوص در مذاکراتی که با بازیگران غیر دولتی مثل فلسطین یا دولت فلسطین و دیگر دولت‌ها انجام می‌دهد، تاثیر خواهد گذاشت. نهایتاً دولت اسرائیل به این نتیجه می‌رسد که دیوان نباید خود را صالح برای رسیدگی به این درخواست، معرفی کند و نظر مشورتی ارائه کند. جالب اینجاست که بعضی از دولت‌های غربی نیز همین موضع را اتخاذ کردند. دولت فرانسه، انگلستان، آمریکا و تمام کشورهای غربی می‌گفتند دیوان نباید به این سوال پاسخ دهد.



نهایتاً دیوان به این سوال پاسخ داد. اما دیوان چگونه توانست این معضل و مشکل یعنی اصل رضایت را حل کند؟ پاسخ دیوان دقیقاً توجه به سلسله مراتب می‌باشد. در مواردی که منافع جامعه بین‌المللی یعنی صلح جهانی مطرح است، به سلسله مراتب توجه می‌کند. دیوان این اصل را در مورد صدور نظریه مشورتی می‌تواند دور بزند، نهایتاً دیوان این کار را کرد و فراتر از سوالی که از او شده بود، پاسخ داد. چون دیوان به این نتیجه رسید که ساخت دیوار در تعارض با حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و با تعهدات دولت اسرائیل بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در تعارض است و دولت‌ها موظف هستند که از شناسایی آثار حقوقی ناشی از ساخت دیوار خودداری کنند و اینکه اسرائیل رضایت داده باشد یا خیر، به هیچ وجه مانع از صدور نظر مشورتی نخواهد بود.

نتیجه

۷۰

بنده شخصاً فکر می‌کنم که نهایتاً سلسله مراتب در حکم یک چاشنی است. چاشنی که می‌تواند به توسعه حقوق بین الملل کمک کند، البته نه از نوع چاشنی های انفجاری تفنگ، بلکه عاملی برای پیشرفت حقوق بین الملل. بدین معنا که ما نباید این انتظار را داشته باشیم که سلسله مراتب منجر به دگرگونی حقوق بین الملل و فروپاشی کلیه تاسیسات حقوق بین الملل همچون اصل مصونیت، اصل جانشینی دولت ها به معاهدات و اصل رضایت دولت ها به قضاوت شود. چون به نظر من عواقب سختی را به دنبال خواهد داشت. ولی وقتی صحبت از چاشنی می‌کنیم، این بدان معناست که آن دسته از دولت ها یا علمایی که طرفدار تسری سلسله مراتب به دیگر بخش های حقوق بین الملل هستند، می‌توانند از فرصت های مختلف استفاده کنند، برای اینکه در شکل گیری و توسعه حقوق بین الملل نقش داشته باشند.



وقتی که بحث مربوط به مصونیت در کمیسیون حقوق بین المل مطرح شد و بعد هم به کمیته ششم ارجاع شد و نهایتاً یک کارگروه مسئول نگارش طرح مصونیت ۲۰۰۴ شد، عده ای بر این عقیده بودند که از این فرصت استفاده کنیم و سلسله مراتب را در تعیین یک سلسله استثناء بر اصل مصونیت در همین کنوانسیون بگنجانیم. این حرف، اول در کمیسیون حقوق بین الملل مطرح شد که اگر دولتی مرتکب جنایاتی شد و قواعد آمره حقوق بین الملل را نقض کرد، در کنوانسیون قید شود که این دولت نمی‌تواند به مصونیت خودش استناد کند. این کوشش حقوقدانان و بعضی از دولت ها در قالب کمیته ششم به نتیجه نرسید و طرح اولیه و تصویب کنوانسیون ۲۰۰۴ استثنایی را در این مورد قائل نیست. چنین امری، این را نشان می‌دهد که تاثیر گذاری سلسله مراتب موکول به رضایت دولت است و دولت ها هنوز اکراره دارند که سلسله مراتب به

عنوان یک میکروب کلیه بخش های حقوق بین الملل را در بر گیرد و به یک میکروب واگیر تبدیل شود که نهایتاً ممکن است نظام بین المللی را منهدم کند.

پخش کلیپ و تصاویر برگزیده آکادمی لاهه در ارتباط با تدریس استاد ممتاز و تشویق دانشجویان حاضر در آکادمی، پایان بخش نشست بود که با تشویق حاضران در سالن خانه اندیشمندان و فضایی آکنده از شور و غرور ملی گره خورد.

جلسه پرسش و پاسخ با عنوان «سازمان ملل متحد در آستانه هفتاد سالگی: ارزیابی عملکرد»

تهیه و تنظیم: ناصر سرگران

۷۲

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری کمیته دانشجویی انجمن و مرکز اطلاعات ملل متحد در تهران، در آستانه هفتاد سالگی سازمان ملل متحد جلسه گفتگویی را به منظور ارزیابی عملکرد این سازمان با حضور آقای گری لوئیس - نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران - و جمعی از دانشجویان و پژوهشگران در روز یکشنبه مورخ ۰۴ آبان ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در مرکز اطلاعات ملل متحد برگزار کرد.

در ابتدای نشست دکتر نسرین مصفا - رئیس انجمن - ضمن اشاره به همکاری های نزدیک و ادامه دار انجمن و مرکز اطلاعات ملل متحد در تهران، برگزاری این نشست که فرصتی برای پرسش و پاسخ مستقیم با نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران است را ابتکاری نو در فعالیت های انجمن تلقی کردند.

شرکت کنندگان در جلسه پرسش های خود را حول دو محور کلی مسائل سازمان ملل متحد در سطح ایران و بین الملل مطرح نمودند که مسائل مطروحه به شرح ذیل بود:

الف. مسائل ایران

آقای گری لوئیس در پاسخ به پرسشی در ارتباط با اقدامات سازمان ملل متحد برای نجات دریاچه ارومیه، ضمن تفصیل ابعاد مسأله و چالش های زیست محیطی موجود در ایران به اقدامات برنامه عمران ملل متحد، ملاقات های خود با مقامات ایرانی از جمله رئیس سازمان محیط زیست و بازدید از دریاچه ارومیه اشاره کردند و اعلام نمودند که این سازمان حتی الامکان تلاش های خود را در حفاظت از دریاچه ارومیه و جلوگیری از وخیم تر شدن اوضاع انجام خواهد داد.



ایشان در خصوص سؤالی در ارتباط با اقدامات مرکز اطلاعات ملل متحد در تهران، به تشریح نقش بسیار مهم مرکز و فعالیت های انجام شده توسط این نهاد و به ویژه همکاری با سازمان های مردم نهاد در ایران پرداختند.

چگونگی رابطه مراکز مقیم ملل متحد در تهران با دولت جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر عملکرد این نهاد ها و همچنین رابطه دولت ایران با دبیرکل فعلی سازمان ملل متحد پرسش دیگری بود که آقای لوئیس به آن پاسخ گفت.

ایشان ضمن اشاره به نقش مثبت ایران و نیز همکاری دولت با نهاد های سازمان ملل متحد در تهران به توسعه فعالیت های گسترده این سازمان در ایران به ویژه در سال های اخیر اشاره داشتند و به طور کلی روابط دو جانبه نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی ایران را مثبت و سازنده ارزیابی کردند. در همین راستا نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران ضمن تردید در کاهش فعالیت های مؤسسات و برنامه های ملل متحد در ایران که از سوی یکی از شرکت کنندگان مطرح شد، بر رشد روزافزون این برنامه ها در طول سالیان گذشته اشاره داشتند.

ب. مسائل بین المللی

بخش دیگری از پرسش های شرکت کنندگان به عملکرد سازمان ملل در عرصه بین الملل اختصاص داشت. نقش ملل متحد در ارتقای حقوق بین الملل، بحران های خاورمیانه و اعمال گروه های تروریستی، شناسایی دولتها و اصلاح منشور ملل متحد از جمله پرسش های مطرح شده در این حوزه بود.

آقای لوئیس به نقش و اهمیت برگزاری جلسات و همایش ها، برنامه های علمی و عملی مختلف از سوی نهاد های وابسته به سازمان ملل متحد در جهت ارتقای فهم و درک صحیح از حقوق بین الملل اشاره نمودند.

ایشان همچنین در خصوص اصلاحات در سازمان ملل متحد، به طرح ابعاد مختلف اصلاح منشور پرداختند و بر ضرورت این امر در چارچوب منشور ملل متحد تأکید کردند.



نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران در خصوص شناسایی دولت ها و نقش سازمان ملل متحد در این زمینه، با توجه به عضویت حداکثری کشورهای جهان در سازمان و همچنین جایگاه منشور ملل متحد در عرصه بین المللی، شناسایی دولت ها در رویه سازمان ملل را مورد توجه قرار دادند.

نشست تخصصی «زنان، صلح و امنیت بین‌المللی»

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۷۵

نشست زنان، صلح و امنیت بین‌المللی در روز چهارشنبه مورخ ۳۰ مهر ماه ۱۳۹۳ از سوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه و دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران برگزار گردید.

سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و تلاوت قرآن کریم آغازگر این مراسم بود و پس از آن خانم فاطمه یآوری، دبیر دانشجویی نشست زنان، صلح و امنیت بین‌المللی به تمامی حضار و شرکت‌کنندگان در نشست خیر مقدم گفتند.

سخن‌آغازین نشست توسط آقای گری لوئیس - نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران - خدمت حضار ارجمند ارائه گردید. ایشان در ابتدا پیام دبیرکل ملل متحد را به مناسبت سالروز تأسیس این سازمان قرائت نمودند و سپس مطالبی را در خصوص موضوع نشست بیان کردند: «وجود سازمان ملل متحد در این هنگامه بحران‌های گوناگون بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است. فقر، تغییرات آب و هوایی، جنگ، قاچاق و بهره‌کشی از انسان‌ها از این طریق و دیگر بحران‌های کنونی، جهانی ناامن را به وجود آورده است. ملل متحد بر اساس تعهدی مهم به مردم جهان برای خاتمه تهدید علیه منزلت انسان و هدایت راه به سوی آینده تأسیس شد. هر چند ناکارآمدی‌های بسیاری وجود داشته است اما اقدامات متعددی نیز در مسیر حرکت این سازمان انجام شده است. معاهدات سازمان ملل متحد در مورد نابرابری، منع شکنجه و نژادپرستی از مردم حمایت کرده است. نیروهای حافظ صلح ملل متحد نیروهای متخصص را از یکدیگر جدا کرده‌اند و میانجی‌گران در حل و فصل اختلافات کمک کرده و نیز امدادگران ما در شرایط بحرانی ارائه خدمت نموده‌اند. در این برهه حساس اجازه دهید بر تعهد خود برای توانمندسازی به حاشیه رانده شده‌ها و آسیب‌پذیرها تأکید کنیم. در روز ملل متحد مردم را فرامی‌خوانیم که برای سعادت مشترک تلاش مشترک نماییم». (پیام دبیرکل ملل متحد به مناسبت سالروز تأسیس سازمان)

در ادامه ایشان نکاتی را در خصوص موضوع نشست بیان کردند مبنی بر اینکه در قرن نوزدهم چالش اصلی زندگی نوع بشر خاتمه دادن به بردگی بود. در قرن بیستم، نوع بشر باید برای مبارزه با توتالیتاریسم تلاش می‌کرد. به نظر ایشان، چالش اصلی نوع بشر در قرن بیست و یکم جنبه اخلاقی بسیاری دارد و آن بردگی و سوء استفاده از زنان است: «من تقریباً سه دهه است که برای سازمان ملل متحد کار کرده‌ام و شاهد مسائل بسیار تأسف بار علیه زنان بوده‌ام؛ تجاوز به عنوان یک ابزار جنگی، ختنه زنان، حاملگی اجباری و سقط جنین‌گزینشی که در آن جنین دختر سقط شده و جنین پسر حفظ می‌شده است، قاچاق زنان و دختران و نیز حملات اسیدی علیه زنان. این موارد نتیجه احساس برتری مردان بر زنان است. هر گونه خشونت علیه زنان در هر زمان باید از بین برود. در جامعه جهانی تاکنون قطعنامه‌ها و اسناد متعددی در راستای

حمایت از زنان علیه این خشونت‌ها تصویب شده است و این روند باید ادامه یابد. آموزش صلح باید از خانه آغاز شده و وجهه آموزشی و فرهنگی ضد زن باید از بین برود. در مورد ارتقای وضعیت زنان و رفتار با آنها باید برابری، حقوق بشر، احترام، به رسمیت شناختن و منزلت انسانی را نیز در نظر داشت».

پس از آقای لوئیس، دکتر سعید منصوری - رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه - به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان اشاره داشتند که حقوق بشردوستانه بین المللی در واقع اساس و بنیادش حمایت از افرادی است که در جنگ مشارکت نداشته اند از جمله زنان و کودکان. میزان آسیب پذیری زنان در جنگ‌ها به خاطر مسئله جنسیت بیشتر از کودکان است. زنان اسیر، پس از جنگ دوم جهانی این در موردشان مطرح میشد که با دید حمایتی وسیع تری با آنها برخورد شود. ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو بیانگر حمایت از غیرنظامیان به ویژه زنان است. این حمایت به اقتضای جنس زنان است. در منازعات بین دولت‌ها تعداد زیادی از زنان مورد تهاجمات جنسی قرار گرفته اند؛ در بوسنی هرزگوین، کویت، تیمور شرقی و

در حال حاضر نیز گروه داعش نوع عملکردی را در مورد غیرنظامیان به ویژه زنان اتخاذ کرده است که بسیار دهشتناک است. خشونت و رفتارهای پست انسانی علیه زنان به پایان نرسیده است. مشکل اصلی به ضمانت اجراهای حقوق بشردوستانه بین المللی باز می گردد. میزان حمایت‌های به عمل آمده در کنوانسیون‌های ژنو از زنان در خصوص جایگاه حفظ شرافت و عدم شکنجه و آزار و تجاوز به آنها کفایت نمی کند. ایشان هم چنین به جایگاه زن در ادیان نیز اشاره ای نمودند از جمله اینکه در قرآن - کتاب مسلمانان - به زنان و جایگاه برخی از زنان بزرگ در طول تاریخ بشریت اشاره شده است.

آقای اولیویه مارتین - رئیس دفتر کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران - در بیانات خود در خصوص موضوع نشست ضمن تحسین انجمن به خاطر فعالیت‌های خود در طول این سال‌ها، اشاره داشتند که با آگاهی از نقش زنان در سطوح مختلف جامعه ایران، حضور در این کنفرانس و طرح برخی چالش‌هایی که در کشورهای محل درگیری شاهد آنها بوده ایم، امتیاز بزرگی است. ایشان بیان کردند که در طول سال‌های گذشته خشونت‌ها در بالاترین سطوح سیاسی و سازمانی مورد توجه قرار گرفته است که منجر به تلاش رسمی دولت‌ها در خصوص پایان بخشیدن به خشونت جنسی در مخاصمات در ژوئن ۲۰۱۴ گردیده است. قربانیان خشونت اغلب اوقات به خاطر شرم و ترس از بیان بلاهایی که سر آنها آمده است خودداری می کنند که این امر مانع از جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص جنایت جنسی و نیز مانع از پاسخ دهی موثر به نیازهای قربانیان در چنین مواردی می شود. ایشان تأکید کردند که این زنان هستند که در طول مخاصمه و نیز پس از آن که باید با پیامدهای جنگ بدون وجود هیچ اهرم حمایتی مقابله کنند. زنان همواره باید ضمن تحمل سختی انتظار از خبر گرفتن از نزدیکان خود، باید محافظت و کنترل اقتصادی فرزندان را چه در مخاصمه و چه پس از آن بر عهده گیرند در عین حال که خودشان قربانی انواع خشونت‌ها در مخاصمات هستند. ایشان هم چنین تأکید کردند که هیچ کس تصادفاً مورد

تجاوز قرار نمی‌گیرد. خشونت علیه زنان آسیب جانبی مخاصمات نیست و به دیگر اشکال خشونت یعنی قتل و جراحت‌ها مرتبط است. آقای اولیویه مارتین هم چنین بیان داشتند که در سال ۲۰۱۱ در جریان سی و یکمین کنفرانس صلیب سرخ و هلال احمر برنامه کاری در خصوص اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه طراحی گردید مبنی بر اینکه دولت‌ها موارد خشونت‌های جنسی علیه زنان را باید مورد پیگرد جدی قرار دهند.

در ادامه دکتر نسرین مصفا - رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - ضمن عرض سلام و خیر مقدم خدمت حضار محترم، بیان کردند که برای انجمن مایه مباحثات است که در ایام سالگرد تأسیس ملل متحد مراسمی را برگزار کند و به خصوص در سال جاری به موضوع پر اهمیت زنان، صلح و امنیت بین‌المللی بپردازد و این اولین بار است که انجمن در طول ۱۴ سال فعالیت خودش به بررسی موضوع زنان، صلح و امنیت بین‌المللی به طور تخصصی پرداخته است.

دکتر مصفا در ادامه اشاره کردند که بنا بر گفته بوطروس غالی - دبیرکل اسبق ملل متحد - موضوع زنان از تمام موضوعاتی که ملل متحد به آن پرداخته است، توجه بیشتری را جلب کرده و در حال حاضر در کنار منشور ملل متحد که می‌توان آن را اساس توجه به زنان و برابری تلقی کرد، مجموعه اسناد ارزشمند دیگری در این حوزه تصویب شده‌اند، به طور مشخص قطعنامه ۱۳۲۵ یک قطعنامه هنجار ساز و مهم در خصوص نقش زنان در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. با توجه به مفاد این سند، زنان را از سه منظر می‌توان مورد توجه قرار داد: ۱. زنانی که مشارکت‌کننده در جنگ‌ها هستند. ۲. زنان به عنوان قربانیان جنگ‌ها. و نیز ۳. حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به انعقاد و اجرای موافقت‌نامه‌های صلح.

دکتر مصفا تأکید کردند که نمی‌توان نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را در جرم‌انگاری خشونت علیه زنان نادیده گرفت و نیز این چنین نیست که نقش زنان در صلح و امنیت بین‌المللی را فقط به مخاصمات مسلحانه محدود کنیم، بلکه امروزه هر موضوعی که در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار دارد، به موضوع زنان نیز ارتباط دارد. بنابراین در این نشست فقط بخشی از موضوعات زنان، صلح و امنیت بین‌المللی را می‌پوشاند اما نسبت به تمامی موضوعات مرتبط با زنان باید بررسی علمی کافی صورت گیرد. ایشان در ادامه اشاره داشتند که ملل متحد طی قریب به ۷۰ سال فعالیت خود در عرصه بین‌المللی نقشی بسیار پررنگ در هر واقعه‌ای داشته است اگر چه نمی‌توان از مشکلات عملکردی و انتقادی که سازمان با آن مواجه است؛ غافل شد و نگاه به این سازمان باید نگاهی حکیمانه باشد.

در ادامه دکتر مصفا از تمامی استادان و سخنرانان محترم برای مشارکت در نشست تشکر نمودند و برای ادامه بررسی علمی موضوعات زنان در چارچوب نشست‌ها و کنفرانس‌های علمی اظهار امیدواری کردند.



جلسه نیمروز نشست با مدیریت خانم نازنین قائم مقامی و دکتر پوریا عسگری در پانل اول نشست تحت عنوان «زنان، صلح و امنیت بین المللی» آغاز گردید. خانم قائم مقامی روز ملل متحد (در دوم آبان ماه) را به همه حضار تبریک گفتند و به مسئولیت همگان برای پیشگیری از خشونت و محاکمه و مجازات عاملان خشونت علیه زنان که پیام دیبر کل ملل متحد در جلسه افتتاحیه کمیسیون مقام زن در ۲۵ فوریه ۲۰۰۸ در مقر سازمان ملل متحد بوده است، اشاره کردند.

اولین سخنران پانل اول دکتر حمیرا مشیرزاده - استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - به موضوع «جنبش های صلح زنان» پرداختند. ایشان بیان کردند که تداوم خشونت یکی از خصوصیات تاریخ بشری به نظر می رسد. جنگ همیشه همراه با آرمان صلح بوده است و ادیان و اندیشمندان هم آرمان صلح را در نظر داشته اند. «در نظریه های روابط بین الملل هم اگر چه معمولاً واقع گرایی را به عنوان نقطه مقابل صلح گرایی تعریف می کنند اما واقع گرایان هم آرمان صلح را مطرح می سازند. بعد از جنگ های ناپلئونی هست در قرن نوزدهم که جنبش صلح شکل می گیرد و از همان ابتدا زنان به آن می پیوندند و جنبش های صلح زنان را شکل می دهند».

ایشان در ادامه به جنبش های صلحی که زنان در آن شرکت داشته اند و جنبش های زنان برای صلح که رهبری و سازماندهی آن به عهده زنان بوده است، اشاره کردند و مروری بر زمینه های جنبش صلح در غرب و پیوستن زنان به آنها، اهداف جنبش صلح و تحولات این جنبش ها کردند.

«امروزه بر این مسئله تأکید می شود بیشترین شرکت کنندگان در جنبش های صلح زنان هستند؛ هر چند آمار و ارقام تقریباً وجود یک موازنه را بین شرکت کنندگان مرد و زن نشان می دهد اما این مشارکت بیشتر زنان در شرایطی است که به طور عادی زنان در جنبش های اجتماعی حضور کمتری دارند، حال چرا تمایل به مشارکت در جنبش های صلح از

سوی زنان بیشتر هست باعث شده که رویکردهای متفاوتی ارائه شود؛ از جمله رویکرد ذات گرایانه که تأکید دارد بر صلح طلبی ذاتی زنان. در کنار آن رویکرد جامعه شناختی است که به نفی رویکرد ذات گرایانه پرداخته و تأکید می‌کند که دختران و پسران جامعه‌پذیری متفاوتی دارند و رویکرد سوم این است که زنان تجربه‌ای که از جنگ دارند و نوع خشونت‌هایی که تحمل می‌کنند، تمایل بیشتری به صلح طلبی دارند. صرف نظر از اینکه زنان آیا تمایل بیشتری به صلح طلبی دارند یا خیر، باید بدانیم که جنبش صلح طلبی یک جنبش متأخر هست».

دکتر مشیرزاده در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری جنبش صلح به تحولات فن‌آورانه که منجر به تشدید آثار مخرب سلاح‌ها و تشدید آثار جنگ‌ها می‌شود، اشاره کردند. هم‌چنین بیان کردند از نظر ذهنی دو گفتمان وجود دارد که الهام بخش حضور زنان است؛ گفتمان رمانتیک که در قرن نوزدهم مطرح می‌شود مبنی بر اینکه زنان بر اساس احساساتشان اگر متحد شوند، خونی ریخته نمی‌شود و دیگری گفتمان فمینیستی است که در کنار بیان آزادی‌ها و حقوق برابر برای زنان، جهان فارغ از خشونت را مطرح می‌سازد. در خصوص علت پیوستن زنان به جنبش‌های صلح از نظر عینی می‌توان به بهبود امکانات مادی در اختیار زنان و نیز آزاد شدن وقت زنان برای حضور در عرصه اجتماعی اشاره نمود.

«جنبش‌های خاص صلح اهداف خاصی دارند مانند جلوگیری از یک جنگ، اهداف خاص، جلوگیری از استقرار یک سلاح. جنبش‌های عام صلح جهان در قرن نوزدهم که شروع می‌شوند سه شکل کلی دارند؛ لیبرال یا محافظه‌کار که در واقع جنگ را در معنای کلاسیک معنا کرده و بر نهادهای حل و فصل اختلاف بین‌المللی برای خاتمه جنگ تأکید می‌کردند، جنبش رادیکال طبقه متوسط که شرط صلح را دموکراتیک شدن جوامع می‌دانست و یک جنبش سوسیالیستی که شرط صلح را آرمان‌های سوسیالیستی می‌دانست. زنان در هر سه جنبش حضور داشتند و بعد به تدریج هم در اروپا و هم در آمریکا سازمان‌های خاص خودشان را تشکیل دادند ولی خودشان در قالب کمیته‌ها، باشگاه‌ها و ... به دنبال سازماندهی‌های زنانه بودند. به ویژه اینکه آنها با خودآموزی و آموزش به دیگران برای تربیت نسلی که جنگ طلب نباشند، در پی فرهنگ صلح بودند. در اروپا جنبش صلح، نفی هر گونه جنگ نبود بلکه جنگ‌های ناسیونالیستی و دفاعی را رد نمی‌کردند، اما در آمریکا کلاً نفی خشونت و جنگ می‌کردند و حتی در شرایط اشغال و حمله هم جایز نمی‌دانستند. جنبش‌های عام صلح زنان نیز با تشکیل کمیته‌ها و حزب صلح زنان در جریان جنگ اول جهانی شکل می‌گرفتند».

در ادامه ایشان به جنبش‌های صلح در آسیا و آفریقا و نیز زنان در جنبش‌های خلع سلاح پرداختند و در نهایت تأکید نمودند که از همان موج اول جنبش زنان ما شاهد این هستیم که آرمان‌های زنان با آرمان‌های صلح و ضد جنگ هماهنگ بوده و مفهوم وسیع‌تری از صلح مطرح می‌شود که همان نفی هرگونه خشونت می‌باشد و زنان تأثیر بسیاری بر فعالیت سازمان ملل در زمینه صلح و آرمان‌های صلح داشته‌اند.

دکتر فریده شایگان - استاد پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران - سخنرانی خودشان را در خصوص «شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه» ارائه کردند: «خشونت علیه زنان در مخاصمات به ویژه

خشونت های جنسی در سطح وسیع باعث شد تا قطعنامه های خاص موضوعی در این مورد صادر شود از جمله قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سال ۲۰۰۰ بوده است. این قطعنامه ها حالت کلی دارند و متمرکز بر یک مخاصمه خاص نیستند. چرا شورای امنیت در کنار قواعد حقوق بشردوستانه موجود به لزوم صدور قطعنامه در موضوع زنان توجه نموده است؟ اگر نگاهی به حدود ۴۰ ماده در معاهدات حقوق بشردوستانه بیندازیم که به حمایت از زنان پرداخته اند، می بینیم که این حمایت متمرکز به جنس زنان است و به زنان باردار و شیرده اختصاص دارد، یعنی شخص مورد حمایت بیشتر کودک است تا زن. در کنوانسیون های ژنو حمایت ها را در چارچوب مبارزه با تعرض به کرامت انسانی مطرح ساخته است. در این راستا در خصوص حقوق بشردوستانه بین المللی از سوی فمینیست ها و ارکان ملل متحد نه به عنوان یک انتقاد بلکه به عنوان یک واقعیت گفته شده است که حمایت های حقوق بشردوستانه بین المللی در حوزه حمایت از زنان، جنسیت محور نیستند، بلکه بیشتر مبتنی بر جنس هستند تا جنسیت و نقش های اجتماعی زنانه و مردانه که از جامعه ای به جامعه دیگر فرق دارند».

دکتر شایگان در ادامه این سوال را مطرح ساختند که حال آیا قطعنامه های شورای امنیت تنها به تضمین اجرای حقوق بشردوستانه بین المللی پرداخته است یا فراتر از آن سعی کرده که خلاءهای حقوق بشردوستانه بین المللی در حمایت از زنان را پاسخ دهد؟ و سپس به بررسی قطعنامه ۱۳۲۵ و نیز نقش سایر قطعنامه ها در خصوص حمایت از زنان پرداختند: «قطعنامه ۱۳۲۵ در زمره قطعنامه های تقنینی بوده که تلاش آن بر هنجارسازی است. با توجه به استفاده سیستماتیک از خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگی، تمرکز بر خشونت جنسی در این قطعنامه قابل درک است. خشونت جنسی جنایتی است که اهداف متعددی از اعمال آن دنبال می شود؛ صدمه به کرامت و شرافت انسانی نتیجه اصلی خشونت است اما تنها نتیجه نیست، استفاده از خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگی غالباً توأم بوده است با حاملگی اجباری به قصد تغییر بافت قومی جمعیت که به خصوص در بوسنی هرزگوین دیده می شود. تهدید علیه زنان در جنگ متمایز از تهدیدی که جمعیت غیر نظامی در کل با آن مواجه است. در بند پنجم قطعنامه به نقش زنان در پیشگیری از مخاصمه، حل و فصل مخاصمه و صلح سازی تأکید شده است. بر خلاف حقوق بشردوستانه بین المللی که اصولاً زن را به عنوان قربانی در نظر می گیرد، قطعنامه ۱۳۲۵ می خواهد به زن کمک کند که از قربانی به یک بازیگر تبدیل شود، در مخاصمه و بعد از آن. قطعنامه بر مأموریت های حفظ صلح و صلح سازی متمرکز است و مخاطبین آن، طرفین مخاصمه و ارکان ملل متحد باشند. در مورد نهادهای ملل متحد، شورای امنیت توانسته است تغییراتی ایجاد کند و رکن جنسیتی را به وجود آورد و سیاست تبدیل جنسیت به عنوان یک روند عمومی را به اجرا بگذارد. در بند نهم قطعنامه از دولت ها می خواهد تا با عنایت به اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، تعهدات خود را در مقابله با جنایتکاران و حمایت از زنان عمل کنند. در بند دهم نیز از طرفین مخاصمه می خواهد از زنان و دختران در برابر جنایات مبتنی بر جنسیت حمایت کنند. درج مقررات راجع به توانمند سازی زنان در این قطعنامه ها با وجود اختلاف نظر دولت ها شایان توجه است و این سند سعی کرده تا بهره برداری از کلیشه های جنسیتی را پایان دهد».

دکتر شایگان در پایان سخنرانی خود به بررسی پیشرفت یا پسرفت در سایر قطعنامه‌های شورای امنیت پرداختند و اشاره داشتند که در ابتدا سازمان‌های مردم‌نهاد و برخی از رویکردهای فمینیستی مخالف با تصویب قطعنامه‌های دیگر از سوی شورای امنیت بوده و بر این باور بودند که ملل متحد باید بر اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ متمرکز شود تا تصویب اسناد دیگر. در نتیجه مادام که به زنان به عنوان قربانی نگاه شود و مشارکت فعال آنان در صلح‌سازی حاصل نشود، و تا زمانیکه خشونت علیه زنان یک فاجعه ننگ‌آور محسوب گردد، اصلاحات جزئی ممکن است انجام شود اما اصلاحات ساختاری هم چنان باقی خواهند ماند.



پانل دوم نشست با عنوان «خشونت علیه زنان از منظر جامعه‌شناختی و روانشناختی» با مدیریت سرکار خانم نازنین قائم مقامی و دکتر پوریا عسگری ارائه گردید.

دکتر شهلا اعزازی، سخنرانی خودشان را در خصوص موضوع «خشونت علیه زنان و باورهای فرهنگی» بیان کردند: «تاریخ جهان مملو از خشونت است، همیشه عده‌ای خودشان را به حق می‌دانستند و به هر علت به منابع قدرت دسترسی داشتند و از آنجا که در این جوامع نابرابری به عنوان یک اصل پذیرفته شده بود، قدرتمندان تا جایی که می‌توانستند ظلم می‌کردند. جنگ‌ها هم سراسر خشونت بود و باید این حس برتری را به هر طریق به افراد تحمیل می‌کرد.

در جنگ اول و دوم جهانی، جنایت بسیاری علیه زنان صورت گرفت اما مورد توجه واقع نشد. سربازان شوروی به حدود ۲ میلیون زن آلمانی تجاوز کردند و نیز بعد از جنگ دوم جهانی مسئله «زنان آرامش» مطرح شد که دولت ژاپن زنانی را از چین و کره برای آرامش سربازان خود در اماکنی برای بردگی جنسی نگهداری می کرد. در ربع چهارم قرن بیستم، جنگ های داخلی شروع به وقوع کردند. خشونت در جنگ های داخلی بسیار شدید است. در رواندا عمده خشونت ها علیه افراد معمولی و به خصوص نسبت به زنان بوده است و تعداد تجاوزهای به عنف بسیار بالاست. این نشان می دهد که تجاوز یک عمل احتمالی یا اتفاقی نیست بلکه یک سلاح و ابزار جنگی است».

دکتر اعزازی در ادامه بیان کردند که روان شناسان و جامعه شناسان با توجه به آمار بالای خشونت ها شروع به بررسی علت وقوع خشونت های جنسی و تجاوزهای جنسی کردند. «این مسئله مطرح شد که وقتی سرباز پیروز می شود، تجاوز یکی از رفتارهای معمول اوست اما مطابق نظرات اندیشمندان این حوزه، میل جنسی شاید کمترین دخالت را داشته باشد؛ چرا که مسئله تجاوز از دید فرد یک عمل جنسی نیست یک عمل تهاجمی برای نشان دادن تسلط خودش به زن است. مسئله دیگر اینکه جنگ یک بازی مردانه است. در جنگ مردانگی ها به اثبات می رسند؛ شجاعت، قدرت، کارهایی که معمولاً شناخته شده برای یک مرد هستند، و اگر کسانی باشند که در حین این بازی نتوانند مردانگی خودشان را به اثبات برسانند، با انجام خشونت جنسی مردانگی خودشان را تثبیت می کنند. این نظریات امروزه در بیان علت تجاوز چندان مورد توجه نیست».

در ادامه دکتر اعزازی به سه دیدگاهی اشاره کردند که در باب علت وقوع تجاوزات مطرح می شوند؛ به خصوص در مورد گروه هایی که یک نوع نگرش فرهنگی مردسالارانه شدید سستی در میان آنها حاکمیت دارد و در آنها زنان به خودی خود موجودیت ندارند بلکه زنان واسطه و رابطه میان دو گروه از مردان هستند. «یک دیدگاه می گوید تجاوز یک ابزار سیاست و سیاست گذاری آن گروه مهاجم است. خشونت جنسی یک سلاح ارزان با آسیب بسیار زیاد است و بیشترین منفعت را برای گروه مهاجم به همراه دارد، چرا که با انتشار خبر اعمال خشونت جنسی علیه زنان، افراد آن جامعه حتی قبل از ورود مهاجمین، سرزمین خودشان را ترک می کنند و مهاجمین سرزمین را تسخیر می کنند. دیدگاه دیگر می گوید رفتار غیر عقلانی آن افراد در حال وقوع است؛ تجاوز نوعی سیاست گذاری گروه نیست بلکه سربازها یک سردرگمی و عصبانیت در طول جنگ دارند و این فشارهای وارده آنقدر زیاد هست که اینها ناخودآگاه به لحاظ بیولوژیکی یا روانی دست به تجاوز و اعمال خشونت می زنند و این تجاوز تبدیل به یک عمل معمول از سوی سربازان محسوب می شود. دیدگاه سوم در برگرفته باورهای فرهنگی گروهی است که می خواهد گروه دیگری را از بین ببرد و تجاوز را به عنوان عملی که مولد هویت مردانه است، قبول دارد. این در جوامعی که زن ستیزی در آن در حد بالایی انجام می شود، و فرهنگ هایی که شدیداً مردسالار هستند و زن در آنها زن دیگری یا جنس دوم توصیف می شود که هم پای مرد نیست، مطرح می گردد. زنان هم به نوعی یک شاخص برای مردانگی مردان محسوب می شوند و مردی مردانه تلقی می شود که امکان تسلط و کنترل زن خود را داشته باشد و این کنترل زن، تقویت کننده مردانگی است. حال وقتی گروه مهاجمی این سرزمین را تسخیر می کند و

در کنار آن بدن زنان را نیز تسخیر می‌کند و با اعمال خشونت جنسی علیه زنان، دو نوع ذلت برای زنان به وجود می‌آورد که یکی ذلت مورد تجاوز قرار گرفتن و طرد شدن از خانواده و محل زندگی، و دیگری تقویت هویت مردانگی مرد متجاوز و در کنار آن تحقیر مردانی که زن تحت کنترل آنها بوده است. به عبارت دیگر، در کنار تسخیر سرزمین، بدن‌های زنان و کنترل مردان آن سرزمین بر زنان و هویت مردانه آنها را نیز از بین برده است. بنابراین در این نوع فرهنگ‌ها و جوامع بسته، تجاوز می‌تواند آسیب و ذلت بسیاری را برای زنان به علتی که توضیح داده شد، به همراه داشته باشد.

در نهایت دکتر اعزازی اشاره کردند که خشونت جنسی نه تنها اسلحه بلکه ابزار هم هست. خشونت جنسی ارزانترین و در دسترس‌ترین اسلحه هاست. اما ابزار قدرت هم هست؛ قدرتی که پایه‌های آن در فرهنگ نهادینه شده گروه متجاوز قرار دارد.

خانم نازنین قائم مقامی، رئیس پانل دوم با جملاتی کوتاه اشاره کردند که امروزه در پاره‌ای از کشورها همواره یک زن از هر سه زن مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد. در سراسر جهان یک زن از هر پنج زن در طول زندگی خود قربانی تجاوز می‌شود. نیمی از زنانی که به قتل می‌رسند به دست همسران کنونی، سابق یا شرکای زندگی خود کشته می‌شوند. برای زنان ۱۵ تا ۴۴ ساله خشونت یک علت عمده مرگ و معلولیت است. بیشتر از ۸۴ درصد از قربانیان قحط‌زنان هستند. بیش از ۱۳۰ میلیون دختر و زن ختنه می‌شوند. بین ۵۵ تا ۹۵ درصد از زنانی که از نظر جسمی با سوء استفاده شرکای زندگی خود مواجه شده‌اند، هرگز برای کمک با سازمان‌های غیردولتی یا پلیس گزارش نکرده‌اند.

آقای مهدی یوسفی - پژوهشگر حقوق بشر - سخنرانی خودشان را با موضوع «عدالت جنسیتی، ذکر و ساخت حقوقی زن (از منظر روانکاوی)» ارائه نمودند. ایشان در خصوص ورود گفتمان روان‌کاوی به ساخت حقوق صحبت کردند و اشاره کردند که گفتمان حقوقی در رویکرد خود نسبت به بحث عدالت جنسیتی دچار یک گونه بن بست و سردرگمی شده است. در واقع یک نقد اساسی به رویکرد همسانی و رویکرد تفاوت که در حال حاضر رویکردهای غالب هستند، وارد است و آن اینکه هر دو از یک منظر مردانه مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ همسانی از مرد و تفاوت از مرد. در نتیجه حضور این بن بست حقوقی باعث شده که بتوان این بن بست را با سه رویکرد مورد بررسی قرار داد: «رویکرد اول که همان رویکرد همسانی است در واقع یک نوع رویکرد کلاسیک به این مسئله بوده است که دستاوردهای خوبی را هم برای زنان داشته است. این رویکرد، سیاست اساسی خودش را در حوزه جذب گرایی قرار داده است. پاره‌ای از حقوق به طور کلاسیک برای مردان بوده‌اند که اینها را برای زنان بازتعریف کرد و باعث شد تا نسل تازه‌ای از حقوق وارد حوزه زنان شود؛ مثل حق آموزش و دستمزد برابر. اما این رویکرد وقتی به حوزه برخی خصلت‌های خاص زنانه می‌رسد مثل بارداری و زایمان، مشکل دار شد. لزوماً رویکرد دومی به نام رویکرد تفاوت وارد شد. مشکل اساسی آن این بود که این رویکرد به صورت یک استثنا و انحراف از معیار اصلی است و این معیار اصلی همواره یک معیار مردانه بوده که قبلاً تعریف شده است و رویکرد تفاوت حالا باید از این خارج شود. مشکل این رویکرد زمانی ایجاد می‌شود که فرضاً در بحث زایمان، قوانین، زایمان و

بارداری زنان را به عنوان یک ناتوانی به رسمیت می شناسند. این ناتوانی نشان می دهد که قبلاً یک پیش زمینه وجود داشته؛ یک بدن به عنوان بدن اولیه در نظر گرفته شده است که این بحث زایمان برای آن قابل تصور نبوده است. در نتیجه رویکرد روان کاوی مطرح می شود. رویکرد روان کاوی یک رویکرد ساختارگرایانه است و مطرح می سازد که اساس قانون مشکل دارد، آنچه که در قانون تفاوت یا همسانی را مطرح می کند یا آنچه که در قانون بر ساخته ای به نام زن یا مرد را خلق می کند. در نتیجه در گفتمان های روان کاوی دو پرسش اصلی همواره مطرح بوده است. پرسش اصلی همان چیزی است که فروید مطرح می سازد مبنی بر اینکه با مطالعه روان زن در پی پاسخ به این سوال است که زن واقعا چه می خواهد. پرسش دوم یک پرسش *hysteric* است که یکی از پویاترین گفتمان های حوزه روانکاوی است. در این گفتمان سوال اساسی که مطرح می شود این است که اساساً من زن هستم یا مرد؟».

در ادامه آقای یوسفی توضیح تئوریکی را در مورد گفتمان های روان کاوی ارائه دادند و سپس این گفتمان ها را وارد مسائل حقوق و مباحث مرتبط با خشونت های جنسی علیه زنان نمودند. ایشان اشاره کردند که در گفتمان روان کاوی دو نوع گفتمان را (گفتمان زنانه و مردانه) به طور مشخص می توان بیان کرد که این گفتمان ها در برخی از مسائل حقوق بشری امروزی می تواند به ما کمک بسیاری کند.

پانل سوم نشست با عنوان «آثار مخاصمات مسلحانه بر زنان قربانی خشونت» با مدیریت خانم نازنین قائم مقامی و دکتر پوریا عسگری ارائه گردید.

در ابتدا دکتر نریمان مصفا - استاد دانشکده علوم پزشکی دانشگاه بهشتی - مطالب خودشان را در خصوص «آثار خشونت بر جسم و روح زنان قربانی مخاصمات مسلحانه» ارائه نمودند. دکتر مصفا بیان کردند که قربانیان خشونت های جنسی گاهی می میرند. مشاهده پیکرهای آنها نشان می دهد که آنها به بدترین شکل در تجاوزهای جنسی سلاخی شده اند. «قربانیان تجاوز جنسی را در سه گروه می توان تقسیم کرد؛ در ابتدا دختر بچه ها، دختران جوان، بانوان نسبتاً میانسال. دختر بچه ها مورد ضعف ایمنی و سوءاستفاده قرار دارند و وقتی مورد تجاوز قرار می گیرند، دچار عفونت خای جسمی می شوند. اپیدیمولوژی ایدز در مناطقی که خشونت های جنسی نسبت به دختر بچه ها شکل میگیرد سه برابر مناطق مشابه است. هم چنین مورد دختر بچه ها، با بلوغ زودرس مواجه می شوند که توام با پیامدهای بسیار وسیع بر روی دختر بچه هایی است که مورد تجاوزات مکرر قرار گرفته اند. مورد سوم بارداری دختر بچه ها در نتیجه تجاوز و سقط جنین متعاقب آن می تواند عوارض جبران ناپذیری در پی داشته باشد. گروه دوم دختران جوان بوده که بیشترین میزان تجاوز جنسی را متحمل می شوند. اپیدمی ایدز و عفونت های باکتریایی در دختران جوان بیشتر است. بارداری دختران جوان ناخوشایند است و ممانعت از سقط جنین این دختران در اردوگاه ها باعث می شود تا با وسایلی بسیار خطرناک اقدام به *self-abortion* کنند. اگر نوزاد ناخواسته به دنیا بیایند مورد توجه دختران جوان نبوده و گروه قربانیان بعدی را تشکیل می دهند. گاهی این نوزادان ناخواسته توسط دختران جوان به علت تنفر از شخص متجاوز کشته می شوند. گروه سوم زنان میانسال هستند که بسیاری از

انها برای جلوگیری از عدم تجاوز به فرزندانشان یا عدم کشتار آنها خودشان را تسلیم نیروهای متجاوز می‌کنند. پاسخ‌های توأم با استرس این زنان برای نجات سایر اعضای خانواده بعد روان‌شناختی خشونت‌های جنسی را پررنگ‌تر می‌سازد. عوارض جنسی و جسمی بر بانوان میانسال حوزه دیگری از علم ترومای خشونت جنسی است. قربانیان تجاوز هم‌چنین مادران باردار را هم شامل می‌شود که عوارضی چون پارگی غشاهای جنینی، زایمان زودرس، تروماتیزه شدن شدید بافت‌های جنینی را در اثر خشونت متحمل می‌شوند. در زنانی که بارها مورد تجاوز قرار می‌گیرند آثاری از انزوای از زندگی طبیعی و مایکروکایمرسیم دیده شده و نیز این افراد دچار آسیب‌های ژنتیکی و اختلال در سیستم ایمنی می‌شوند.

دکتر مصفا اشاره کردند که برای مقابله با خشونت‌های جنسی اصول راهنمای بسیاری در حال طرح ریزی است اما کاش بشود در راستای پیشگیری خشونت جنسی قدمی برداشت. تجاوز به یک مادر میانسال که در مرحله مونوپوز به سر می‌برد ریشه در فقر و ناهنجاری و نابرابری دارد. اعمال کنندگان خشونت‌های جنسی قطعاً میز غذایی نداشته‌اند که پدران و مادرانشان به آنها بیاموزند که چگونه نباید به زنان به عنوان جنس مورد تجاوز نگاه کرد.

سخنرانی بعدی با موضوع «نقض حقوق بشر زنان پناهنده در مناقشات منطقه‌ای» توسط خانم فاطمه اشرفی - رئیس انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده - ارائه شد. خانم اشرفی بیان کردند که در وضعیت کنونی یکی از جدی‌ترین نگرانی‌هایی که در منطقه خاورمیانه بسیار مورد توجه است، مناقشات مسلحانه می‌باشد و مهاجرت اجباری و آوارگی اجباری از پیامدهای مخاصمه است. «بر اساس آمار ملل متحد در حال حاضر افغانستان یکی از بزرگترین جمعیت‌های پناهنده فرست دنیاست به طوری که حدود ۵ میلیون از اتباع آن در کشورهای منطقه سرگردان شده که حدود ۲ و نیم میلیون در ایران هستند. شرایط زنان در شرایط پس از مخاصمه (Post conflict) حائز اهمیت است، یکی از این مشکلات، پناهندگی و مهاجرت‌های غیرقانونی است، که زنان پناهنده ضمن تحمل فقر و خشونت‌ها، باید حس بیگانه بودن در محل زندگی‌شان را نیز تحمل کنند».

در ادامه خانم اشرفی بر دو کشور افغانستان و عراق متمرکز شدند و بیان کردند که قانون اساسی افغانستان از تقویت حضور زنان در حوزه‌های تصمیم‌گیری صحبت می‌کند اما در افغانستان علی‌رغم هزینه‌ها و اقدامات انجام شده هم‌چنان زنان در حوزه تصمیم‌گیری و توانایی فردی و اجتماعی ناتوان هستند. در عراق نیز عملاً فقدان فضای امن و زیرساخت اجتماعی و اقتصادی، حضور زنان را بسیار ضعیف نموده است. ازدواج‌های زودهنگام دختران در هر یک از این دو کشور به خاطر ترس از تصاحب تن و اسارت دختران به دست مهاجمان نیز پدیده‌ای شایع است. در حال حاضر جنبش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اسناد مصوب و به ویژه قطعنامه‌ها در ایجاد یک فضای امن برای زنان دستاورد چندانی نداشته‌اند.



جلسه بعد از ظهر نشست با مدیریت سرکار خانم دیدخت صادقی در اولین پانل جلسه بعد از ظهر، با عنوان «حقوق بشردوستانه بین المللی؛ حقوق بین الملل کیفری و حمایت از زنان» آغاز گردید.

سخنران اول در اولین پانل جلسه بعد از ظهر، دکتر امیرحسین رنجبریان - استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - و آقای ناصر سرگران - دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران - مطالب خودشان را در خصوص موضوع «حقوق بشردوستانه بین المللی و حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه: کارآیی و چالشها» ارائه کردند.

در ابتدا دکتر رنجبریان در بیانات خودشان اشاره کردند که توجیه و توسل به مفاهیم حقوقی چندان آسان نیست. در حقوق از واژه ها و مفاهیم صحبت می کنیم در حالی که گروه هایی در واقعیت دست به اعمال هر گونه جنایت علیه انسان ها می زنند برای اینکه دیگران را وادار کنند تا مانند خود فکر کنند. دکتر رنجبریان هم چنین بیان کردند که هدف حقوق بشردوستانه بین المللی خشونت زدایی از پدیده هایی است که ذاتا خشن هستند. جنگ پیچیده ترین رابطه اجتماعی و انسانی قابل تصور و نیز ابزار پیشبرد بسیاری از سیاست ها نیز می باشد. جنگ هم نیازمند قواعد حقوقی است و حقوق دانان و اخلاق گرایان صرف نظر از ماهیت و چرایی جنگ در پی کاستن از آثار آن بوده اند. ریشه حقوق بشردوستانه بین المللی در بسیاری از فرهنگ ها و آیین ها به چشم می خورد. «در طول ۷۰ سال گذشته با جنبش حقوق بشردوستانه و تدوین قواعد آن روبه رو هستیم و در درون حقوق بشردوستانه، حمایت های خاصی بسته به موقعیت برای افراد خاص مانند زنان چه در کنوانسیون ها و چه در قالب اسناد مصوب ارکان ملل متحد در نظر گرفته شده است. مسئله حمایت از زنان در مخاصمات مطرح شده است و تحولاتی در حقوق بشردوستانه بین المللی و نوعی نگاه نوین شکل گرفته است. شورای امنیت نیز وارد عرصه اجرای حقوق بشردوستانه گردیده است. با هم گرایی تدریجی بین قواعد حقوق بشردوستانه و ورود شورای

امنیت، به تدریج شاهد شکل‌گیری مجموعه قواعدی هستیم که می‌توان از آن تحت عنوان *UN Norms* نام برد که در واقع همان ترتیباتی هستند که اراده جامعه بین‌المللی را برای اجرا نشان می‌دهد.

در ادامه بحث مقدماتی توسط دکتر رنجبریان، آقای ناصر سرگران به بررسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حمایت از زنان با نگاه انتقادی پرداختند. آقای سرگران در قسمت اول به بررسی سازکارهای موجود در حقوق بشردوستانه برای حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه و در قسمت دوم به بررسی چرایی عدم اعمال حمایت شایسته از زنان در مخاصمات توسط این سازکارها پرداختند. «سازکارهای موجود هم در چارچوب مصوبات ملل متحد و هم در چارچوب سایر مصوبات مطرح می‌شوند. در ابتدا بر سایر مصوبات تمرکز می‌شود. بحث حمایت از زنان در اعلامیه بروکسل به شکل حفظ شأن و کرامت زنان در مخاصمات مسلحانه بیان شده است. در کنوانسیون‌های لاهه در ماده ۴۶ مقرر شده که مشابه را مطرح می‌کند. در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، به ویژه ماده ۷۶ پروتکل اول و بند دوم ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی، حفظ شأن و منزلت زنان در مخاصمات و ممنوعیت اعمال خشونت‌های جنسی را بیان می‌کنند. در مورد مصوبات ملل متحد، اعلامیه مجمع عمومی در ۱۹۷۴، در بحث حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه که پایه گذار چهار کنفرانس ملل متحد در سالهای بعدی و نیز قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت بسیار حائز اهمیت هستند».

آقای سرگران در ادامه بیانات خود این سوال اساسی را مطرح کردند که چرا این سازکارها نتوانسته است هم از جهت پیشگیری و هم از جهت بازپروسی زنان کارآمد باشد؟ از سه منظر کلی به این ناکارآمدی‌ها اشاره می‌کنیم. اول نگاه ساختاری و مبنایی که در آن ایراد اصلی به ساختار و مبانی حقوق بشر باز می‌گردد. اگر بر قطعنامه ۱۳۲۵ متمرکز شویم، در بند ۹ تا ۱۲ این سند اشاره شده که شورا از طرفین مخاصمه می‌خواهد خشونت علیه زنان را مانع شوند، در حالی که آیا در عمل و در واقع می‌شود گروه‌های مسلح و گروه‌های تروریستی را نیز ملزم نمود. این نگاه تحولی است که اگر شورای امنیت نگاه مبنایی تری نیندیشد شاید با این مقررات نتوان راه به جایی برد. رویکرد یا نگاه دوم این است که سازکارهای تعبیه شده یا ابهام دارند یا از حیث اجرایی در مسیر صحیحی قرار نگرفته‌اند و به رغم اینکه گفته می‌شود در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با تورم هنجاری روبه‌رو هستیم اما در مبحث مربوط به حمایت از زنان در مخاصمات چنین توری وجود ندارد. در خصوص اینکه سازکارهای حمایتی از زنان چگونه باید اعمال شوند، با الهام از ارکان سه‌گانه مسئولیت حمایت یعنی پیشگیری، واکنش و بازپروسی می‌توان به این سوال پاسخ داد. در مرحله پیشگیری باید گفت که آیا مطابق مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت، دولت‌ها مقررات قطعنامه‌ها را با قوانین داخلی‌شان سازگار کرده‌اند؟ شاید نزدیک به ۲۰ دولت که آن‌ها اغلب درگیر جنگ نیستند مانند پرتغال، نروژ، اتریش و ... این کار را انجام داده باشند. در مرحله قبل از مخاصمه، آموزش زنان، اجباری کردن آموزش اصول نظامی و محافظتی لازم می‌نماید. در حین مخاصمه نیز نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در انتقال زنان از مناطق هدف حمله به مناطق امن شایان ذکر است. بحث بازپروسی این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که اگر جنگی پایان پذیرد، برای فرماندهان نظامی پایان یافته است اما این زنان و کودکان هستند که باید

جنگی دیگر را شروع کنند. در نهایت باید گفت که حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در کنار هم باید حمایت کافی از زنان را به عمل آورند. اساسنامه محاکم کیفری ویژه و دیوان بین المللی کیفری نیز در جرم انگاری مصادیق خشونت و توسعه آنها و نیز جرم انگاری رفتار های غیر انسانی با زنان مانند ازدواج اجباری نقش قابل توجهی داشته اند. از ایرادات مطرح در کنوانسیون ها این است که مدام بر خشونت جنسی تأکید می کنند در حالی که مباحث مربوط به پیشگیری و بازپروری مهم تر است و به روز کردن مفاد کنوانسیون حائز اهمیت است.

دکتر ناصر قربان نیا - استاد دانشکده حقوق دانشگاه مفید قم - در خصوص موضوع «محاکم کیفری بین المللی و تعقیب جنایات مبتنی بر جنسیت» مطالبی را بیان کردند. دکتر قربان نیا اشاره کردند که زنان به واسطه جنسیت مورد تهاجم قرار می گیرند و باید از زنان نسبت به تمام هجمه هایی که علیه آنها اعمال می شود حمایت کرد نه فقط نسبت به خشونت های جنسی. «در قطعنامه ۲۱۰۶ شورای امنیت مصوب ۲۰۱۳، بر نقش خشونت های جنسی در به خطر انداختن صلح و امنیت بین المللی تأکید شده است. علت تشکیل دیوان بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و پس از آن دادگاه رواندا، به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی به خاطر نقض های سیستماتیک و گسترده حقوق بشر بوده است. شورا در قطعنامه ۲۱۰۶ تأکید کرده که همه کشورها نسبت به تحقیق و تعقیب عوامل نقض فاحش حقوق بشردوستانه نسبت به زنان خاصه خشونت های جنسی مبادرت کنند و با بی کیفر مانی مقابله نمایند».

در ادامه دکتر قربان نیا بیان کردند که کنش گران غیردولتی و گروه های مسلح که اغلب امروزه جنایت علیه زنان توسط آنها رخ می دهد، به لحاظ جنایات رخ داده باید آنها را مسئول شناخت و مسئولیت کیفری فردی متوجه این اشخاص نیز هست. بحث بی کیفرمانی فقط نسبت به دولت ها، سران و اتباع دولت ها قابل اجرا نیست بلکه نسبت به سران گروه های شورشی و اشخاصی که در چارچوب این گروه ها مبارزه نامشروع می کنند، نیز قابل اجراست. ایشان تأکید کردند که دیوان کیفری یوگسلاوی سابق و نیز دیوان بین المللی کیفری اهانت به کرامت و قداست انسانی را جرم انگاری کرده است. اگر این اهانت جرم باشد فرقی نمی کند رئیس یک دولت دستور اهانت داده باشد یا اعضای یک گروه شورشی. «در مورد مسئولیت کیفری فردی ۲ ماده مهم در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری وجود دارد که نسبت به زنان حائز اهمیت است؛ در ماده ۶۸ اساسنامه، در بند اول گفته شده که دیوان هر اقدامی را که برای حمایت و صیانت از بزه دیدگان لازم باشد، با توجه به ماهیت جرم به ویژه جرایم علیه زنان، اتخاذ می کند که به موجب آن حمایت از زنان به طور ویژه در دستور کار دیوان قرار دارد. در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به بزه دیده حق مشارکت در روند دادرسی را می دهد که این مشارکت یک حمایت جدی از زنان را به عمل می آورد و به خصوص زنان به موجب ماده ۱۵ اساسنامه می توانند توجه دادرسی و دادستان را به وقوع برخی جنایات جلب کنند و اتخاذ این تدابیر در اساسنامه یک تحول جدی نسبت به اساسنامه دادگاه های پیشین است. هم چنین اشخاص حقیقی یا بزه دیدگان می توانند به حکم صادره از دیوان اعتراض داشته باشند و این امر امکان مناسبی را برای زنان بزه دیده فراهم می آورد. در کنار حقوق، توسعه عناصر فرهنگی و نگاه اخلاقی و کرامت مدار برای مجازات عاملان وقوع جرایم و جلوگیری از بی کیفرمانی آنها لازم است».

موضوع آخرین سخنرانی این پانل «تعقیب جنایات مبتنی بر جنسیت در چارچوب راهکارهای عدالت انتقالی» بود که خانم زهره موسوی فر - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی - به ارائه مطالب خود پرداختند. ایشان بیان داشتند که با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید باید جرم انگاری جرایم در صلاحیت دیوان به ویژه جرایم علیه زنان نیز در دستور کار قرار می‌گرفت. «عدالت انتقالی، رویکردی به تخلف‌های گسترده و سیستماتیک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که با محاکمه عاملان جنایات بین‌المللی و توجه به نیازها و منافع قربانیان در پی گذار به بازپروری اجتماعی و حصول صلح و سازش می‌باشد. خشونت جنسی، یکی از مهمترین مصادیق تخلف‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که علاوه بر صدمات جسمی و روحی، حیثیت و شرافت قربانی را مورد تعرض قرار می‌دهد و حتی گاه به عنوان تاکتیک جنگی برای ارعاب جمعیت غیر نظامی و حتی پاکسازی قومی به کار گرفته می‌شود».

خانم موسوی فر در ادامه بحث خود ضمن مطالعه مفهوم عدالت انتقالی و تبیین سازکارهای آن نظیر تعهد به محاکمه، کشف حقیقت در قالب کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و توجه به نیازها و منافع قربانیان از طریق پرداخت غرامت و عدالت ترمیمی، به بررسی عملکرد این مکانیسم‌ها برای محاکمه عاملان و کاستن از آلام قربانیان جرایم مبتنی بر جنسیت پرداختند. «بدیهی است با گذشت تنها دو دهه از حیات عدالت انتقالی، این سازکارها در ابتدای مسیر هنجارسازی هستند. فرایندی که ویژگی‌های خاص جرایم مبتنی بر جنسیت و محدودیت‌های قربانی، همواره از حرکت پرشتاب آن ممانعت نموده است. با همه تلاش‌هایی که در زمینه تقویت سازکارهای عدالت انتقالی و خصوصاً در زمینه جرایم جنسی علیه زنان صورت گرفته است، ما هنوز در نخستین گام‌های حقوق بین‌الملل برای هنجارسازی‌هایی که لازم است برای مقابله با جرایم بین‌المللی و جرایم مبتنی بر جنسیت به طور خاص هستیم».

دومین پانل جلسه بعد از ظهر، تحت عنوان «زنان و عملیات حفظ صلح» با مدیریت سرکار خانم دیدخت صادقی، آغاز گردید.

خانم زینب فرهادی - دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس - سخنرانی خودشان را با عنوان «زنان و عملیات حفظ صلح» ارائه کردند. خانم فرهادی بیان کردند بعد از فروپاشی جهان دو قطبی نظام بین‌المللی دچار تحولات بسیاری گردید که مهم‌ترین آنها روند رو به تصاعد انواع خشونت‌ها با افزایش مخاصمات بوده است. قربانی شدن بسیاری از زن‌ها منجر به تعارضاتی در ابعاد جنسیتی بحث شده است. درک کامل از نقش زنان به عنوان قربانیان اصلی و غایبان اصلی پروسه‌های صلح‌سازی و نهاد سازی در فردای بعد از جنگ‌ها منجر به تدوین یک سری برنامه‌های عمل بین‌المللی در راستای جلوگیری از نقض حقوق اساسی و حفاظت از امنیت فیزیکی و حقوق زنان شده است. ایشان هم چنین به این نکته اشاره کردند که نخستین پیامد نگاه جنسیتی به مخاصمات بین‌المللی در حوزه ملل متحد، افزایش مشارکت نیروهای حافظ صلح زن شده و با هدف برقراری توازن جنسیتی در تعارضات و عملیات مختلف پیگیری می‌شود.

خانم فرهادی سوال اصلی بحث حاضر را این دانستند که چرا حضور زنان در نیروهای حافظ صلح اهمیت دارد و تأکید کردند که تز پژوهش حاضر این است که حضور زنان در عملیات صلح منجر به کسب اعتماد مردم محلی و در نتیجه افزایش اثربخشی این عملیات می شود. «عملیات حفظ صلح در واقع مجموعه ای از فعالیت هاست که هر چند فاقد مبنای حقوقی روشن در منشور است اما از نظر عملی و تجربی مهم ترین ابزار قابل دسترس در حفظ صلح و امنیت بوده و مجموعه ای از فعالیت هاست که از پیشگیری از مخاصمه شروع می شود و با ایجاد و پاسداری و تحکیم صلح از سوی نیروهای چند ملیتی پیگیری می شود. یک اصل اساسی که در عملیات حفظ صلح مطرح است توافقی بودن عملیات، بی طرفی در اجرای آن و عدم توسل به زور به جز در حالت دفاع مشروع می باشد. تا قبل از بحران بالکان و به کارگیری صلح بانان زن در این بحران، تمامی پرسنل این عملیات را مردان تشکیل می دادند، اما با به کارگیری زنان در این عملیات یک سری سوالات پیرامون این بحث شکل گرفت که آیا حضور نیروهای سرباز زن به نفع نیروهای محلی است یا صرفاً بر اساس نیازمندی های پیچیده امنیتی خود نیروهای حافظ صلح صورت گرفته است؟ آیا جریان سازی جنسیتی منجر به بهبود وضعیت حفظ صلح و نیز کلیشه های جنسیتی می گردد؟ تغییر در ماهیت درگیری ها و نقض فاخش حقوق بشر منجر به پیچیده و چندوجهی شدن مأموریت های حفظ صلح شده است. ملل متحد به جنسیت به عنوان یک عنصر حیاتی در طرح ها و برنامه های پیشگیری از مخاصمه توجه می کند که این بحث شامل لحاظ کردن تمام دیدگاه های جنسیتی در ابعاد صلح می شود. زن و مرد باید در موقعیت های سیاسی و اجتماعی از موقعیتی برابر برخوردار باشند. در نتیجه نگرش ملل متحد بر به کارگیری زنان در عملیات حفظ صلح حرکت کرده است. ترویج سبک زندگی صلح آمیز، انتقال دانش از طریق کانال های نهادینه شده منجر به بهبود اثر بخشی عملیات حفظ صلح می گردد».

پس از اتمام آخرین پانل نشست، کلیپ چیمن در خصوص زنان و جنگ عراق و ایران پخش گردید.

سپس سخنان پایانی نشست را دکتر سیدقاسم زمانی - دبیرکل انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - برای حضار ایراد کردند. دکتر زمانی ضمن تشکر از حضار و نهاد های همکار، بیان کردند که عنوان زنان، صلح و امنیت بین المللی گویای این واقعیت است که صلح و امنیت فارغ از زنان که در رأس این مثلث قرار می گیرند، قابل دستیابی نیست. فضای داخلی این مثلث مشحون از حقوق بشر و ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت می باشد. تبعیض بر اساس جنسیت، هرگونه تمایز و استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت که هدف آن مخدوش کردن یا از بین بردن شناسایی، برخورداری یا اعمال حقوق بشر بر مبنایی برابر با مردان است. نشست امروز منعکس کننده این واقعیت است که صلح و امنیت جز در پرتو رفع تبعیض و خشونت نسبت به زنان حفظ خواهد شد و جز در چارچوب توانمندسازی زنان و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی تمام بشر محقق نخواهد شد. ایشان هم چنین تأکید کردند که هنوز جامعه جهانی از اعمال تبعیض نسبت به زنان، نقض حقوق زنان در مخاصمات و نیز در خانواده رنج می برد. قرن بیست و یکم زمان آزمون بسیار سخت برای جامعه جهانی جهت غلبه بر تبعیض ها و نابرابری هاست و رفع خشونت و تبعیض نسبت به زنان با مشارکت همگانی محقق خواهد شد.

دکتر زمانی از این که نشست «زنان، صلح و امنیت بین‌المللی» گامی هر چند کوتاه اما موثر برای نیل به این اهداف باشد، اظهار امیدواری کردند.

دکتر نسرين مصفا - رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - در پایان نشست سخنانی چند را برای حضار ایراد فرمودند. دکتر مصفا بیان کردند که نشست «زنان، صلح و امنیت بین‌المللی» به لحاظ موضوعی برای انجمن جدید و تخصصی بوده و توجه بین رشته‌ای به موضوع صورت گرفت. هم‌چنین ویژگی دیگر این نشست که آن را از مابقی همایش‌ها متمایز می‌نماید، همکاری مستمر کمیته دانشجویی با انجمن جهت برگزاری این نشست بوده است. دکتر مصفا در ادامه اشاره کردند که خشونت علیه زنان به قدمت تاریخ وجود داشته است و امروزه بین آنچه در اسناد مصوب نوشته شده و آنچه در عمل رخ می‌دهد فاصله بسیاری هست، اما نباید دید ناامید کننده و صرفاً انتقادی داشت. در عین حال که به عدم کارآیی شورای امنیت در حوزه مسائل زنان اشاره می‌شود، بحث میزان انتظارات از نحوه عملکرد یک نهاد سیاسی و اجرایی نیز باید مورد توجه باشد.

دکتر مصفا تأکید کردند که این نشست مطلعی برای پرداختن به موضوع زنان در انجمن است. هر چند سوالات بسیاری در هر ذهن کاوشگر وجود دارد اما در مدت زمان کوتاه نمی‌توان به تمامی مسائل پاسخ داد. یکی از پرسش‌های اصلی این است که آیا باید موضوع زنان و حمایت از زنان دغدغه باشد یا به حضور فیزیکی زنان در مناصب قدرت و تصمیم‌گیری پرداخته شود؛ چرا که به علت تبعیض تاریخی این مشارکت کم بوده است و سوال بعدی ما این است که چقدر زنان در مناصب قدرت در صلح‌سازی موثر بوده‌اند.

ایشان در پایان تأکید کردند که بهتر است به فرهنگ ترویج صلح و رعایت حقوق زنان معطوف شویم نسبت به ادامه برگزاری چنین نشست‌هایی به خاطر اهمیت موضوع اظهار امیدواری کردند.

در پایان خانم سپیده کیکاووسی - دبیر دانشجویی نشست «زنان، صلح و امنیت بین‌المللی» - مراتب سپاسگزاری از حُسن مساعدت استادان و دانشجویان محترم سخنران و نیز حضار ارجمند را به عمل آورده و ابراز امیدواری کردند که تلاش همگان زمینه ساز گسترش دانش حقوقی در ایران عزیزمان شود.

نشست تخصصی «دیوان بین المللی کیفری: بررسی اجمالی، چالش های کنونی»

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۹۲

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه و دفتر کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران، نشست تخصصی دیوان بین المللی کیفری: بررسی اجمالی، چالش های کنونی را با سخنرانی دکتر برونو زندر - کارشناس شعبه تجدید نظر دیوان بین المللی کیفری - در هشتم آذرماه سال جاری برگزار نمود.

دکتر برونو زندر، در ابتدا ضمن تشکر از دکتر نسرين مصفا، رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و نهادهای همکار، توضیحاتی را در خصوص دیوان بین المللی کیفری و ایده تشکیل یک محکمه کیفری بین المللی برای رسیدگی به جنایات بین المللی ارائه نمودند. سپس به بررسی نقش دیوان در حرکت به سوی امحای بی کیفر مانی در جامعه بین المللی امروز که محاکمه جنایتکاران در یک فضای منصفانه، ارزش مشترک آن می باشد، پرداختند.



ایشان سخنان خود را اینگونه آغاز کردند که "دیوان بین المللی کیفری از آغاز تشکیل تا کنون با موارد و پرونده های متفاوتی برخورد داشته است. هدف اصلی این دیوان که در اساسنامه دیوان نیز به آن اشاره صریح شده است، انجام کامل و دقیق رسالت تعقیب جرایم می باشد. نهاد دادستانی دیوان در برخورد با هر مورد همواره در پی تحقق این هدف

است که بررسی و تحقیق در خصوص جنایات به وقوع پیوسته و تعقیب متهمین به ارتکاب جنایات در فضایی دور از تنش و با همکاری سایر دولت‌ها و به دور از مداخله عناصر قدرت انجام شود.

در خصوص هر محکمه بین‌المللی بحث صلاحیت (*jurisdiction*) از جمله اهم موارد است. دعاوی مطروحه نزد دیوان باید در موارد صلاحیتی دیوان که در مواد ۷ و ۸ اساسنامه به آن اشاره شده است، تصریح شده باشد. در کنار این مورد دولت‌ها می‌توانند قابلیت پذیرش دعوا نزد دیوان را زیر سوال ببرند. قابلیت پذیرش دعوا مرتبط به بحث صلاحیت می‌باشد، که در مورد هر قضیه هر دو مسئله باید مورد توجه قرار گیرد".

در ادامه دکتر زندر به بحث قضات، نحوه انتخاب و انتصاب آنها و چگونگی آغاز کار قضات از اولین جلسه رسیدگی اشاره کردند. ایشان بر این مسأله تأکید نمودند که از بین قضات دیوان، مطابق اساسنامه باید برای قضات زن سهمیه معین وجود داشته باشد تا بدین ترتیب ترکیب هیئت قضات به لحاظ جنسیتی متعادل و برابر باشد. در حال حاضر ۱۰ قاضی در ترکیب قضات دیوان، قضات زن هستند.

دکتر مصفا نیز به مسأله عدالت جنسیتی در ترکیب قضات دیوان اشاره کردند و حفظ این گونه هیئت قضات و رعایت عدالت جنسیتی را در دیوان بین‌المللی کیفری حائز اهمیت بسیار دانستند.

دکتر زندر در ادامه بیانات خود به نقش دادستان در تعقیب جرایم و به ویژه مشکلات فراروی نهاد دادستانی در هر پرونده پرداختند. از نظر ایشان مهم‌ترین مشکلی که دادستانی تقریباً در اکثر پرونده‌های مطرح نزد دیوان با آن رو به روست را بحث همکاری دولت‌ها در جریان فراهم آوردن ادله لازم و همکاری با نهادهای حقیقت‌یابی و کارشناسان گردآوری ادله نزد دیوان دانستند. در این مورد به پرونده‌هایی نظیر پرونده کنیا و مشکلی که دادستانی با دولت کنیا برای فراهم آوردن ادله داشته است اشاره کردند. دکتر زندر هم چنین بیان کردند که دیوان به عنوان نهادی که وابستگی کامل با همکاری دولت‌ها دارد، در صورتی توان لازم برای تعقیب و محاکمه منصفانه مرتکبین جنایات بین‌المللی را خواهد داشت که دولت‌های عضو در تمامی مراحل تعقیب و محاکمه، اراده سیاسی و حقوقی لازم را برای همکاری با دیوان داشته باشند؛ چرا که تحقق بی‌کیفر مانی مسئولیتی جمعی دولت‌ها (*common responsibility of states*) است.

دکتر زندر هم چنین اشاره مختصری به مهم‌ترین پرونده‌های مطرح نزد دیوان و مسائلی چون چگونگی آغاز کار دیوان، نحوه ارجاع پرونده که توسط شورای امنیت، دادستانی دیوان یا دولت‌های عضو بوده است، نیز داشتند. هم چنین اشاره کردند که تعدا زیاد پرونده‌های مطرح نزد دیوان که مربوط به کشورهای آفریقایی است نشانگر تنش بیش از حد و اختلافات و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و داخلی این دولت‌ها بوده و امروزه ایراداتی که دولت‌های آفریقایی در این راستا به دیوان بین‌المللی کیفری وارد می‌سازند، می‌تواند مشکلات بیشتری را پیش روی کار دیوان قرار دهد در حالیکه بسیاری از این ایرادات مبنای درستی ندارند.



در پایان مراسم، دکتر نسرين مصفا از دکتر برونو زندر به جهت سخنرانی برای علاقمندان و دانشجویان تشکر کردند. استقبال خوب دانشجویان و محققین حاضر در جلسه سخنرانی و نیز توجه آنها به مباحث مطرح شده طی نشست و سوالات و مباحثی که پس از اتمام سخنرانی بدان پرداخته شد، به خوبی نشان دهنده اهمیت موضوع دیوان بین المللی کیفری و مسائل مرتبط با این نهاد بین المللی، به عنوان مهم ترین نهاد کیفری بین المللی که در راستای امحای بی کیفری می کوشد، و نیز علاقه حضار به موضوع مزبور می باشد.

دانشجویان و محققین و نیز استادان محترم سوالات و نقطه نظرات خودشان را در خصوص مطالبی که طی سخنرانی به آنها پرداخته شده بود، پس از سخنرانی دکتر زندر مطرح نمودند. در نهایت پس از پرسش و پاسخ حضار ارجمند، جلسه به پایان رسید.

همایش ملی «کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها»

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۹۵

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری معاونت بین الملل وزارت دادگستری، مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، دفتر سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرم و انجمن علمی مدیریت رفتار سازمانی در روزهای چهارشنبه و پنج شنبه مورخ ۱۲ و ۱۳ آذرماه همایش «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها» را برگزار کرد. سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و تلاوت قرآن کریم، آغازگر این مراسم بود.

مراسم افتتاحیه

دکتر سید قاسم زمانی - دبیرکل انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - در ابتدا به تمامی حضار و شرکت کنندگان در نشست خیر مقدم عرض کردند. ایشان در ادامه اشاره داشتند که کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد که در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به امضا رسید و در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ لازم الاجرا گردید، تا کنون به تصویب ۷۳ کشور رسیده است. دولت ایران در ۲۰ آوریل ۲۰۰۹ این سند را تصویب نمود. این کنوانسیون، سند بین المللی بسیار مهمی در جهت مبارزه با فساد است که جامعه بین المللی را در جوانب مختلف در معرض خطر قرار داده است. دکتر زمانی بیان داشتند که فساد تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می شود؛ چرا که ریسک مخاصمات را افزایش می دهد. فساد مانع مهمی بر سر راه توسعه مسالمت آمیز ایجاد می کند و نیز ریشه بی سوادی است. فساد تمام حق های بشری را در معرض تضییع قرار می دهد. هر چند که دستاورد جامعه بین المللی برای مبارزه با فساد در عرصه بین المللی بسیار محدود بوده است، اما کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد حرکتی بزرگ و لازم در کاهش و جلوگیری از وقوع فساد است. مبارزه با فساد جز با همکاری در سطح گسترده ممکن نیست. همایش حاضر که به ابتکار انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد برگزار می گردد گامی در راستای گسترش فرهنگ مبارزه با فساد و توسعه اطلاعات عمومی در این زمینه است. مبارزه با فساد از مبانی صلح پایدار محسوب می شود. در نهایت ایشان از نهاد های همکار در راستای برگزاری همایش و نیز سخنرانان محترم در همایش تشکر نمودند.

دکتر علیرضا کاظمی - معاون بین الملل وزارت دادگستری - سخنران بعدی جلسه افتتاحیه بودند. ایشان اشاره کردند که ابتکار انجمن برای برگزاری این نشست، باب ورود جامعه دانشگاهی به مقوله مبارزه با فساد را باز می کند که این اقدامی بسیار حائز اهمیت است. مرجع ملی مبارزه با فساد در وزارت دادگستری، پس از تصویب کنوانسیون در مجلس مطرح گردید. از آن زمان برگزاری این همایش توسط انجمن بزرگترین اقدام ملی است که در مقاطع علمی برگزار می شود. دکتر کاظمی بیان کردند که فساد با اقتصاد و سیاست هر کشور ارتباط دارد. جامعه علمی می تواند مبارزه با فساد را آسیب شناسی

کند. فساد در دُول مختلف دارای تفاوت هایی است و اشکال آن بسیار متفاوت می باشد اما یک امر مشترک بین تمام اینها این است که بدون همکاری بین المللی امکان مبارزه با فساد وجود ندارد و کنوانسیون به عنوان منعکس کننده همکاری بین المللی و امتداد یک حرکت جهانی در مبارزه با فساد در این راستا می باشد. در ادامه دکتر کاظمی به ویژگی های مهم کنوانسیون و نیز آمارهایی در ارتباط با میزان فساد موجود، مطابق آنچه دفتر سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرم اعلام کرده است، اشاره کردند.

سخنران بعدی در مراسم افتتاحیه، آقای لیک بونوات - نماینده دفتر سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرم در تهران - بودند که مطالبی را خدمت حضار ارائه نمودند. آقای بونوات ضمن تشکر از نهادهایی که در برگزاری نشست با انجمن همکاری داشتند، آغاز چنین حرکتی از سوی انجمن را بسیار مؤثر دانستند. آقای بونوات در بیانات خود اشاره کردند که فساد بر هر شخصی اثر می گذارد، حقوق افراد را تضییع ساخته و شفافیت در ساختار اقتصادی و سیاسی را از بین می برد. کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد اولین و مهم ترین ابزار فراملی برای مبارزه با فساد است. در این کنوانسیون چهار فاکتور جرم انگاری، ابزارهای حقوقی لازم الاجرا، جبران خسارات و همکاری های جهانی در مبارزه با فساد حائز اهمیت است. آقای بونوات اشاره کردند که کنوانسیون شامل اصولی در مورد همکاری های فنی و تکنیکی و تبادل اطلاعات بوده و نیز در سال ۲۰۰۹ یک مکانیسم نظارتی بر کنوانسیون نیز پیش بینی شده است. ایشان تأکید نمودند که پیشگیری از فساد رویکرد فراگیر این سند است که فقط با شفافیت، همکاری و مشارکت، مسئولیت پذیری و ظرفیت سازی آن ممکن می باشد. دولت ها، جامعه مدنی، رسانه های جهانی و افکار عمومی باید برای مبارزه با فساد همکاری کنند. دفتر ملل متحد برای مبارزه با فساد نیز در راستای مبارزه با فساد و کنترل ارتکاب جرایم از ابزارها و ظرفیت های ملی استفاده می کند که باید برای تأثیر گذاری هر چه بیشتر آنها بر همکاری بین المللی متکی بود.

دکتر حسن عابدی جعفری - رئیس انجمن علمی مدیریت رفتار سازمانی - نیز در مراسم افتتاحیه شرکت نموده و ضمن تشکر از انجمن و نهادهای همکار اشاره کردند که آنچه تحت عنوان کنوانسیون مبارزه با فساد مطرح می شود، ۴ مرحله را تا کنون طی کرده است؛ مرحله اول دهه ۸۰ بوده که مرحله فرهنگ سازی و دعوت از اندیشمندان و متخصصان حوزه مبارزه با فساد اعم از بخش های داخلی و بخش بین المللی در قالب کنفرانس های بین المللی است. تشکیل نهادهای مبارزه با فساد برجسته ترین ویژگی دهه ۹۰ میلادی است. در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ بحث های مفصلی در وین برگزار شد که منجر به تصویب کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد گردید. دکتر عابدی تأکید کردند که دلیل اصلی وجود این سند این است که فساد امری بسیار شایع است. میانگین فساد بین کشورها ۶۹ درصد می باشد که این میانگین در مناطق مختلف از ۱۳ درصد تا ۹۵ درصد در نوسان می باشد. محیط داخلی و محیط منطقه ای ایران به لحاظ وقوع فساد چندان مطلوب نمی باشد. دکتر عابدی در ادامه بیانات خودشان به سند چشم انداز ایران برای ۱۴۰۴ اشاره کردند؛ در این سند، پیش بینی کشوری عاری از فساد، فقر و تبعیض شده است. این برنامه در قالب چهار طرح است که تا کنون دو مرحله

آن گذشته و چندان هم رضایت بخش نبوده است. دکتر عابدی نسبت به موفقیت دو برنامه پیش رو در مقابله با فساد و کاهش میزان آن در کشور اظهار امیدواری کردند.

در ادامه سخنرانی‌های مراسم افتتاحیه همایش، دکتر علیرضا دیهیم - دبیر علمی همایش - گزارش مختصری در مورد نحوه برگزاری همایش، نحوه دریافت مقالات و تنظیم پانل‌ها بر اساس موضوعات و نیز روند اجرایی برگزاری همایش مطالبی را بیان کردند. دکتر دیهیم اشاره کردند که پس از دریافت مقالات، هیئت علمی همایش با در نظر گرفتن معیارهایی برای ارائه و چاپ مقالات، در خصوص تنظیم پانل‌ها و انتخاب موضوعات نشست‌های همایش، تصمیم‌گیری نمود. انجمن با در نظر داشتن این هدف که فعالان عرصه مبارزه با فساد فقط دولت‌ها نبوده بلکه جامعه مدنی، انجمن‌ها و محافل علمی نیز می‌باشند، اقدام به برگزاری چنین همایشی کرده است و در این راستا یکی از معیارهای مورد نظر برای انتخاب مقالات و عنوان نشست‌ها این بود که موضوع مقالات تا چه حدی با نقشی که به جامعه مدنی در مقابله با فساد سپرده شده، مرتبط است. ایشان در ادامه توضیحاتی را در خصوص فصول کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد و نیز ارتباط موضوع مقالات و اختصاص آنها به فصول مختلف کنوانسیون ارائه نمودند. دکتر دیهیم استقبال قابل توجه پژوهشگران از موضوع همایش و مشارکت آنها در نوشتن مقاله و پژوهش در این حوزه را امری قابل تحسین و بسیار مؤثر در مقابله با فساد دانستند.

در پایان سخنرانی‌های بخش افتتاحیه، دکتر نسرین مصفا، رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ضمن عرض خیر مقدم، اشاره کردند که انجمن فرصت‌های مختلف برای برگزاری همایش را برای انجام رسالت خود مغتنم شمرده و از این رو برگزاری همایش سالانه انجمن با عنوان «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، دستاوردها و چالش‌ها» در ایام روز جهانی مبارزه با فساد را فرصتی برای طرح بحث علمی در این زمینه می‌دانند. دکتر مصفا از نهادهای همکار تشکر نموده و این گستره همکاری را مؤید جدیت و اهمیت موضوع مبارزه با فساد و لزوم ارتقای آگاهی‌های عمومی در خصوص ریشه‌های فساد دانستند و تأکید کردند که این همکاری و برنامه تدوین شده تلاشی برای ارائه یک رویکرد علمی و پژوهشی است. «انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد به عنوان یکی از اولین انجمن‌های علمی بین‌رشته‌ای متمرکز بر علوم انسانی به ویژه در زمینه سیاست، حقوق و روابط بین‌الملل توان خود را وقف بررسی علمی موضوعات و مشکلات مشترک بشری کرده و امیدوار است در این زمینه شایسته مرجعیت علمی باشد. موضوع مبارزه با فساد، افزایش شفافیت و ظرفیت‌های قانونی در این راستا و حکمرانی خوب حائز اهمیت بسیار می‌باشند که همواره مورد تصریح استنادات قانونی قرار گرفته است، محورهای همایش امروز با توجه به این مسائل و نیاز مبرم به رویکرد علمی، تبیینی و آسیب‌شناسانه در مواجهه با موضوع فساد تبیین شده است. فساد یکی از مورد بحث‌ترین مشکلات دنیای امروز است که منبع تغذیه ناامنی، تخاصم و مولد فقر و بی‌عدالتی اجتماعی است. فساد «اعتماد» را در جامعه مورد هدف قرار می‌دهد، اعتمادی که خود مبنای مشروعیت در روابط فردی، اجتماعی، تجاری و سیاسی است. در جهان شبکه‌ای و جهانی

شده امروز، شبکه های جنایی بین المللی از فساد یا مبارزه ناکافی با این پدیده بهره می برند؛ جهانی شدن جنایت به این معناست که میزان تجارت های مفسده برانگیز یا غیر قانونی در جهان بسیار بالاست».

دکتر مصفا در پایان بیانات خویش اشاره کردند که هدف کلان همایش حاضر، هدف همیشگی انجمن یعنی حصول اطمینان از درک صحیح، رفتار حکیمانه و آگاهانه نسبت به پدیده ها و اسناد مهمی نظیر کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد است. پشتیبان انجمن، تولیدات نظری، تجربیات اعضا و دستاوردهای مطالعاتی، تحقیقات و سمینارها، همکاری سخاوتمندانه نهادهای ملی و بین المللی و مهم تر از همه، اعضا انجمن و مشارکت کنندگان در برنامه ها هستند؛ مهم ترین سرمایه انجمن سرمایه انسانی آن است.

ایشان ضمن تشویق به فعالیت روزافزون نسل جوان، تأکید کردند که انجمن همواره پاسداشت گذشتگان و یاد آنان را وظیفه اساسی خود قلمداد کرده و در ادامه برنامه های انجمن جهت تکریم اصالت علم و اخلاق، بزرگداشت زنده یاد دکتر قاضی شریعت پناهی را در قالب نشست با حضور استادان ارجمند برگزار خواهد کرد. دکتر مصفا هم چنین اشاره کردند که «در پی این هدف خواهیم بود که فعالیت خود در حوزه بررسی چالش ها و دستاوردهای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد را در قالب همایش های بعدی، کمیته های پیگیری و تحقیقات آتی ادامه دهیم».

در پایان، دکتر مصفا بار دیگر از نهادهای همکار و مسئولین ارجمند آنها، اعضای کمیته علمی و دبیر همایش، تشکر نمودند و اظهار امیدواری کردند که با همین انگیزه و انرژی و با چنین جدیتی که انجمن تا به امروز کار خود را ادامه داده، بتواند در آینده میراثی پایدار از خود به جا بگذارد.

بزرگداشت زنده یاد دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی

در راستای تکریم اصالت اخلاق و علم و این بار به یاد دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، نشستی با سخنرانی استادان برجسته حقوق - دکتر عزت الله عراقی، دکتر حسنعلی درودیان، دکتر محمد هاشمی و دکتر محمد حسن حبیبی - برگزار گردید. در این مراسم بزرگداشت، دکتر عزت الله عراقی و دکتر حسنعلی درودیان اشعاری را که از سروده های ارزشمند دکتر قاضی بود را برای حاضرین در جلسه قرائت نمودند.

در بروشوری که انجمن در باب معرفی این استاد بزرگ تهیه کرده بود، در خصوص ایشان چنین آمده بود:

"شادروان دکتر قاضی شریعت پناهی، استاد شهیر و برجسته حقوق عمومی ایران است که تألیفات و ترجمه های ایشان در زمینه حقوق عمومی از ایشان چهره ای به یاد ماندنی و تأثیر گذار را در جامعه حقوقی کشور به ثبت رسانده است. دکتر قاضی نویسنده ای اندیشمند و مترجمی توانمند بود که با ترکیب این دو ویژگی آثار ماندگاری را از خود به جای

گذاشت. ایشان چنان می نوشت که می اندیشید و همین ویژگی باعث نثر ساده و روان آثار ایشان از جمله کتاب «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی» و «کتاب بایسته های حقوق اساسی» گردید که هم اکنون با وجود گذر زمان هم چنان نو و تازه می نماید. دکتر قاضی در سال ۱۳۱۰ در سمنان متولد شد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد داشکده حقوق دانشگاه تهران شد و به اخذ درجه لیسانس در رشته حقوق قضایی نائل گشت. پس از آن برای ادامه تحصیل به سوئیس رفت و موفق به دریافت دکترای علوم سیاسی از دانشگاه ژنو گردید. دکتر قاضی پس از سال ها مجاهدت و خدمت به جامعه علمی و به خصوص جامعه حقوقی کشور، سرانجام در سال ۱۳۷۶ در تهران چهره در نقاب خاک کشید. برگزاری همایش کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش ها، که موضوع آن پیوندی ناگسستنی با حقوق عمومی دارد، فرصتی را در اختیار انجمن قرار داد تا یاد و خاطره این استاد بزرگ حقوق عمومی را زنده نگه دارد."



در ابتدای بزرگداشت زنده یاد دکتر قاضی شریعت پناهی، دکتر عراقی به یاد این استاد بزرگ مطالبی را خدمت حضار بیان داشتند: «یاد گذشتگان نه فقط احترامی است به آنان بلکه برای زندگان نیز باعث تسلاهی روح است. در پی شرایطی که از سال ها قبل فراهم شده بود، جنبش دانشجویی دانشکده حقوق دانشگاه تهران شکل گرفته بود. در سال ۱۳۴۹ از مهرماه جنبش دانشجویی آغاز گردید و پس از آن در آذر ماه به اوج رسید. در آن زمان دکتر قاضی عملاً مدیریت دانشکده و معاونت اداری و مالی را بر عهده گرفته بودند و در زمان برگزاری امتحانات نیز مشکلات و وضعیت موجود باعث

نگرانی بسیار شده بود. دکتر قاضی در آن سال پُر ماجرا بسیار خوب از عهدهٔ اداره دانشکده برآمد به قسمی که نه پلیس دخالتي کرد و نه امتحانات به مشکل کشیده شد. دکتر قاضی برای مدتی معاونت آموزشی دانشگاه ملی و سپس معاونت اجتماعی وزارت کشور را برای مدتی عهده دار بود. اما تقریباً در اواخر ۱۳۵۶ ایشان از معاونت وزارت کشور کناره گیری کردند، از آن زمان روابط ما صمیمانه تر شد و بعد از انقلاب رابطه دوستی ما بسیار نزدیک تر شد. شورای عالی انقلاب فرهنگی طی مصوبه ای اعلام کرد که کلیه افرادی که بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷ در سمت های مهم در وزارت خانه ها و سازمان های دولتی بوده اند، از خدمات دولتی منفصل می شوند. به این جهت دکتر قاضی منفصل گردید که در نهایت با درخواست دانشکده و گروه حقوق عمومی از شورای عالی انقلاب فرهنگی دکتر قاضی به دانشکده بازگشتند. ایشان تدریس کلیات حقوق اساسی را عهده دار شدند».

دکتر عراقی در ادامه بیاناتشان به فضایل اخلاقی دکتر قاضی اشاره کردند که ایشان شخصیتی متواضع و با توانمندی های بسیار بودند. همواره از انتقادات و ایرادات آثارشان استقبال می کردند و این نشان از عظمت روحی ایشان دارد. در پایان دکتر عراقی شعری را از سروده های دکتر قاضی با عنوان «شعر پارسی» خدمت حضار قرائت کردند:

تا سر از خاور برآرد آفتاب خاوری

می تپد فرهنگ ما در سینه شعر دری

تا بود روشن شبستان فلک از اختران

روشن است این آسمان در غایت نیک اختران

رایتی در تارو پودش ریشه های معرفت

آیتی در رمز و رازش جلوه های دلبری

در بم و زیرکلامش پرده های الغریب

در بلندای پیامش مایه جان پروری

پارسی جانی است زرین پیکر و گوهر نگار

وندران سرشار یاقوت مذاب احمری

باده ای گیرا که هر کس جرعه ای از آن گرفت

دل نبندد هیچ که بر نشئه های دیگری

پس از دکتر عراقی، دکتر درودیان مطالبی را به یاد دکتر قاضی شریعت پناهی خدمت حضار ارجمند ارائه کردند. دکتر درودیان بیان کردند که مؤید اصل دکتر قاضی به راستی رفیقی خالی از خلل بود و گاه نیز به قول معروف چوب مراودات دوستانه خود را می خوردند؛ چنانکه در آغاز دهه ۶۰ زمانی که برای ملاقات یکی از دوستانشان به منزل ایشان رفته بودند دستگیر شدند و چند ماهی را در زندان اوین محبوس بودند. همانند دیگر شاعران زندانی شده تاریخ ایران از مسعود سعد گرفته تا ملک الشعرای بهار، دکتر قاضی نیز وصف اموال خویش در محبس را با زبان شعر بیان کرده است و آن تضمینی بس رسا و مؤثر از یک غزل مناسب مقام لسان الغیب می باشد.

شب است و ظلمت و کس نیست محرم رازم

که دل به نور حضورش غم پردازم

نه مهرهی که بدو نقد عمر دربارم

نه تاب زیستن و نی توان پروازم

نماز شام غریبان چو گریه آغازم

به مویه های غریبانه قصه پردازم

نه خانه خانه و نه اهل خانه جز اغیار

کجاست خیر حبیبان رفته از دیدار

به یاد یار و دیار آنچنان بگریم زار

که از جهان ره و رسم سفر بر اندازم

منم که یکه و تنها در اشتیاق حبیب

بریده ام ز ره دشوار در فراز و نشیب

پس از ایشان، دکتر محمد هاشمی، در بیان فرمایشات خود خدمت حضار اشاره کردند که انسانیت دکتر قاضی و درک ایشان از عدالت خواهی که داشتند فی الواقع ایشان را به عنوان یک شخصیت ممتاز نزد دوستان و نزد راستان گرامی کرد. «دکتر قاضی با زیرکی، دقت و لطافت در یک فضای بسته پلیسی که بیان مطالب برای کسانی که در صدد بودند گران تمام می شد، به نحوی به ادای مطلب پرداخت که هم ملایمت لازم و کافی را داشت و هم بیان حق بود. نوآوری هایی که

دکتر قاضی در کشور ایران با زبان عرفانی و ساده آغاز کرد به عنوان یک نعمت بزرگ است که آیندگان باید قدر آن را بدانند. ایشان کُتب فلسفی، فکری و حقوقی را ترجمه کردند به تدوین کتاب ارزشمند حقوق اساسی به زبان روز پرداختند که در آن یکی از پیام‌ها انتظام قدرت و آزادی با تأکید بر تنظیم قدرت و تضمین آزادی است، چون قدرت حالت استیلایی دارد اما آزادی آسیب‌پذیر است. دکتر قاضی در این مورد به نحوی ادای مطلب کرده که می‌توان از آن به عنوان پیغام سروش یاد کرد. دکتر قاضی به عدالت به عنوان کمال مطلوب در آثارش می‌پرداخت و قدرت را انتظام بخشی می‌نمود. آثار ایشان نعمت گرانبهایی است که زمینه ساز توسعه حقوق و حقوق عمومی می‌باشد.

در پایان بزرگداشت زنده یاد دکتر قاضی، دکتر محمد حسن حبیبی به بیان مطالبی در خصوص شخصیت اخلاقی دکتر قاضی، همکاری با ایشان و نیز روابط صمیمانه و خانوادگی خود و زنده یاد دکتر قاضی پرداختند. دکتر حبیبی اشاراتی به زمانی که دانشجوی دکتر قاضی بودند و پس از آن همکاری با دکتر قاضی در تدریس برخی دروس به جای دکتر قاضی کردند. «در بیان فضایل اخلاقی دکتر قاضی باید گفت که ایشان شخصیتی مهربان، اهل علم و بسیار صمیمی بودند. حتی در زمان بیماری ایشان از عیادت دوستان بیمار خود و نیز ملاقات با سایر دوستان و استادان غافل نبودند و همواره بر برنامه ریزی برای چنین ملاقات‌ها و عیادت‌هایی تأکید می‌کردند. در بررسی آثار تحقیقی و پژوهشی و به ویژه تصحیح اوراق، دقت بسیار بالایی داشتند. ایرادات را دقیق می‌نوشتند. آثار تحقیقی را بسیار دقیق می‌خواندند. ایشان قلم بسیار شیوایی داشتند. پدر دکتر قاضی تأکید داشتند که دکتر قاضی به تحصیل در رشته حقوق بپردازند اما زنده یاد دکتر قاضی علاقه وافری به مطالعه زبان و ادب فارسی داشتند؛ دکتر قاضی حتی پس از ورود به دانشکده حقوق نیز در کلاس‌های ادبیات شرکت می‌نمود و سرودن شعر و مطالعه در این زبان را ادامه دادند. دکتر قاضی تأکید بسیاری بر حضور خانواده ارجمندشان در ایران داشتند. نامشان گرامی و راهشان پُر رهرو باد».

تقدیر از علم و تعهد اعضای دانشجویی انجمن به مناسبت هفته پژوهش و روز دانشجو

بخشی از برنامه همایش به تقدیر از همکاران جوان انجمن و اعضای کمیته دانشجویی بود. این افراد در فعالیت‌های مستمر انجمن در زمینه‌های مختلف، همچنین در برگزاری نشست «زنان، صلح و امنیت بین‌المللی» که در ۳۰ مهرماه سال جاری برگزار شد، همچنین تهیه تازه‌های ملل متحد و دیگر برنامه‌های علمی، مشارکت و همکاری داشته‌اند.

هم‌یاران انجمن، با حضور و همراهی استادان پیشکسوت حاضر در همایش و اعضای هیئت مدیره انجمن مورد تقدیر قرار گرفتند تا با امید و انگیزه همواره انجمن را به عنوان یک محفل علمی بسیار ارزشمند، خانه خود دانسته با همکاری با یکدیگر در راستای تحقق اهداف بزرگ انجمن حرکت نمایند.



البته میزان همکاری، مدت ارتباط و زمینه‌های فعالیت آنها در انجمن با یک دیگر تفاوت دارد. در نظر است که مدال‌های خاصی طراحی و به افراد دارای شرایط در هرسال اعطا گردد. اولین تشویق از آن آقای علیرضا رنجبر بود که به دلیل فعالیت و همکاری مستمر، مجدانه و دلسوزانه در زمینه‌های مختلف علمی و اجرایی فعالیت‌های انجمن، صورت گرفت. پس از آن، خانم‌ها فرناز یاوری و سپیده کیکاوسی برای تهیه گزارشات و به ویژه برگزاری و دبیری شایسته نشست «زنان صلح و امنیت بین‌المللی»، و از اعضای قدیمی و جدید تیم تازه‌های ملل متحد که وظیفه سنگینی را بر دوش دارند تقدیر شد. آقای حسن کمالی نژاد، خانم ستاره ساعدی، خانم نسیم زرگری نژاد، آقای علی گرشاسبی و خانم پریا دانایی از کسانی بودند که در تازه‌ها دارای سابقه فعالیت هستند. همچنین از آقای ناصر سرگران - دانشجوی دکتری و رئیس کمیته دانشجویی انجمن - به همراه تعدادی از اعضای فعال کمیته دانشجویی از جمله خانم شمین اصغری و آقای محمدعلی رجب نیز تقدیر شد. خانم‌ها سحر غضنفری و ثنا عزیز زاده نیز به دلیل حضور در مراحل اجرایی همایش مورد تشویق قرار گرفتند.

همچنین از آقای محمد فخار به عنوان برنده مسابقه دانشجویی مقاله نویسی انجمن در سال ۹۱ که با موضوع مصونیت در حقوق بین‌الملل برگزار شد، تقدیر گردید. عنوان مقاله ایشان «مصونیت کارکنان صلیب سرخ از ادای شهادت در پرتو عدالت کیفری در سطح جهان» است.

دکتر امیرحسین رنجبریان نیز در ابتدای مراسم تقدیر، مطالبی را در خصوص فعالیت‌های دانشجویی در انجمن به ویژه تهیه تازه‌های ملل متحد بیان داشتند و اشاره کردند که تهیه خبرنامه انجمن بنا بر تلاش و کار گروهی دانشجویان

بوده که بهره علمی و افری به همراه داشته است. بازخوردهای مثبت خبرنامه نشانگر استقبال گسترده جامعه دانشگاهی و پژوهشی و نیز دستگاه های اجرایی از این منبع علمی است. «اعضای کمیته دانشجویی انجمن و دانشجویان همکار، در فعالیت های مختلف و در مقاطع زمانی و مراحل مختلفی مشارکت داشته اند؛ از جمله همکاران فعال در تهیه خبرنامه مدت زمان مدیدی از زمان انتشار نخستین خبرنامه تا کنون با انجمن همکاری مستمر و مؤثری داشته اند. هم چنین کمیته دانشجویی انجمن که فعالیت های خود و همکاری با انجمن را در سال جاری به طور رسمی و نهادینه آغاز نموده، تا کنون در فعالیت های مختلف از جمله برگزاری نشست ها و برنامه های مختلف مشارکت داشته است. امید است که انجمن همواره در جذب اعضای دانشجویی به محفل علمی خود و استمرار فعالیت های دانشجویی در این چارچوب فضایی مناسب را ایجاد نماید؛ هم چنان که تا به امروز محفلی برای جذب سرمایه انسانی جوان به عنوان بزرگترین سرمایه خود بوده است».

سخنرانی آغازین: نگرشی همه جانبه نسبت به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد

در روز دوم برگزاری همایش، اولین سخنرانی به عنوان سخنرانی آغازین همایش، با عنوان «نگرشی همه جانبه نسبت به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد»، با سخنرانی دکتر علیرضا دیهیم - استاد دانشگاه و عضو مرجع ملی مبارزه با فساد - آغاز گردید. دکتر دیهیم در ابتدا به چالش های اجرایی کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با فساد اشاره کردند. «از جمله چالش های اساسی که کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد با آن مواجه است، می توان به بحث منافع ملی و حاکمیت دولت ها اشاره نمود. یکی از موانعی که در خصوص کنوانسیون وجود دارد تأیید بحث حفظ منافع ملی و حاکمیت دولت در مواد کنوانسیون است که دولت ها بر اساس آن می توانند از همکاری و معاضدت قضایی امتناع کنند. این امر یکی از چالش های بزرگ کنوانسیون است. کشورهای غربی که به طور معمول دارای شفافیت در حوزه حکمرانی، امور اقتصادی و اداری خود هستند نیز به جهت و شکلی متفاوت با کشورهایی که دارای میزان شفافیت کمتری هستند، با این چالش مواجه می باشند. چالش دیگر این است که برخی کشورها معتقدند مسائل فساد در داخل به هیچ وجه در قالب اطلاع رسانی به مقامات خارجی نباید صورت گیرد چون می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. یک چالش عمده نگرشی است که در برخی کشورها حاکمیت دارد. استدلال این کشورها این است که این نهادهای بین المللی اصولاً بر اساس یک نوع نگاه های سیاسی خاصی تأسیس شدند و تأمین مالی و منابع انسانی آنها معمولاً از سوی نهادهای خاص یا دولت های خاص صورت می گیرد، پس هر نوع اطلاع رسانی به آنها می تواند ضربه ای به اقتصاد کشور اطلاع دهنده باشد. حال سؤال این است کشوری که عضو کنوانسیون می شود تعهدات آن چگونه باید باشد و چگونه باید اجرا شود تا با این مشکلاتی که گفته شده مواجه نشود؟ بر اساس ماده ۶۳ کنوانسیون، دولت ها متخصصانی را انتخاب کردند و کارگروه هایی در جریان اجلاس هایی که تشکیل شد. این کارگروه ها موظف شدند تا مکانیسم اجرای تعهدات را به نحوی پیگیری کنند تا مانع

جهانی شدن کنوانسیون نشوند و هدف اصلی هم این باشد که با تشخیص و احراز چالش‌ها، رویه‌ها و قانون‌های مفید و مؤثر منعکس شوند. در نتیجه قواعدی تحت عنوان قواعد مرور ایجاد کردند و مکانیسم مرور شکل گرفت. مکانیسم مرور دارای یک سری قواعدی است که بر اساس آن هم دولت‌های عضو مرور را انجام می‌دهند و هم تحت مرور قرار می‌گیرند. تفاوتی که باید مورد بررسی و توجه واقع شود، بین کشورهایی است مثل ایران که نقش فعالی را در تهیه قواعد مرور داشتند با کشورهای دیگر مثل روسیه، مصر و چین؛ از این جهت که مکانیسم مرور طبق بند ۳ ماده ۶۳ کنوانسیون، مکانیسمی شفاف اما غیرمداخله جویانه و غیر تنبیهی در نظر گرفته شده که تأثیر و به ویژه اثر مخربی بر اقتصاد کشورها نداشته باشد و صرفاً هم توسط نهادهای بین‌الدولی انجام شود».



سپس دکتر دیهیم به تحولاتی اشاره کردند که در اجلاس‌های پنج‌گانه در خصوص کنوانسیون ایجاد شده است؛ از جمله کنفرانس سوم که ایران در آن زمان در این اجلاس شرکت کرد اما هم‌چنان کنوانسیون را در آن زمان تصویب نکرده بود و به عنوان عضو ناظر در اجلاس شرکت کرد و پاسخ‌ها و نظراتی هم ارائه داد. «مرور با مشارکت دولت‌های عضو نسبت به دولت‌های متعارض شکل می‌گیرد بدون اینکه جنبه خصمانه و یا تنبیهی داشته باشد؛ بلکه هدف از آن احراز و تشخیص چالش‌ها است و نظرات کشورها، تجارب و پتانسیل آنها برای رفع چالش‌ها است. بودجه آن از بودجه در نظر گرفته شده در سازمان ملل متحد و نیز از محل کمک‌های داوطلبانه تهیه می‌شود. بنابراین محل تأمین بودجه مشخص است. دوره مشخصی برای مرور و مراحلی برای آن پیش‌بینی شده است؛ دو مرحله را برای مرور در نظر گرفته‌اند. مرحله اول یک مرحله پنج‌ساله در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ می‌باشد که به مرور در خصوص فصل سوم (در مورد جرم انگاری مصادیق فساد) و فصل چهارم (در مورد همکاری‌های بین‌المللی) اختصاص یافته است. تا کنون چیزی حدود ۱۶۰ کشور این مرحله از مرور را سپری کرده‌اند. در فاز دوم که در بازه زمانی از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ تعریف شده است، به مرور فصل دوم (در مورد پیشگیری) و فصل پنجم کنوانسیون (در مورد بازگرداندن دارایی‌های ناشی از فساد) پرداخته خواهد شد. در برخی از دولت‌های اروپایی این مرور با مکانیسم‌های مختلفی وجود دارد؛ به این ترتیب که متخصصین از سوی کشورها معرفی شده و غربالی برای انتخاب صورت می‌گیرد. سپس چند متخصص به عنوان متخصصین بین‌الدولی و بین‌المللی

دولتی انتخاب می شوند. بازدیدهای کشوری در چارچوب مکانیسم مرور داوطلبانه می باشد؛ البته امروزه کشورهای اروپایی تأکید دارند که بازدید جنبه الزام آور داشته باشد اما برخی دولت ها با این پیشنهاد به طور جدی مخالفت می کنند. از دیگر شاخص های مهم در خصوص مکانیسم مرور این است که نتایج آن باید گزارش شود که با توجه به محرمانه بودن اطلاعات، خلاصه گزارش ها چاپ می شود. در خصوص مکانیسم مرور همواره باید تأکید کرد و توجه داشت که همکاری جمعی در مورد اجرایی شدن مفاد کنوانسیون در این راستا اجتناب ناپذیر است و همه ذی نفعان یعنی جامعه مدنی، بخش عمومی و خصوصی و مردم همگی برای شناسایی چالش ها و یافتن راه حل مناسب با آنها در چارچوب مکانیسم مرور همکاری می کنند. در مورد ایران، این مرور در ابتدای سال جاری صورت گرفت و نتایج آن نیز ارائه شد».

نشست اول: کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد و موضوع پولشویی

نشست اول همایش با عنوان کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد و موضوع پولشویی، به ریاست دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی آغاز گردید. در ابتدای این نشست، دکتر علی آزمایش - استاد دانشگاه تهران - سخنرانی خودشان را با موضوع جنبه های کیفری پولشویی آغاز نمودند. دکتر آزمایش توضیحاتی را به طور کلی در مورد تعریف پولشویی و مراحل ارتکاب عملیات پولشویی ارائه نمودند. «پولشویی یک جرم فراملی است. مرتکبین پولشویی اشخاص توانمندی هستند که در غالب موارد نیز به صورت سیستماتیک و گروهی در ساختارهای اقتصادی و مالی نفوذ کرده و درآمدهای نامشروع را وارد چرخه مالی و اقتصادی می کنند تا منشأ نامشروع این پول ها را از بین ببرند. مشاغلی که در معرض پولشویی هستند عمدتاً مشاغل مهمی در ساختار سیاسی و اداری به حساب می آیند و افرادی که در آن سمت ها ایفای نقش می کنند معمولاً دارای نفوذ زیادی در ساختار سیاسی و اداری بوده و دارای اطلاعات مهمی در مورد گردش مالی و اقتصادی نیز می باشند. این امر وقوع پولشویی و گردش پول های ناشی از درآمدهای نامشروع را تسهیل می کند. پولشویی و جوانب کیفری آن و الزامات پیش بینی شده در قوانین داخلی برای مقابله با پولشویی مبحثی بسیار حائز اهمیت است. در کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با پولشویی، بحث قانون گذاری های ملی برای تعیین عناصر جرم پولشویی و نیز تعیین مجازات این جرم به عنوان یک تکلیف برای دولت های عضو، شناخته شده است. جرمی مانند پولشویی که در سطحی وسیع و معمولاً به طور گروهی وقوع می یابد باید در قوانین داخلی به طور خاص به آن پرداخته شود. در قوانین داخلی ایران جرم پولشویی نیز همانند دیگر جرایمی که در اسناد بین المللی به آنها اشاره شده است به طور مستقل و مجزا به آن پرداخته نشده است. بنابراین بررسی و بازنگری قوانین داخلی از این منظر در اولویت و امری بس ضروری است. هم چنین در سطح بین المللی نیز می توان گفت با گذشت سال ها از تصویب کنوانسیون ۲۰۰۳ ملل متحد هنوز اراده سیاسی لازم برای مقابله با فساد وجود ندارد. همکاری و اراده جمعی دولت ها لازمه مقابله با جرایم و به طور خاص پولشویی در سطح بین المللی است».

در ادامه آقای صفت الله طاهری شمیرانی - مدیر برنامه ملی دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با مواد مخدر و جرم - با عنوان «پولشویی ابزاری مؤثر در مقابله با جرم فساد» به ارائه سخنرانی پرداختند. «وقتی صحبت از جرایم سازمان یافته می شود سازمان یافتگی نشان از تقسیم کار دارد. ابعاد فساد فراتر از این است و بر روی ثبات سیاسی اثر می گذارد. در زمانی که کشورهای عربی دچار بحران و تغییراتی در ساختار سیاسی خودشان شدند، مهم ترین مسئله، گسترش فساد در ساختارهای سیاسی و اقتصادی بود. سوال اساسی این است که فساد مالیاتی چگونه وارد سیستم می شود؟ در ابتدا پول های نامشروع باید در قالب سپرده گذاری وارد بانک و سیستم اقتصادی شود. بعد از آن لایه گذاری و چرخش پول در دستگاه های متعدد که نهایتاً مبداء آن قابل پیگرد نباشد. مرحله سوم هم سرمایه گذاری پول در مراحل مختلف می باشد. این سرمایه گذاری ها در سطوح مختلف ساختمان سازی، خرید و فروش املاک، بورس و مداخله در سیستم ارزی کشور و نیز کارهای تولیدی انجام می شود. این فعالیت ها گاهی صورت قانونی دارد مانند کارهای تولیدی که این امر لطمه اساسی به اقتصاد کشور می زند چون ممانعت از رقابت خصوصی می کند بدین دلیل که شبکه های پولشویی دارای اموال در سطح گسترده هستند. در مواردی هم شبکه های پولشویی اقدام به کارهای خیریه برای صورت مشروع دادن به کارهایشان می کنند. آمار بالای فساد نشانگر این است که هنوز اراده و تمایل لازم برای مقابله و ریشه کن کردن فساد وجود ندارد».

آقای طاهری شمیرانی در ادامه اشاره کردند که بحث قاچاق پول نقد، قاچاق مواد مخدر و نیز جریانات غیرقانونی مالی دارای اهمیت وافری می باشند. پول نقد و قاچاق آن در ایران نیازمند کنترل بیشتری است به خصوص در هنگام ورود پول به داخل کشور. آقای طاهری شمیرانی هم چنین در خصوص بحث تکلیف دولت ها برای ایجاد واحدهای اطلاعاتی مالی مطابق کنوانسیون مریدا بیان کردند که دریافت و تجزیه و تحلیل اطلاعات در مورد نقل و انتقالات مالی بر عهده این نهادهاست و در مواردی که نقل و انتقال مشکوک باشد باید به واحدهای قضایی مربوط ارجاع شود. ایشان بر اهمیت همکاری بین المللی و قانون گذاری در سطح ملی برای مقابله با فساد نیز تأکید کردند.

دکتر علیرضا ابراهیم گل - استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران - و آقای حشمت الله خالقی - کارشناس ارشد مسئول اداره مبارزه با پولشویی بانک ملت - سخنرانی خودشان را با عنوان «اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با پولشویی: راه طی شده، مسیر پیش رو» ارائه نمودند. «کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد الزاماتی را در ماده ۱۴ خود در مورد تشکیل نظام جامع کنترل داخلی و نهادهای مالی، تضمین همکاری های مجریان قانون برای مبارزه با فساد و نیز تشکیل واحدهای اطلاعات مالی خود مقرر کرده است که این اقدامات ناظر بر شناسایی و نقل و انتقالات پول و اسناد اعتباری می باشد. در بحث اقدامات داخلی، در ایران قانون مبارزه با پولشویی در ۱۳۸۶ تصویب شده که در آنجا دو نوع پولشویی تعریف شده است. یکی از رویکردهایی که در قوانین ملی در مبارزه با پولشویی اتخاذ می شود این است که سامانه هایی در قوانین و مقررات ایجاد گردد. تشکیل سامانه ها از رویکردهای اتخاذ شده در کنوانسیون مبارزه با فساد بوده است، به همین منظور بانک مرکزی ایران سعی کرده تا برای بانک ها و موسسات اعتباری سامانه هایی را طراحی کند و

برای عملیاتی شدن آنها بانک ها را مکلف کرده تا الزاماً از قواعد خاص آن تبعیت کنند. سامانه اصلاح فرآیندها باید در سیستم بانکی ایجاد شود و کلیه مراحل واریز و برداشت از طریق این سامانه کنترل شود».

دو سخنران این قسمت از نشست اول، در ادامه بحث خود به نحوه فعالیت بانک ها با استفاده از این سامانه ها و نیز ارائه گزارش از واریز و برداشت توسط بانک ها به واحد های اطلاعاتی پرداختند. ایشان هم چنین به سامانه کنترل پروژه که در آن یک زمان معین را برای هر یک از راه های مبارزه با پولشویی قرار داده اند و هر بانکی باید انجام این نظارت ها و واریزها و برداشت ها را در سیستم خودش در چارچوب این سامانه ها ثبت و ضبط کند تا از این طریق بتواند عملکرد خودش را تشریح کند. هر ۶ ماه یک بار هم این عملکرد باید ارزیابی شود. سخنرانان محترم اشاره کردند که تا این قسمت از بحث بر راهکارهای داخلی پرداخته شده و در ادامه به راهکارهای بین المللی نیز اشاره ای خواهد شد. ایشان بیان کردند که در سطح بین المللی در کنوانسیون، بحث همکاری دولت ها با سازمان های بین المللی و منطقه ای، همکاری با دفتر ملل متحد برای مبارزه با جرم و مواد مخدر در تهران و همکاری دولت ایران با تمامی نهادها و برنامه هایی از این قبیل بوده که راهکاری بسیار مؤثر برای مبارزه با پولشویی است. با وجود ورود ایران به نهاد ها و برنامه های فعال در مقابله با پولشویی، مشکل اصلی هم چنان عدم وجود یک قانون مستقل و کارآمد در سطح ملی است.

در پایان نشست اول، خانم زهرا احمدی - دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران - در مورد موضوع پیشگیری از جرم در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از منظر کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، مطالب خود را بیان نمودند. «کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد بر چهار رکن استوار است، پیشگیری، اقدامات سرکوب گرایانه، همکاری های بین المللی و استرداد اموال ناشی از جرم. در این میان کنوانسیون به بحث پیشگیری نظر خاصی داشته است؛ برخلاف سایر کنوانسیون های بین المللی که در ابتدا به جرایم و سپس به پیشگیری توجه می کنند، در این سند ابتدا به پیشگیری توجه شده است. قانون اجرای سیاست کلی اصل ۴۴ که سال تصویب آن سال ۱۳۸۷ بوده است یعنی ۱ سال پس از تصویب کنوانسیون مریدا، یکی از قوانین ضد فساد محسوب می گردد. وقتی به این قانون توجه می شود متوجه می شویم که اقدامات پیشگیرانه بسیاری در این قانون اشاره شده است؛ از جمله آنها می توان به برنامه رفع تعارض منافع اشاره کرد که در واقع برنامه ای برای جلوگیری از سوء استفاده از موقعیت و ارتکاب فساد و ممانعت صاحب منصبان از خرید سهام و سکه و اعمالی از این قبیل می باشد. تدوین کدهای رفتاری که در ماده ۱۵ این قانون اشاره شده است. این وظیفه به انجمن های صنفی - حرفه ای واگذار شده است. خود این انجمن ها نمونه ای از مشارکت دادن جامعه مدنی به عنوان یک عمل پیشگیرانه برای مبارزه با فساد است. برنامه های آموزشی و تشویقی برای مبارزه با فساد به خصوص آموزش و تشویق کارمندان و نیز شفافیت و دسترسی به اطلاعات که در قانون اصل ۴۴ در این راستا به تکلیف وزارت دادگستری اشاره کرده است، از جمله تمهیدات پیش بینی شده می باشند».

نشست دوم همایش: ابعاد بین‌المللی مبارزه با فساد

نشست دوم همایش با عنوان ابعاد بین‌المللی مبارزه با فساد با ریاست دکتر بهشید ارفع نیا - استاد برجسته حقوق بین‌الملل خصوصی و عضو ادوار مختلف هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز - آغاز گردید.

۱۰۹

سخنران اول این نشست، دکتر علیرضا کاظمی - معاون بین‌الملل وزارت دادگستری - بودند که در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال رشوه به مقامات خارجی در تجارت بین‌المللی، به ارائه سخنرانی پرداختند. «بحث مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال رشوه به مقامات خارجی در حوزه تجارت بین‌الملل حائز اهمیت بسیار است. در برخورد با این امر، بحث قانون‌گذاری داخلی در ابتدا باید مورد توجه قرار بگیرد. برخورد با مقامات خارجی که از طریق دریافت رشوه در تجارت‌های بین‌المللی شرکت کرده‌اند، در قانون‌گذاری ملی مشخص می‌شود؛ چرا که مقامات خارجی به واسطه موقعیت سیاسی و اقتصادی خودشان امکان ارتکاب جرم ارتشاء برایشان به مراتب بیشتر است. در این راستا به قانون‌گذاری‌های ملی در این راستا اشاره می‌شود، از جمله قانون آمریکا در خصوص بحث رشوه به مقامات خارجی که در جریان معاملات تجاری بین‌المللی نقش ایفا می‌کنند. در آن قانون صلاحیت قضایی آمریکا را به ورای مرزهای آن گسترش داده و بیان می‌داشت که دادن رشوه به مقامات خارجی توسط شرکت‌های آمریکایی، شعب آنها و نمایندگان آنها هر چند ذیل قوانین دیگر کشورها تأسیس شده باشد اما شعبه شرکت آمریکایی محسوب شوند، جرم انگاری شد. آمریکایی‌ها در این حوزه بسیار سخت‌گیر بودند، بحث «واترگیت»^۶ و اثری که بر حیثیت تجاری آمریکا داشت، بسیار برای تصویب این قانون زمینه‌ساز بود، طوری که در کنگره آمریکا بدون بحث و اختلاف زیاد، قانون رشوه به مقامات خارجی توسط شرکت‌های آمریکا تصویب گردید و در اصلاحات بعدی این قانون تا حدی این قانون ترمیم شد مانند اصلاحیه ۱۹۸۸ که بحث هدیه به مقامات خارجی را از بین بردند یا در حوزه تأمین هزینه سفر مقامات خارجی بازنگری‌هایی صورت گرفت. ریشه این تفکر این بود که شرکت‌های آمریکا با گذراندن این قانون، در رقابت‌های تجاری خارجی در موقعیت پایین‌تری قرار گرفته‌اند. تجربه این نوع قانون‌گذاری در زمینه جلوگیری و برخورد جدی با بحث ارتشاء در فعالیت‌هایی که مقامات خارجی در آن مشارکت دارند و در سطح ملی مطرح می‌شود و با حیثیت و منافع ملی ارتباط مستقیم دارد، به خصوص در زمینه‌ای مانند تجارت بین‌المللی قابل توجه و بررسی است. در ایران نیز در امر مبارزه با فسادهای مالی و بحث رشوه همواره تأکید شده که وجود قانون مستقل، لازم می‌باشد».

سپس دکتر هیبت‌الله نژندی منش - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی - به بیان مطالبی درخصوص چالش‌های فراروی مبارزه با فساد در حقوق بین‌الملل پرداختند. ایشان اذعان داشتند چارچوبی که امروزه در حقوق بین‌الملل برای مبارزه با فساد فراهم آمده است، دربردارنده مقررات جهانی و منطقه‌ای و هم‌چنین سازکارهای اجرایی است.

^۶ Watergate

اگر چه اعضای اجتماع بین المللی تلاش کردند تا در خصوص مبارزه با فساد چارچوب حقوقی کارآمدی را تنظیم کنند، اما این چارچوب از نظر حقوقی با چالش هایی مواجه می باشد. برای نمونه تعریف دقیقی از واژه فساد وجود ندارد. کشورهای مختلف و کنشگران مختلف تعاریف مختلفی در مورد فساد به کار می برند. «چالش های مربوط به صلاحیت مانع تعقیب و رسیدگی به جرایم مرتبط با فساد می باشد. مبارزه با فساد در چارچوب نظام حقوقی بین المللی موجود با چالش هایی از منظر حقوقی مواجه است. از جمله می توان به چالش هایی در خصوص تعریف فساد، صلاحیت دادگاه های داخلی و به ویژه صلاحیت فراسرزمینی برای رسیدگی به فساد در ورای مرزهای ملی، استرداد متهم یا مجرمین، اجرای احکام، بازگرداندن دارایی ها و اموال، رابطه بین فساد و به زمامداری رابطه بین فساد و حقوق بشر و هم چنین فساد در بخش خصوصی اشاره کرد».

دکتر منصور آقا محمدی - پژوهشگر و مسئول امور بین الملل سازمان بازرسی کل کشور - سخنران بعدی این نشست بودند که در مورد همکاری های بین المللی در زمینه بازگرداندن اموال مسروقه ناشی از فساد سخنرانی کردند. دکتر آقامحمدی ابتدا اشاره کردند که شاید عنوان مسروقه برای اموال ناشی از فساد عنوان دقیقی نباشد اما مصطلح است. استرداد اموال مسروقه تنها متکی بر همکاری های بین المللی است. این همکاری ها در چارچوب موافقت نامه هایی که موضوع آنها استرداد اموال است یا در بخشی از آنها به استرداد اموالی که منبع آنها فسادهای مالی و اقتصادی بوده است، دیده می شود. «شاید بتوان گفت هم چنان که کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد در صورت وجود اراده سیاسی از ناحیه اعضا اجرایی و عملی می گردد و اهداف آن تحقق می یابد، یکی از مهم ترین حوزه های این کنوانسیون نیز که مبتنی و متکی بر همکاری اعضا است در خصوص استرداد اموال به عنوان نوعی جبران خسارات مالی وارد شده ناشی از فساد می باشد. اهمیت بحث محکومیت کیفری مرتکبان جرایم مالی و اقدام برای استرداد اموال به خاطر ممانعت از انتقال اموال ناشی از فساد یا همان اموال مسروقه به بانک ها، کشورهای دیگر، گروه ها یا شبکه های پولشویی و قاچاق پول نقد بوده و بدین جهت کنوانسیون ۲۰۰۳ نیز بحثی را به محکومیت کیفری و استرداد اموال اختصاص داده است. برای اینکه اموال مجرم مسدود و ضبط شود باید حکم کیفری قطعی صادر شده باشد. استرداد اموال مسروقه سازکار پیچیده ای دارد. محاکم کیفری ایران و قضات باید به سمتی بروند که تأکید آنها بر معاضدت قضایی متقابل به طور غیر رسمی باشد. سازکاری هم که اتخاذ می شود با توجه به دولت درخواست کننده اموال مسروقه و درخواست شونده است. معمولاً در هنگامی که تقاضای استرداد مطرح می شود، کشور درخواست شونده مطابق رویه ای که در داخل دارند رقمی را درخواست می کنند که این رقم بین ۲۰ تا ۵۰ درصد از ارزش مال مسروقه نوسان دارد. این رقم نیز به عنوان هزینه پیگیری و انجام امور قضایی و اداری مربوط به استرداد اموال مسروقه است».

در پایان نشست دوم، آقای مهدی قاسمی - دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران - سخنرانی خود را با عنوان «فساد و مسئولیت کیفری کارمندان سازمان های بین المللی» ارائه دادند. «اسناد مؤسس سازمان های بین المللی بر کارآمدی، صلاحیت و درستکاری در استخدام و گزینش کارمندان سازمان های بین المللی تأکید دارند، اما بعضاً کارمندان

سازمان‌های بین‌المللی مرتکب تخلفات و جرایم کیفری متعدد از جمله فساد می‌شوند. تنها اسناد داخلی سازمان‌های بین‌المللی مانند مقررات، آیین‌نامه و دیگر اسناد مربوط به کارمندان به اعمال و تخلفات کارمندان سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازند، اما در سال‌های اخیر، اسناد مهم بین‌المللی دیگری نیز به موضوع ارتکاب جرم و مسئولیت کیفری کارمندان سازمان‌های بین‌المللی پرداخته‌اند، از جمله کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد، قطعنامه مسئولیت کیفری کارمندان و کارشناسان مأمور سازمان ملل متحد و همچنین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، سازمان‌های بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد از یک سو دارای صلاحیت اداری و انضباطی نسبت به کارمندان خود بوده ولی از سوی دیگر فاقد صلاحیت کیفری برای رسیدگی و مجازات جرایم ارتكابی از جمله فساد توسط آنان می‌باشند. ابعاد حقوقی ارتکاب جرم فساد توسط سازمان‌های بین‌المللی، تعریف و مصادیق آن، دلایل بروز فساد، حقوق حاکم بر جرم فساد، تحلیل عناصر جرم فساد، اقدامات سازمان‌های بین‌المللی پس از ارتکاب جرم فساد در قالب تنبیهات انضباطی و پیگرد قضایی، نقش دادگاه‌های داخلی دولتها در برخورد با این جرم، مسئله مصونیت و هم‌چنین آرای دادگاه‌های اداری بین‌المللی از جمله دادگاه‌های حل اختلاف و تجدیدنظر سازمان ملل متحد در مورد پرونده‌های مربوط به فساد از جمله مسائل حائز اهمیت می‌باشند، که باید به آنها پرداخته شود».

نشست سوم: نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد

نشست سوم همایش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها، با عنوان نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد برگزار گردید. دکتر ابراهیم بیگ زاده - استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی - به عنوان رئیس نشست سوم، مطالبی را در خصوص نقش جامعه مدنی در مقابله با فساد ارائه نمودند. «تیره بختی انسانها هرگز نباید در هاله‌ای از سکوت قدرت سیاسی باقی بماند، این حق انسانهاست که قد علم کرده و از پذیرش سهمی که قدرتمندان برایشان تعیین می‌کنند، سرباز زنند. تحقق این آرمان هنوز کاملاً محقق نشده است اما عصر سلطه مطلق دولت‌های وستفالیایی به سر آمده است. حقوق بین‌الملل در عصر پسامدرن با نوعی گذار به خویشتن‌خویش با حرکت از حقوق دولت محور بودن به سوی حقوق انسان محور شدن، در حال پذیرش مشارکت انسانها و اجتماعات آنها در فرآیند تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر اجراست. امروزه کمتر قلمرویی را در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌توان نام برد که مردم و جامعه مدنی خواهان مشارکت در فرآیند شکل‌گیری هنجارها و نظارت و اجرای آن نباشند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشارکت خواهی مردم در قالب جامعه مدنی، مبارزه با فساد است، فساد به مثابه جذامی بر پیکره جوامع مختلف افتاده و در حال فروپاشاندن و مضمحل کردن آنها هست. این به عهده دولت‌هاست که از این ره آورد جامعه بشری استفاده کرده و این بحران خودساخته را با حرکت به سمت حکمرانی خوب کاهش داده و مدیریت کنند. پیشگفتار و ماده ۱۳ کنوانسیون ۲۰۰۳ نیز به صراحت بر پذیرش مشارکت مردم تأکید می‌کند و در امر مبارزه با فساد این را تکلیفی برای دولت‌ها برای اتخاذ تدابیری جهت مشارکت جامعه مدنی و جوامع انسانی در مبارزه با پیشگیری با فساد دانسته است. البته در این سند اشاره شده که مشارکت

جامعه مدنی نباید با امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق حسنه منافات داشته باشد. حال این سوال مطرح است که آیا مشارکت و آزادی مردم در افشای جرم فساد چگونه می تواند با امنیت ملی و نظم عمومی منافات داشته باشد؟ در حالی که این فساد و ارتکاب جرم است که امنیت و نظم را بر هم می زند».

اولین سخنرانی در نشست سوم با عنوان بررسی نقش مشارکت مردم و جامعه مدنی در مبارزه با فساد، با مشارکت دکتر محمد حسین زارعی - استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی - و آقای نظام براتی - عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی و دانشجوی دکتری حقوق - ارائه گردید. آقای براتی در بیانات خود به این مسئله اشاره کردند که مبارزه با فساد می تواند مردم سالاری را نهادینه کرده و باعث توسعه سرمایه گذاری و رشد اقتصادی شود. بخش دولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی در مبارزه با فساد نقش دارند. برای مبارزه با فساد دو نکته بسیار حائز اهمیت است، اول بحث اراده حاکمیت و دوم بحث مشارکت مدنی و مردم. مشارکت مردم هم می تواند مستقل باشد و هم در چارچوب جامعه مدنی. آن مشارکت باید سازمان یافته و نیز آگاهانه باشد تا به مقصود برسد. مشارکت از یک دیدگاه مبین آزادی اجتماعات و آزادی بیان می باشد. که در قانون اساسی ایران هم اشاره شده است. بحث محدودیت های سیاسی پیش روی مشارکت مدنی، عدم رضایت دولتمردان به به کارگیری مؤثر جامعه مدنی و نیز مسائل مرتبط با پاکدستی جامعه مدنی در مبارزه با فساد و حضور فعال و خودجوش آن است. حضور جامعه مدنی در عرصه تصویب قوانین و مبارزه با فساد از طریق تفحص مطبوعاتی حائز اهمیت بسیار است اما در ایران شاهد این حضور نیستیم. از سوی دیگر، تماس هر چه بیشتر و فعال تر جوامع مدنی با نمایندگان مجلس بسیار راهگشاست در حالیکه این ارتباط در خصوص بخش خصوصی و جامعه مدنی در ایران با نمایندگان قانون گذاری بسیار کم رنگ است. فعالیت جامعه مدنی در مباحث فرهنگی و همکاری با دولت یک عنصر کلیدی است؛ در ایران در خصوص مبارزه با فساد، عمده تمرکز بر نهادهای دولتی است و این یک مشکل عمده محسوب می شود. هم چنین دولت ها وقتی در مبارزه با فساد موفق هستند که فعالیت هایشان در این حوزه همواره مورد نظارت جامعه مدنی باشد».

سپس دکتر حسن عابدی جعفری - استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران - در مورد نقش سازمان های مردم نهاد در حوزه مبارزه با فساد به ارائه سخنرانی پرداختند. «ناکارآمدی دولت ها و اداره امور و رویکرد قبضه قدرت بر مردم سنگین آمده است. بخش خصوصی نیز بناست با امکاناتی که مردم برای آن فراهم کرده است استفاده کند و نتیجه فعالیت آن برای مردم باشد اما تجربه نشان می دهد که تمرکز بخش خصوصی بر منافع خودشان است در نتیجه مردم احساس کرده اند که باید حضور داشته باشند و این دو بخش را هدایت کنند، تجربه گذاردن قدرت و اختیارات به این دو بخش چندان برای افراد خوشایند نبوده است. سازمان های مردم نهاد غیردولتی هستند و برای کسب سود تشکیل نشده اند چون فعالیت آنها در راستای نظارت بر این دو بخش و گزارش عملکرد آنها به نهادهای قضایی و سایر نهادهای مربوطه است. عرصه مبارزه با فساد از پر حضورترین عرصه های جامعه مدنی است، چون فساد یک معضل اجتماعی است. ۶۹ درصد کشورهای جهان درگیر فساد هستند و برخی کشورها تا ۹ درصد فساد دارند. مبارزه با فساد در سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی مطرح

است که در سطح بین‌المللی شاهد کنوانسیون ۲۰۰۳ هستیم که دولت‌های عضو اگرچه تفاوت‌های زیادی به لحاظ رژیم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند اما در مبارزه با فساد به نقاط اشتراک رسیده‌اند. هیچ‌قشری در جامعه نیست که ذیل کنوانسیون درگیر مبارزه با فساد نباشد. مجالس مقننه - مجریه در تمام نهادهای دولتی با همکاری جامعه مدنی به موجب کنوانسیون به مبارزه با فساد پرداخته‌اند. مبارزه با فساد در قالب سازمان‌های مدنی، نظارت و اتخاذ مواضع مشترک برای مبارزه با فساد به موجب کنوانسیون از مهم‌ترین اقدامات این سازمان‌های مدنی است».

در پایان نشست سوم، دکتر علی‌امیدی - استاد دانشگاه اصفهان - و آقای محمد جواد هاشمی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان - سخنرانی خودشان را تحت عنوان «مطالعه مقایسه‌ای تأثیر نهادهای دموکراتیک و مستقل نظارتی بر کاهش فساد با توجه به فصل دوم کنوانسیون جهانی مبارزه با فساد (۲۰۰۳)» ارائه نمودند. «مفهوم دموکراسی و کاهش فساد دارای ارتباط هستند. ایران در مرحله گذار به سمت دموکراسی است و در این مسیر می‌تواند به سمت کاهش فساد هم پیش برود. دموکراسی دارای یک سری مؤلفه و ارکان چهارگانه است؛ مؤلفه اول لیبرالیسم است که برخی اندیشمندان مانند فوکوما یا معتقدند که دموکراسی بدون لیبرالیسم ممکن نیست. اگر هدف حذف فساد در جامعه استبدادی فرآیند خصوصی‌سازی به طور قانونمند وجود داشته باشد. برای داشتن یک دموکراسی پویا باید به عنصر لیبرالیسم و خصوصی‌سازی قانونمند توجه داشت. بحث قوه قضاییه عادلانه و بی‌طرف و نیز مسئولیت و پاسخ‌گویی مسئولان و مجریان و پیگیری سیستم قضایی به خصوص در هنگام فساد گسترده رکن سوم است. رسانه‌های آزاد به عنوان رکن چهارم دموکراسی هستند که می‌توانند با انعکاس اطلاعات نظارت کنند، وجود انتخابات ادواری و با نظارت که از دریچه این انتخابات اگر مسئولان مرتکب فساد اقتصادی شدند، بتوان آنها را از کار برکنار کرد».

در ادامه بحث دکتر امیدیه اشاره کردند که در مطالعات خود بر کشور ترکیه متمرکز شده‌اند. ترکیه در هنگام ورود به اتحادیه اروپا می‌بایست فساد اقتصادی و مالی سالانه آن کاهش چشمگیری می‌یافت. در نتیجه در ترکیه سازمان بازرسی و حسابرسی مالیاتی و واضعان قوانین در این راستا اقداماتی را اتخاذ نمودند. ایشان هم چنین تأکید کردند که اگر چه دموکراسی ترکیه ایده آل نیست اما به لحاظ اقتصادی پیشرفت‌هایی داشته است؛ از جمله تلاش برای کاهش فساد، افزایش رشد اقتصادی و نیز کاهش تورم. مسیری که کشور ترکیه طی کرده است برای سایر کشورها که شباهت‌های بسیاری به ترکیه دارند از جمله ایران قابل توجه است.

به یاد استاد مسعود طارمسری

در ادامه، به یاد استاد مسعود طارمسری، عضو مؤسس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و عضو مرجع ملی مبارزه با فساد، نشست کوتاهی برگزار گردید. دکتر مصفا مطالبی را در خصوص فضایل اخلاقی و مقام علمی ایشان و همچنین

زنده نگه داشتن یاد عضو موسس انجمن ارائه کردند و تأکید کردند که از رسالت های مهم انجمن یاد کردن از گذشتگان و پاسداشت خدمات ایشان است. ۲۳ آذر ماه سالروز درگذشت زنده یاد استاد طارمیری است که انجمن همیشه مدیون خدمات ایشان بوده است.

میزگرد کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش ها

میزگرد کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش ها، با شرکت استادان و صاحب نظران (دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، دکتر محسن محبی، دکتر حسین میرمحمدصادقی و آقای صفت الله طاهری شمیرانی) برگزار شد. استادان سخنران در این میزگرد، ضمن جمع بندی مطالب اشاره شده در نشست های برگزار شده، برخی از مهم ترین چالش های کنوانسیون را در مقام اجرا مورد بحث قرار دادند، هم چنین اشاره به مشکلاتی که ایران در زمینه مبارزه با فساد در ساختار اداری، اقتصادی و قضایی و چگونگی رفع این مشکلات دارد از دیگر مسائلی بود که در میزگرد مورد توجه قرار گرفت. تمرکز اصلی میزگرد بر اجرای مفاد کنوانسیون و پتانسیل های اجرایی آن در داخل کشور بود.

دکتر حسین میرمحمدصادقی - استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی - در بیانات خود به این مسئله اشاره کردند که در زمینه فساد، عناوین مجرمانه مختلفی وجود داشته و به لحاظ عناوین کاستی وجود ندارد اما قانونی که در حدود ۸۰ سال پیش در ایران تصویب شده باید به روز شود، به ویژه در مورد پولشویی که یک قانون حاوی ۲ ماده وجود دارد و آئین نامه آن در حد نوعی قانون گذاری است که این مشکل بزرگی در سیستم قانون گذاری ماست. «امروزه توصیه اسناد بین المللی این است که در جرایم مالی بیشتر از مجازات های تویخی استفاده شود که اثر بازدارندگی لازم را داشته باشد. در بحث رشا و ارتشا هم مباحث بسیاری در قوانین ایران وجود دارد، قانون ایران فقط دادن و گرفتن را رشا و ارتشا می داند. در حالی که در کنوانسیون مریدا، مسائلی مانند درخواست، طلب و پیشنهاد هم به عنوان جرم تام قابل طرح می باشد. تعاریف سنتی مضیقی که در قوانین ما وجود دارد، جزء کاستی های قانونی است که باید مورد توجه واقع شود. امروزه کارهایی که دولت انجام می دهد در موارد بسیاری بخش خصوصی هم انجام می دهد، به لحاظ سنتی، اختلاس و ارتشا در قوانین ما مخصوص کارمند دولت می باشد، در حالی که این سوال را می توان مطرح کرد که برای گرفتن وام از یک بانک دولتی اگر رشوه داده شود، این امر برای رشوه دهنده و گیرنده جرم می باشد. اما اگر بانک خصوصی باشد، قانون دچار مشکل می شود. در کنوانسیون مریدا در همان ابتدا به بحث پیشگیری پرداخته است، این امر در کنوانسیون های بین المللی شاید کم سابقه باشد که در بحث پیشگیری به بحث ورود در ماهیت اولویت داده شده است. می توان گفت مطالبه اصلی مردم علی الاصول این است که چرا سیستم به گونه ای طراحی نشده است که اساسا ما شاهد این فساد ها نباشیم، هر چند مجازات مرتکبین فساد هم جزء خواسته هاست اما مطالبه اصلی همان پیشگیری است».



در ادامه دکتر میرمحمدصادقی اشاره کردند که شفافیت در نظام اداری بسیار حائز اهمیت است اما ایران دارای رتبه پایینی در این زمینه است. دولتی بودن اقتصاد یک منشأ بزرگ و اساسی برای مسئله فساد می باشد. «اقتصاد دولتی، رانت ها و ارتباطات دولتی است که می تواند بسیاری از فساد ها را ممکن نماید. برای حصول شفافیت، ایجاد سازمان های نظارتی قوی لازم است. هم چنین باید مفهوم و مصداق جرم اقتصادی و جرم مالی در قوانین معین و مشخص شوند. قانون مجازات سال ۱۳۹۲ هم این را مشخص نکرده است. پر کردن این خلاءهای قانونی لازم می نماید. هیچ چیز بیشتر از این نمی تواند امنیت را به خطر اندازد که فساد در سطحی گسترده وجود داشته باشد و هیچ چیز هم به این اندازه نمی تواند پایه های نظام را تقویت کند که مردم ببینند اگر هم فساد هست، مجازات در چابوب سیستمی عادلانه صورت می گیرد. نهادهای فساد بسیار آسیب زا بوده و برای جلوگیری از نهادهای فساد باید سازکار اتخاذ شود».

دکتر محبی - رییس مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری - در سخنرانی خود بر مسائل مدنی و جوانب حقوقی مسائل مطرح در کنوانسیون اشاره کردند. «وقتی فساد رخ می دهد در کنار جوانب کیفری آن، مسائل حقوقی مرتبط با آن هم باید مورد بررسی قرار گیرد. در قراردادهای بین المللی امر فساد نهادهای فساد شده است. شاید اغراق نباشد اگر گفته شود امروزه باید از رژیم حقوقی فساد در حقوق بین الملل و آثار فساد بر رسیدگی های بین المللی باید صحبت کرد. در خصوص رسیدگی های بین المللی وقوع فساد از دو وجه ماهیت موضوع تحت رسیدگی و ماهیت رأی صادره، بر جریان رسیدگی اثر می گذارد. در جریان رسیدگی، مهم ترین نکته موجود این است که مرجع رسیدگی بین المللی چه استاندارد و دلیلی را باید احراز کند. اگر یکی از طرفین اشاره کند که قرارداد موضوع بحث ناشی از فساد بوده، این سوال مطرح می شود که دیوان داوری چگونه این امر را احراز خواهد کرد؟ امروزه در رسیدگی ها گفته می شود که چنانچه برای مرجع رسیدگی تردید معقولی ایجاد شود که قرارداد آلوده به فساد است، آن مرجع می تواند رسیدگی را متوقف کند. به نظر می رسد که این یک دستاورد بزرگ در حقوق بین الملل بوده و البته باید توجه داشت که بی اعتباری و بطلان قراردادی که مبنای صلاحیت

مرجع رسیدگی قضایی یا داوری است، الزاماً آسیبی به صلاحیت آن مرجع نمی زند. ماده ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون مریدا در مورد اثر عملی که برخاسته و ناشی از فساد است سخن می گوید که دولت ها مکلفند زمینه اتخاذ اقدامات جبرانی را فراهم آورند و ضرر کنندگان از فساد دارای حق طرح دعوا برای جبران خسارت هستند».

آقای صفت الله طاهری شمیرانی - مدیر برنامه ملی دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با مواد مخدر و جرم - در بیانات خودشان در میزگرد تأکید کردند که فساد در همه جا وجود دارد اما میزان آن متفاوت است. «اگر سازکارهای مؤثری در مقابله با پولشویی به خصوص در چارچوب همکاری های بین المللی اتخاذ شود و نهایتاً محرومیت مرتکبین فساد از امتیازات و عایدات ناشی از فساد می تواند بازخورد بسیاری داشته باشد. جلساتی نظیر همایش سالانه انجمن سبب بحث و تبادل نظر در خصوص موضوع فساد می شود و نیز ظرفیت مکانیسم های موجود به ویژه اسناد بین المللی را نشان می دهند».

آقای طاهری شمیرانی در ادامه اشاره کردند که دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با مواد مخدر و جرم که متولی کنوانسیون مقابله با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان سازمان ملل متحد می باشد، هماهنگی های مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون مبارزه با فساد را نیز انجام می دهد. برای مثال در بحث بازدیدهای دوره ای از وضعیت فساد در کشورهای عضو بدون هماهنگی دفتر سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرم و مواد مخدر ممکن نمی باشد. بحث دیگر مشارکت جامعه مدنی در مبارزه با فساد است که UNODC نیز همواره از مشارکت این نهادها حمایت می کند. در واقع یک پایه اصلی مبارزه با فساد هم چنان که در همایش حاضر نیز مورد توجه بسیار قرار گرفت، بحث مشارکت جامعه مدنی اعم از سازمان های مردم نهاد، بخش خصوصی و مردم است که بدون لحاظ این مشارکت و بدون فراهم آوردن زمینه های مساعد برای مداخله و مشارکت جامعه مدنی جهت مبارزه با فساد هیچ گاه هدف نهایی کاهش و در نهایت محو فساد محقق نخواهد شد.

در پایان میزگرد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، در سخنان خود اشاره کردند به این مسئله که سریع بودن روند انعقاد، امضا و تصویب کنوانسیون از سوی دول عضو جالب توجه است اما ماهیت این سند از منظر حقوق بین الملل جای بحث دارد.

ماهیت الزام آور بودن این سند از منظر حقوق بین الملل حائز اهمیت بسیار می باشد. «در برخی از مواد کنوانسیون عباراتی به کار برده شده که تعهد واقعی از آن حاصل نمی شود؛ برای مثال در ماده ۵ اشاره می کند که دولت ها به نحو مقتضی با هم همکاری خواهند کرد. در ماده ۴ نیز صراحتاً بحث حاکمیت را تأکید می کند در حالی که علی الاصول در حقوق بین الملل معاهدات تحدید کننده حاکمیت دولت ها هستند. تأکید صریح در ماده ۴ به نظر می رسد بر این است که از بار تعهد الزام آور و مفاد سند بکاهد. آیا این کنوانسیون همگام با حقوق بشر است یا ضد آن است، این بحث نیز در خصوص

کنوانسیون مریدا حائز اهمیت است. در کنار مباحث کیفری کنوانسیون مریدا، مباحث حقوقی آن هم در خصوص این سند باید مورد مذاقه قرار گیرد».

همایش سالانه انجمن در ۱۲ و ۱۳ آذر ماه با توجه به موضوع بسیار مهم و کاربردی آن، مورد توجه و استقبال ارگان ها و نهادهای مختلف، دانشجویان و محققین در حوزه مبارزه با فساد و نیز استادان و صاحب نظران قرار گرفت و این نشان از اهمیت موضوع فساد و مبارزه با آن با توجه به ظرفیت های موجود در هر کشور و نیز فراهم کردن زمینه های اجرایی لازم و همکاری ارگان های مختلف در داخل برای کارآمد سازی هر چه بیشتر مفاد کنوانسیون است.

نشست «سرمایه گذاری خارجی و حقوق بشر»

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۱۱۸

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، نشست تخصصی «حقوق بشر و سرمایه گذاری خارجی» را در روز چهارشنبه، نوزدهم آذر ماه برگزار کرد. در نشست سرمایه گذاری خارجی و حقوق بشر، دکتر محمد باقر شیخی، مدرس دانشگاه، سخنرانی خود را با موضوع سرمایه گذاری بین المللی از منظر حقوق بشر: مسائل و چشم اندازها، ارائه نمودند. سپس خانم الناز نثاری، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه، در مورد بیمه سرمایه گذاری خارجی و حق بر محیط زیست سالم، سخنرانی کردند. در نشست سرمایه گذاری خارجی و حقوق بشر، دکتر نسرين مصفا، رئیس محترم انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد و خانم نازنین قائم مقامی، نماینده مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران حضور به هم رسانیدند. خانم دکتر مصفا با اشاره به اهمیت روز جهانی حقوق بشر و نیز پیام دبیر کل ملل متحد در خصوص روز جهانی حقوق بشر، توجه به مسئله سرمایه گذاری های خارجی و مسائل حقوق بشری مطرح در این زمینه را به عنوان مباحثی که جای تأمل، بحث و تبادل نظر بسیار دارد، حائز اهمیت بسیار دانستند.

در ادامه خانم نازنین قائم مقامی، پیام دبیر کل ملل متحد را به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، ۱۰ دسامبر، قرائت نمودند:

"در روز حقوق بشر ما بی پرده سخن می گوئیم، ما مسئولانی که حقوق هر فرد یا گروه را انکار می کنند، تقبیح می کنیم. اعلام می کنیم حقوق بشر همواره برای همگی ما است، فارغ از اینکه چه کسی هستیم و اهل کجاییم؛ بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی و اعتقادات. این موضوعی مرتبط با عدالت فردی، ثبات اجتماعی و پیشرفت جهانی است. سازمان ملل متحد از حقوق بشر حمایت می کند؛ زیرا این رسالت غرور انگیز ما است و هنگامی که مردم از حقوق خود بهره مند می شوند، اقتصادها شکوفا گشته و کشورها در صلح به سر می برند. نقض حقوق بشر فراتر از مصیبت های شخصی است و زنگ خطری برای هشدار در مورد احتمال بحران های بزرگتر محسوب می شود. هدف ابتکار «جبهه حقوق بشر ملل متحد» توجه به آن هشدارها است. ما در پاسخ به نقض حقوق بشر متحد می شویم، قبل از اینکه به سوی وحشی گری های بزرگ یا جنابات جنگی رو به انحطاط بگذارد. هر کس می تواند تلاش علیه بی عدالتی، نابردباری و افراطی گری را به پیش ببرد. اینجانب دولت ها را فرا می خوانم تا هر روز سال به تعهد خود نسبت به حفظ حقوق بشر احترام گذارند. اینجانب از مردم می خواهم دولت هایشان را به این سوق دهند تا مسئولیت پذیر باشند. به علاوه اینجانب خواستار حمایت های ویژه برای مدافعان حقوق بشر هستم که شجاعانه به هدف جمعی ما خدمت می کنند. اجازه دهید به فریاد استثمار شده ها برسیم و از حق منزلت بشری برای همگان حمایت کنیم."

سپس دکتر شیخی سخنرانی خودشان را با موضوع سرمایه گذاری بین المللی از منظر حقوق بشر: مسائل و چشم اندازها آغاز کردند. دکتر شیخی دریانات خودشان ابتدا مطالبی را در خصوص موضوع، هدف حقوق بشر و ابزارهای حقوقی موجود برای اجرای این حقوق بیان کردند. سپس به بررسی موضوع، هدف و فایده حقوق سرمایه گذاری پرداختند. ایشان اشاره کردند که در حقوق سرمایه گذاری عوامل اصلی عبارتند از سرمایه گذار، دولت میزبان و دولت متبوع و نهادهای حقوقی در زمینه حقوق سرمایه گذاری معاهدات، قراردادهای شرکت های فراملی، داوری و سازمان های بین المللی هستند.

در ادامه دکتر شیخی به بررسی اشتراکات حقوق بشر و سرمایه گذاری بین المللی پرداختند. ایشان اشاره کردند که اشتراکات حقوق بشر در حوزه سابقه تاریخی به بحث تجزی در توسعه تدریجی باز می گردد و نیز در هر ردو حوزه حقوق بشر و حقوق سرمایه گذاری بحث رابطه حاکمیت و اشخاص خصوصی مطرح است و به عبارت دیگر تمرکز اصلی بر این نوع رابطه می باشد. توجیه و تشریح این رابطه با توجه به هدف مشترک حقوق بشر و حقوق سرمایه داری که حرکت در مسیر محدود کردن حاکمیت دولت ها می باشد، حائز اهمیت بسیار است. در کنار اسن اشتراکات، تعارض های موجود بین دو رژیم حقوقی از منظر منافع سرمایه گذار خصوصی، منافع دولت میزبان، منافع جامعه بین المللی قابل بررسی است. هم چنین سکوت معاهدات سرمایه گذاری خارجی در قبال تعهدات غیر سرمایه گذاری و نیز تعهدات بین المللی متعارض دولت ها در بررسی تعارض های موجود بین دو رژیم حائز اهمیت بسیار است. دکتر شیخی در بیان منافع سرمایه گذار خصوصی و حقوق بشر به حمایت از حقوق مالکیت، قانون حاکم بر موافقت نامه های سرمایه گذاری و نیز حق دسترسی مستقیم به محاکم بین المللی اشاره کردند. حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی در چارچوب های مختلف قابل حل و فصل است که از مهم ترین آن داوری های سرمایه گذاری هستند که به عنوان نماینده منافع سرمایه گذاران مطرح می شوند و نیز داوری های ایکسید می باشد. ایشان در ادامه بحث به دو مسأله نقش اراده در حاکمیت در تأسیس محاکم بین المللی و نیز موانع اجرای داوری در قلمرو حاکمیت ملی پرداختند.

در ادامه دکتر شیخی به مهم ترین مسائل و مشکلات موجود در زمینه منافع دولت میزبان و حقوق بشر اشاره داشتند؛ از جمله این مسائل می توان به بحث مسئولیت اصلی دولت ها در توسعه و اجرای حقوق بشر در قلمرو ملی و مشکلات موجود در اجرای این مسئولیت و در کنار آن بحث مسأله عدم مسئولیت بین المللی شرکت های سرمایه گذار در قبال حقوق بشر اشاره نمود. البته هر چند امروزه شاهد فشارهای داخلی و خارجی بر دولت ها در رعایت هنجارها و تعهدات متعارض و نیز توجه به ایده تفسیر تعهدات معاهداتی دولت ها در پرتو تعهدات حقوق بشری هستیم اما هم چنان شاهد پیچیدگی های بسیار در خصوص منافع دولت میزبان سرمایه گذاری و تعهدات حقوق بشری می باشیم.

دکتر شیخی در خصوص داوری های سرمایه گذاری بر مسأله اجتناب داوری های بین المللی از پذیرش ادعاهای حقوق بشری و زیست محیطی دولت و نیز پذیرش خواسته های حقوق بشری دولت ها در تعداد معدودی از داوری های

سرمایه گذاری تأکید کردند. در این مورد ایشان به برخی از قضایای داوری نظیر قضیه سیمپرا، قضیه متانکس و یو. پی. اس در داوری نفتا، قضیه سوئز وایوندی در ایکسید اشاره داشتند.

در پایان بحث در بیان چشم اندازها، به مسائلی نظیر تقاضای گسترده جهانی در رعایت بایسته های حقوق بشری و زیست محیطی در سرمایه گذاری، توسعه ابعاد حقوق بشری در معاهدات و موافقت نامه های سرمایه گذاری، توسعه داوری های بین المللی در حل تعارضات هنجاری حقوق بین الملل، ابزارها و معیارهای متنوع برای اقدام جامع و عادلانه داوری های سرمایه گذاری شمل مواردی چون سازمان های مردم نهاد به عنوان دوستان دادگاه و ورود آنها به دعاوی به عنوان طرف ثالث، تحلیل و تست تناسب و توازن، دکنترین پاکدستی و سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی اشاره کردند.

سخنرانی دوم با موضوع (بیمه سرمایه گذاری خارجی و حق بر داشتن محیط زیست سالم) توسط سرکار خانم نثاری دانشجوی دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه ارائه شد.

خانم نثاری ابتدا پرسشهایی را مطرح کردند از جمله اینکه بیمه سرمایه گذاری خارجی چیست؟ آیا تنها هدف آن تضمین و بر عهده گرفتن ریسکها و خطرات سرمایه گذاری خارجی است یا رسالت دیگری را بر عهده دارد؟

برای پاسخ گویی به پرسشهای مطرح شده، قسمت اول صحبتها، به جایگاه حق بر محیط زیست سالم در حقوق بین الملل بشر و حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل اختصاص یافت. ایشان با یادآوری این نکته که دهه های شصت و هفتاد میلادی را میتوان دوره های بیداری بشر در خصوص محیط زیست قلمداد کرد به اصول مهم حقوق بین الملل محیط زیست اصولی چون اصل پیشگیری، اصل احتیاط، پرداخت توسط آلوده ساز، عدالت محیط زیستی و انصاف، امانت عمومی، حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی، دسترسی به عدالت، مسئولیت مشترک اما متفاوت و سایر اصول و مقررات به ویژه در اسناد غیر الزام آور اشاره کرد خانم نثاری با اشاره به این مطلب که امروزه دیگر حق بر داشتن محیط زیست سالم تنها یک آرزوی طرفداران محیط زیست و حقوق بشر نیست بلکه قواعد حقوق موجود آنرا مورد تأکید قرار میدهند افزود: با تلفیق در نظام حقوق بشری سازمان ملل متحد حق بر داشتن محیط زیست سالم دیگر حقی صرفاً متعلق به نسل سوم حقوق بشر نیست. بلکه حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و بهداشتی حقی همگانی و همانطور تکلیف و تعهدی همگانی است.

خانم نثاری در ادامه بر اهمیت سرمایه گذاری خارجی برای کشورهای (هم در حال توسعه و هم توسعه یافته) تأکید کردند و افزودند: امروزه تمایل به استفاده از منابع سرمایه گذاری خارجی به عنوان یکی از سیاستهای اصلی در میان کشورهای مختلف به خصوص کشورهای در حال توسعه بخشی مهم از مبادلات اقتصادی بین المللی را تشکیل میدهد از مهمترین اقدامات جهت جذب منابع سرمایه گذاری خارجی مهیا نمودن شرایط سرمایه گذاری است به طوری که سرمایه

گذاری در فضایی امن و آسان انجام شود و شرایط سرمایه گذاری خارجی و ایجاد و تأسیس پروژه ها تسهیل گردد از جمله عوامل مهم تشویق سرمایه گذاری خارجی بیمه سرمایه گذار در مقابل خطرات احتمالی در آینده است.

ایشان از وجود منافع قابل بیمه، لزوم افشای اطلاعات، لزوم حداکثر حسن نیت و اصل جایگزینی یا قائم مقامی به عنوان قواعد حاکم بر بیمه یاد کردند.

خانم نثاری در بحث از بیمه سرمایه گذاری خارجی پرسشی را مطرح کردند که: آیا نهاد بیمه کننده میتواند نسبت به تطبیق طرح با موازین زیست محیطی اقدام کند یا خیر؟ برای پاسخ به پرسش بالا مکانیزم سرمایه گذاری خارجی و امکان انطباق طرح با موازین محیط زیستی در دو مرحله مورد بررسی قرار گرفت. مرحله اول: پیش از اجرای طرح یا پیش از انعقاد قرارداد بیمه مرحله دوم: بعد از اجرای طرح و بعد از انعقاد قرارداد بیمه ایشان برای تبیین مرحله اول ۳ رویکرد را مورد بررسی قرار دادند رویکرد اول بر این فرض استوار است که نهاد بیمه گر طرح، امکان انطباق با موازین زیست محیطی را ندارد رویکرد دوم امکان سنجی تطبیق وفق حقوق مدون است رویکرد سوم امکان سنجی تطبیق وفق رویه و عملکرد است با توجه به سیر اقدامات در عرصه بین المللی چنین برمیآید که در واقع به صورت آهسته و گام به گام جامعه بین المللی در مسیر لزوم تطبیق طرح با موازین زیست محیطی توسط نهاد بیمه کننده قدم برمیدارد.

در پایان برای تبیین مرحله دوم (یعنی انطباق طرح با موازین محیط زیستی در حین اجرای طرح) با در نظر گرفتن سرانجام وضعیت حقوقی طرح در حال اجرا و موقعیت قرارداد بیمه مرحله دوم مورد بررسی قرار گرفت.

پس از اتمام سخنرانی خانم نثاری، حضار علاقمند به بیان نقطه نظرات و طرح پرسش های خودشان در خصوص مباحث ارائه شده پرداختند و سخنرانان محترم نیز به پرسش های مطرح شده پاسخ دادند.

در پایان دکتر مصفا ضمن تشکر از سخنرانان محترم و حضار ارجمند، اهمیت مطالب مطرح شده در جلسه را خاطر نشان شدند و اشاره کردند که جوانب حقوق بشری مسائل مرتبط با سرمایه گذاری های خارجی جای بحث و تبادل نظر بسیار دارد که به جهت ضیق وقت نمی توان در یک جلسه به بررسی تمامی جوانب پرداخت و امید است که در برنامه های آتی کمیته دانشجویی انجمن، توجه و پرداختن به این مباحث هم چنان استمرار داشته باشد.

همایش ملی «نقش بازیگران غیردولتی در تهدید علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی»

تهیه و تنظیم: مریم رضایی

۱۳۲

تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی در دوران پس از تهدید منشور عمدتاً ناشی از فعالیتهای رویکردهای دولتها بوده است و از این رو بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، رعایت قاعده ممنوعیت تهدید و یا توسل به زور را تنها متوجه دولتها دانسته است.

نقش اساسی دولتها در تهدید علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی در طول دوران جنگ سرد نیز باقی ماند اما بیش از دو دهه است که نقش و اثر اقدامات بازیگران غیردولتی (همچون گروههای شورشی و تروریستی و ...) در تهدید علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی بیش از تهدید ناشی از اقدامات بین الدولتی شده است. آخرین گزارش موسسه هایدلبرگ در سال ۲۰۱۴ نشان از آن دارد میزان خشونتها و جنگهای داخلی به مراتب بیش از اختلافات و جنگهای بین دولتی بوده است. تنها ۷۷ مورد از ۴۱۴ مورد، به اختلافات و بحرانهای میان دولتها اختصاص یافته است و باقی موارد (۳۳۷) به مشکلات داخلی کشورها مربوط می شود. بنابراین بیش از سه چهارم بحرانها و تهدیدهای جهانی و منطقه ای یا ناشی از عملکرد گروههای غیردولتی است و یا حاصل تنش در روابط دولت مرکزی با بازیگران غیردولتی می باشد.



از این رو، انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی، همایش تخصصی افتتاح شعبه غرب انجمن را به بررسی این مهم اختصاص داد. همایش از ساعت ۸:۳۰ صبح با قرائت قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. لازم به ذکر است که استقبال از این برنامه به اندازه ای بود که تعداد زیادی از دانشجویان و علاقمندان، به صورت ایستاده سخنرانی ها را دنبال می کردند و همین امر باعث گردید تا سخنرانان مراتب تقدیر و تشکر خود را از میزبانی شایسته و حضور گرم علاقمندان به کرات اعلام نمایند.

نشست تخصصی «دیپلماسی و اجرای قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت»

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۳۳

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام اهداف و وظایف اساسنامه خود و در تکریم اصالت اخلاق و علم دومین جلسه از سلسله نشست‌های سالیاد شادروان استاد محمود صور اسرافیل را با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۳ برگزار کرد.

«دیپلماسی و اجرای قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت» عنوانی بود که از سوی دکتر بهرام مستقیمی، سخنران محترم نشست برای سالیاد استاد صور اسرافیل انتخاب شده بود.

در ابتدای نشست دکتر نسرین مصفا - رئیس انجمن - ضمن تأکید بر بزرگداشت یاد و خاطره بزرگانی که دیگر در میان دوستداران علم و دانش حضور ندارند به طور خاص از استاد محمود صور اسرافیل و استاد مسعود طارم‌سری به عنوان دو تن از استادانی که همواره در کنار انجمن بودند و در فعالیت‌های انجمن حضور پررنگی داشتند، یاد کردند و ناراحتی خود را بابت از دست دادن این عزیزان اظهار داشتند.



ایشان در توضیح انتخاب سخنران این نشست، دکتر بهرام مستقیمی را دارای تألیفات متعدد و محقق واقعی دانستند که یک واژه را بدون علت بیان نمی‌کند و خطی را بدون دلیل بر روی کاغذ نمی‌آورد. به اعتقاد ایشان اما مهم‌ترین دلیل دعوت از دکتر مستقیمی برای ارایه سخنرانی در این نشست این است که ایشان شاگرد همیشگی استاد صور اسرافیل بوده‌اند.

دکتر مصفا در ادامه اظهار امیدواری کردند که انجمن بتواند نقش اندکی که در جامعه علمی و دانشگاهی در این زمینه دارد را ایفا کند و فعالیت‌های انجمن در این راه مفید واقع شود.

وی در پایان سخنان خود از خانواده محترم استاد صور اسرافیل که در جلسه حاضر بودند سپاسگزاری و از دکتر بهرام مستقیمی برای ارایه سخنرانی خود دعوت نمودند.

در پایان این نشست که حضور برخی از استادان و بزرگان حقوق بین الملل، روابط بین الملل و علوم سیاسی و بویژه همکاران و شاگردان استاد صور اسرافیل، جلای خاصی به آن بخشیده بود، جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد و آقای طاهری شمیرانی، از دیپلمات های برجسته و سخنران سال پیش سالیاد شادروان استاد محمود صور اسرافیل نیز نکاتی را به عنوان تکمله مباحث ارایه شده بیان نمودند.

۱۲۴

* در ادامه می توانید مطالب ارایه شده در این نشست را که از سوی دکتر مستقیمی در اختیار انجمن قرار گرفته است، مطالعه بفرمایید:



دیپلماسی و اجرای مسئولیت دولت

بنا به تعریف استاد صوراسرافیل، دیپلماسی اجرای سیاست خارجی جهت حصول و دستیابی به نوعی توافق و سازش به وسائل مسالمت آمیز (بخصوص مذاکره) از مجرای ارکان رسمی است. این اجرا را قواعد حقوق بین‌الملل تنظیم می‌کند که بخشی از آن به مسئولیت بین‌المللی دولت مربوط می‌شود. بنابراین می‌توان رابطه تنگاتنگی بین دیپلماسی و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت یافت. این رابطه را از جمله می‌توان در شش عرصه مشاهده کرد: رابطه مسئولیت دولت و بافتار دیپلماسی؛ مسائل مربوط به حقیقت یابی؛ پذیرفتن مسئولیت دولت به خاطر حمایت از اتباع در خارج از کشور؛ مرتبط بودن اوضاع و احوال مانع نادرستی در یک بافتار دیپلماتی؛ واقعیت دیپلماتی مربوط به پرداخت غرامت؛ و دیپلماسی و جلب رضایت.

رابطه مسئولیت دولت و بافتار دیپلماسی

به طور کلی می‌توان قواعد مسئولیت بین‌المللی و قواعد حقوق معاهدات را ستون فقرات حقوق بین‌الملل دانست. اما برخلاف قواعد حقوق معاهدات که در عملکرد دیپلماتی، منظم مورد استفاده قرار گرفته و توسعه یافته، قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت در عمل به آن نحوی که بصورت نظری توصیف شده بکار نرفته است. ملاحظات پیچیده دیپلماتی نتایج یک عمل از نظر بین‌المللی نادرست را غیرقابل پیش بینی می‌کند و در نتیجه قواعد مسئولیت بین‌المللی نا هماهنگ به کار می‌رود.

در حالی که اصول عام مسئولیت دولت کاملاً به آسانی در مورد خسارت‌های کوچک (برای مثال اقدام نیروی انتظامی دولت میزبان به شکستن پنجره‌ای در یک سفارت) بکار می‌رود بکار رفتن آنها در موارد خسارت بزرگ مانند تجاوز یا نسل‌کشی بسیار مشکل‌تر است. در عین حال موارد اخیر در عملکرد دیپلماتیک بسیار مهم‌ترند.

مسائل مربوط به حقیقت یابی

یک مشکل در بکار بردن قواعد مسئولیت بین‌المللی در یک مورد واقعی آنست که متهم به ارتکاب عمل نادرست به ندرت واقعیت‌هایی را می‌پذیرد که به انتساب مسئولیت منتهی می‌شود. برای مثال در ۱ آوریل ۲۰۰۱ یک هواپیمای شناسایی ارتش ایالات متحده بر فراز اقیانوس حدود یکصد و چهار کیلومتری جنوب شرقی جزیره هاینان، متعلق به جمهوری خلق چین، با یک هواپیمای نظامی چین برخورد کرد. ایالات متحده ادعا کرد که حادثه بدان علت رخ داد که هواپیمای چین عمداً بسیار نزدیک به هواپیمای ایالات متحده به شیوه‌ای غیر ایمن پرواز کرد؛ از سوی دیگر چین ادعا کرد حادثه بدان علت رخ داد که هواپیمای ایالات متحده ناگهان به سمت هواپیمای چین منحرف شد. ایالات متحده ادعا می‌کرد عملیات شناسایی بر فراز دریای آزاد براساس حقوق بین‌الملل قانونی است در حالی که چین مدعی بود عملیات شناسایی نقض بند ۳ ماده ۵۸ عهدنامه حقوق دریاها است که مقرر می‌دارد هر پروازی در فضای جوی بالای منطقه انحصاری اقتصادی دولت دیگر باید «توجه مقتضی به حقوق و وظایف دولت ساحلی» داشته باشد. در حالی که ایالات متحده می‌گفت فرود اضطراری هواپیمای

آمریکا در جزیره هاینان اقدامی منطبق با عرف بین‌المللی است چین مدعی بود فرود بدون اجازه چین نقض حریم هوایی اوست. چنین تفرغ نظرهایی در باره واقعیات موجود به سادگی منجر به یک بن بست با این نتیجه می‌شود که در چنین وضعی امکانی برای بکار بردن قواعد مسئولیت دولت وجود ندارد.

پذیرفتن مسئولیت دولت به خاطر حمایت از اتباع در خارج از کشور

گاه یک دولت پاسخی غیر معمول صرفاً به خاطر حمایت از اتباعش می‌دهد و حتی مسئولیت دولت را می‌پذیرد. در ۲۳ ژانویه ۱۹۶۸ کره شمالی ناو اطلاعاتی آمریکا موسوم به پوئبلو را هنگام زیر نظر داشتن ساحل این کشور رهگیری کرد. ناو آمریکا تلاش کرد از محل دور شود اما پس از درگیری با نیروهای کره‌ای به تصرف این نیروها در آمد.

در ۲۳ دسامبر قضیه به این نحو فیصله یافت که نماینده ایالات متحده به منظور آزاد کردن ۸۲ کارکنان کشتی پوئبلو که کره شمالی آنان را بازداشت کرده بود سند تنظیمی این دولت را امضاء کرد. به موجب این سند، ایالات متحده، با تصدیق اعتبار اعتراف‌های کارکنان کشتی پوئبلو و اسنادی که کره شمالی به این منظور ارائه داد که این کشتی، که با اقدامات دفاع از خود ناوگان دریائی ارتش کره در آبهای سرزمینی کره شمالی در ۲۳ ژانویه ۱۹۶۸ تصرف شد، به طور غیرقانونی در آبهای سرزمینی کره شمالی وارد شد، مسئولیت کامل را بر عهده می‌گیرد و برای اعمال خطرناک جاسوسی ارتكابی کشتی ایالات متحده علیه کره شمالی پس از ورود به آبهای سرزمینی این کشور رسماً عذرخواهی می‌کند، و اطمینان قطعی می‌دهد که در آینده هیچ کشتی ایالات متحده بار دیگر وارد آبهای سرزمینی کره شمالی وارد نخواهد شد، در همین حال ایالات متحده آمریکا صمیمانه درخواست می‌کند حکومت کره با کارکنان کشتی پوئبلو، با در نظر گرفتن این واقعیت که این کارکنان صادقانه به جنایات خود اعتراف کرده و از حکومت کره شمالی دادخواهی کرده‌اند، با گذشت رفتار کند، همزمان با امضای این سند امضا کننده زیر دریافت ۸۲ نفر کارکنان سابق پوئبلو و یک جنازه را تصدیق می‌کند.

امضاء کننده آمریکائی درست قبل از امضای سند، در یک بیانیه رسمی اظهار داشت:

موضع ایالات متحده در خصوص پوئبلو، همچنان که مداوماً در مذاکرات پانمونجوم و علنی بیان کرد، آن بوده که این کشتی مبادرت به فعالیت غیرقانونی نکرد، مدرک متقاعد کننده‌ای وجود ندارد که این کشتی هیچ زمانی وارد آبهای مورد ادعای کره شمالی شده باشد و نمی‌توانیم برای اعمالی عذرخواهی کنیم که باور نداریم اتفاق افتاده باشد. سندی را که قرار است امضاء کنیم کره شمالی آماده کرده و مغایر با موضع بالاست اما امضای من سبب تغییر واقعیات نخواهد شد و نمی‌تواند بشود. این سند را برای آزادی کارکنان و فقط آزادی کارکنان امضا خواهیم کرد.

گرچه این بیانیه آشکارا ناسازگار با سند اشاره شده بالا بود کره شمالی پذیرفت که به امضای سند ضمیمه شود. در این قضیه آنچه برای کره شمالی بیشترین اهمیت را داشت حفظ ظاهر با به دست آوردن مسئولیت دولت و عذرخواهی

ایالات متحده بود، در حالی که برای ایالات متحده آزاد شدن اتباع بازداشت شده‌اش بیشترین اهمیت را داشت. کاربرد دقیق قواعد مسئولیت دولت و حقیقت یابی دقیق کنار گذاشته شد.

مرتبط بودن اوضاع و احوال مانع نادرستی در یک بافتار دیپلماتی

حتی هنگامی که تردیدی در باره قانونی بودن یک عمل خاص وجود ندارد گاه مشخص کردن دقیق اینکه کدام اوضاع و احوال مانع نادرستی آن عمل را توجیه می‌کند آسان نیست. ۱۴ عضو جنبش انقلابی توپک پرو ۴۵۰ دیپلمات و مقامات عالیرتبه را در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ در مهمانی اقامتگاه سفیر ژاپن در پرو گروگان گرفتند. پیش از تعطیلات کریسمس ۳۷۸ گروگان (از جمله زنان اسیر شده) را آزاد کردند. ۷۲ گروگان باقی مانده به دنبال هجوم نیروهای ویژه ارتش پرو در ۲۲ آوریل ۱۹۹۷ به اقامتگاه سفیر ژاپن در پرو آزاد شدند.

رضایت قبلی ژاپن و یادداشت قبلی به او وجود نداشت، گرچه طبق (بند ۱ ماده ۱ و ماده ۲۲) عهدنامه وین روابط دیپلماتی اقامتگاه یک سفیر از مصونیت برخوردار است. مسئله‌ای که مطرح می‌شود آن است که چگونه می‌توان از یک دیدگاه حقوقی اعتراض نکردن ژاپن به پرو برای اطلاع ندادن قبلی را توضیح داد. دبیر مطبوعاتی وزارت امور خارجه ژاپن در ۲۴ آوریل ۱۹۹۷ در پاسخ به سؤالی در باره دیدگاه حکومت ژاپن در خصوص اطلاع ندادن، با توجه به عهدنامه وین، چنین گفت:

نخست وزیر دیروز در یک کنفرانس مطبوعاتی بیان کرد که گرچه متأسف است هیچ اطلاع رسانی قبلی وجود نداشته وضعیت را درک می‌کند. این موضع حکومت ژاپن است. حکومت ژاپن متأسف است که اطلاع قبلی به او داده نشده است. اما این کشور هنگامی که اطلاع دادن قبلی نمی‌تواند به علت وضعیت حاد صورت گیرد اوضاع و احوال را درک می‌کند.

از سوی دیگر وزیر امور خارجه ژاپن در ۲۰ مه ۱۹۹۷ به این سؤال در مجلس که آیا پرو با اطلاع ندادن حقوق بین‌الملل را نقض کرده است یا نه پاسخ داد:

فکر می‌کنم اینگونه می‌توان پاسخ داد. نخست وزیر، به بیان حقوقی، در خلال گفت و گوی تلفنی درک خود را نشان داد. اگر مجبور باشم به زبان حقوقی سخن بگویم نمی‌توانم چیزی جز این بگویم که مسائل حقوق بین‌المللی با تأیید پس از تحقق امر واقع^۷ حل شد.

^۷ ex post facto

از اظهارات دبیر مطبوعاتی روشن نبود که ارزیابی ژاپن از عملیات نجات را می‌بایست براساس کدام یک از مقولات سیگانه زیر دسته بندی کرد: ا) ضرورت مانع نادرستی، ب) رضایت مانع نادرستی، یا ج) صرف چشم پوشی ژاپن از طرح ادعا علیه پرو.

گرچه با توجه به اظهارات وزیر امور خارجه منطقی است بپذیریم که موضع ژاپن دومی، یعنی رضایت نسبت به این عملیات مانع نادرستی شده است اما با توجه به بیان نخست وزیر ژاپن که «حکومت ژاپن متأسف است که اطلاع قبلی به او داده نشده» و اینکه «اطلاع دادن قبلی نمی‌تواند به علت وضعیت حاد صورت گیرد اوضاع و احوال را درک می‌کند» این نتیجه را نیز می‌توان گرفت از آنجا که ژاپن عمل را نادرست می‌داند و نظر به اینکه رضایت بعدی نسبت به آن عمل طبق قواعد مسئولیت عطف به ماسبق نمی‌شود آنچه اتفاق افتاده مقوله سوم یعنی چشم پوشی ژاپن از طرح ادعا علیه پرو است.

واقعیت دیپلماتی مربوط به پرداخت غرامت

طبق بند ۱ ماده ۳۶ پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت یک دولت مسئول یک عمل از نظر بین‌المللی، نادرست متعهد به پرداخت غرامت برای خسارتی است که موجب شده چنانچه چنین خسارتی با اعاده وضع بر طرف نشده باشد. اما واقعیت دیپلماتی در این خصوص بسیار پیچیده‌تر است و پرداخت غرامت می‌تواند تحت تأثیر این واقعیت حالات مختلف بیابد. در اینجا به سه مورد توجه می‌شود: چشم پوشی از به انجام رساندن تعهد؛ پرداخت داوطلبانه بدون قبول مسئولیت است؛ و روشن نبودن مبنای پرداخت غرامت.

چشم پوشی از به انجام رساندن تعهد

یک نمونه از چشم پوشی می‌توان در عملکرد دیپلماتی مربوط به بدهی‌های دولتی برخی از کشورهای جهان سوم مشاهده کرد. انجمن حقوق بین‌الملل در قطعنامه‌ای در باره مقررات پولی بین‌المللی در ۱۹۸۸ اینگونه به موضوع پرداخت:

بر اساس حقوق بین‌الملل ناتوانی یک مقروض به پرداخت یک قرض خارجی به طور عادی باید تحت قواعد ضرورت مورد ملاحظه قرار گیرد... یک وضعیت ضرورت اثر حقوقی بر خاتمه بخشیدن به یک تعهد متأثر شده ندارد. محدود به تعلیق تعهد به پرداخت در خلال وجود حالت ضرورت است؛ بعداً تعهد احیا خواهد شد. خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد اصلی باید در میان طرف‌ها بر طبق اصول منصفانه تقسیم شود.

اما در عملکرد دیپلماتی در اکثر موارد از این مسئله حقوقی اجتناب شده که آیا می‌توان عدم پرداخت را با ضرورت توجیه کرد یا نه. مهم‌تر از آن، چشم پوشی از ادای دین است. نمونه آن چشم پوشی دولت‌های طلبکار از بدهی‌های

کشورهای درحال توسعه و به ویژه کشورهای فقیر شدیداً بدهکار، در چارچوب کلپ رُم، یک گروه غیررسمی حکومت‌های طلبکار مرکب از کشورهای عمده صنعتی همین طور گروه ۷ است. گزارش وزرای دارائی گروه ۷ به کنفرانس سران اقتصادی در کلن، در ژوئن ۱۹۹۹ مقرر می‌دارد:

۱۲۹

در حالی که طلبکاران دوجانبه در کلپ رُم اخیراً به کشورهای دارای کیفیت فقیر شدیداً بدهکار بخشودگی تا ۸۰ درصد بدهی‌های تجاری را اعطا می‌کنند ما از درجه عمیق‌تری از لغو حمایت می‌کنیم. برای رسیدن به ثبات در زمینه بدهی آماده‌ایم در تک موردها به ویژه برای کشورهای بسیار فقیر در صورت نیاز تا ۹۰ درصد و بیشتر چشم پوشی کنیم.

در کنفرانس سران اُکیناوا در ژوئیه ۲۰۰۰ گزارش وزیران دارائی گروه ۷ تحت عنوان «کاهش فقر و توسعه اقتصادی» مقدار بیشتری را مقرر می‌دارد:

تعهد خود به کاستن بدهی دوجانبه در چارچوب کشورهای فقیر شدیداً بدهکار را تأیید می‌کنیم. در این خصوص اکنون خود را متعهد به اعطای کاهش مبتنی بر بخشودگی صد در صد بدهی‌ها در دعاوی تجاری واجد شرایط رفتار در چارچوب کلپ رُم کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد این مورد عملاً در چارچوب رضایت صورت گرفته که در نهایت اجرای تعهد را منتفی ساخته است.

پرداخت داوطلبانه بدون قبول مسئولیت است.

در برخی موارد پرداخت پولی به شکل جبران خسارت انجام نیافته بلکه به عنوان نوعی کار نیک بوده که به معنای پرداخت داوطلبانه بدون قبول مسئولیت است. هنگامی که خطا کار نمی‌خواهد مسئولیت بپذیرد اما لطمه دیده و خطا کار هردو در مورد یک حل و فصل دیپلماتی توافق می‌کنند، هنگامی جلب رضایت دولت لطمه دیده فراهم می‌شود که خطا کار بر پایه رأفت (ex gratia) داوطلبانه پرداخت کند.

یک نمونه پس از حادثه دیاگو فوکوریو مارو است. ۲۳ نفر از کارکنان یک کشتی ماهیگیری ژاپنی دیاگو فوکوریو مارو در ۱ مارس ۱۹۵۴ تحت تأثیر تشعشعات انفجار یک بمب هیدروژنی در آزمایش هسته‌ای ایالات متحده در جزایر مارشال قرار می‌گیرند. در تبادل یادداشت بین حکومت ژاپن و حکومت ایالات متحده در مورد پرداخت غرامت برای خسارات سبب شده با آزمایش هسته‌ای در جزایر مارشال سفیر ایالات متحده یادداشت زیر را در ۴ ژانویه ۱۹۵۵ خطاب به زیرامور خارجه ژاپن فرستاد که مورد قبول او قرار گرفت:

عالیجناب از نگرانی ژرف و تأسف صادقانه حکومت و مردم ایالات متحده در خصوص لطمات وارد شده به ماهیگران ژاپنی در جریان این آزمایش‌ها و امید صمیمانه ایالات متحده برای رفاه و به زیستن این ماهیگران لطمه دیده آگاهند. حکومت ایالات متحده آمریکا روشن ساخته که آماده است به عنوان ابراز مضاعف نگرانی و تأسف خود در مورد لطمات متحمل شده غرامت پولی بپردازد.

اکنون مایلیم به اطلاع عالیجناب برسانم که حکومت ایالات متحده آمریکا بدین وسیله به منظور غرامت برای لطمات یا خسارات متحمل شده در نتیجه آزمایش‌های هسته‌ای جزایر مارشال در ۱۹۵۴ بدون اشاره به مسئله مسئولیت حقوقی مبلغ دو میلیون دلار بر پایه رأفت به حکومت ژاپن تقدیم می‌کند.

حکومت ایالات متحده آمریکا درک می‌کند که حکومت ژاپن با پذیرفتن مبلغ دو میلیون دلار تقدیمی در جهت فیصله کامل هر و همه ادعاها علیه ایالات متحده آمریکا یا کارگزاران، اتباع، یا ذوات (هستی‌مندهای) قضائیش از جانب ژاپن، و اتباع و ذوات قضائیش برای هر و همه لطمات، زیان‌ها یا خسارات ناشی از آزمایش‌های هسته‌ای گفته شده عمل می‌کند.

روشن نبودن مبنای پرداخت غرامت

در بعضی موارد روشن نیست که آیا پرداخت بر پایه رأفت صورت گرفته یا به عنوان نتیجه حقوقی پذیرفتن مسئولیت. برای مثال در حادثه کاسموس ۹۵۴ در ۱۹۷۸، کانادا دعوی پرداخت مبلغ ۶۰۴۱۱۷۴/۷۰ دلار کانادا از شوروی - بر پایه موافقتنامه‌های بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل - را مطرح کرد. طبق گفته کانادا این دعوی بدون لطمه زدن به حق کانادا برای ارائه ادعای مضاعف برای پرداخت غرامت در این خصوص برای خسارت هنوز مشخص یا محرز نشده یا اتفاق نیفتاده ارائه شد. در ۲ آوریل ۱۹۸۱ کانادا و شوروی توافق کردند که طرف اخیر به طرف اول مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ دلار کانادا برای حل و فصل کامل و نهائی این حادثه بپردازد. گرچه مبنای حقوقی این پرداخت روشن نیست منطقاً می‌توان از مضمون یادداشت‌های اتحاد شوروی در مکاتبات دیپلماتیک دریافت که پرداخت بر پایه رأفت صورت گرفت.

دیپلماسی و جلب رضایت

در عمل ارزیابی آنچه به یک عذرخواهی به عنوان عنصری از جلب رضایت، که شکلی از جبران خسارت است، شکل می‌دهد آسان نیست. واژه‌های پیچیده‌ای که در دیپلماسی در دو زبان بکار بسته می‌شود یافتن نیت واقعی دولت‌های مربوط را مشکل می‌گرداند. اما بکار بستن دو زبان متفاوت در برخی موارد برای هر دو دولت فایده دارد چرا که می‌توانند یکجانبه

واژه‌هایی را به نحو مطلوب خود تفسیر کنند. آنها فقط هنگامی می‌توانند به توافق برسند که این ناهمخوانی تفسیر امکان پذیر باشد.



در حادثه تصادف هوایی بین ایالات متحده و چین که بالاتر اشاره شد چین واژه‌های «بسیار متأسفم» مندرج در نامه سفیر ایالات متحده را به مثابه یک عذرخواهی تلقی کرد. طبق نظر چین، «از آنجا که حکومت ایالات متحده پیشتر به خلق چین «تأسف بسیار» گفته حکومت چین بنا به ملاحظات انساندوستانه تصمیم گرفته است این کارکنان پس تکمیل رویه لازم چین را ترک گویند». از سوی دیگر ایالات متحده نامه سفیر را عذرخواهی بر اساس حقوق بین‌الملل تلقی نکرد. وزیر امور خارجه ایالات متحده در یک مصاحبه مطبوعاتی توجیهی در ۱۳ آوریل ۲۰۰۱ چنین گفت:

همچنان که در این نوع مذاکرات انتظار می‌رود پیش نویس‌ها رد و بدل شد و در تمام این جریان تا به آخر چینی‌ها تلاش می‌کردند ما را وادار کنند مسئولیت را بپذیریم و عذرخواهی کنیم. فقط به این دو اشاره می‌کنم زیرا قبول مسئولیت است که منجر به یک عذرخواهی می‌شود. ما انجام دادن چنین کاری را رد کردیم بنابراین در پی بیان‌های دیگری بودیم که برای شکستن این بن بست مفید باشد و آن بیان‌ها را با دوجیز پیوند دادیم: از دست رفتن حیات انسان، یعنی خلبان «وانگ وی»^۸ و این واقعیت که بدون اجازه آنها در یک وضعیت اضطرار وارد فضای جوی آنها شدیم. چیز نادرستی در ابراز تأسف و تأثر، یعنی متأسفیم، نمی‌بینیم. اکنون چینی‌ها به آن خصیصه یک عذرخواهی را می‌دهند. اما اگر فکر می‌کردند که یک عذرخواهی است چرا برای چهار روز تقاضای عذرخواهی می‌کردند؟

به گونه‌ای جالب یک بیانیه مبهم که می‌تواند به عنوان یک عذرخواهی تفسیر شود حتی اگر دولت صادر کننده اعلامیه چنین نپذیرد می‌تواند یک ابزار سودمند دیپلماتی باشد. این واقعیت دیپلماسی است.

^۸ Wang Wei

بی تردید رابطه بین دیپلماسی و مسئولیت بین‌المللی پیچیده است. با تصدیق این پیچیدگی دیگر نمی‌توان در بحثی در باره حقوق عام مسئولیت دولت دیپلماسی را نادیده گرفت. بنابراین هر مطالعه در آینده در باره مسئولیت دولت می‌بایست تأکید بیشتری بر واقعیت دیپلماتی بگذارد.

نشست تخصصی «دیپلماسی به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان های بین المللی»

تهیه و تدوین: مرضیه زیارتی

۱۳۳

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام اهداف و وظایف اساسنامه خود و در تکریم اصالت اخلاق و علم دومین جلسه از سلسله نشست های سالیاد شادروان **استاد دکتر هوشنگ مقتدر** را با عنوان «دیپلماسی به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان های بین المللی» و با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

در ابتدای این نشست، دکتر نسرین مصفا (رییس انجمن) ضمن تشکر از حضور علاقمندان در این نشست به خصوص استادان و دیپلمات های با سابقه کشور، توضیحاتی را در خصوص رسالت انجمن در خصوص ارج نهادن به مقام بزرگان از جمله همراهان پیشین انجمن (استاد صور اسرافیل، استاد مسعود طارم سری و استاد دکتر هوشنگ مقتدر) ارایه نمودند.



سپس به شرح خصوصیات اخلاقی و علمی استاد دکتر هوشنگ مقتدر پرداختند: «همه شاگردان استاد مقتدر به لحاظ خلوص ایشان و محبت و تواضع ایشان همیشه به یاد استاد هستند و در مقام استاد حقوق بین الملل هنوز هم کتابهایشان در تحلیل عملکرد ملل متحد

معتبر است». وی در ارتباط با رابطه استاد دکتر مقتدر با انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد اینگونه اظهار کرد که «در سال ۱۳۷۷ و اوایل ۱۳۷۸ خدمت استاد رسیدیم که می خواهیم انجمن ملل متحد را تأسیس کنیم و استاد مقتدر با روی باز پذیرفتند و مدارکشان را به ما دادند و البته ایشان محبت متفاوتی نسبت به همه شاگردان خود داشتند».

خانم دکتر مصفا در پایان صحبت مقدماتی خود ابراز امیدواری نمودند که با تکریم اصالت اخلاق و گرمی داشت یاد بزرگان بتوان کارهای علمی بزرگ تری را پیش برد. همچنین ایشان ضمن تشکر از کلیه حضار عزیز و قدردانی مجدد از همسر استاد هوشنگ مقتدر، از جناب آقای دکتر قاسم افتخاری (استاد تمام دانشگاه تهران) به عنوان دوست قدیمی استاد مقتدر به عنوان سخنران این جلسه سالیاد برای بیان مطالبشان دعوت بعمل آوردند.

دکتر قاسم افتخاری سخنرانی خود را اینگونه آغاز نمودند: «بنده چند کلمه ای از یاد و خاطره ی دکتر مقتدر را با شما در میان می گذارم. در شهریور سال ۱۳۴۹ من که وارد دانشگاه تهران شدم ۲ دو نفر را برای دوستی مناسب دیدم. اول

دکتر حمید عنایت و دوم دکتر هوشنگ مقتدر. شاید هم به این خاطر با ایشان راحت تر دوستی برقرار شد که هر دو تحصیل کرده ی لندن بودند. آقای دکتر مقتدر با بنده دوستی بسیار صمیمانه ای داشت و البته با هم رفت و آمد و قرابت خانوادگی داشتیم. دکتر مقتدر فرد بسیار حساسی بود و حتی جزئی ترین مسائل را در نظر می گرفت. وی در دانشکده کسی بود که او را دوست داشتند، روی هم رفته فرد دوست داشتنی بود. آشنایی ما به سالهای خیلی قبل از انقلاب بر می گشت. قبل از انقلاب یه فرصت مطالعاتی بود که قرار بود من به سوییس بروم که البته آقای دکتر مقتدر از من خواست که از نوبت من استفاده کند و پیش از من به سوییس بروم برای فرصت مطالعاتی که نوبت پس از من را داشت. بنده نیز قبول کردم و ایشان رفتند. بنده نیز کفیل ایشان شدم و حقوق ایشان را تبدیل به ارز می کردم و برایشان می فرستادم. یک روز صبح تلفن زد و گفت من ایران هستم. او فرصت مطالعاتی را نیمه تمام رها نموده بود تا ببیند در ایران، وطنش چه اتفاقی در جریان است. آقای دکتر مقتدر بسیار نسبت به وطنشان حساس بودند. وی یک وطن پرست فوق العاده ای بود. در جلسات شرکت می کرد و می خواست یک کاری برای مملکت خود بکند. البته مسائلی بود که عمدتاً باعث شد تا دکتر مقتدر مأیوس شد و دچار افسردگی شد و خیلی زود این دنیا را ترک کرد.

ایشان مطالب کوتاه لیکن موجز و مرتبطی را در مورد عنوان نشست و گردهم آیی (دیپلماسی به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان های بین المللی) ارائه فرمودند که در ادامه می توانید گوشه ای از سخنرانی ایشان را مطالعه بفرمایید:

همه می دانیم که در قرن ۱۸ هجدهم انگلستان نخستین کشوری بود که از دوران کشاورزی و دامداری به دوران صنعتی پا گذاشت. این امر و این تغییرات قدرت و شوکت بی حسابی به او داد. همسایگان انگلستان متوجه شدند که فاصله شان با آن کشور زیاد شده و از این جا بود که مفهوم پیشرفت به وجود آمد.

مفهوم پیشرفت و عقب ماندگی اینگونه به وجود آمد. خلاصه کشور های دیگر اروپایی خواهان این بودند که مثل انگلستان وارد پیشرفت شوند. مفهوم پیشرفت از اروپا پا را فراتر گذاشت و همه می خواستند پیشرفت کنند. مثلاً کشور هایی مثل کشور ما هم می خواستند پیشرفت کنند ولی متوجه شدند که زیر ساختهای لازم برای پیشرفت وجود ندارد، مانند ثروت و سواد و ...

اولین راه برای پیشرفت، استعمار بود (توجه کنید که استعمار در اول ماجرا، چیز بدی نبود). قرار بر این شد که کشورهای پیشرفته، کشورهای عقب مانده را زیر بال خود بگیرند و مراحل پیشرفت را برای آنها تسهیل کنند. نظام مستعمره موحی بود که بتوانند پیشرفت کنند. طولی نکشید تا فهمیدند که این مستعمره شدن هم راهی نیست برای پیشرفت. خوب همه می دانیم سرمایه داران به فکر افزایش سرمایه بودند نه رشد مردم. به تدریج استعمار تبدیل شد به استثمار.

بعداً کشور ها نا امید شدند و می خواستند از زیر استعمار بیرون بیایند. لذا ناسیونالیسم موج و جنبش جدیدی بود که به وجود آمد. که خواستند به وسیله این جنبش این عقب ماندگی را به سرعت پشت سر بگذارند. طولی نکشید که

ناسیونالیست‌ها (قهرمانان ملی) سر بر آوردند. قهرمانان هم نتوانستند کاری از پیش برند و به این ترتیب آن محبوبیت خود را از دست دادند چون هیچ پیشرفتی را باعث نشدند. بنابراین نه تنها پیشرفتی حاصل نشد بلکه سرکوب‌گری هم شروع شد.

بنابراین، بعد از استعمار، استثمار و بعد آن ناسیونالیسم را داریم و بعد تبدیل شد به سوسیالیسم. بالاخره از آن هم نتیجه‌ای حاصل نشد، در نتیجه امیدی هم نمی‌توان به آن داشت. خوب عده‌ای هم راه دیگری پیدا کردند. آن هم راه دین



بود. خلاصه آنکه هیچ یک از این راه‌ها منجر به پیشرفت نشد. معما اینجا برای دانشمندان به وجود آمد که این کلی‌نگری بر محور هیولای دولت چاره‌ای به دست نمی‌دهد. باید رفت به درون جامعه ببینید درون جامعه چه اتفاقی می‌افتد که پیشرفت صورت نمی‌گیرد. معلوم شد پیشرفت معلول عملکرد آدمها است. و عمل افراد است که باید مطالعه شود و اینکه ببینیم چه اعمالی و چه چیزهایی باعث پیشرفت می‌شود.

عمل آدمها دو گونه است.

۱. عمل شخصی که نیازی به حضور انسان دیگر نیست. (پدیده‌ی انسانی)

۲. در کنار آن اعمالی است که از انسان دیگری به تنهایی سر نمی‌زند. (پدیده‌های جمعی)

لذا عمل فردی داریم و عمل جمعی. علوم انسانی مانند ادبیات، داستان‌نویسی، ریاضیات، الهیات و ... هیچ ربطی به پیشرفت ندارند. علوم اجتماعی چیزهایی را روشن کرد. انسان در جامعه اگر تعامل نداشته باشد اصلاً پدیده اجتماعی به وجود نمی‌آید. پس باید انسان بده و بستان داشته باشد. البته شرط بده و بستان اعتماد است. اعتماد قبل از بده و بستان لازم است. ما قبل از اینکه بده و بستان داشته باشیم، اعتماد قبلی نیاز داریم. این موضوع می‌شود سیستم‌های اجتماعی قابل اعتماد به این معنا که این سیستم کار می‌کند.

پایندگان به تعهدات را پاداش و مخالفان را تنبیه می‌کند. بنابراین مفهومی تشکیل شد به نام سرمایه‌های اجتماعی. اگر ما نیروی انسانی با سواد را به بار بیاوریم جوامع با سواد می‌شویم ولی توسعه پیدا نمی‌شود. به این ترتیب آنچه که مهم است اعتمادی است که انسان‌ها بین خودشان به وجود می‌آورند. حاصل زندگی خودشان را به کار اندازند و باید

سیستم قابل اعتماد و شبکه های قابل اعتماد وجود داشته باشد و گرنه سواد و با سواد شدن مردم به تنهایی کاری از پیش نمی برد. توسعه یعنی توسعه اجتماعی، نه آسمان خراش. تا زمانی که سیستم های اجتماعی به وجود نیاید سرمایه به تنهایی کافی نیست و پیشرفت به وجود نمی آید. عین همین موضوع در سطح بین المللی هم حاکم است. اعتماد همچنان که در درون کشورها باعث پیشرفت می شود در سطح بین المللی هم می تواند باعث اعتماد و پیشرفت شود.

تئوری های موجود کافی نیست. موضوع انرژی اتمی مشکل عدم اعتماد است. بی اعتمادی فقط در حرف نیست بلکه در عمل هم لازم است. به ما می گویند شما این گام را بردارید ... اعتماد یعنی شما بتوانید ریسک کنید. چگونه شما می توانید پیشرفت در دبی (امارات متحده عربی) را ببینید؟ علت عقب ماندگی را در بعضی کشورها در نظر بگیرید ... در درون اجتماع آنها هیچگونه پیشرفتی نمی بینید. بنابراین اگر در کشور ما هم پیشرفت می خواهیم نباید راه های پیموده شده قبل را تکرار کنیم. بنابراین توجه شود ثروت مایه پیشرفت نمی شود. عواملی که باعث اعتماد می شود باید فراهم گردد تا پیشرفتی حاصل شود. در سطح بین المللی آن تئوری های گذشته قبلی دیگر مشکل گشا نیستند. امروز شصت کشور متحد علیه یک گروه سرکش (مثل داعش) نمی توانند کاری از پیش ببرند. این گروه ها یک ذخیره بی انتهای نیرو در دنیا دارند. چند صد میلیون جوان تحصیل کرده ولی بیکار و ماجراجو ... زمینه بسیار مستعدی هستند ... ذخیره عظیم انسانی دارد ... حقوق بسیار کلانی به آنها می دهند.

تئوری های روابط بین الملل نیاز به بررسی های بیش تر بر روی سرمایه های اجتماعی دارند. تئوری های بین المللی قدیمی و کهنه شده اند. باید به درون کشورها بروند و باید اعتمادی در مردم به وجود آید و سیستم های اجتماعی مسیر اعتماد سازی را آغاز نمایند.

ارائه یک تئوری جدید روابط بین المللی که بر اساس یک نرم افزار استوار است (اعتماد سازی) شاید بسیاری از مسائل جهانی و منطقه ای را حل نماید. باید تفکر شود که آیا این مسئله می تواند به عنوان یک تئوری جدید در روابط بین الملل، در سازمان های بین المللی و همچنین در سطح کشورها مطرح گردد؟

باید در اولین قدم افسانه های امپریالیسم و استعمار و ... از درون جامعه برداشته شود. از درون باید آگاه سازی صورت گیرد.

در پایان نشست، حاضرین در چارچوب سخنرانی دکتر افتخاری به پرسش و پاسخ پرداختند و دکتر مصفا نیز ضمن تشکر مجدد از دکتر افتخاری و شرکت کنندگان، برای همگی آرزوی سلامتی و موفقیت کردند.

میزگرد «تحلیل و نقد رأی ۳ فوریه ۲۰۱۵ دیوان بین‌المللی دادگستری» (دعوی کرواسی علیه صربستان)

تهیه و تنظیم: سحر غضنفری

۱۳۷

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، میزگرد «تحلیل و نقد رأی ۳ فوریه ۲۰۱۵ دیوان بین‌المللی دادگستری (دعوی کرواسی علیه صربستان)» را در روز سه شنبه مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۳ برگزار کرد.

در ابتدای نشست، دکتر حسن سواری از اعضای هیئت مدیره انجمن ضمن مغتنم شمردن حضور شرکت‌کنندگان، اقدام انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و خانه اندیشمندان علوم انسانی را جهت مهیا ساختن شرایط برگزاری این نشست که به فاصله اندکی از صدور رأی ۳ فوریه تشگیل گردید، شایسته تقدیر دانستند. ایشان در ادامه ضمن معرفی اجمالی سخنرانان، از ایشان دعوت کردند تا به ارایه مطالب خود بپردازند.



در این نشست تخصصی به ترتیب دکتر ستار عزیزی (دانشیار دانشگاه بوعلی همدان)، دکتر علیرضا ابراهیم گل (استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران)، دکتر هیبت‌الله نژندی‌منش (استادیار دانشگاه علامه طباطبائی^(۵)) و دکتر هادی آذری (استادیار دانشگاه خوارزمی) به ارایه سخنرانی‌های خود پیرامون رأی پیش‌گفته پرداختند.

دقایق پایانی نشست به پرسش و پاسخ میان شرکت‌کنندگان و استادان اختصاص داده شد و دکتر نسرین مصفا، رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، با جمع‌بندی مختصری از نشست، میزگرد را به پایان رساندند.

بخش دوم:

کارگاه ها و دوره های آموزشی

سلسله کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۳۹

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، از سلسله کارگاه‌های آموزشی «آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد»، چهار کارگاه آموزشی را در ۱۹ آبان، ۲۶ آبان، ۳ آذر و ۲۴ آذر ۱۳۹۳ با تدریس سرکار خانم نازنین قائم مقامی (کتابدار محترم مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران) برگزار کرد.

در این سلسله از کارگاه‌ها ضمن آشنایی با سازمان ملل متحد، در هر یک از آنها به طور جداگانه به «نحوه بازیابی اسناد و مدارک مرتبط با سازمان ملل متحد»، «آشنایی با اسناد سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بین‌الملل»، «آشنایی با اسناد صلح و امنیت بین‌المللی» و «آشنایی با اسناد حقوق بین‌الملل با تأکید بر اسناد حقوق بشر» پرداخته شد.

در پایان هر یک از این کارگاه‌ها، شرکت کنندگان از کتابخانه تخصصی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران بازدید به عمل آوردند و خانم قائم مقامی توضیحاتی را پیرامون کتابخانه و منابع موجود در آن ارائه کردند.

کارگاه آموزشی - مشورتی مواضع گروه ۷۷ دربارهٔ علایق مشترک بشری

تهیه و تنظیم:

۱۴۰

در نیمروز دوم نشست تخصصی - مشورتی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل گروه ۷۷ در سازمان ملل متحد، کارگاه آموزشی - مشورتی پیرامون مواضع گروه ۷۷ درباره علایق مشترک بشری به تسهیل‌گری آقای جواد امین منصور برگزار گردید. شرکت‌کنندگان در این کارگاه در دو گروه به موضوعات «محیط زیست و تغییرات اقلیم» و «انرژی و آب» پرداختند و در نهایت نیز توسط آقای امین منصور نسبت به جمع‌بندی پاسخ‌های هر یک از گروه‌ها بصورت مشارکتی پرداخته شد، تا از منظر گروه ۷۷ بتوان در این کارگاه مسائل را مورد واکاوی قرار داد.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.



کارگاه آموزشی سازمان ملل متحد و سازمان های غیردولتی ویژه اعضای انجمن های علمی ایران

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۴۱

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد کارگاه آموزشی «سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی» ویژه اعضای انجمن‌های علمی ایران را با تدریس دکتر محمود رضا گلشن پژوه و با همکاری سرکار خانم نازنین قائم مقامی (کتابدار محترم مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران) در پنجشنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۰۸:۳۰ تا ۱۵:۰۰ برگزار کرد.

در ابتدای این دوره، سرکار خانم قائم مقامی به ارائه توضیحاتی پیرامون سازمان ملل متحد و نحوه بازیابی اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد با تمرکز بر سازمان‌های غیردولتی پرداختند.



در ادامه کارگاه، دکتر محمد رضا گلشن پژوه ضمن تعریف و ارائه تاریخچه‌ای از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، به توضیح روند اخذ مقام مشورتی سازمان ملل متحد برای این سازمان‌ها پرداختند و به صورت عملی مراحل مربوط به اخذ مقام مشورتی را برای شرکت کنندگان توضیح و تشریح کردند.

دوره آموزشی روش تحقیق

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۴۲

یکی از فلسفه‌های شکل‌گیری مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری در هر نظام آموزشی، کاشتن بذر درست اندیشیدن در ذهن دانشجویان این دو مقطع و آموختن روش صحیح پژوهش به ایشان است.

پژوهش محور بودن مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نسبت به استاد محور بودن دوره کارشناسی، خود گواهی بر این ادعا است و بر اهمیت تحقیق در این دو مقطع دلالت دارد. از این‌رو، توجه به درس «روش تحقیق» که اصول، موازین و ابزارهای انجام یک تحقیق علمی خوب را به دانشجو می‌آموزد، برای دانشجویان مقاطع فوق بسیار برجسته است. با وجود این، اغلب دیده می‌شود که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با وجود آنکه ملزم به گذراندن و ارائه پایان‌نامه و رساله هستند اما با اصول نگارش صحیح و علمی که مستلزم آشنایی با روش تحقیق است، ناآشنا می‌باشند.



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با اذعان بر نقش و جایگاه درس «روش تحقیق» به عنوان یک درس پایه در میان سایر درس‌های مقاطع مذکور از یک سو، و ارائه پاسخی شایسته به درخواست‌های مکرر دانشجویان و پژوهشگران مبنی بر راه‌اندازی دوره آموزشی «روش تحقیق»، اقدام به برگزاری این دوره نموده است که در این مسیر از تجربه گران‌بهای دکتر حسین شریفی طرازکوهی در امر تحقیق، ترجمه و تدریس بهره‌مند گردید.

دوره آموزشی ترجمه متون حقوق بین الملل

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۴۳

پژوهش در حقوق بین‌الملل (همچون هر رشته دیگری) مستلزم آشنایی و تسلط نسبی بر منابع این رشته می‌باشد. آنگونه که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بیان شده است، بخش عظیمی از منابع حقوق بین‌الملل در قالب متون از جمله معاهدات و دکترین قابل دسترسی است. همچنین حجم عظیمی از آرای مراجع قضایی و کتب و نشریات هر روزه مورد نیاز دانش پژوهان رشته حقوق بین‌الملل و رشته‌های مرتبط نیز وجود دارد که اکثریت آنها به زبان انگلیسی است. با توجه به رشد روزافزون کاربرد این زبان به عنوان زبان بین‌المللی و پذیرش آن در اکثر جوامع به عنوان زبان دوم، شاهد آن هستیم



که انگلیسی به زبان اصلی و غالب اکثر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تبدیل شده است که به تبع آن، اسناد آنها نیز با این زبان تولید و در دسترس دانش‌پژوهان حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. از این رو، ارائه ترجمه مناسب از متون حقوق بین‌الملل که هم به مفهوم متن وفادار و هم برای گوش پارسی‌زبانان آشنا باشد، برای انجام پژوهش‌های مرتبط با حقوق بین‌الملل به زبان فارسی نه تنها لازم، بلکه ضروری است.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با توجه به اهمیت ترجمه متون حقوق بین‌الملل برای دانشجویان و پژوهشگران و نقش برجسته آن در تحقیقات علمی، در ۱۳۹۳ اقدام به برگزاری اولین دوره آموزشی «ترجمه متون حقوق بین‌الملل» گرفت که در این مسیر از تجربه گران‌بهای دکتر بهرام مستقیمی در امر تحقیق، ترجمه و تدریس بهره‌مند شد.

دوره آموزشی حقوق آب

تهیه و تنظیم: سحر غضنفری

۱۴۴

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، دوره آموزشی «حقوق آب» را در روزهای سه شنبه، چهارشنبه و پنج شنبه مورخ ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۳ برگزار نمود.

در این دوره که با حضور ۶۱ شرکت کننده شامل حقوقدانان، مهندسان آب و متخصصانی از ارگان‌های دولتی برگزار شد، استادان دوره به ارایه مطالب خویش پرداختند و موضوعات مورد نظر خود را از جنبه‌های حقوقی و فنی مورد بحث و بررسی علمی قرار دادند. در پایان هر درس نیز شرکت کنندگان با استاد به پرسش و پاسخ می‌پرداختند.

در طول برگزاری دوره دروسی با عنوان‌های حقوق بین‌الملل آب، آب و صلح و امنیت بین‌المللی، حق بر آب آشامیدنی سالم در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تغییرات آب و هوایی و تاثیر آن بر مدیریت آب در حقوق بین‌الملل، زنان و آب، رژیم حقوقی بهره‌برداری از رود هیرمند، حفاظت از آب‌ها در درگیری‌های مسلحانه، اصول حقوقی حاکم بر انتقال بین حوضه‌ای آب‌های داخلی، اصول حقوقی حاکم بر بهره‌برداری از آب‌های مشترک مرزی، نظام حقوقی حفاظت و بهره‌برداری از آب‌های زیر زمینی، رژیم حقوقی جمع‌آوری، دفع و بازیافت فاضلاب در حقوق ایران، نظام حقوقی حفاظت از آب‌ها در ایران با تأکید بر قانون توزیع عادلانه آب، اصول حقوقی مقابله با آلودگی و حفاظت از آب‌ها در نظام حقوقی ایران، از سوی استادان (دکتر رضا اسلامی، دکتر ابراهیم بیگزاده، دکتر محمد حسین رمضانی قوام آبادی، دکتر سید قاسم زمانی، دکتر حسن سواری، خانم نیلوفر صادقی، دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، دکتر محسن عبدالهی، دکتر ضرغام غریبی، دکتر مسعود فریادی، مهندس محمد مشاور، دکتر علی مشهدی و دکتر نسرين مصفا) ارایه شد.



این دوره که با سخنرانی دکتر محسن محبی (رئیس مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری) آغاز شد، با سخنان دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) به پایان رسید.

دکتر مصفا در سخنان پایانی خود ضمن قدردانی از حضور شرکت‌کنندگان، تشکیل این جلسات را نقطه عطفی برای توجه بیشتر دانشجویان، استادان و محققان و مسئولین در حوزه حقوق آب از منظر علمی و پژوهشی و همچنین از منظر عملی و کاربردی تلقی کردند.

دوره آموزشی ویژه مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با موسسات تخصصی و ارکان فرعی در زمینه اجتماعی و فرهنگی

تهیه و تنظیم: سحر غضنفری

۱۴۶

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل دوره آموزشی «مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با موسسات تخصصی و ارکان فرعی در زمینه اجتماعی و فرهنگی» را در روزهای سه شنبه، چهارشنبه و پنج شنبه مورخ ۵، ۶ و ۷ اسفند ماه ۱۳۹۳ برگزار کرد.

در این دوره که به طور خاص به موسسات تخصصی و ارکان فرعی ملل متحد در زمینه اجتماعی و فرهنگی اختصاص داشت، در خصوص دفتر سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرم (آقای صفت الله طاهری شمیرانی)، برنامه توسعه ملل متحد (دکتر علی فرزین)، کمیساریای عالی پناهندگان (دکتر فاطمه کیهانلو)، سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (دکتر مجید وحید)، امور بشردوستانه ملل متحد (آقای حمید نظری)، سازمان جهانی مالکیت فکری (دکتر ابراهیم معینی)، شورای حقوق بشر (دکتر حسین شریفی طرازکوهی)، برنامه محیط زیست ملل متحد (دکتر آرامش شهبازی) و سازمان بین‌المللی کار (دکتر آزاده سادات طاهری) مطالبی جهت آشنایی بیشتر شرکت‌کنندگان با اهداف، ساختار، برنامه‌های این نهادها از سوی استادان ارائه گردید.



شایان ذکر است استادان انتخاب شده در این دوره، اغلب دارای تجربه همکاری با موسسات تخصصی و ارکان فرعی ملل متحد در زمینه اجتماعی و فرهنگی را داشته و یا به طور تخصصی بر روی این نهادها مطالعه و تحقیق داشته‌اند.

در پایان دوره، دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد)، ضمن جمع‌بندی مطالب ارایه شده در سه روز، به نظرها و پیشنهادهای شرکت‌کنندگان (۲۰ نفر) پاسخ دادند و اظهار امیدواری کردند که انجمن با بازتابی که از این دوره‌ها دریافت می‌کند نسبت به اصلاح و تقویت این دوره‌ها تلاش خود را به کار خواهد گرفت.

ایشان در پایان این نوید را دادند که در آینده نیز نشست‌ها و دوره‌هایی در این زمینه و در حوزه‌های دیگر از جمله مسائل اقتصادی توسط انجمن برگزار خواهد شد.

بخش سوم: بازدیدها

بازدید علمی از دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران و دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه

تهیه و تنظیم: پریا دانایی

۱۴۹

برنامه بازدید از کمیته ملی حقوق بشردوستانه و دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران، روز سه شنبه ۰۶ آبان ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۰۹ تا ۱۶ برگزار گردید.

در بخش اول برنامه که به بازدید از دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اختصاص داشت، دکتر پوریا عسکری (مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران) ضمن خوش آمدگویی و استقبال از حضور دانشجویان، به معرفی مختصر دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران و شرح وظایف این دفتر پرداختند. ایشان اذعان داشتند که یکی از وظایف اصلی دفتر تهران، امداد رسانی است؛ البته با وجود فعالیت‌های برجسته هلال احمر ایران، فعالیت‌های دفتر در زمینه امداد رسانی در ایران بسیار کم رنگ است ولی دفتر از خاک ایران برای امداد رسانی به سایر کشورها بسیار بهره می‌برد. ایشان در ادامه خاطر نشان ساختند که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هر سال (یا هر چند سال یک بار) موضوعات خاصی را در دستور کار خود قرار می‌دهد که دستور کار این روزهای صلیب سرخ «حمله به پرسنل امدادی» است.

پس از صحبت‌های دکتر عسکری، کلیپی در خصوص معرفی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اهداف، اصول و فعالیت‌های آن در سطح جهان پخش گردید.

پس از پخش کلیپ، آقای اولیویه مارتین (رئیس دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران) به این موضوع اشاره کردند که این دومین بار است که شاهد حضور دانشجویان و پژوهشگران در دفتر کمیته هستیم و این بار تعداد شرکت کنندگان نسبت به گذشته بیشتر است و این امر را مایه خوشحالی دانستند.

پس از این مقدمه کوتاه، آقای مارتین به مرور خاطرات خود از حدود بیست سال تجربه کاری در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پرداختند و سخنان خود را با آغاز فعالیت خود در سال ۱۹۹۲ شروع کردند و سعی کردند که به این پرسش پاسخ دهند که چرا من به عنوان یک سوئیسی و اروپایی، کار کردن در کیلومترها دور تر از خانه و در کشورهای دور افتاده (اوگاندا، رواندا، بروندي) را پذیرفتم؟

آقای مارتین پس از پاسخ به این پرسش (که عامل اصلی آن را علایق و گرایش‌های شخصی تلقی کردند)، به مسائل سخت و چالش‌های پیش‌روی خود در سال‌های خدمت در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پرداختند که مهم‌ترین آنها را می‌توان نسل کشی در رواندا (که باعث ترک خدمت و شروع فعالیت در بانک به مدت سه سال گردید) قلمداد کردند. پس از پایان سخنان ایشان، شرکت‌کنندگان پرسش‌هایی را در ارتباط با فعالیت‌های ایشان و برخی از فعالیت‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مطرح نمودند.



در پایان این بخش، دکتر عسکری نکاتی را در راستای تکمیل سخنان آقای مارتین بیان داشتند که از آن جمله می‌توان به مسائل کودک سرباز، مین زدایی، مبانی حضور صلیب سرخ در قلمرو کشورها و ... اشاره کرد.

در ادامه، خانم تیوا کامران (دستیار ارشد ارتباطات و مسئول انتشارات دفتر) به بیان توضیحاتی در خصوص نحوه شکل‌گیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که شامل معرفی هانری دونان - موسس کمیته - و نشان کمیته می‌شد، پرداختند. بنا بر توضیحات ایشان، نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر متشکل از سه نهاد است: ۱. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ؛ ۲. جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر؛ و ۳. فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر که هر کدام از این ارکان دارای وظایف مشخص و اساسنامه‌ای متمایز هستند.

در زمان مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مسئول هماهنگی میان نهادهای مذکور است در حالیکه جمعیت‌های ملی یاری‌رسان دولت‌ها به حساب می‌آیند. فدراسیون جهانی هم بعد از جنگ جهانی اول و برای ایجاد هماهنگی میان جمعیت‌های ملی شکل گرفت.

ایشان هم چنین در خصوص نشان‌های حمایتی این نهضت نکاتی را به این نحو بیان نمودند که در متن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، سه نشان صلیب سرخ، هلال احمر و شیر و خورشید سرخ بطور رسمی شناسایی شده‌اند اما بر اساس پروتکل سوم الحاقی به این کنوانسیون‌ها در ۱۹۷۷، نشان کریستال سرخ نیز مورد شناسایی قرار گرفت.

پس از سخنان خانم کامران، فیلم‌های دوم (انیمیشنی بر اساس کتاب خاطرات سولفورینو تألیف هانری دونان که به ریشه‌های شکل‌گیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌پردازد) و سوم (شامل توضیحاتی پیرامون کمیته، جمعیت‌های ملی و فدراسیون) نیز پخش شدند.

۱۵۱

خانم اوا پوهار (هماهنگ‌کننده امور حمایتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران) سخنران بعدی بودند که به شرح مفهوم حمایت در فعالیت‌های کمیته پرداختند و ابراز داشتند که منظور از «حمایت»، کسب اطمینان از انجام تعهدات طرف‌های درگیر و همچنین جلوگیری یا پایان دادن به نقض حقوق بشردوستانه و تمرکز بر شرایط و دلایل نقض و عواقب این خشونت‌ها است. ایشان مبارزان زخمی و بیمار، زندانیان و غیرنظامیان (شامل زنان و کودکان) را از افراد مورد حمایت، و اعمال حمایتی را شامل باز پیوند خانوادگی، بازدید از بازداشتگاه‌ها و بهبود شرایط آنها و حمایت از غیر نظامیان دانستند.



در ادامه خانم مژگان محمد (مسئول روابط عمومی و سخنگوی دفتر) پروژه و کمپین «مراقبت‌های درمانی در معرض خطر» را که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده است، معرفی نمودند. این پروژه در ارتباط با نگرانی روزافزون حمله به مراکز و نیروهای درمانی در حین مخاصمات مسلحانه است.

سخنران پایانی این بخش آقای دهقان (ریاست بخش پشتیبانی و خدمات) بودند که به شرح وظایف این واحد که تأمین کالا و خدمات به رایگان می‌باشد پرداختند و بزرگترین عملیات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حال حاضر را سوریه و عراق دانستند.

در پایان بخش اول، حضار از کتابخانه دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بازدید و مورد پذیرایی قرار گرفتند و خانم کامران شرایط به امانت گرفتن کتاب از کتابخانه دفتر را برای حاضرین بر شمرند. همچنین بسته‌هایی حاوی کتاب‌های مرتبط با حقوق بین‌الملل بشردوستانه در میان شرکت کنندگان توزیع شد.

برنامه دوم به بازدید از دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه اختصاص داشت که با بازدید از موزه صلح آغاز شد. در پایان بازدید از موزه، آقای روزبهان و خانم کوشا از کارشناسان این کمیته در خصوص شکل‌گیری و اعضای این کمیته توضیحاتی را ارائه دادند: کمیته ملی حقوق بشردوستانه در سال ۱۳۷۷ و در پی درخواست رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مبنی بر تأسیس مراجع ملی برای گسترش حقوق بشردوستانه راه اندازی شد و پنج وزارتخانه دفاع، بهداشت، امور خارجه، دادگستری و کشور در این کمیته نماینده دارند. جلسات کمیته، هر سه ماه یک بار تشکیل شده و فعالیت‌های آن به تصویب می‌رسد.



در انتهای برنامه نیز بازدیدکنندگان از کتابخانه دبیرخانه کمیته که یکی از کامل‌ترین کتابخانه‌های موجود در زمینه حقوق بشردوستانه است، دیدن کردند که تعدادی کتاب که مورد نظر بعضی از شرکت کنندگان بود به ایشان اهداء و تعدادی کتاب نیز به امانت گرفته شد. این بازدید علمی با صرف ناهار به پایان رسید.

این برنامه که منجر به آشنایی دانش‌پژوهان با دو کتابخانه غنی در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه گردید، با استقبال خوبی از سوی دانشجویان مواجه شد و به همین دلیل کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در نظر دارد بازدیدهای مشابهی را برگزار نماید. اطلاعات مربوط به این بازدیدها از طریق پایگاه انجمن به اطلاع علاقمندان خواهد رسید.

بخش چهارم: مشارکت

مشارکت در برگزاری مرحله مقدماتی مسابقات موت کورت در سال ۲۰۱۴

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۵۵

تحقق عدالت و مبارزه با بی‌کیفری مهم‌ترین هدف حقوق بین‌الملل کیفری است که برای دستیابی به آن تلاش‌های مستمر و فراوانی در سطح جامعه بین‌المللی صورت گرفته است. برگزاری مسابقه‌های شبیه‌سازی نشست‌های دیوان بین‌المللی کیفری و آشنا کردن دانشجویان حقوق با چگونگی رسیدگی در دیوان به صورت «عملی»، اقدامی است در راستای رسیدن به این هدف.

همچون سال‌های گذشته، در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) نیز دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه و موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ششمین دوره مسابقات ملی شبیه‌سازی جلسات محاکمه دیوان بین‌المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان را در روز پنج‌شنبه ۱۶ مرداد در محل سالن اجتماعات مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر در تهران برگزار کردند.



مراسم با قرائت آیاتی از قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران شروع شد. پس از آن دکتر پوریا عسکری (مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ) ضمن سلام و خوش آمدگویی و ابراز خوشحالی نسبت به سطح علمی بالای شرکت‌کنندگان، در ارتباط با شیوه برگزاری مسابقات توضیحاتی ارائه دادند و افزودند در این مسابقات، یک پرونده فرضی مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری در اختیار تیم‌های شرکت‌کننده قرار گرفته است. این تیم‌ها در مقابل تیم قضات که از استادان برجسته حقوق کشور هستند، یک بار در مقام دادستانی و یک بار دیگر در مقام وکیل مدافع متهمان فرضی قرار می‌گیرند. دانش و معلومات حقوقی در کنار نحوه ارائه و نیز نوآوری‌ها و مسائل روان‌شناختی چون اعتماد به نفس و نیز مهارت بر زبان انگلیسی برای موفقیت در چنین شبیه‌سازی ضروری است و هر کدام از این موارد دارای نمره هستند.

⁹ Clinical

مسابقات این دوره با حضور ۸ تیم متشکل از گروه‌های سه نفره برگزار شد. این تیم‌ها در مقابل دو محکمه، یکی در محل سالن همایش و دیگری در سالن موزه مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر به رقابت پرداختند. دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر نسرین مصفا (استاد دانشگاه تهران)، دکتر علی خالقی (استاد دانشگاه تهران) و آقای سیاهپوش (دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل) به عنوان هیات قضاات دادگاه اول حضور داشتند. دکتر سید قاسم زمانی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر حسن سواری (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر ستار عزیزی (استاد دانشگاه بوعلی همدان) و آقای علیخانی (دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل) نیز ترکیب هیات قضاات دادگاه دوم را شکل می‌دادند.

این مسابقات با معرفی ۴ تیم برتر و همچنین یک نفر به عنوان بهترین ارائه کننده (موتر) و اهدای جوایز به آنها به پایان رسید. شایان ذکر است که تیم برنده مسابقات ملی، در مسابقات جنوب شرق آسیا که در پاییز با میزبانی ایران برگزار خواهد شد، شرکت خواهد کرد و در صورت راه‌یابی به مرحله نیمه نهایی، به مسابقات آسیا و اقیانوسیه در هنگ کنگ و پس از آن مسابقات جهانی ژان پیکته اعزام خواهد شد.

مشارکت در برگزاری مرحله مقدماتی مسابقات موت کورت به زبان انگلیسی در سال ۲۰۱۴

مرحله مقدماتی مسابقات موت کورت ۲۰۱۴ به زبان انگلیسی از سوی دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش برگزار گردید.

در این دور از مسابقات، تیم‌های منتخبی که در دور قبلی به زبان فارسی به رقابت با یکدیگر پرداخته بودند، یک بار دیگر و این بار به زبان انگلیسی وارد عرصه رقابت با یکدیگر شدند تا نماینده اصلی ایران در مسابقات منطقه‌ای و جهانی انتخاب شود.

شرکت در بزرگداشت استاد دکتر بهروز اخلاقی

خانه اندیشمندان علوم انسانی با همکاری تعدادی از دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی اقدام به برگزاری مراسم بزرگداشت استاد دکتر بهروز اخلاقی (استاد دانشگاه تهران و از استادان پیشتاز در زمینه حقوق تجارت بین الملل) و رونمایی از مجموعه مقالات اهدایی به استاد نمود.

۱۵۸

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام اهداف و وظایف اساسنامه خود و در تکریم اصالت اخلاق و علم، به عنوان یکی از همکاران خانه اندیشمندان علوم انسانی در این مراسم بزرگداشت حضور داشت.

شرکت در مراسم یادبود شادروان استاد دکتر امیر ناصر کاتوزیان

۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۳ جامعه علمی کشور شاهد از دست دادن یکی از بزرگترین اندیشمندان حقوقی معاصر بود. استاد دکتر امیر ناصر کاتوزیان پس از سال‌ها تحقیق و تدریس، سرانجام در این روز چهره در نقاب خاک کشیدند و جامعه علمی و به خصوص حقوقی کشور را در غم از دست دادن بزرگ استاد حقوق ایران فرو برد.

هیئت موسس، هیئت مدیره و اعضای انجمن، جملگی در زمره دوستان، همکاران، شاگردان و مخلصان دکتر کاتوزیان قرار داشتند و قدردان حضور ایشان در محفل انس خود بودند.

بلاشک، میراث ماندگار این استاد یگانه علم و اخلاق، در تلاش برای حاکمیت قانون، تحقق عدالت و ترویج آن در میان همگان، از برگ‌های دیوان زندگی پربار اوست.



حضور استاد دکتر کاتوزیان در نشستی که به مناسبت بزرگداشت مقام استاد صوراسرافیل از سوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد برگزار شد

مشارکت در هفته ترویج علم

۱۶۰

انجمن ترویج علم ایران، انجمنی علمی است که تحت پوشش کمیسیون انجمن‌های علمی کشور فعالیت می‌کند. این انجمن مفتخر است که در سال ۱۳۹۳ برای پانزدهمین دوره متوالی «جایزه ترویج علم ایران» را به بهترین و خلاقانه‌ترین کوشش‌هایی که از سوی معلمان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران، مروجان علم، برنامه‌سازان و فعالان رسانه‌ای، فعالان زیست‌محیطی، دانشجویان، استادان دانشگاه، سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و حامیان مالی، رسانه‌ها، مدارس، نهادها، ناشران، مراکز علمی، سایت‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، انجمن‌های علمی، فرهنگ‌سراها، نشریات، سازمان‌های مردم‌نهاد و همه افراد حقیقی و حقوقی دیگر، اعم از انتفاعی، غیرانتفاعی، دولتی و غیر دولتی، در راه ترویج علم صورت گرفته، اهداء کند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد یکی از همکاران انجمن ترویج علم ایران در برگزاری هفته ترویج علم بود.

حامیان هفته ترویج علم



مشارکت در برگزاری مرحله منطقه‌ای مسابقات موت کورت در سال ۲۰۱۴

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۶۱

مسابقات منطقه‌ای موت کورت ۲۰۱۴ در رابطه با حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای اولین بار در تهران در ۲۶ و ۲۷ نوامبر (۵ و ۶ آذر) برگزار شد. در این دور از مسابقات، دانشگاه ملی حقوق لاکنو از کشور هند برنده شد. چهار تیم اول در سال آتی به نمایندگی از کشور متبوع خود در مسابقات موت کورت آسیا و اقیانوسیه در مورد حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در هنگ‌کنگ برگزار خواهد شد شرکت می‌کنند.

دوازده دانشگاه از بنگلادش، هند، ایران، نپال، پاکستان و سریلانکا در این دور از مسابقات شرکت داشتند، که به همت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش برگزار شد. بیش از ۵۰ دانشجوی، مربیان آنان و ۲۵ قاضی در این مسابقات مشارکت داشتند.

آقای اولیویه مارتین، رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران در خصوص این دوره از مسابقات بیان داشتند: «در این موت کورت، به دانشجویان حقوق فرصت داده می‌شود تا با تمرین کردن یاد بگیرند که چگونه مباحث را آماده کنند و در مقابل قاضی حاضر شوند. این مسابقات همچنین به دانشجویان کمک می‌کند تا دانش خود را از حقوق بین‌الملل بشردوستانه بیازمایند و مهارت‌های گفتاری خود برای وکالت را نیز تقویت کنند».



کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در همکاری با جمعیت هلال احمر ایران و کمیته ملی حقوق بشردوستانه سعی دارد تا دانش حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در ایران گسترش دهد. مسابقات موت کورت یکی از راه‌های دستیابی به چنین هدفی است.

۱۶۲

قضات ایرانی حاضر در این دوره از مسابقات (به ترتیب حروف الفبا) عبارت بودند از:

مرحله فینال: دکتر جمشید ممتاز.

مرحله نیمه نهایی: دکتر علیرضا دیهیم و دکتر نسرین مصفا.

مرحله مقدماتی: دکتر رضا اسلامی، دکتر علیرضا دلخوش، دکتر حسن سواری، دکتر هاجر سیاه رستمی، دکتر شاهرخ شاکریان، دکتر محسن عبداللهی، دکتر بهرام مستقیمی، آقای علی اکبر سیاه پوش و آقای احسان علی خانی.

قضات بررسی کننده لوايح: دکتر سید قاسم زمانی و دکتر ستار عزیزی.



بخش پنجم:

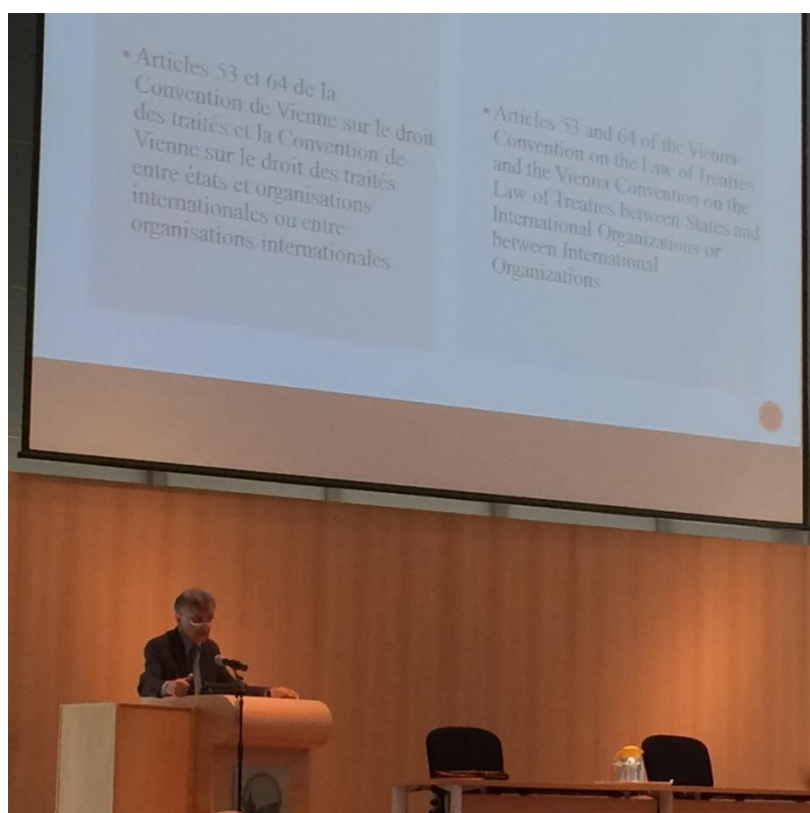
حضور اعضاء انجمن در برنامه های بین المللی

حضور دکتر جمشید ممتاز در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه به عنوان مدرس دوره تابستانی درس حقوق بین‌المللی عمومی در تابستان ۲۰۱۴

۱۶۵

دوره تابستانی حقوق بین‌الملل عمومی آکادمی لاهه از روز دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۳ با حضور استاد ایرانی برجسته حقوق بین‌الملل و عضو موسس و رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۲، دکتر جمشید ممتاز آغاز به کار کرد.

دکتر ممتاز در این دوره سه هفته‌ای، به عنوان اولین مدرس آسیایی تاریخ درس عمومی آکادمی لاهه، درس «سلسله مراتب نظم حقوقی بین‌المللی» را برای حدود ۴۰۰ نفر تدریس کردند. دوره تابستانی آکادمی لاهه، هر ساله بوسیله با تجربه‌ترین و شناخته شده‌ترین استادان حقوق بین‌الملل برگزار می‌شود و استادان به تبیین و تشریح روندهای موجود در حقوق بین‌الملل می‌پردازند. تدریس درس عمومی در این آکادمی برای استادان حقوق بین‌الملل به معنای دستیابی به اوج قله اعتبار علمی است. درسی که حاصل پژوهشی حداقل ۴ ساله است و در مجموعه بسیار ارزشمند دروس آکادمی حقوق بین‌الملل برای استفاده علاقمندان باقی خواهد ماند.



این دوره‌های تابستانی، مطرح‌ترین دوره آموزشی حقوق بین‌الملل است که هر ساله طی شش هفته برگزار می‌شود؛ سه هفته ابتدایی به حقوق بین‌الملل عمومی و سه هفته آخر به حقوق بین‌الملل خصوصی می‌پردازد. طی ۸۰ سال گذشته، هزاران دانشجو از سرتاسر جهان در این دوره شرکت کرده اند. بسیاری از دانشجویان حاضر در این دوره‌ها، بعدها به یکی از مبرزترین نقش‌آفرینان عرصه آموزش، پژوهش یا دیپلماسی بدل گشته‌اند. معمولاً این دوره تابستانی به عنوان فرصت مغتنمی برای دیدار با «نام‌های بزرگ» حقوق

بین‌الملل و مشارکت در یک دوره سطوح عالی قلمداد می‌شود.

دکتر ممتاز، اولین و تنها استاد ایرانی تاریخ آکادمی، تحصیلات خود را در فرانسه و با پایان نامه دکتری «نظام حقوقی بستر زیر دریاها» به پایان رساند. این استاد برجسته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه‌های سوربن، کن و گرنوبل در فرانسه و بسیاری دیگر از نهادهای آموزشی بین‌المللی است.

در کنار فعالیت‌های آکادمیک، دکتر ممتاز به عنوان یک حقوقدان برجسته به عضویت هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در نشست‌های مختلف بین‌المللی، از جمله نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشند. عضویت و ریاست کمیسیون حقوق بین‌الملل از جمله دیگر سوابق این استاد برجسته است.



جناب آقای دکتر ممتاز، پیش از این نیز در سال ۲۰۰۱ درس اختصاصی با عنوان «حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی» را در دوره تابستانی آکادمی ارائه نموده‌اند. همچنین در سپتامبر ۲۰۰۷، پژوهشی جمعی را در «مرکز مطالعات و پژوهش در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل» این آکادمی، در بخش فرانسه زبان، هدایت نمودند. شایان ذکر است که اینگونه پژوهش‌ها هر ساله در دو بخش انگلیسی زبان و فرانسه زبان، هر یک تحت نظر یکی از استادان شناخته شده حقوق بین‌الملل در خصوص موضوعی واحد، صورت می‌گیرد و نهایتاً به صورت کتابی که هر فصل آن توسط استادان و دانش‌پژوهان شرکت کننده در این دوره تهیه شده است، منتشر می‌شود.

اولین مدرس آسیایی درس عمومی آکادمی لاهه، طی ۱۵ ساعت در سه هفته «سلسله مراتب نظم حقوقی بین المللی» را تبیین کرد. در جلسه اختتامیه، دکتر ممتاز در جمع بندی، پیامدهای این موضوع بر نظم عمومی جهانی و حقوق بین الملل را تشریح نمود. وی در سه جلسه دو ساعته دیگر نیز، سمینارهایی با موضوعات «مسئولیت برای رعایت حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر بین المللی»، «مسئولیت برای حمایت» و «پایان بی کفیری برای جنایات بین المللی» را برگزار کرد که به بحث و تبادل نظر دو طرفه با دانشجویان اختصاص داشت.

پس از پایان درس سه هفته‌ای دکتر ممتاز، حدود ۴۰۰ دانشجوی شرکت کننده به احترام وی و در تمجید از کیفیت تدریس، این استاد ایرانی را برای مدتی ایستاده تشویق کردند. در جلسه اختتامیه، پروفیسور دوده، دبیرکل آکادمی، تشویق ایستاده در دوره‌های آکادمی را «امری کم سابقه» دانست.

این دوره عالی حقوق بین الملل، به سخت گیری در ارائه دیپلم ارزشیابی خود نیز مشهور است. هر ساله، بخشی از دانشجویان شرکت کننده برای شرکت در امتحان آکادمی ثبت نام می کنند؛ امتحانی که تعداد افراد کمی از سال ۱۹۵۰ میلادی تا به امروز از آن فارغ التحصیل شدند و حتی در برخی سال‌ها، هیچ کس موفق به قبولی نشده است.

این امتحان در دو بخش شفاهی و کتبی برگزار می شود که امسال، یک خانم آفریقایی - فرانسوی موفق به قبولی در آن و اخذ دیپلم معتبر و ارزشمند آکادمی حقوق بین الملل لاهه گردید.

طی ۸۰ سال گذشته، هزاران دانشجو از سرتاسر جهان در این دوره شرکت کرده اند. سال ۲۰۱۴، یازده دانشجوی ایرانی در این دوره شرکت کردند که در آسیا و بعد از چین، پرنماینده ترین کشور حاضر بود. معمولاً این دوره تابستانی به عنوان فرصت مغتنمی برای دیدار با «نام‌های بزرگ» حقوق بین الملل و مشارکت در یک دوره سطوح عالی قلمداد می شود.

تدریس درس عمومی در این آکادمی برای استادان حقوق بین الملل به معنای دستیابی به اوج قلّه اعتبار علمی است. درسی که حاصل پژوهشی حداقل ۴ ساله است و در مجموعه بسیار ارزشمند دروس آکادمی حقوق بین الملل برای استفاده علاقمندان باقی خواهد ماند و کتاب آن نیز منتشر خواهد شد.

در کنار برنامه‌های اجتماعی مختلف در نظر گرفته شده برای دانشجویان، برای اولین بار یک شبیه سازی یک روزه نشست شورای امنیت با موضوع هواپیماهای بدون سرنشین نیز در این دوره از آکادمی برگزار شد.

حضور دکتر ستار عزیزی در پنجاهمین اجلاس حقوق بین الملل (کمیسیون حقوق بین الملل)

۱۶۸

کمیسیون حقوق بین الملل از سال ۱۹۶۵ تاکنون در مقر اروپایی خود در شهر ژنو سوئیس و در پیروی از قطعنامه شماره ۹۲/۶۷، موظف شده است تا هر سال همزمان با برگزاری اجلاس «کمیسیون حقوق بین الملل»^{۱۰}، اجلاس حقوق بین الملل را برگزار نماید. معمولاً هر سال ۲۴ نفر شرکت کننده از بین استادان جوان متخصص حقوق بین الملل یا مقامات دولتی که

فعالیت‌های آکادمیک در این حوزه را پیگیری می‌کنند و یا دیپلمات هستند، انتخاب می‌شوند.



در اجلاس سال ۲۰۱۴ که از ۷ تا ۲۵ جولای (برابر با ۱۶ تیرماه تا سوم مردادماه ۱۳۹۳) در مقر برگزاری اجلاس‌های کمیسیون حقوق بین الملل، برگزار شد، دکتر ستار عزیزی (عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و دانشیار دانشگاه بوعلی سینای همدان) از قاره آسیا انتخاب گردید تا در این رویداد مهم بین المللی که پنجاهمین سالگرد خود را پشت سر می‌گذارد، شرکت نمایند.

سال ۲۰۱۴ به اعتبار پنجاهمین دوره اجلاس، رییس دیوان بین المللی دادگستری (لاهی) نیز در مقر کمیسیون حاضر شد، همچنین از شرکت کنندگان قدیمی در اجلاس‌های گذشته که بعداً به عضویت خود کمیسیون حقوق بین الملل و یا دیوان بین المللی دادگستری درآمد بودند نیز دعوت به عمل آمده بود. از این رو، این اجلاس از اهمیت ویژه‌ای برای شرکت کنندگان برخوردار بود.

نحوه انتخاب شرکت کنندگان به این ترتیب است که هر داوطلب شرکت در اجلاس می‌بایست رزومه‌ای از فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود را که از جمله با موضوعات در دستور کار کمیسیون مرتبط باشد به همراه توصیه نامه از حداقل دو نفر از استادان برجسته حقوق بین الملل (که ترجیحاً عضو کمیسیون حقوق بین الملل و یا دیوان بین المللی دادگستری بوده باشند) به مقر کمیسیون ارسال نمایند. کمیته‌ای متشکل از ۶ نفر از مقامات سازمان ملل متحد و استادان برجسته حقوق بین الملل، از میان صدها تقاضای شرکت از واجدین شرایط در این اجلاس از سراسر جهان، تنها تعداد ۲۴ نفر را انتخاب می‌نمایند. (لازم به ذکر است که این انتخاب با توجه به سهمیه‌بندی جغرافیایی صورت می‌گیرد یعنی از هر ۴

¹⁰ International Law Commission (ILC)

قاره، شش نفر انتخاب می‌شوند. اقیانوسیه به همراه اروپا محاسبه می‌گردد و در ۲۰۱۴ استثنائاً بواسطه پنجاهمین سالگرد و اهمیت خاص مراسم، سهمیه اروپا و اقیانوسیه ۷ نفر تعیین شده است).

لازم به ذکر است که آقایان دکتر جمشید ممتاز (عضو و رئیس اسبق کمیسیون حقوق بین‌الملل) و دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی (عضو هیات مدیره انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) و آقای شوکت الخصاصونه (قاضی اردنی و نایب رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری) اشخاصی بودند که برای دکتر عزیزی اقدام به نگارش توصیه‌نامه نمودند.

بخش ششم: انتشارات

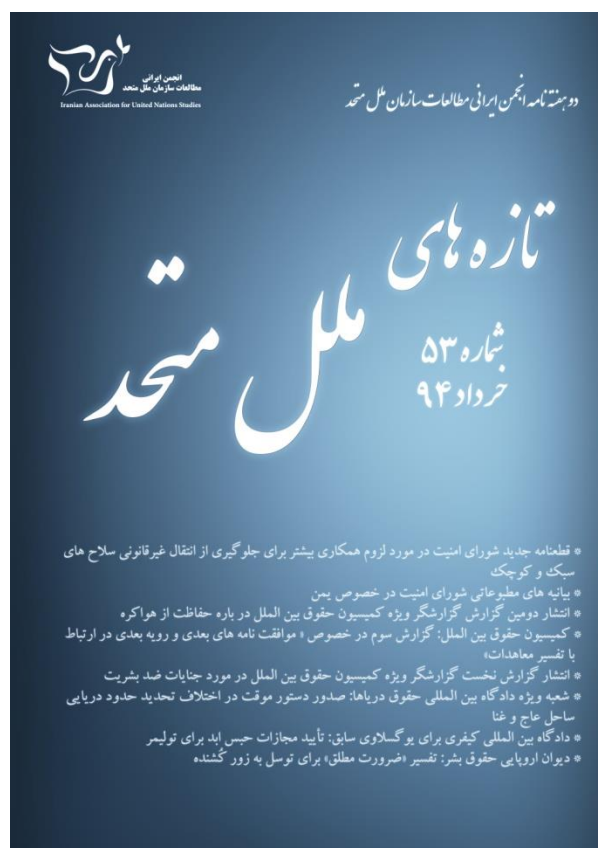
انتشار دوهفته نامه تازه های ملل متحد

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۷۱

با توجه به لزوم بازتاب فعالیت‌های سازمان ملل متحد که علی‌رغم اهمیت نظام ملل متحد، توجه چندانی به آن در برنامه‌های دانشگاهی، نشریه‌های علمی و کتاب‌های تألیفی صورت نپذیرفته است و مشکلاتی را در این زمینه برای دانشجویان، محققان و پژوهشگران ایجاد کرده است؛

با اذعان بر اینکه تحت پوشش قرار دادن اخبار ملل متحد از یک سو به دلیل گسترش حوزه فعالیت‌ها و از سوی دیگر به دلیل پویایی نظام ملل متحد در قالب یک فصل نامه و یا دو ماهنامه امکان پذیر نیست.



و با عنایت به بند ۶ ماده ۵ اساسنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد که انتشار کُتب و نشریات علمی را در زمره اقداماتی قرار داده است که انجمن به منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علم و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مرتبط با نظام ملل متحد می‌تواند به آنها متوسل شود؛

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد تصمیم به انتشار نشریه‌ای با عنوان «تازه‌های ملل متحد» گرفت که هر دو هفته یکبار منتشر شده و در آن به شکل تحلیلی به بررسی آخرین اخبار مهم و مرتبط با ملل متحد پرداخته می‌شود تا از این طریق خلاء ناشی از عدم توجه به نظام ملل متحد به شکلی مناسب بر طرف گردد.

تازه‌های ملل متحد که اولین شماره آن در آبان ۹۱ و به ابتکار و همت جناب آقای حسن کمالی‌نژاد منتشر شد و تاکنون ۵۳ شماره از آن بر روی پایگاه اینترنتی انجمن قرار گرفته است دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از سایر نشریه‌های مشابه متمایز می‌کند:

۱. این نشریه یک نشریه محض خبری نیست بلکه ضمن بازتاب اخبار ملل متحد و آژانس‌های تخصصی و سازمان‌های وابسته به آن، در پی ارائه تحلیلی شفاف و دقیق از این اخبار است که بر پایه دانش حقوقی هیأت تحریریه که دانشجویان و

فارغ‌التحصیلان ممتاز گرایش‌های مختلف حقوق بین‌الملل، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌باشند، استوار است. ضمن اینکه بازبینی و تأیید محتوای این نشریه بر عهده یکی از استادان مطرح حقوق بین‌الملل است تا بدین طریق کیفیت مطالب ارایه شده و تحلیل‌های صورت گرفته کنترل شود. از این‌رو، تازه‌های ملل متحد ضمن داشتن جنبه خبری، دارای جنبه علمی و تحلیلی نیز است.

۲. با توجه به دغدغه‌های انجمن در خصوص ارائه راهبردهایی در رفع چالش‌ها و مسائل کشور، در هر شماره از تازه‌های ملل متحد سعی می‌شود تا حد امکان به آن دسته از مسائل نظام ملل متحد که با ایران نیز در ارتباط است پرداخته شود.

۳. با توجه به اینکه یکی از مشکلات دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله و در ادامه پیدا کردن منابع معتبر می‌باشد، تازه‌های ملل متحد به دلیل بررسی موضوعات روز و مبتلابه جامعه بین‌المللی بطور عام و مسائل مرتبط با ایران بطور خاص و همچنین درج لینک مستقیم به منابعی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مرجع مناسبی برای انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله و گردآوری منابع معتبر می‌باشد. تقدیر و تشکر از عوامل تازه‌های ملل متحد که در رویدادهای مختلف از سوی دانشجویان و پژوهشگران صورت می‌گیرد و همچنین آمار بازدید از صفحات مرتبط با تازه‌ها در پایگاه اینترنتی انجمن، گواهی بر این ادعا می‌باشد.

۴. یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد تازه‌های ملل متحد، نظم در انتشار این نشریه است که فرآیندی پیچیده به حساب می‌آید. علت این پیچیدگی بدین خاطر است که این فرآیند شامل گزینش اخبار، ترجمه اخبار و اسناد، تحقیق و تحلیل مطالب، بازنگری نهایی توسط یکی از استادان مطرح و ویرایش متن نهایی می‌شود و تمام این فرآیند در مدت کمتر از ۱۵ روز صورت می‌گیرد تا نشریه در زمان مقرر که پانزدهم و سی‌ام هر ماه می‌باشد، بر روی پایگاه اینترنتی انجمن قرار گیرد.

بخش، منضم:

بزرگداشت و یادبود

بزرگداشت یاد و خاطره استاد دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی

تهیه و تنظیم: فاطمه یاوری

در راستای تکریم اصالت اخلاق و علم و این بار به یاد دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، نشستی با سخنرانی استادان برجسته حقوق (دکتر عزت الله عراقی، دکتر حسنعلی درودیان، دکتر محمد هاشمی و دکتر محمد حسن حبیبی) برگزار گردید. در این مراسم بزرگداشت، دکتر عزت الله عراقی و دکتر حسنعلی درودیان ضمن بیان خاطراتی از دوران دکتر قاضی، اشعاری از سروده‌های ارزشمند ایشان را برای حاضرین در جلسه قرائت نمودند.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بزرگداشت یاد و خاطره استاد مسعود طارم‌سری

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

۱۷۵

همایش ملی «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها» فرصت مناسبی برای بزرگداشت یاد و خاطره استاد مسعود طارم‌سری، عضو مؤسس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و عضو مرجع ملی مبارزه با فساد بود که در قالب یک میزگرد علمی و با شرکت استادان و صاحب‌نظران (دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، دکتر محسن محبی، دکتر حسین میرمحمدصادقی و آقای صفت‌الله طاهری شمیرانی) برگزار شد. استادان سخنران در این میزگرد، ضمن جمع‌بندی مطالب اشاره شده در نشست‌های برگزار شده، برخی از مهم‌ترین چالش‌های کنوانسیون را در مقام اجرا مورد بحث قرار دادند، همچنین اشاره به مشکلاتی که ایران در زمینه مبارزه با فساد در ساختار اداری، اقتصادی و قضایی و چگونگی رفع این مشکلات دارد از دیگر مسائلی بود که در میزگرد مورد توجه قرار گرفت. تمرکز اصلی میزگرد بر اجرای مفاد کنوانسیون و پتانسیل‌های اجرایی آن در داخل کشور بود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

دومین سالیاد استاد صوراسرافیل: «دیپلماسی و اجرای قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت»

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

۱۷۶

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام اهداف و وظایف اساسنامه خود و در تکریم اصالت اخلاق و علم دومین جلسه از سلسله نشست‌های سالیاد شادروان استاد محمود صور اسرافیل را با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۳ برگزار کرد.

عنوان انتخاب شده برای سالیاد استاد صوراسرافیل «دیپلماسی و اجرای قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت» بود که از سوی دکتر بهرام مستقیمی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و از شاگردان شادروان صوراسرافیل)، سخنران محترم نشست برای سالیاد استاد صور اسرافیل انتخاب شده بود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

دومین سالیاد استاد دکتر هوشنگ مقتدر: «دیپلماسی به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان‌های بین‌المللی»

تهیه و تدوین: مرضیه زیارتی

۱۷۷

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام اهداف و وظایف اساسنامه خود و در تکریم اصالت اخلاق و علم دومین جلسه از سلسله نشست‌های سالیاد شادروان **استاد دکتر هوشنگ مقتدر** را با عنوان «دیپلماسی به عنوان سرمایه اجتماعی در سازمان‌های بین‌المللی» و با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

در این نشست، جناب آقای دکتر قاسم افتخاری (استاد دانشگاه تهران) به عنوان دوست قدیمی استاد مقتدر به ایراد سخنرانی پرداختند.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بخش هفتم: تقدیر و تشکر

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

بدون شک برگزاری طیف وسیعی از برنامه‌های انجمن بدون همکاری و همیاری نهادهای مختلف و مسئولین ارجمند آنها و همکاران محترم ایشان میسر و مقدور نبود. از این‌رو، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد وظیفه خود می‌داند که از نهادهایی که در طول سال ۱۳۹۳ در برگزاری برنامه‌های انجمن، همکار و همیار ما بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

همچنین سپاسگزار همکاران و همیاران انجمن هستیم که در طول سال ۱۳۹۳ بدون ذره‌ای چشمداشت، همواره یار و یاور انجمن در برنامه‌های مختلف بوده‌اند و از درگاه خداوند متعال برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون داریم.

نهادهای همکار در سال ۱۳۹۳ (به ترتیب حروف الفبا)

۱۸۰

	 انجمن علمی مدیریت رفتار سازمانی	
خانه اندیشمندان علوم انسانی	انجمن علمی مدیریت رفتار سازمانی	انجمن ترویج علم ایران

 ICRC	 UNODC United Nations Office on Drugs and Crime	
دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران	دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با مواد مخدر و جرم	دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه

 Center for International Legal Affairs	 UNIC	
مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری	مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران	مرجع ملی کنوانسیون مبارزه با فساد دادگستری

یاوران همراه انجمن در سال ۱۳۹۳



سارا میری

کارشناس روابط بین‌الملل

- مسئول دفتر انجمن
- مسئول روابط عمومی



هیوا حاجی ملا

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

- همکار انجمن
- گزارشگر انجمن



علیرضا رنجبر

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

- همکار انجمن
- مدیر سایت انجمن
- گزارشگر انجمن



حسن کمالی‌نژاد

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

- نویسنده و ویراستار تازه‌های ملل متحد



نسیم زرگری نژاد

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه تهران

۱۸۲

- نویسنده و ویراستار تازه های ملل متحد
- دبیر کمیته دانشجویی انجمن



علی گرشاسبی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

- نویسنده و ویراستار تازه های ملل متحد

نسیم ارغنده پور

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

- نویسنده و ویراستار تازه های ملل متحد



ناصر سرگران

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

- رئیس کمیته دانشجویی انجمن
- گزارشگر انجمن
- نویسنده تازه های ملل متحد

محمدعلی رجب

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

– عضو کمیته دانشجویی انجمن

۱۸۳



پریا دانایی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

– عضو کمیته دانشجویی انجمن

– گزارشگر انجمن



شمین اصغری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

– عضو کمیته دانشجویی انجمن



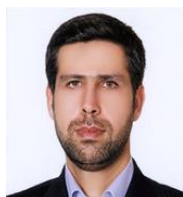
فاطمه یاوری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

– عضو کمیته دانشجویی انجمن

– همیار انجمن

– گزارشگر انجمن



اسماعیل محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز تهران

– همیار انجمن

– تسهیل گر امور مربوط به ترجمه متون انگلیسی



سپیده کیکاووسی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

– همیار انجمن



سحر غضنفری

کارشناس حقوق قضایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

– همیار انجمن

– گزارشگر انجمن



سنا عزیززاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی (د^ه)

– همیار انجمن



مرضیه زیارتی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

- گزارشگر انجمن

IAUNS

IRANIAN ASSOCIATION FOR UNITED NATIONS STUDIES

WWW.IAUNS.ORG